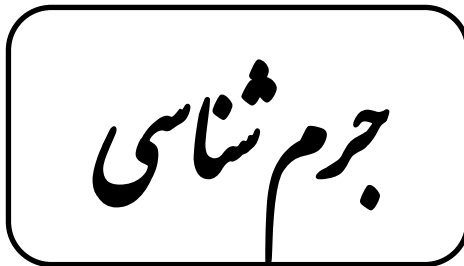




دانشکده حقوق
گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی

تقریرات درس



(کلیات جرم‌شناسی)

استاد

علی حسین نجفی ابرندآبادی

استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

تدوین

محمد کاظم تقدیر

نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۳ - ۱۳۸۲

این جزوه برپایه نوشته‌های متنوع و پراکنده جناب استاد **علی حسین نجفی ابرندآبادی** در طول دهه‌های اخیر، تحت نظارت آقای **شهرام ابراهیمی** دانشیار محترم دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، توسط آقای **سید پوریا موسوی** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی در تابستان ۱۴۰۲ خورشیدی، ویرایش شکلی و ماهوی اساسی و روزآمد شده است.

قابل دسترس در: www.lawtest.ir

فهرست مطالب

مقدمه	۷
فصل اول: معرفی شاخه‌های علوم جنایی	۱۰
الف: علوم جنایی حقوقی	۱۱
ب: علوم جنایی تجربی	۱۲
ب.۱: علوم مُعین عدالت کیفری	۱۲
ب.۲: علوم جنایی تحلیلی - تفسیری	۱۳
ب.۲.۱: کیفرشناسی	۱۳
ب.۲.۲: جرم‌شناسی	۱۴
ب.۲.۲.۱: جرم‌شناسی نظری	۱۵
۱. جرم‌شناسی عمومی	۱۵
۱.۱: جرم‌شناسی حُرْد	۱۵
۲.۱: جرم‌شناسی کلان	۱۵
۲. جرم‌شناسی تخصصی	۱۶
۳. جرم‌شناسی اختصاصی	۱۶
ب.۲.۲.۲: جرم‌شناسی کاربردی	۱۶
۱. جرم‌شناسی حقوقی	۱۶
۲. جرم‌شناسی پیشگیری	۱۸
۳. جرم‌شناسی بالینی	۲۰
ب.۲.۳: جامعه‌شناسی کیفری	۲۱
ب.۱.۳.۲: جامعه‌شناسی پاسخ‌ها	۲۳
ب.۲.۳.۲: جامعه‌شناسی قانونگذاری کیفری	۲۳
ب.۳.۳.۲: جامعه‌شناسی نهادهای قضائی	۲۳
ب.۴.۲: بزه‌دیده‌شناسی	۲۳
پ: فلسفه کیفری	۲۷

۳۵ مباحثی در علوم جنایی

- ت: سیاست جنایی ۲۸
- فصل دوم: موضوع‌های مطالعاتی علوم جنایی ۳۱
- فصل سوم: اهمیت رشته‌های علوم جنایی ۳۹
- الف: اهمیت رشته‌های علوم جنایی از لحاظ علمی ۳۹
- ب: اهمیت رشته‌های علوم جنایی از منظر عملی ۴۰
- پ: اهمیت رشته‌های علوم جنایی از جهت انسانی ۴۲
- فصل چهارم: رابطه حقوق کیفری و جرم‌شناسی ۴۴
- فصل پنجم: قرائت‌های سه‌گانه از تولد جرم‌شناسی ۴۸
- الف: تولد همزمان جرم‌شناسی و حقوق کیفری ۴۸
- ب: مکتب جغرافیای جنایی ۴۸
- پ: مکتب تحقیقی ۴۹
- فصل ششم: موضوع‌های مورد مطالعه در جرم‌شناسی ۵۲
- فصل هفتم: جایگاه جرم‌شناسی در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی ۵۷
- الف: جایگاه جرم‌شناسی در سطح نظام بین‌المللی ۵۷
- ب: جایگاه جرم‌شناسی در سطح منطقه‌ای ۵۹
- پ: جایگاه جرم‌شناسی در سطح ملی ۶۰
- فصل هشتم: ویژگی‌های جرم‌شناسی ۶۴
- الف: ویژگی‌های جرم‌شناسی به عنوان رشته‌ای از علوم مرکب ۶۴
- الف.۱: چندمبنایی و میان رشته‌ای بودن ۶۴
- الف.۲: نظری و کاربردی بودن ۶۴
- الف.۳: در نوسان بودن ۶۴
- الف.۴: نسبی بودن مفاهیم جرم‌شناسی ۶۵
- الف.۵: حاکمیت اخلاق جرم‌شناسی ۶۵
- ب: ویژگی‌های جرم‌شناسی به عنوان رشته‌ای از علوم جنایی ۶۷
- ب.۱: انحصاری بودن مطالعه علمی جرم در قلمرو جرم‌شناسی ۶۷
- ب.۲: خاص بودن مفاهیم جرم‌شناسی ۶۷
- ب.۳: خاص بودن روش مطالعاتی در جرم‌شناسی ۶۸
- ب.۴: نقد و ارزیابی قوانین و عدالت کیفری: رسالت جرم‌شناسی ۶۸
- فصل نهم: تحقیقات و روش‌شناسی در جرم‌شناسی ۷۰
- الف: اهداف تحقیق در جرم‌شناسی ۷۰
- الف.۱: کمک به تحول قوانین کیفری ۷۰

۴ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

- الف.۲: مطالعه بزهکاران به منظور شناخت، اصلاح و درمان بهتر آنان ۷۴
- الف.۳: بهبود بخشیدن به طرز کار و عملکرد نظام عدالت کیفری ۷۵
- ب: روش‌شناسی در جرم‌شناسی ۷۸
- ب.۱: روش کیفی ۷۸
- ب.۱.۱: روش عرضی ۷۹
- ب.۲.۱: روش طولی ۷۹
- ب.۳.۱: روش‌های کیفی کسب اطلاعات در جرم‌شناسی ۸۰
۱. مطالعه موردی ۸۱
۲. مصاحبه ۸۱
۳. مطالعات پیگیر در زمان ۸۲
۴. مشاهده و مطالعه ۸۴
۵. روش تحلیل محتوا ۸۵
- ب.۲: روش کمی ۸۶
- فصل دهم: عوامل بزهکاری** ۸۹
- الف: مفاهیم ضروری ۸۹
- ب: عوامل تحقق بزهکاری ۹۱
- ب.۱: عوامل درونی بزهکاری ۹۱
- ب.۱.۱: عوامل ذاتی جرم ۹۱
۱. عوامل ذاتی ۹۱
- ۱.۱: نژاد ۹۲
- ۲.۱: جنسیت ۹۴
- ۳.۱: سن ۹۶
- ۱.۳.۱: دوره زیر دوازده سال ۹۷
- ۲.۳.۱: دوره دوازده تا هجده سال ۹۷
- ۳.۳.۱: دوره هجده تا سی سال ۹۸
- ۴.۳.۱: دوره سی تا شصت سال ۹۸
- ۵.۳.۱: دوره شصت سال به بالا ۹۹
۲. عوامل اکتسابی ۹۹
- ۱.۲: اهمیت سلامت روانی ۱۰۲
- ۱.۱.۲: سلامت روانی از منظر پلیس و اقدامات پلیسی ۱۰۲
- ۲.۱.۲: از حیث فرآیند کیفری ۱۰۳
- ۲.۲: انواع اختلالات روانی به مثابه عوامل جرم‌زا ۱۰۳

۵◆ مباحثی در علوم جنایی

- ۱.۲.۲: نقیصه‌های هوشی و عقلی ۱۰۴
- ۲.۲.۲: روان‌نژندی یا نورز ۱۰۴
- ۱.۲.۲.۲: روان‌نژند افسرده ۱۰۴
- ۲.۲.۲.۲: فوبیا یا ترس بی‌دلیل ۱۰۵
- ۳.۲.۲.۲: انحراف جنسی ۱۰۵
- ۳.۲.۲: جنون سرقت و حریق عمدی ۱۰۶
- ۴.۲.۲: اختلالات وسواس فکری - عملی ۱۰۶
- ۵.۲.۲: روان‌پریشی ۱۰۷
- ۱.۵.۲.۲: اسکیزوفرنی ۱۰۷
- ۲.۵.۲.۲: اختلالات دوقطبی ۱۰۷
- ۳.۵.۲.۲: روان‌رنجوری ۱۰۸
- ۴.۵.۲.۲: الکلیسم (اعتیاد به الکل) و مواد مخدر ۱۰۸
- ب.۲: عوامل بیرونی بزهکاری ۱۱۲
- ب.۲.۱: عوامل محیطی ۱۱۲
۱. محیط طبیعی ۱۱۲
۲. محیط اجتماعی ۱۱۳
- ۱.۲: محیط اجتماعی عمومی (کلان) ۱۱۳
- ۲.۲: محیط اجتماعی شخصی ۱۱۳
- ۱.۲.۲: محیط اجتناب‌ناپذیر ۱۱۴
- ۲.۲.۲: محیط اتفاقی ۱۱۴
- ۳.۲.۲: محیط انتخابی ۱۱۵
- ۴.۲.۲: محیط تحمیلی ۱۱۶
۳. محیط سایبری ۱۱۶
- ب.۲.۲: عوامل وضعی ۱۱۸
- فصل یازدهم: نظریه‌های جرم‌شناسی ۱۲۱
- الف: مکاتب اولیه ۱۲۲
- الف.۱: انسان‌شناسی جنایی یا نظریه تحقیق یا اثباتی ۱۲۲
- الف.۲: مکاتب جامعه‌شناسی جنایی ۱۲۳
- الف.۲.۱: مکتب نقشه‌برداری یا جغرافیایی ۱۲۳
- الف.۲.۲: مکتب سوسیالیست ۱۲۳
- الف.۳.۲: مکتب محیط اجتماعی ۱۲۴
- الف.۴.۲: مکتب جامعه‌شناختی دورکیم ۱۲۴

۶ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

- الف.۳: مکاتب ترکیبی یا تعدد عوامل ۱۲۴
- الف.۱.۳: دیدگاه ترکیبی «فری» ۱۲۵
- الف.۲.۳: نظریه اتریشی - آلمانی یا مکتب گراتز - انتز ۱۲۶
- ب: نظریه‌های جدید در جرم‌شناسی ۱۲۶
- ب.۱: مکاتب علت‌شناختی ۱۲۶
- ب.۲: نظریه‌های جرم‌شناسی پویا ۱۲۸
- ب.۱.۲: نظریه شخصیت جنایی ۱۲۸
- ب.۲.۲: نظریه مجازات و جبران ۱۲۹
- ب.۳: نظریه‌های جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی ۱۳۰
- ب.۱.۳: مبانی ظهور نظریه‌های جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی ۱۳۲
- ب.۲.۳: معرفی برخی نظریه‌های جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی ۱۳۲
۱. نظریه جرم‌شناسی مارکسیسم ۱۳۳
۲. نظریه برجسب‌زنی ۱۳۶
- ۱.۲: مبانی نظریه برجسب‌زنی از منظر مکتب تعامل‌گرایی ۱۳۶
- ۲.۲: نحوه مطالعه جرم از منظر مکتب تعامل‌گرایی ۱۳۹
۳. نظریه جرم‌شناسی رادیکال ۱۴۱
۴. نظریه جرم‌شناسی سازمانی یا تشکیلاتی ۱۴۲

مقدمه

۱. امروزه به ندرت در فایده آموزش و پژوهش جرم‌شناسی تردید ایجاد می‌شود. آموزش جرم‌شناسی هم فایده کاربردی برای کنشگران عدالت کیفری از جمله قضات، ضابطان و وکلا دارد و هم فایده نظری برای دانشجویان حقوق کیفری و جرم‌شناسی تا در کنار کسب توانایی و مهارت تشخیص ارکان جرم و نقض هنجار و چگونگی پاسخ به آن، دانش لازم برای تحلیل پدیده جنایی و دستیابی به یک چارچوب نظری جهت چگونگی پیشگیری از بزهکاری و مقابله با آن را فرا گیرند. بدین ترتیب، آموزش این درس، نه تنها مفید که اجتناب‌ناپذیر است.^۱ ناگفته پیدا است توسعه و رونق یک رشته علمی همزمان نظری و کاربردی مانند جرم‌شناسی، از یک سو منوط به آموزش پژوهش پایه و از سوی دیگر، فراهم بودن زمینه جذب و به‌کارگیری دانش آموختگان آن در نظام عدالت کیفری و یا استفاده از دانش آنان است. مسأله آموزش و پژوهش جرم‌شناسی و تربیت متخصص در این رشته، حداقل از آغاز قرن بیستم مطرح بوده است. این تحولات تاریخی را می‌توان در سه دوره خلاصه نمود:

الف: دوره نخست که قبل از جنگ جهانی اول شروع و تا روزهای پس از جنگ دوم ادامه یافت، دغدغه اصلی صرفاً آموزش جرم‌شناسی بود. در همین راستا «انریکوفری»^۲ استاد حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری دپارتمان حقوق دانشگاه رُم، در سال ۱۹۱۲ «مؤسسه مطالعات علوم جنایی» را تأسیس کرد. در همین سال در اتریش، «هانس گراس»، استاد حقوق کیفری، مجموعه‌ای از عناوین مرتبط با

۱. امروزه در اغلب کشورها جرم‌شناسی و شاخه‌های تخصصی آن، یعنی جامعه‌شناسی جنایی، روانشناسی جنایی، روانپزشکی جنایی، زیست‌شناسی جنایی و رشته‌های مرتبط با آن، یعنی بزه‌دیده‌شناسی، کیفرشناسی، سیاست جنایی، جامعه‌شناسی کیفری و...، به اقتضای نظام حقوقی آموزشی آن‌ها یا در دانشکده‌های حقوق و یا در دانشکده‌های علوم اجتماعی تدریس و تحقیق می‌شوند. با این وجود، در سرفصل‌های جدید دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی مصوب تیر ۱۴۰۲، درس جامعه‌شناسی جنایی علیرغم اهمیت، به یک درس اختیاری تبدیل شده است.

۲. یکی از اهداف مهم «انریکوفری» در پایان قرن بیستم، نوسازی حقوق کیفری و به‌طور کلی سیاست جنایی بود. وی این نوسازی را از طریق تهیه محتوای حقوق کیفری بر اساس نتایج مطالعات جرم‌شناختی قابل تحقیق می‌دانست. به همین دلیل، دو فصل از چهار فصل و در واقع نیمی از کتاب جامعه‌شناسی جنایی خود را به طراحی افق‌های نوین حقوق کیفری اختصاص داده بود. گفتنی است در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی حقوق کیفری، تحت تأثیر توسعه علوم انسانی و جنبش دفاع اجتماعی نوین، رنگ و بوی جرم‌شناسی به خود گرفت؛ اما، امروزه سیاست جنایی و حقوق کیفری عمدتاً تحت تسلط ملاحظات سیاسی، ایدئولوژیک و فایده‌گرایانه قرار دارد.

۸ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

جرم‌شناسی را در دروس دانشکده حقوق پیش‌بینی و «مؤسسه علوم جنایی» را نیز راه اندازی کرد.^۱

ب: در دوره بین دو جنگ جهانی، آموزش جرم‌شناسی به سرعت آغاز و مؤسسات تخصصی جرم‌شناسی ایجاد شدند. از جمله مؤسسه جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه پاریس در سال ۱۹۲۲ و مدرسه علوم جنایی دانشگاه لووان بلژیک که مدتی بعد به مؤسسه جرم‌شناسی تغییر نام داد.

پ: دوره سوم که از سال ۱۹۵۰ و پس از جنگ دوم جهانی و برگزاری دومین کنگره بین‌المللی جرم‌شناسی شروع می‌شود، همزمان با جنبش توسعه آموزش جرم‌شناسی، تلاش‌های جدی برای انجام و توسعه پژوهش‌های جرم‌شناسی صورت گرفت. گفتنی است از پایان دهه ۶۰ و شروع دهه ۷۰، موضوع حرفه جرم‌شناسی نیز به یکی از دغدغه‌های اصلی در این حوزه تبدیل شد. پس از آن، آموزش جرم‌شناسی، نظر نویسندگان کتاب‌های درسی حقوق جزا را به خود جلب کرد. این دغدغه به تدریج به کنگره‌های داخلی و بین‌المللی نیز راه یافت.^۲

۲. آموزش و پژوهش جرم‌شناسی در ایران از همان آغاز، یعنی از شروع دهه ۱۳۳۰ شمسی به دانشکده حقوق محول شد و جزء درس‌های دوره کارشناسی حقوق پیش‌بینی گردید.^۳ از آنجایی که محتوای ترجمه‌ها، تألیف‌ها و تصنیف‌های موجود در قلمرو جرم‌شناسی تا آن زمان عمدتاً به جرم‌شناسی بالینی با تأکید بر الگوی پزشکی معاینه و درمان، محدود می‌شد، استاد دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، حداقل در طول ۳۳ نیمسال تحصیلی، موضوع درس را بر اساس نیازهای روز جامعه ایران و نیز نتایج پژوهش‌های جدید در خصوص شاخه‌های کاربردی جرم‌شناسی کلاسیک و نیز جریان‌ات معاصر جرم‌شناسی‌های انتقادی تعیین، تهیه و به‌روز نمودند. حاصل این دوره‌ها در قالب مجموعه‌ای به نام **مباحثی در علوم جنایی** تهیه و به صورت رایگان در اختیار دانشجویان قرار گرفت.

۳. به دنبال تقاضای گروهی از دانشجویان مبنی روزآمدسازی تقریرات استاد، آقای سید پوریا موسوی، دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، با انگیزه و پشتکار کم‌نظیر، در طول مدت تابستان ۱۴۰۲، یکی از تقریرات استاد، یعنی **جزوه کلیات جرم‌شناسی** که در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۲-۸۳ توسط جناب آقای محمد کاظم تقدیر تنظیم شده بود را بر اساس

1. Gassin, Raymond, *l'enseignement de la criminologie*, In Christine, Lazerges *L'enseignement des sciences criminelles aujourd'hui* Ed Eres, 1995, p.45

۲. جهت اطلاع بیشتر رک همین جزوه ص ۵۷ و بعد.

۳. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و غلامی، حسین، *آسیب‌شناسی آموزش و پژوهش جرم‌شناسی در ایران*، مجله الهیات و حقوق، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۵، ص ۲۳ و بعد.

مباحثی در علوم جنایی ◆ ۹

جزوات، دیباچه‌ها و مقالات پراکنده استاد ویرایش و بازبینی اساسی و محتوایی و به مناسبت منابع مرتبط را جهت دسترسی آسان‌تر دانشجویان در پاورقی ذکر نمودند. در اینجا به سهم خود از کوشش‌های فراوان آقای سید پوریا موسوی در آماده‌سازی این جزوه به شکل حاضر قدردانی می‌کنم.

اگرچه استاد نیز به دلیل تمرکز بر مطالعه جهت نگارش کتاب «جرم‌شناسی پژوهش محور» فرصت کافی برای بازبینی این تقریرات را نداشتند؛ اما، امید داریم در فرصت مناسب، نسخه چاپ شده این کتاب را دریافت کنیم.

شهرام ابراهیمی

اول مهرماه ۱۴۰۲

فصل اول

معرفی شاخه‌های علوم جنایی

علوم جنایی یعنی علمی که به مطالعه جرم - بزه کیفری، بزه‌کار، بزه‌دیده و کیفر (مجازات - پاسخ‌ها) می‌پردازد را به‌طور کلی می‌توان، در چهار شاخه «علوم جنایی حقوقی»، «علوم جنایی تجربی»، «فلسفه کیفری» و «سیاست جنایی» دسته‌بندی کرد. در کنار رشته‌های حقوقی علوم جنایی که تاریخ تولد آن‌ها - با مفهومی که امروزه از این علوم به ذهن متبادر می‌شود - حدود دویست سال گذشته است، تولد رشته‌های تجربی علوم جنایی با ظهور علوم انسانی یعنی اواسط سده نوزدهم میلادی - حدود یکصد و پنجاه سال گذشته - مصادف است.

به‌دنبال تدوین قوانین و مقررات (حقوق)^۱ و سازوکارهای قضایی مدرن، آرام آرام، بهره‌مندی از رشته‌های علوم انسانی و روش‌های متعارفی مانند انسان‌شناسی،^۲ برای علت‌شناسی جرم مورد استفاده قرار گرفتند. «سزار لمبروزو» اولین فردی بود که تلاش نمود که در پرتو رهیافت‌های علمی، جرم را خارج از حقوق کیفری مطالعه کند. ایشان که نه حقوقدان بلکه یک پزشک بود، نمی‌دانست که با رویکرد پزشکی خود به جرم، رشته‌ای را بنیان می‌نهد که بعدها جرم‌شناسی نام می‌گیرد. به‌دنبال انقلاب تحقیقی، جرم‌شناسی متولد شد که جرم را خارج از قانون یعنی، آنچه که هست مطالعه می‌کند. بدین‌سان، در کنار «بکاریا» که بنیانگذار حقوق کیفری مدرن و مکتب کلاسیک است، «لمبروزو» پدر جرم‌شناسی و بنیانگذار مکتب تحقیقی می‌باشد. ناگفته نماند که «لمبروزو» عنوان جرم‌شناسی را ابداع نکرد؛ بلکه، خود را «انسان‌شناس جنایی» یعنی

1. Codification

۲. رشته دیگری که از نظر تاریخی هم از نخستین رشته‌های تشکیل دهنده جرم‌شناسی است عبارت است از انسان‌شناسی جنایی **Criminal Anthropology** این عبارت توسط بعضی نویسندگان به مردم‌شناسی ترجمه شده که ترجمه‌ای مناسب نیست؛ انسان‌شناسی برای عده‌ای از نویسندگان عبارت است از مطالعه ویژگی‌ها و خصایص زیستی موجود انسانی (فیزیولوژیکی اندام‌ها و...) اما در تعبیر دیگری که از آنگلو ساکسون‌ها وجود دارد، اصولاً انسان‌شناسی به‌طور کلی سه بُعد دارد. از یک طرف مطالعه تطبیقی موجودات انسانی با یکدیگر است (شکل ظاهری و اندازه اندام‌ها). عده‌ای معتقدند این تفاوت اندام و فیزیولوژیک بر رفتار آن‌ها تأثیر دارد. بُعد دوم در انسان‌شناسی، مطالعه رابطه میان انسان امروز با نیاکان او است. هدف از این مطالعه تطبیقی، تحولاتی است که از لحاظ اندامی در بشر به‌وجود آمده و تأثیر این ظاهر بر رفتار افراد مورد ستوجه قرار می‌گیرد و سرانجام شاخه سوم مطالعه جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی انسان است (انسان اجتماعی). در انسان‌شناسی جنایی اولین بار «لمبروزو» در سال ۱۸۷۶ بحث رابطه میان اندام و چهره انسان‌ها با رفتار آنها را مطالعه کرد و از طرف دیگر، مطالعه رابطه رفتار انسان‌های امروز با نیاکان او را مورد توجه قرار داد و نتیجه این مطالعات را در کتابی به نام «انسان بزه‌کار» منتشر کرد.

۱۱ مباحثی در علوم جنایی

فردی که به مطالعه قیافه - چهره افراد، سیماشناسی جنایی، مجسمه‌شناسی و نحوه استقرار اندام انسان و رابطه آن با رفتار او می‌پردازد، دانست.

علوم جنایی حقوقی حدود سال‌های ۱۸۰۰ میلادی و علوم جنایی تجربی حدود هشتاد سال بعد پا به عرصه هستی نهادند. بدین‌سان، تفاوت اصلی و اساسی این دو علم در این است که در رشته‌های حقوقی علوم جنایی، جرم، آن‌گونه که در قانون، ذهن قانونگذار و رویه قضائی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد، به‌گونه‌ای که دارای تعریف، ارکان اساسی و عناصر اختصاصی است؛ اما، در شاخه تجربی، به‌جای رفتار مجرمانه، مرتکب آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد و رفتار مجرمانه، به‌عنوان مثال سرقت، دارای یک تعریف مشخص نیست؛ زیرا، در دنیای خارج به تعداد سارقین، شیوه ارتکاب سرقت متفاوت است، در حالی که در قانون مجازات، صرفاً یک تعریف از سرقت ارائه شده است. گفتنی است، ذکر انواع سرقت مانند جیب‌زنی و... در قانون تعزیرات ۱۳۷۵، در واقع نشان از به‌کارگیری اصطلاحات پلیسی در این قانون است.

الف: علوم جنایی حقوقی

علوم جنایی حقوقی، یعنی علوم با ضابطه، هنجارمند و مبتنی بر قانون، به دو شاخه «علوم جنایی حقوقی اصلی» و «علوم جنایی حقوقی تکمیلی» تقسیم می‌شوند. حقوق کیفری یا حقوق جنایی یا حقوق جزا شاخه‌های اصلی علوم جنایی حقوقی محسوب می‌شوند^۱ و عبارت است از انشای تدوین هنجارهای حقوقی که از رهگذر پاسخ‌های (مجازات‌ها و ضمانت‌اجراهای) کیفری حمایت می‌شوند. حقوق کیفری خود، به دو بخش حقوق بنیادین یا ماموی که از یک‌سو، شامل نظریات عمومی راجع به جرایم، مسئولیت کیفری و مجازات‌ها و از سوی دیگر، شامل حقوق کیفری اختصاصی می‌شود^۲ و حقوق کیفری کاربردی شکلی که به‌عنوان آیین دادرسی کیفری شناخته شده است، تقسیم می‌شود. در حقوق کیفری شکلی یا آیین دادرسی کیفری به مطالعه چگونگی اجرا و اعمال اصول منعکس در حقوق کیفری ماهوی، پرداخته می‌شود و شامل مقررات ناظر به سازمان‌دهی رسیدگی و احقاق حق است که برخی، آن را حقوق قضائی کیفری نامیده‌اند. بر این مبنا، تفاوت حقوق کیفری بنیادین با حقوق قضائی کیفری در این است که حقوق قضائی کیفری جنبه علمی - کاربردی دارد، در حالی که حقوق کیفری بنیادین، جنبه نظری دارد. بدین‌سان، دانشگاه علوم حقوقی باید جایگزین

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از حقوق جنایی تا علوم جنایی، دیپاچه در: علوم جنایی - مجموعه

مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۹۶، ص ۵ و بعد.

۲. حقوق کیفری اختصاصی، آیین ارزش‌ها و باورهای هر جامعه است؛ زیرا، حقوق کیفری اختصاصی از این ارزش‌ها با جرم‌انگاری و کیفرگذاری نقض آن‌ها حمایت می‌کند.

۱۲ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

دانشگاه علوم قضایی شود؛ زیرا، علوم قضایی، جنبه کاربردی علوم حقوقی است و از آنجایی که در دانشگاه‌ها، جوانب نظری مطرح می‌شود. اصطلاح علوم قضایی ناصحیح است؛ اما، در کارآموزی‌ها که جنبه کارکردگرایی - عملی مورد نظر است، می‌توان از عبارت علوم قضایی استفاده کرد. چه آن‌که در زبان انگلیسی نیز واژه legal برابر با «حقوقی» و judicial برابر با «قضایی» است که در فرانسه نیز واژه judiciaire وجود دارد که صفت justice است، یعنی آنچه که از دادگستری و دادگاه‌ها می‌گذرد. از سوی دیگر واژه juridique نیز به کار می‌رود که صفت le Droit است.

علوم جنایی حقوقی در شاخه‌های تکمیلی خود نیز به رشته‌های متعدد مانند حقوق کیفری فنی، حقوق کیفری تطبیقی، حقوق کیفری سایبری، حقوق کیفری بین‌الملل، حقوق بین‌الملل کیفری، تاریخ حقوق کیفری، تاریخ تحولات حقوق کیفری، حقوق کیفری اقتصادی و دیگر شاخه‌ها تقسیم می‌شود.

ب: علوم جنایی تجربی

علوم جنایی تجربی، حدود یک قرن پس از تولد حقوق کیفری مدرن پدیدار شدند. این علوم خود، به دو شاخه علوم اثباتی (علوم جرم‌یابی یا علوم معین عدالت کیفری) و علوم تفسیری (تحلیلی) تقسیم می‌شوند. علوم جنایی اثباتی، در بستر متدولوژی علوم انسانی به طور کلی و علوم محض مانند شیمی یا فیزیک قانونی به‌طور خاص، متولد شده و پرورش یافته‌اند؛ اما، علوم جنایی تفسیری - تحلیلی نیز خود به سه شاخه کیفرشناسی، جامعه‌شناسی کیفری و جرم‌شناسی تقسیم می‌شوند. بر این اساس و به‌طور کلی، علوم جنایی تجربی را می‌توان به علوم چهارراهی یا چندمبنایی دانست؛ زیرا، با بهره‌گیری از علوم محض و متدولوژی علوم انسانی، روش‌های آن‌ها را با نیازهای خود منطبق کرده‌اند. به‌عنوان مثال، آمار از ریاضی اقتباس و آن را به آمار جنایی تبدیل کرده‌اند. علوم جنایی تجربی البته، استقلال خاص خود را دارند. در ادامه، به بررسی این علوم و جرم‌شناسی که از شاخه‌های علوم جنایی تحلیلی - تفسیری است، پرداخته خواهد شد.

ب.۱: علوم معین عدالت کیفری

علوم جرم‌یابی یا علوم معین عدالت کیفری مشتمل بر مجموعه رشته‌هایی است که در مقام کشف جرم، شناسایی مرتکب، تشخیص مجرم از غیرمجرم، یاری‌رسان فرشته عدالت است. این علوم از زمان ارتکاب جرم تا مرحله صدور حکم توسط پلیس و مقامات قضایی مورد استفاده دستگاه عدالت کیفری قرار می‌گیرد، به این علوم علوم اثباتی نیز می‌گویند. به این معنا که هرگاه در مقام اثبات جرم تردید حاصل شد، این علوم، ادله اثبات علمی جرم را ارائه می‌دهند و این امکان را فراهم می‌سازند تا ورای

مباحثی در علوم جنایی ۱۳

ادله اثبات سنتی جرم، حقیقت کشف شود. به‌دیگر سخن، علوم جرم‌یابی مجموعه تکنیک‌هایی هستند که موضوع آن‌ها تعیین اوضاع و احوال دقیق ارتکاب جرم است و بنابراین، هم به وسیله پلیس و هم به وسیله دادگاه و دادسرا استفاده می‌شود. از جمله این علوم می‌توان به تن‌پیمایی جنایی که شامل بررسی علائم خاص بزهکاران و نیم‌رخ و علائم شکلی و ظاهری آن‌ها می‌باشد، اشاره داشت. چه آن‌که پس از ارتکاب یک جرم، هرگاه دو عابر معتقد باشند که مرتکب را دیده‌اند، پلیس این امکانات را دارد که از طریق چهره‌نگاری مجرم را بیابد.

از دیگر شاخه‌های علوم جرم‌یابی می‌توان به پلیس علمی اشاره داشت. پلیس علمی، شامل تکنیک‌هایی است که توسط پلیس برای دستگیری و شناختن مجرمان مورد استفاده قرار می‌دهد. پزشکی قانونی یا به عبارت بهتر پزشکی قضائی که با تولد جرم‌شناسی به وجود آمده است نیز مجموعه‌ای از این علوم است. از این‌رو، پزشکی قانونی شامل مجموعه اطلاعات پزشکی است که برای تعیین و شناسایی وقایع مجرمانه به کار گرفته می‌شود.

ب.۲: علوم جنایی تحلیلی - تفسیری

در کنار علوم جنایی اثباتی، علوم تحلیلی یا تفسیری قرار دارند که این رشته‌ها پس از وقوع جرم و احراز مجرمیت کاربرد دارند. به‌دیگر سخن، در ابتدا علوم جنایی حقوقی، سپس علوم جنایی تجربی اثباتی و در ادامه علوم جنایی تجربی - تحلیلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، موضوع علوم جنایی تحلیلی - تفسیری، مجرمان هستند یعنی، کسانی که از نظر علوم جنایی حقوقی و با استفاده از علوم جرم‌یابی مجرمیت آن‌ها اثبات شده است. بدین‌سان، شخص متهم یا مظنون موضوع این علوم نیست؛ زیرا، «مجرم» شخصی است که با اجرای قوانین و تشریفات لازم متصف به این وصف شده است. وانگهی، اگرچه، امکان دارد که در برخی موارد، در اثر اشتباهات قضائی، عده‌ای بیگناه محکوم شوند؛ اگرچه، در یک جامعه شفاف، علی‌الاصول موارد خودگامگی پلیس و مقامات قضائی اندک است و به‌طور کلی، اشخاصی که مجرمیت آن‌ها احراز و اثبات شده است؛ در واقع، همان اشخاصی هستند که مرتکب جرم شده‌اند و بدین‌سان، مورد مطالعه رشته‌های علوم جنایی تفسیری - تحلیلی قرار می‌گیرند. در این میان، علوم جنایی تفسیری خود، به سه شاخه مستقل تقسیم می‌شود و این سه شاخه عبارت از «کیفرشناسی»، «جرم‌شناسی» و «جامعه‌شناسی کیفری».

ب.۱.۲: کیفرشناسی

کیفرشناسی یا علم اجرای کیفرها (پاسخ‌ها) عبارت است از مطالعه پاسخ‌ها (اعم از مجازات و اقدامات تأمینی) چگونگی و شیوه اجرای آن‌ها. این رشته بر ضمانت‌اجراها

۱۴ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

و پاسخ‌ها و نحوه - چگونگی به‌موقع اجرا گذاشتن آن‌ها متمرکز است. به‌عنوان مثال، مجازات‌های سالب آزادی و مشخصاً زندان، یکی از انواع ضمانت‌اجرا می‌باشد که نحوه اجرای این نوع از کیفر برحسب رویکردهای گوناگون متفاوت است، به‌گونه‌ای که می‌توان به زندان باز، زندان نیمه‌باز، زندان بسته، کانون اصلاح و تربیت و مراکز مراقبت پس از خروج اشاره کرد. از این جهت است که مجازات‌ها از یک‌سو، برای سزادهی بزهکاران و از سوی دیگر، به‌منظور پیشگیری از ارتکاب جرم به معرض اجرا گذاشته می‌شود. از این‌رو، کیفر دو کارکرد دارد:

کارکرد اول اجرای کیفر، ناظر بر رسالت سزا دهنده‌گی و مکافات‌گرایی است که نسبت به شخص مجرم اعمال می‌شود.

کارکرد دوم اجرای کیفر، کارکرد فایده‌گرایی و منفعت داشتن اجرای آن است. به این معنا که اجرای کیفر باید فایده‌ای را خواه برای شخص مرتکب و خواه برای جامعه به ارمغان آورد. بر این اساس، اجرای کیفر از یک‌سو، موجب بازگرداندن امنیت به جامعه شده و از سوی دیگر، باید با اصلاح بزهکاران و بازسازگار - هم‌نوا کردن آن‌ها با جامعه به پیشگیری از تکرار جرم کمک می‌کند.

به‌رغم وجود این دو کارکرد، این امکان وجود دارد که اعمال مجازات خود، منجر به ارتکاب جرم شود، به‌این معنا که مجازات‌ها خود، جرم‌زا محسوب شوند. توضیح آن‌که به‌عنوان مثال، عده‌ای از مرتکبان جرایم، برای تحمل کیفر و اصلاح‌پذیری به زندان فرستاده می‌شوند؛ حال آن‌که اگر آثار زندان بر این دسته از مرتکبان مورد مطالعه قرار گیرد، مشاهده می‌شود که اقامت آن‌ها در زندان، سبب تمایل و گرایش بیشتر آن‌ها به ارتکاب جرم شده و بزهکاران بدون سابقه در زندان در معرض آموزش‌های بد - به‌عنوان مثال شیوه‌های گوناگون ارتکاب سرقت - قرار می‌گیرند. بدین‌سان، محیط زندان، فرهنگ خاص خود را به افرادی تازه وارد منتقل می‌کند که به آن فرهنگ‌پذیری از زندان یا فرهنگ زندان‌پذیری^۱ می‌گویند و در نهایت به تکرار جرم خواهد انجامید. بدین‌سان، زندان به‌جای تنبیه کردن بزهکاران، عاملی برای تکرار جرم خواهد بود و به همین دلیل، زندان به عنوان عامل جرم‌زا در جرم‌شناسی مطرح است؛ اما، در هر صورت کیفرشناسی، شاخه‌ای مستقل از جرم‌شناسی است.

ب.۲.۲: جرم‌شناسی

جرم‌شناسی یا به تعبیر برخی، علوم جرم‌شناختی، رشته‌ای است که از یک‌سو، جنبه نظری و از سوی دیگر، جنبه کاربردی دارد و از علوم مرکب به شمار می‌آید. از این جهت، یکی از ویژگی‌های علوم مرکب، در برگیری ابعاد نظری - عملی آن است.

مباحثی در علوم جنایی ۱۵

بدین‌سان، جرم‌شناسی یعنی مطالعه علمی جرم به عنوان یک پدیده حقوقی - اجتماعی و چرایی ارتکاب آن در بستر جامعه؛ به عنوان مثال، به‌رغم وجود نهادهای کنترل‌کننده و وجود سیستم‌های مختلف نظارتی و کنترلی برای جذب و استخدام افراد از قبیل عبور از فیلترهای مختلف استخدامی، همواره عده‌ای مرتکب اختلاس، خیانت در امانت و... می‌شوند. بنابراین، جرم‌شناسی به دنبال چرایی ارتکاب این اعمال مجرمانه است. لذا به آنچه که **هست** یعنی، حقیقت وجود تلخ جرایم کلان اقتصادی، قتل و... می‌پردازد. جرم‌شناسی به دو شاخه **نظری** و **کاربردی** تقسیم می‌شود.

ب. ۱.۲.۲: جرم‌شناسی نظری

«جرم‌شناسی نظری» عبارت است از مقایسه و ترکیب اطلاعات، داده‌ها و یافته‌های مختلف که از مطالعات عملی و میدانی جرم‌شناسی حاصل می‌شود. به عبارت دیگر، جرم‌شناسی نظری، بانک داده‌ها و مطالعات نظری است که خود، به **جرم‌شناسی عمومی**، **جرم‌شناسی اختصاصی** و **جرم‌شناسی تخصصی** تقسیم می‌شود.

۱. جرم‌شناسی عمومی

جرم‌شناسی عمومی که عبارت است از: مطالعه جرم ارتكابی و مرتکب آن، صرف‌نظر از ماهیت آن جرم، خود نیز به دو شاخه **جرم‌شناسی خرد** و **جرم‌شناسی کلان** تقسیم‌بندی می‌گردد.^۱

۱.۱: جرم‌شناسی خرد

جرم‌شناسی خرد (به تعبیر استاد گسن) عبارت از مطالعه جرم به‌عنوان یک پدیده فردی (مطالعه جرم و مرتکب آن) بر وزن اقتصاد خرد و جامعه‌شناسی خرد. در اینجا، جرم، هر رفتار جرم‌انگاری شده در حقوق کیفری است که فرد یا افرادی، آن را در زمان و مکان معین مرتکب می‌شوند. «استاد گسن» پدیده فردی مجرمانه را یک پدیده عمدتاً کیفی می‌داند که با تکیه بر پرونده‌ها، مصاحبه، سوابق و... مطالعه می‌شود (روش‌های کیفی) حال آن‌که جرم‌شناسی کلان، یک پدیده کمی است با روش‌های عمدتاً کمی.

۲.۱: جرم‌شناسی کلان

جرم‌شناسی کلان عبارت از مطالعه بزهکاری یعنی مجموعه جرایم ارتكابی صرف‌نظر از عنوان‌های (وصف‌های) مجرمانه (کیفری) آن‌ها در حقوق کیفری اختصاصی در بازه زمانی معین (به عنوان مثال در سال ۱۴۰۱) و در مکان معین (به‌عنوان نمونه در استان

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم، دیاچه در، نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ هفتم، ۱۴۰۲، ص ۱۹.

۱۶ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

«الف»، کشور «ب» و...) است که با تکیه، به‌ویژه بر آمار جنایی و شیوه‌های مکمل، صورت می‌گیرد. بدین‌سان، بزهکاری یک پدیدهٔ جمعی است که در برابر پدیدهٔ فردی جرم (به‌عنوان مثال سرقت) قرار دارد. بر این اساس، در جرم‌شناسی کلان، به‌عنوان مثال، تحولات سالیانهٔ میزان یا نرخ بزهکاری، به‌طور کلی، در سطح یک کشور یا یک استان بررسی می‌شود. به‌عنوان مثال، مطالعهٔ جرایم ارتكابی از نوع جرایم اقتصادی در سال ۱۴۰۱ در استان «الف»، پدیده‌ای کلان است که در جرم‌شناسی کلان بحث می‌شود.

۲. جرم‌شناسی تخصصی

جرم‌شناسی تخصصی عبارت از مطالعهٔ بزهکاری با رویکرد خاص و روش‌های مطالعاتی ویژهٔ آن رویکرد مانند جامعه‌شناسی جنایی (جرم‌شناسی جامعه‌شناختی) زیست‌شناسی جنایی (جرم‌شناسی زیست‌شناختی)، روانشناسی جنایی و روانپزشکی جنایی). بدین‌سان و به‌عنوان نمونه، همان‌گونه که جامعه‌شناسی جنایی به‌معنای مطالعهٔ جرم، عوامل ارتكاب آن و چرایی بزهکار شدن در بستر محیط است، زیست‌شناسی جنایی، مطالعهٔ جنبه‌های آناتومی، فیزیولوژیک شخصیت بزهکار، ژنتیک، بیوشیمی و... است. بدین‌روی، بزهکار مادرزاد حاصل مطالعات جرم‌شناسی زیست‌شناسانهٔ «لمبروزو» بود که در آن عصر، به انسان‌شناسی جنایی مشهور شد؛ زیرا، در آن زمان، هنوز عنوان جرم‌شناسی توسط «گاروفالو» ابداع نشده بود.

۳. جرم‌شناسی اختصاصی

جرم‌شناسی اختصاصی بر وزن حقوق کیفری اختصاصی، عبارت از مطالعه جرم‌شناسانهٔ یک جرم خاص است. بنابراین، در جرم‌شناسی اختصاصی دامنه و گسترهٔ مطالعات برای یک جرم خاص مانند سرقت، کلاهبرداری، قتل، جرایم جنسی (مانند زنا یا رضایت) و... متمرکز و محدود می‌شود.

ب. ۲.۲.۲: جرم‌شناسی کاربردی

جرم‌شناسی کاربردی به‌طور خلاصه عبارت است از: بررسی علمی تدابیر و اقدام‌های حاصل و برخاسته از مطالعات جرم‌شناسانهٔ جرایم ارتكابی و مرتکبان آن‌ها به منظور کنترل مؤثر بزهکاری که خود، به سه شاخهٔ «جرم‌شناسی بالینی»، «جرم‌شناسی پیشگیری» و «جرم‌شناسی حقوقی» تقسیم می‌شود.

۱. جرم‌شناسی حقوقی

«انریکوفری» در کتاب خود یعنی «جامعه‌شناسی جنایی» به تعبیر «استاد گسن» از یک‌سو، به عنوان نظریه‌پرداز جرم‌شناسی - جرم‌شناس نظری - و از سوی دیگر، به عنوان متخصص جرم‌شناسی کاربردی ظاهر می‌شود؛ زیرا، در این کتاب علاوه بر

۱۷ مباحثی در علوم جنایی

پرداختن به مباحث نظری به ارائه پیشنهادات کاربردی و عملی از جمله عوامل جرم از طریق آمار جنایی، به علت شناسی جرم نیز می‌پردازد. «فری» با توجه به دستاوردهای مطالعات نظری خود، پیشنهادهایی خطاب به حقوق جزا مطرح می‌کند. اصلاح مفهوم «مسئولیت کیفری»، «اصلاح مجازاتها» و «اصلاح آیین دادرسی کیفری» از جمله پیشنهادهایی است که توسط «فری» ارائه شد. به این ترتیب، او در این کتاب، هم به عنوان یک جرم‌شناس نظری و هم به عنوان یک جرم‌شناس کاربردی شناخته می‌شود. «فری» دانش «جرم‌شناسی حقوق کیفری» یا «جرم‌شناسی حقوقی» را بنیان نهاد. او در کتاب «جامعه‌شناسی جنایی» علاوه بر اینکه به علت‌شناسی جرم می‌پردازد، همزمان پیشنهادهایی اساسی برای «اصلاح قانون مجازات» و «قانون آیین دادرسی کیفری» ارائه می‌دهد. بدین ترتیب، به عنوان بنیانگذار جرم‌شناسی حقوقی^۱ شناخته می‌شود.

جرم‌شناسی حقوقی یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی کاربردی است که بر خلاف دو شاخه‌های دیگر آن، یعنی «جرم‌شناسی بالینی» و «جرم‌شناسی پیشگیری (پیشگیرانه)» که بیش از یک دهه است در ایران مطالعه می‌شوند؛ کمتر شناخته و به آن پرداخته شده است. موضوع جرم‌شناسی حقوقی از یکسو، مطالعه کارایی و کارآمدی علمی محتوای سیاست‌های جنایی و نهادهای کیفری است که در واقع توصیف و بیان حقوقی - فنی سیاست‌ها و راهبردهای مقابله با جرم محسوب می‌شوند و از سوی دیگر، بررسی اصلاحاتی است که برای رفع کاستی‌ها و روزآمد کردن سیاست جنایی و حقوق کیفری می‌توان پیشنهاد و اعمال کرد.^۲

رسالت جرم‌شناسی حقوقی عبارت است از قضاوت یا داوری ارزش - بنیاد^۳ علمی - فنی سیاست جنایی و حقوق کیفری که هسته مرکزی آن را تشکیل می‌دهد؛ یعنی نقد فنی نهادهای سیاست جنایی و حقوق کیفری از منظر نظریه‌ها و یافته‌های جرم‌شناسی و

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی حقوقی (درآمدی بر جرم‌شناسی حقوق کیفری عمومی)، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیرنظر»، دایره المعارف علوم جنایی - مجموعه مقاله‌ها، نشر میزان، تهران، کتاب دوم، چاپ دوم، ویراست دوم، بهار ۱۳۹۵، صص ۹۱۶ - ۹۴۵؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی حقوقی (جرم‌شناسی حقوق کیفری عمومی و آیین دادرسی کیفری)، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: سودابه رضوانی و مرضیه السادات آقامیرسلیم، آذر ۱۳۹۰، صص ۱۹۸۹ - ۱۸۳۹، در: ابراهیمی، شهرام «به کوشش»، مباحثی در علوم جنایی، مجموعه تقریرات استاد علی حسین نجفی ابرندآبادی، ویراست هفتم آذر ۱۳۹۱، قابل دسترس در: www.lawtest.ir؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی سیاست جنایی و تکنیک‌های حقوق کیفری ماهوی و شکلی، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: لیلا اسدی و بتول پاکزاد، سال تحصیلی ۸۴ - ۱۳۸۳، صص ۱۳۸۷ - ۱۳۲۷، در: همان منبع.

2. Gassin,R, **Criminologie**. Dalloz, vth ed, 2011. N 765

3. Jugement de valeur/ Judgement of Value.

۱۸ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

رشته‌های تخصصی آن، با هدف روزآمد کردن علمی آن‌ها است. به همین جهت که گاه جرم‌شناسی حقوقی را با تسامح «جرم‌شناسی حقوقی انتقادی» نیز می‌نامند که نباید آن را با جرم‌شناسی انتقادی یا نظریه‌های انتقادی جرم‌شناسی اشتباه گرفت؛ زیرا، جرم‌شناسی انتقادی در حقیقت، رویکردهای نظری و روش‌های جرم‌شناسی مشهور به تحقیقی، سنتی یا علت‌شناسانه را که دارای جنبه‌های سه‌گانه کاربردی پیش‌گفته است، زیر سؤال می‌برد و طرفدار گسست و انقطاع معرفت‌شناختی با جرم‌شناسی تحقیقی (سنتی) و بازنگری بنیادین رویکردها و شاخه‌های کاربردی آن است.

جرم‌شناسی حقوقی برای انجام رسالت خود، معمولاً از دو روش پیروی می‌کند.^۱ در روش نخست، جرم‌شناس، نتایج پژوهش‌های جرم‌شناسی نظری درباره بزهکاری را با نهادهای حقوق کیفری مانند عناصر تشکیل‌دهنده جرم، قابلیت انتساب جرم و مسئولیت کیفری، به صورت انتزاعی مقابله و مقایسه می‌کند و سپس در صورت احراز تعارض و تضاد بین نهاد مورد مطالعه و یافته‌های جرم‌شناسی مرتبط، اصلاح نهاد موجود یا ایجاد نهاد جدید را به قانونگذار کیفری پیشنهاد می‌کند. به عنوان نمونه پیشنهاد وضع اصل عدم مسئولیت کیفری صغار، تعریف نظام کیفری خاص برای بزهکاران نابهنجار روانی یا پیش‌بینی اقدام‌های تأمینی برای مجرمان خطرناک و افراد دارای حالت خطرناک جرم‌شناختی. روش دوم، جرم‌شناس را به مشاهده و مطالعه ملموس و تجربی سازمان و عملکرد روش‌ها، فن‌ها و نهادهای کیفری به منظور ارزیابی آن‌ها و در صورت منفی بودن کارنامه ارزیابی، پیشنهاد تغییر مناسب آن‌ها هدایت می‌کند. این روش بیشتر برای برآورد کارآمدی اقدام‌های معمول برای بازپروری بزهکاران به کار برده می‌شود.

۲. جرم‌شناسی پیشگیری

واژه پیشگیری^۲ امروزه در معنی جاری و متداول آن دارای دو بُعد است؛^۳ پیشگیری یا جلوگیری کردن^۱ هم به معنی پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی رفتن و

1. Gassin, R.; *Ibid.*; N° 766.

2. pervention

۳. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، در: علوم جنایی - مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۹۶، ص ۵۵۹ و بعد؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری از جرم: از آموزه‌های جرم‌شناختی تا قانونگذاری جرم‌شناختی، در: نجفی ابرندآبادی علی حسین و شیخ الاسلامی، عباس «به کوشش» - مجموعه سخنرانی‌های همایش ملی علمی - کاربردی پیشگیری از وقوع جرم - قوه قضاییه، انتشارات داسرای عمومی و انقلاب مشهد، جلد اول، چاپ اول، مرداد ماه ۱۳۸۹، صص ۵۶ - ۶۲؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری از بزهکاری و پلیس، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیر نظر»، پلیس و پیشگیری از جرم - مجموعه مقاله‌ها و سخنرانی‌ها، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷، صص ۵ - ۱۲؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری وضعی از جرم: مدیریت جرم‌شناختی خطر جرم و تکرار جرم، دیباچه در: وی کلارک، رونالد و

مباحثی در علوم جنایی ۱۹

هم به معنی آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن، است. اما، در جرم‌شناسی پیشگیرانه^۲ پیشگیری در معنای اول، مورد استفاده واقع می‌شود، یعنی با کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، هدف به مقابل جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است؛ اما، از نظر علمی، پیشگیری یک مفهوم منطقی - تجربی است که همزمان از تأملات عقلانی و مشاهدات تجربی ناشی می‌شود.

شاید بتوان گفت که به تعداد صاحب‌نظران جرم‌شناسی، تعریف و طبقه‌بندی از پیشگیری ارائه شده است. «استاد گسن»، برای پیشگیری یعنی اقدام نسبت به عوامل و فرآیندهای بزهکاری، چهار معیار در نظر گرفته است:

معیار اول: اقدامی پیشگیرنده تلقی می‌شود که هدف اصلی آن تضمین پیشگیری از بزهکاری یا انحرافات جرم‌گونه باشد؛ یعنی اقدام مؤثر علیه عوامل یا فرآیندهایی که در بروز بزهکاری و انحراف، نقش تعیین‌کننده و قاطع ایفاء می‌کنند.

معیار دوم: تدابیر یا اقدام‌های پیشگیرنده جنبه جمعی دارد، یعنی مخاطب آن، تمام جمعیت یا گروه یا بخش معینی از آن کل است.

معیار سوم: زمانی که هدف، اجتناب از انتخاب رفتارهای مجرمانه یا منحرفانه است، اقدام‌ها یا تدابیری پیشگیرانه خوانده می‌شود که پیش از ارتکاب اعمال بزهکارانه یا کج‌روانه و نه پیش از آن، اعمال شوند.

معیار چهارم: اگر پیشگیری شامل اعمال تدابیر یا اقدام‌هایی پیش از ارتکاب هر جرم کیفری یا پیش از انتخاب هر رفتار منحرفانه است، در آن صورت، این تدابیر یا اقدام‌ها نمی‌توانند مستقیماً قهرآمیز و سرکوبگر باشند؛ زیرا، اعمال سرکوبی کیفری مستلزم آن است که بیشتر یک جرم ارتکاب یافته باشد.

اک، جان، جرم‌شناسی پیشگیری (۶۰ رويه و راهکار برای پیشگیری از جرم)، ترجمه مهدی مقیمی و مهدیه تقی‌زاده، انتشارات سازمان زرد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۱۱ - ۱۵؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از جرم‌شناسی نظری تا جرم‌شناسی کاربردی، نشریه جرم‌شناسی پیشگیری، دادگستری کل استان خراسان رضوی، پیش شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، صص ۵ - ۸؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی پیشگیری، تقریرات درس جرم‌شناسی، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهیه و تنظیم: محمد علی بابایی، سال تحصیلی ۷۹ - ۱۳۸۰، صص ۵۳۳ - ۴۹۴، در: ابراهیمی، شهرام «به کوشش»، مباحثی در علوم جنایی، مجموعه تقریرات استاد علی حسین نجفی ابرندآبادی، ویراست هفتم آذر ۱۳۹۱، قابل دسترس در: www.lawtest.ir؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی پیشگیری، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران - پردیس فارابی، تهیه و تنظیم: سید مهدی سیدزاده ثانی، در: همان منبع، نجفی ابرندآبادی، علی حسین «گفتگو»، پیشگیری از جرم توسط قوه قضاییه؛

1. prevenir- to prevent

2. Gassin (R). *Criminologie*, ed. Dalloz, 1994. P.588.

۲۰. تقریرات درس جرم‌شناسی

«استاد گسن» با توجه به این معیارهای چهارگانه معتقد است که پیشگیری شامل مجموع تدابیر سیاست جنایی - به استثنای تدابیر نظام کیفری - می‌شود که هدف انحصاری یا حداقل جزئی آن، محدود نمودن امکان وقوع مجموع اقدام‌های مجرمانه از طریق غیرممکن کردن، دشوارتر کردن یا کمتر متحمل کردن آن‌ها است.

۳. جرم‌شناسی بالینی

جرم‌شناسی بالینی سومین و آخرین شاخه از رشته‌های سه‌گانه جرم‌شناسی کاربردی است. اگرچه، به عقیده «ژان پیناتل»،^۱ جرم‌شناسی بالینی، تنها شاخه جرم‌شناسی کاربردی است. بدین‌روی، از آنجایی که جرم‌شناسی علمی نمی‌توانست به مسائل اجتماعی و فردی ناشی از عملکرد نظام کیفری توجه نکند به سویی حرکت کرد که در طرز کار و عملکرد نظام عدالت کیفری، فردی کردن مطلوب واکتش اجتماعی علیه جرم - یعنی متناسب‌سازی پاسخ‌ها (اعم از مجازات و اقدام تأمینی)^۲ با شخصیت و ویژگی‌های بزهکار و مرتکب - را به موقع اجرا گذارد، بدین منظور بود که به جرم‌شناسی بالینی متوسل شد.^۳

هدف نهایی جرم‌شناسی بالینی، پیشگیری از تکرار جرم است و محدوده عمل آن نیز در حوزه مجازات‌ها می‌باشد. به‌طور کلی، جرم‌شناسی بالینی، در مفهوم موسع، عبارت از مطالعه پدیده مجرمانه فردی است و بدین‌سان، در مقابل جامعه‌شناسی جنایی قرار دارد که موضوع آن، مطالعه پدیده مجرمانه جمعی و توده‌ای یا به عبارت دیگر، بزهکاری در بستر محیط است. بنابراین، جرم‌شناسی بالینی در مفهوم موسع، عبارت از مطالعه نظری جرم به صورت فردی است. در مقابل مفهوم موسع، مفهوم مضیق یا کاربردی قرار دارد که عبارت از مطالعه چند بُعدی جرم و مجرم، به منظور پیشگیری از تکرار جرم است. جرم‌شناسی بالینی در این مفهوم یعنی، جرم‌شناسی کاربردی و کاربرد یافته‌های جرم‌شناسی نظری در مورد جرم و مجرم است.

بنابراین، جرم‌شناسی بالینی از یک‌سو، مطالعه نظری جرم و از سوی دیگر به کار بردن این اصول در مورد فرد بزهکار به منظور پیشگیری از تکرار جرم

۱. رک: پیناتل، ژان، کفرهای جانشین و جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله مطالعات حقوقی و قضائی، شماره ۶، تابستان ۱۳۶۵، ص ۱۷۴ و بعد.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، اقدام تأمینی، دیباچه در: قاسمی، ناصر، اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، نشر میزان، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۴، ص ۷.

۳. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، بازپروری بزهکاران، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهیه و تنظیم: سلمان عمرانی و قاسم کرامت، سال تحصیلی ۸۷ - ۱۳۸۶، ص ۱۵۰۰ - ۱۴۹۹ در: همان منبع.

مباحثی در علوم جنایی ۲۱

است. بدین روی، غایت جرم‌شناسی بالینی، پیشگیری کیفری خاص از جرم یعنی پیشگیری از تکرار جرم و اصلاح و درمان بزهکاران است^۱ که در چارچوب نظام عدالت کیفری و در ادامه مداخله نهادهای مختلف دستگاه عدالت کیفری اتخاذ و اعمال می‌شود.

جرم‌شناسی بالینی، معادل واژه Clinical Criminology است. واژه کلینیک از ریشه یونانی آن یعنی kline گرفته شده که به معنای بستر، تخت و بالین است. بنابراین جرم‌شناسی بالینی به معنای مطالعه و معاینه مجرم و بزهکار در بستر او است. این عبارت ابتدا در پزشکی، سپس در روانشناسی به کار گرفته شد و سرانجام در جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی مورد استفاده قرار گرفت.

ب.۳.۲: جامعه‌شناسی کیفری

جرم‌شناسی مطالعه علمی علل بزهکاری و چرایی ارتکاب جرم است. در واقع، جرم‌شناسی، علمی مرکب از علوم گوناگون مانند پزشکی، روانپزشکی و آمار است که با مطالعه مجرم به دنبال حل معمای جرم و یافتن علل ارتکاب جرم است. این علل، گاه در شخصیت مجرم، گذشته او یا محیطی است که او رشد و نمو پیدا کرده، باید جستجو شود و گاه عوامل ژنتیک و زیستی، برتری دارد. بر این اساس، به‌طور کلی جرم‌شناسی به دنبال علت‌شناسی (یعنی شناسایی علت ارتکاب) جرم است. در این میان، «جامعه‌شناسی جنایی» به‌عنوان یکی از رشته‌های تخصصی جرم‌شناسی، با جامعه‌شناسی کیفری^۲ به‌عنوان یکی از رشته‌های علوم جنایی تجربی تفسیری - تحلیلی که کاملاً مستقل از جرم‌شناسی است، تشابه ظاهری دارند که توضیح این دو رشته و تبیین تفکیک این دو رشته به‌صورت مختصر بسیار ضروری است.

۱. در همین راستا می‌توان به بخشنامه رئیس قوه قضائیه در خصوص استفاده از ظرفیت ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص کاهش جمعیت کیفری مصوب ۱۳۹۸/۶/۲۶ و همچنین دستورالعمل رئیس قوه قضائیه در خصوص تشکیل پرونده شخصیت متهم مصوب ۱۳۹۸/۶/۲۶ اشاره داشت.

۲. برای مطالعه کامل در این خصوص رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *تقریرات درس جامعه‌شناسی کیفری (جامعه‌شناسی زندان)*، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: فرهاد شاهیده و عارف خلیلی پاجی، سال تحصیلی ۱۳۹۵؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *تقریرات درس جامعه‌شناسی کیفری*، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران - پردیس فارابی، تهیه و تنظیم: سمیرا گل خندان، سال تحصیلی ۹۲ - ۱۳۹۱؛ قابل دسترس در www.lawtest.ir؛ همچنین رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *تقریرات درس جامعه‌شناسی کیفری*، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: بهروز جوانمرد، سال تحصیلی ۸۹ - ۱۳۸۸، در: ابراهیمی، شهرام «به کوشش»، *مباحثی در علوم جنایی - مجموعه تقریرات درس استاد علی حسین نجفی ابرندآبادی*، ویراست هفتم آذر ۱۳۹۱، ص ۱۷۲۴ - ۱۶۸۱، قابل دسترس در همان منبع.

۲۲ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

جامعه‌شناسی جنایی^۱ به‌عنوان شاخه‌ای تخصصی از جرم‌شناسی و در حقیقت ادامه جرم‌شناسی است که علت ارتکاب جرم را در بستر محیط و عوامل محیطی - وضعی مطالعه می‌کند. به عبارت دیگر، هرگاه جرم از منظر محیط و عوامل محیطی یعنی «محیط طبیعی»، «محیط اجتماعی»، «محیط سایبری» و در نهایت «عوامل وضعی»، مورد بررسی قرار گیرد،^۲ جامعه‌شناسی جنایی مطرح است. بنابراین ذات و ماهیت جامعه‌شناسی جنایی ماهیت علت‌شناسانه دارد، همانند روانشناسی جنایی که علت ارتکاب جرم را در بُعد شخصیت و روان فرد بزهکار جستجو می‌کند؛ اما، موضوع جامعه‌شناسی کیفری^۳ برخلاف جامعه‌شناسی جنایی مطالعه حیات اجتماعی نهادهای کیفری، اعم از حقوق کیفری عمومی، حقوق کیفری اختصاصی و آیین دادرسی کیفری است. به عبارت دیگر، در این رشته مطالعاتی، کلیه تأسیسات حقوق و نظام عدالت کیفری از منظر جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرند و در نهایت، کارکرد اجتماعی نهاد مورد مطالعه به‌عنوان بیان (کارنامه) آن - البته بدون قضاوت و داوری - به قانونگذار ارائه می‌شود. بدین‌روی، رسالت جامعه‌شناسی کیفری، مطالعه چگونگی تولد نهادهای حقوقی کیفری، حیات اجتماعی و عملکرد آن‌ها در جامعه و همچنین بررسی آثار اجتماعی این نهادها است. به‌عنوان مثال، تبدیل دادگاه کیفری استان به دادگاه کیفری یک و کاستن از تعدد قضات از پنج قاضی به سه قاضی می‌تواند مورد مطالعه جامعه‌شناسی کیفری قرار گیرد.

ذکر این نکته ضروری است که واژه «کیفر» در جامعه‌شناسی کیفری، صفت جامعه‌شناسی است و مضاف‌الیه آن محسوب نمی‌شود. این موضوع، بیان‌گر تمایز میان جامعه‌شناسی کیفری و کیفرشناسی است؛ زیرا، موضوع مطالعه کیفرشناسی معطوف به مطالعه کیفرها و چگونگی اجرای آن است. مرکز ثقل و گرانیگاه مطالعات در کیفرشناسی، چگونگی اجرای مجازاتها با هدف اصلاح بزهکار است.^۴ امروزه در قلمرو کیفرشناسی، اصطلاح علم اجرای مجازاتها، جایگزین اصطلاح علم اداره زندان‌ها شده است؛ زیرا، علم اداره زندان به‌عنوان معادل کیفرشناسی، صرفاً به مطالعه زندان می‌پرداخت، حال آن‌که با ظهور مجازاتها و ضمانت‌اجراهای جدید، قلمرو مطالعاتی این علم نیز گسترده‌تر شد. جامعه‌شناسی کیفری صرفاً به مطالعه «کیفر» نمی‌پردازد؛ بلکه، آثار اجتماعی آن را بررسی کرده و کلیه نهادها و تأسیسات عدالت کیفری در قلمرو

1. Sociology of Crime / Criminal Sociology

۲. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، در: علوم جنایی - مجموعه مقالات در نکوداشت استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۹۶، ص ۵۵۹ و بعد.

3. Penal sociology

۴. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، زندان: درمانگاه بزهکاری و بزهکاران؟، دیپاچه در: بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، تهران، چاپ ششم، ۱۴۰۱، ص ۸ و بعد.

مباحثی در علوم جنایی ۲۳

مطالعاتی این رشته مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بدین‌سان، جامعه‌شناسی کیفری، حداقل شامل سه حوزه مطالعاتی می‌شود.

ب. ۱.۳.۲: جامعه‌شناسی پاسخها

در حوزه نخست، رشته‌های مطالعاتی جامعه‌شناسی کیفری، جامعه‌شناسی مجازاتها یا جامعه‌شناسی کیفرها / ضمانت‌اجراها، به‌ویژه ضمانت‌اجراهای کیفری مطرح است. بر این اساس، در این شاخه، مطالعه جامعه‌شناسانه واکنش اجتماعی علیه جرم، یعنی مجازات و اقدامات تأمینی (اعم از اقدامات تأمینی امنیتی و اقدامات تأمینی و تربیتی) صورت می‌پذیرد.

ب. ۲.۳.۲: جامعه‌شناسی قانونگذاری کیفری

در جامعه‌شناسی قانونگذاری کیفری، فرآیند تنظیم لایحه یا طرح، چگونگی تصویب قانون (با در نظرگیری اکثریت مجلس) مورد مطالعه قرار می‌گیرد.^۱

ب. ۳.۳.۲: جامعه‌شناسی نهادهای قضائی

در جامعه‌شناسی نهادهای قضائی اعم از دادسرا، دادگاه، زندان و... یعنی بازنمایی اجتماعی و بازخورد تشکیلات و نهادهای قضائی - پلیسی، میزان اثربخشی و آثار طرز رفتار و عملکرد آنها در سطح جامعه و بر تحولات تقنینی - قضائی بعدی، مورد نظر پژوهشگران می‌باشد. به بیان دیگر، فرآیند کیفری از لحظه دستگیری تا اجرای حکم و حتی مرحلهٔ پساکیفری، همچنین سازمان و تشکیلات عدالت کیفری، از منظر جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، در جامعه‌شناسی کیفری کارنامه و عملکرد کُنشگران عدالت کیفری (ضابطان، قضات، وکلا، کارشناسان، پزشکی قانونی، مددکاران اجتماعی، دفترداران و...) بررسی می‌شود.

به هر ترتیب، جامعه‌شناسی جنایی و جامعه‌شناسی کیفری، تفاوت‌های مبنایی با یکدیگر داشته و نباید تصور شود که این دو رشته یک معنا دارند؛ به جامعه‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جرم نیز گفته می‌شود.

ب. ۴.۲: بزه‌دیده‌شناسی

کمتر از یک سده پس از تولد جرم‌شناسی، عده‌ای از جرم‌شناسان که در مقام حل معمای بزهکاری و علت‌شناسی جرم، برای گذراندن همهٔ مسیرهای مطالعاتی آمادگی داشتند و پژوهش‌های خود را بر کُنشگر دیگر بزهکاری، یعنی

۱. برای مطالعه بیشتر رک: نجفی ابرنآبادی، علی حسین، تقریرات درس جامعه‌شناسی کیفری (جامعه‌شناسی زندان)، دورهٔ دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکدهٔ حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: فرهاد شاهیده، سال تحصیلی ۱۳۹۵؛ قابل دسترس در: www.lawtest.ir

بزه‌دیده متمرکز کردند تا سهم، نقش، شخصیت، منش و... او را در تکوین جرم برآورد نمایند. این رهیافت جدید نسبت به جرم، به نوبه خود تحولات عمیقی را در علت‌شناسی جنایی ایجاد نمود که حاصل آن تولد رشته جدیدی به نام «بزه‌دیده‌شناسی» بود.^۱ بر اساس یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی، قربانی مستقیم جرم (مجنی علیه) که تا پیش از این، زیان‌دیده، بیگناه و مستحق حمایت تلقی می‌شد، می‌تواند با کردار اجتماعی و نیز با نوع رفتار خود با دیگران، الهام‌بخش اندیشه بزهکارانه باشد، سبب ارتکاب را فراهم کند و از همه مهمتر می‌تواند در جریان وقوع جرم و در حالی که خود، مقدم در ارتکاب بزه بود، به دنبال یک اتفاق خارجی یا به لحاظ عدم توانایی جسمانی به جای اینکه بزهکار شود، قربانی جرم واقع گردد. بنابراین، حداقل در بخشی از جرایم و برای گروهی از بزهکاران، بزه‌دیده خود می‌تواند عامل وقوع جرم یا عنصر مؤثری در فرآیند تکوین جرم باشد.

این واقعیت به نوبه خود، سبب تحول جرم‌شناسی پیشگیرانه که یکی از انواع سه‌گانه جرم‌شناسی کاربردی می‌باشد، شده است؛ به طوری که امروزه شکل جدیدی از پیشگیری، موسوم به **پیشگیری بزه‌دیده‌شناختی** که خود، از شاخه‌های پیشگیری وضعی از بزهکاری محسوب می‌شود در سیاست جنایی مورد توجه و استفاده قرار گرفته است. تدابیر و اقدام‌ها در پیشگیری بزه‌دیده‌شناسانه، ناظر به اجتناب از بزه‌دیده واقع شدن یا به عبارت دیگر، جلوگیری از بزه‌دیدگی افراد یا اموال به عنوان آماج یا هدف جرم است. در این چارچوب بحث مصون‌سازی، ایمن‌سازی و تقویت آن دسته از آماج‌هایی مطرح می‌شود که بزهکاران نوعاً به آن‌ها تعرض می‌کنند. بدین‌روی، با اتخاذ اعمال این اقدامات، هدف آن است که هزینه روانی، جسمانی و کیفری جرم برای شخص بزهکار تا حد اکثر ممکن بالا رفته و حداقل بزه‌دیده خود، به عنوان عنصری از وضعیت ماقبل بزهکاری یا وضعیت پیش‌جنایی، زمینه ایجاد فرصت امکان جرم را برای بزهکاران فراهم نیاورد.

اما برخی از جرم‌شناسان، حقوق‌دانان، سیاست‌مداران و دولت‌مردان، همچنان قربانی مستقیم جرم (و افراد تحت نظارت) را که به هر دلیلی بزه‌دیدگی را تجربه کرده است، مستحق حمایت و کمک‌های مادی، معنوی و روانی دولت و

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از جرم‌مداری تا بزه‌دیده‌مداری، دیپاچه در: لپز، ژرار و فیلیزولا، ژینا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، انتشارات مجد، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۹ و بعد؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، رویکرد بزه‌دیده‌شناختی به بزه‌های بدون بزه‌دیده، در: رهامی، محسن «به کوشش»، جرایم بدون بزه‌دیده، نشر میزان، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۱۵ و بعد.

مباحثی در علوم جنایی ♦ ۲۵

جامعه مدنی می‌دانند و معتقدند که از یک‌سو، در فرآیند رسیدگی کیفری و جهت‌گیری‌های قضایی در زمان آغاز تعقیب کیفری، محاکمه و تعیین مجازات باید بهاء و ارزش بیشتری به نظرات و خواسته‌های وی داده شود، و از سوی دیگر، همانند بزه‌کار، مضمول برنامه‌های درمانی - بازپرورانه و بازپذیرسازی اجتماعی قرار گیرد؛ زیرا، از نظر مادی، معنوی و به‌ویژه روانی - خصوصاً در جرایم خشونت‌آمیز - متحمل خسارات و اختلال‌هایی شده است.

دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی یا جرم‌شناسی مجنی‌علیه‌شناختی که به‌ویژه از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی توجه جرم‌شناسان را به خود جلب کرد، جدیدترین رشته از جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی است که امروزه در اغلب پژوهش‌های جرم‌شناسی خواه برای دریافتن به نقش بزه‌دیده ارتکاب جرم^۱ و خواه برای تدوین سیاست جنایی به ویژه برای سیاست پیشگیری از جرم و حمایت از قربانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

برخلاف تصور عمومی، بسیاری از اشکال قربانی شدن خشونت‌آمیز، در قانون مجازات دارای عنوان مجرمانه و کیفر نیستند. خشونت‌های فیزیکی در ورزش، بازی‌ها و مسابقات از آن جمله‌اند. در بسیاری از قوانین بعضی از اذیت و آزارهای جنسی یا نژادی و همچنین اعمال خشونت‌آمیز مراجع و ارگان‌های دولتی، به ویژه پلیس که ابزارهای کنترل اجتماعی جرم محسوب می‌گردند و نیز استفاده از خشونت به وسیله مقام‌های قانونی (خشونت اجرایی یا خشونت مشروع) ممکن است وصف مجرمانه نداشته باشند ولی در هر صورت قربانی دارند. بدین‌سان، بزه‌دیده‌شناسی به طور کلی مبتنی بر دو شاخه است:

اول» بزه‌دیده‌شناسی علمی - اولیه: «بزه‌دیده‌شناسی علمی»، «بزه‌دیده‌شناسی اولیه» یا «بزه‌دیده‌شناسی علت‌شناختی» نام‌هایی است که اینگونه از بزه‌دیده‌شناسی را معرفی می‌کند. در اینگونه از بزه‌دیده‌شناسی در مقام علت‌شناسی جرم، علاوه بر بزه‌کار، علل و عوامل شخصی، محیطی و وضعی، باید به بزه‌دیده نیز به عنوان عامل مؤثر در وقوع جرم توجه کرد. بزه‌دیده در چارچوب عوامل وضعی یا عوامل موجود در آستانه ارتکاب جرم مطالعه می‌شود. علل وضعی، شرایط و اوضاع و احوال مشرف بر ارتکاب جرم است که وقوع جرم را تسهیل یا دشوار می‌کند. به عنوان مثال، فرض بر این است، فردی که تصمیم به ارتکاب سرقت می‌گیرد، ابتدا بررسی می‌کند که در چه مکانی و در چه زمانی و از چه کسی و چه چیزی را سرقت کند، حال ممکن است، بزه‌دیده، رفتار، سن و موقعیت زمانی و مکانی او در ارتکاب جرم مؤثر

۲۶ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

باشد. این موارد ممکن است او - بزه‌دیده - را آماج جرم قرار دهد. به عنوان مثال، در سرقت حدی، مال در حرز قرار داشته و صاحب مال احتیاطات را رعایت کرده است، از این‌رو، مرتکب مجازات شدیدی را تحمل خواهد کرد. اما اگر صاحب مال احتیاطات لازم را انجام نداده و مال را در حرز قرار نداده باشد، در زمینه نگرهداری و مراقبت قصور و کوتاهی کرده و بدین جهت، مجازات مرتکب از نوع تعزیر و خفیف‌تر می‌شود، یعنی بزه‌دیده به طور غیرمستقیم کمتر مورد حمایت کیفری قرار می‌گیرد.

در حقیقت در بزه‌دیده‌شناسی علمی، **بزه‌دیده به عنوان عامل جرم** مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در اینگونه از بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیده به عنوان عامل جرم یعنی فراهم کننده موقعیت ارتکاب جرم یا بسترساز بزه‌دیده‌گی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این رویکرد به بزه‌دیده در قلمرو جرم‌شناسی با عنوان **بزه‌دیده‌شناسی علمی، بزه‌دیده‌شناسی اولیه و بزه‌دیده‌شناسی علت‌شناختی** بررسی می‌شود. به عنوان مثال دیگر در این خصوص می‌توان به برخی از نزاع‌ها اشاره داشت که در آن، بزه‌دیده با به‌کارگیری سخنانی که موجب تحریک مرتکب می‌شود، در بزه‌دیدگی خود به عنوان عامل جرم، شناخته می‌شود.

دوم) بزه‌دیده‌شناسی حمایتی - ثانویه: در بزه‌دیده‌شناسی ثانویه، بزه‌دیده مستحق حمایت است. به این معنا که بزه‌دیده علاوه بر اینکه ممکن است به عنوان عامل در فرآیند ارتکاب جرم مطالعه شود، از حقوقی نیز برخوردار است و باید حمایت شود. بزه‌دیده در فرآیند رسیدگی کیفری، به موجب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، دارای حقوق مادی - معنوی است که مورد حمایت قرار می‌گیرد. این رویکرد، به بزه‌دیده‌شناسی حمایت‌محور یا بزه‌دیده‌شناسی ثانویه مشهور است.

در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، حمایت‌های معنوی، عاطفی، مادی و روانی مطرح است که «بنیامین مندلسون» نیز آن را مطرح کرده است. بدین معنا که بزه‌دیده با تحمل جرم، آرامش روانی خود را از دست داده و با مجازات مرتکب، التیام نمی‌یابد، بلکه به مراقبت‌ها و درمان‌های روانی نیاز دارد تا به وضع پیش از تحمل جرم و آثار آن اعاده گردد. به‌عنوان مثال، در تجاوز جنسی، بزه‌دیده علاوه بر خسارت‌های مادی، خسارت روانی شدید را متحمل شده است که التیام آن، طولانی مدت است.^۱ در کشورهای غربی، انجمن‌ها، سازمان‌ها و نهادهای جامعه‌ی و غیردولتی متشکل از بزه‌دیدگان سابق وجود دارد که به کمک این بزه‌دیدگان آمده و به آن‌ها کمک و مشاوره روانی می‌دهند.

۱. ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹: خسارت معنوی ذکر شده است. در این مورد، حیثیت انسانی

دچار خسارت و صدمه شده است و نیاز به جبران دارد.

مباحثی در علوم جنایی ۲۷

به عنوان مثال، در زنا با محارم (که رقم سیاه آن بالا است) نتایج زیان بار بالا است و فرد بزه دیده نیاز به کمک و حمایت روانی دارد که این امر نیازمند فرآیند تخصصی درمان و التیام است؛ به این معنا که حمایت‌های کیفری، مادی و معنوی کافی نیست؛ بلکه، حمایت‌های عاطفی - روانی نیز لازم است. در پرونده خون‌های آلوده، دادگاه برای اولین بار، شاکیان را مستحق دریافت خسارت معنوی می‌داند؛ زیرا، مبتلایان به ویروس ایدز با نوعی بدبینی در جامعه روبه‌رو می‌شوند و حیثیت آنان خدشه‌دار می‌شود، اما مشکلات عاطفی و روانی آنان با دریافت خسارت معنوی جبران نمی‌شود، بلکه نیاز به حمایت‌های عاطفی - روانی دارند. بدین‌سان، در پرتو مطالعات بزه‌دیده‌شناسی حمایت‌محور یا بزه‌دیده‌شناسی ثانویه سیاستگذاران جنایی ایران^۱ برپایه ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مطالبه زیان معنوی^۲ را در کنار زیان مادی به رسمیت شناخته‌اند.^۳

پ: فلسفه کیفری

فلسفه کیفری به عنوان شاخه سوم علوم جنایی که به مطالعه بسترهای نخستین آموزه‌های کیفری می‌پردازد، در حقیقت در صدد تبیین چیستی کیفر و چرایی مجازات کردن و تنبیه نمودن است. از این‌رو، اگر از منظر تاریخی به فلسفه کیفری نگریسته شود، مشاهده می‌گردد که «سقراط» و «افلاطون» معتقد بر جنبه تربیت‌مدار بودن کیفر و «ارسطو» قائل به سودمندی مجازاتها هستند. حال آن‌که در گذر زمان و پیدایش اندیشه‌های مدرن در قلمرو فلسفه مجازاتها، هر یک از اندیشمندان، دیدگاهی خاص در خصوص کیفر و کیفردهی به بزه‌کاران داشته‌اند. به عنوان مثال، تحت تأثیر اندیشه‌های «بتنام» امکان تعریف و توصیف رسالت‌های پیشگیری عام (جمععی) و پیشگیری خاص (فردی) مجازات فراهم شد.^۴

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد تولد و تحول بزه‌دیده‌شناسی در ایران رک: شیرینی، عباس، تاریخ تحولات واژه‌شناسی و علمی بزه‌دیده‌شناسی در ایران، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیرنظر»، دایره المعارف علوم جنایی - مجموعه مقالات، نشر میزان، تهران، کتاب چهارم، چاپ اول، ۱۳۹۸، ص ۱۹۵ و بعد.
۲. تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.
۳. ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.
۴. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ ششم، تابستان ۱۴۰۲، صص ۲۱۱ و ۲۱۲.

ت: سیاست جنایی

در پایان، شاخه چهارمی که به‌عنوان آخرین رشته علوم جنایی مطرح می‌شود، دانشی است که حقوقدانان جرم‌گرا آن را **سیاست کیفری** و حقوقدانانی که با مباحث جرم‌شناسی و حقوق بشر آشنایی دارند، **سیاست جنایی**^۱ می‌نامند. به‌طور کلی، سیاست جنایی در بردارنده مطالعه اقدام‌ها و تدبیرهای متنوعی است که دولت و نهادهای جامعه‌ی (جامعه مدنی) به‌صورت مستقل و یا از گذر مشارکت یکدیگر برای پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه اعم از «جرم» و «انحراف»، پیشگیری از آن، حمایت از بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم پیش‌بینی می‌کنند و اعمال آن‌ها را به‌عنوان پاسخ به وضعیت‌های پیش‌جنایی، انحرافات، جرایم و نیز ترمیم آثار زیانبار جرم - از جمله پیشگیری از تکرار جرم - در چارچوب مراجع رسمی - به‌عنوان مثال - دادگاه‌ها یا نهادهای مشارکتی مانند شوراهای حل اختلاف با آیین‌های خاص هر یک، پیشنهاد می‌کند. به‌طور کلی و به‌بیان

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حقوق کیفری آرای سیاست جنایی در پرتو راهبرد سیاست عمومی، در: مهر، نسرین و نیازپور، امیرحسین «به کوشش»، حقوق کیفری پویا - مجموعه مقاله‌ها در پاسداشت استاد دکتر محمدعلی اردبیلی، نشرمیزان، تهران، چاپ اول، ۱۴۰۱، ص ۱۰۷۷ و بعد؛ دلماس - مارتی، می‌ری، نظام های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشرمیزان، تهران، چاپ پنجم، ۱۴۰۲؛ لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشرمیزان، تهران، چاپ یازدهم، ۱۴۰۲؛ دلماس - مارتی، می‌ری، از حقوق جزا تا سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله نامه مفید، دانشگاه مفید، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۷۶، صص ۱۷۹ - ۱۹۴؛ گسن، ریمون، بحران سیاست‌های جنایی کشورهای غربی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۷۱، صص ۲۷۵ - ۳۳۶؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی، در: نیازپور، امیرحسین «به کوشش»، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، نشرمیزان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۸، صص ۵۵۳ - ۵۷۴؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی سازمان ملل متحد، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸، دی ۱۳۷۵، صص ۲۸۷ - ۳۵۵؛ لواسور، ژرژ، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۱ و ۱۲، سال ۷۲ - ۱۳۷۱، صص ۳۹۵ - ۴۳۶؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درآمدی بر جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، تهران، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۷۹، صص ۱۱ - ۳۴؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی، در: علوم جنایی - برگزیده مقالات آموزش برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران - کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، انتشارات سلسبیل، قم، جلد دوم، چاپ اول، بهار ۱۳۸۴، صص ۲۰۵ - ۲۷۱؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی - گفتگو، مجله تعالی حقوق، مجله تعالی حقوق، سال اول، شمار اول، مهر ۱۳۸۵، صص ۱۶ - ۲۲، قابل دسترس در: www.lawtest.ir؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی (سیاست کیفری عمل‌گرا - عوام‌گرا) تهیه و تنظیم: زینب باقری‌نژاد، سال تحصیلی ۹۰ - ۱۳۸۹، در: ابراهیمی، شهرام «به کوشش»، مباحثی در علوم جنایی - مجموعه تقریرات درس استاد علی حسین نجفی ابرندآبادی، ویراست هفتم آذر ۱۳۹۱، صص ۱۸۳۸ - ۱۷۲۵، قابل دسترس در همان منبع.

مباحثی در علوم جنایی ۲۹

دیگر، سیاست جنایی عبارت است از مطالعه نظری - عملی اشکال مختلف کنترل اجتماعی جرم که این اشکال گاه جنبه کُنشی مانند تدابیر پیشگیرانه و گاه جنبه واکنشی دارد که در قالب مجازاتها یا اقدامات تأمینی متبلور می‌گردد. بر این اساس، هرگاه سیاست جنایی^۱ در معنای مضیق آن مطرح شود، صرفاً ناظر بر اقدامات و تدابیر سرکوب‌گر و کیفری است که در این معنا «سیاست کیفری»^۲ نامیده خواهد شد و هرگاه در معنای موسع متجلی گردد، شامل کلیه تدابیر و اقدامات پاسخ‌دهنده اعم از تدابیر سرکوب‌گر و غیر سرکوب‌گر می‌گردد.

پس از بررسی مختصر شاخه‌های علوم جنایی، می‌توان اینگونه بیان کرد که علوم جنایی تجربی در واقع، جرم و مجازات را در دنیای عمل مطالعه و تجزیه می‌کنند. بنابراین، اگر در علوم جنایی حقوقی صحبت از جرم - به‌عنوان مثال سرقت - است، در علوم جنایی تجربی سخن از تفکیک سرقت از غیرسرقت از یک‌سو و علت یا علل سارق شدن فرد مرتکب از سوی دیگر است. بدین‌سان، در علوم جنایی تجربی، جرم به‌طور ملموس درک می‌شود. از این‌رو، از آنجایی که قانونگذار با توجه به اینکه نمی‌داند افراد با چه جنسیت و در چه سنینی مرتکب جرم مانند قتل یا سرقت می‌شوند، در قانون یک تعریف غیرشخصی و عام ارائه می‌دهد. به‌همین دلیل، هیچ‌گاه در قانون مجازات از قاتل یا سارق صحبت نمی‌شود؛ بلکه، به‌طور عام قتل یا سرقت تعریف می‌شود و بدین‌سان، مصادیق هر یک تعیین نمی‌شود؛ زیرا، تعداد مصادیق جرم به تعداد مرتکبین جرم متفاوت است.

1. Criminal Policy
2. Penal Policy

جدول رشته‌های تخصصی تشکیل دهنده علوم جنایی^{۱ و ۲}

علوم جنایی حقوقی	شاخه‌های اصلی	حقوق کیفری عمومی حقوق کیفری اختصاصی آیین دادرسی کیفری حقوق اجرای مجازاتها																															
	شاخه‌های تکمیلی	حقوق کیفری خاص یا فنی: مانند حقوق کیفری فناوری اطلاعات و ارتباطات (حقوق سایبر)، حقوق کیفری کسب و کار، حقوق کیفری محیط زیست و... حقوق کیفری بین‌المللی حقوق کیفری منطقه‌ای (حقوق کیفری اروپا و...) تاریخ حقوق کیفری حقوق کیفری تطبیقی																															
علوم جنایی تجربی	علوم انسانی (علوم جرم‌پژایی) یا علوم زمین (رشد و پدیده‌های جرم‌پژایی)	شیمی قانونی، پلیس علمی، پزشکی قانونی، انگشت‌نگاری قانونی، خط‌شناسی قانونی، اسلحه‌شناسی قانونی، گلوله‌شناسی قانونی و... آزمون‌های (تست‌های) روانشناسی، نیمرخ‌شناسی (نیمرخ‌نگاری)، چهره‌شناسی (چهره‌نگاری) برای شناسایی مرتکب و گاه بزه‌دیده و تشخیص مرتکب (بزه‌کار) از غیرمرتکب (بزه‌ناکرده) و بزه‌دیده از بزه‌نادیده در مراحل پلیسی، تعقیب، تحقیقات و...																															
	علوم تحلیلی (تفسیری)	<table border="1"> <tr> <td rowspan="2">نظری</td> <td>عمومی</td> <td>خرد مطالعه جرم به عنوان یک پدیده فردی ارتکاب یافته توسط یک شخص یا یک گروه از اشخاص.</td> </tr> <tr> <td>تخصصی</td> <td>کلان؛ مطالعه «بزهکاری» یعنی مجموعه جرایم ارتکاب یافته در زمان معین و در مکان معین (یک کشور، یک استان یا یک شهر).</td> </tr> <tr> <td rowspan="4">جرم‌شناسی و رشته‌های مرتبط</td> <td>تخصصی</td> <td>مانند زیست‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی، روانشناسی جنایی، روانپزشکی جنایی و...</td> </tr> <tr> <td>اختصاصی</td> <td>مانند جرم‌شناسی سرقت، جرم‌شناسی قتل</td> </tr> <tr> <td>جرم‌شناسی‌های انتقادی*</td> <td>مانند جرم‌شناسی محکومان، جرم‌شناسی سبز، جرم‌شناسی فرهنگی و...</td> </tr> <tr> <td>کاربردی</td> <td>جرم‌شناسی بالینی (بازپروری بزهکاران = پیشگیری از تکرار جرم)</td> </tr> <tr> <td rowspan="3">فلسفه کیفری</td> <td>جرم‌شناسی اجتماعی</td> <td>پیشگیری اجتماعی</td> </tr> <tr> <td>پیشگیری وضعی</td> <td>پیشگیری وضعی</td> </tr> <tr> <td>جرم‌شناسی حقوقی یا به تعبیر استاد گسن جرم‌شناسی سیاست جنایی و نهادهای حقوق کیفری ماهوی و شکلی</td> <td></td> </tr> <tr> <td rowspan="2">سیاست جنایی</td> <td>بزه‌دیده‌شناسی؛ بزه‌دیده‌شناسی علت‌شناختی (علمی یا بزه‌دیده‌شناسی اولیه)</td> <td></td> </tr> <tr> <td>اسباب اجتماعی‌شناسی (زمین‌پوشی)*</td> <td></td> </tr> <tr> <td></td> <td>کیفرشناسی</td> <td></td> </tr> <tr> <td></td> <td>جامعه‌شناسی کیفری</td> <td></td> </tr> </table>	نظری	عمومی	خرد مطالعه جرم به عنوان یک پدیده فردی ارتکاب یافته توسط یک شخص یا یک گروه از اشخاص.	تخصصی	کلان؛ مطالعه «بزهکاری» یعنی مجموعه جرایم ارتکاب یافته در زمان معین و در مکان معین (یک کشور، یک استان یا یک شهر).	جرم‌شناسی و رشته‌های مرتبط	تخصصی	مانند زیست‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی، روانشناسی جنایی، روانپزشکی جنایی و...	اختصاصی	مانند جرم‌شناسی سرقت، جرم‌شناسی قتل	جرم‌شناسی‌های انتقادی*	مانند جرم‌شناسی محکومان، جرم‌شناسی سبز، جرم‌شناسی فرهنگی و...	کاربردی	جرم‌شناسی بالینی (بازپروری بزهکاران = پیشگیری از تکرار جرم)	فلسفه کیفری	جرم‌شناسی اجتماعی	پیشگیری اجتماعی	پیشگیری وضعی	پیشگیری وضعی	جرم‌شناسی حقوقی یا به تعبیر استاد گسن جرم‌شناسی سیاست جنایی و نهادهای حقوق کیفری ماهوی و شکلی		سیاست جنایی	بزه‌دیده‌شناسی؛ بزه‌دیده‌شناسی علت‌شناختی (علمی یا بزه‌دیده‌شناسی اولیه)		اسباب اجتماعی‌شناسی (زمین‌پوشی)*			کیفرشناسی			جامعه‌شناسی کیفری
نظری	عمومی	خرد مطالعه جرم به عنوان یک پدیده فردی ارتکاب یافته توسط یک شخص یا یک گروه از اشخاص.																															
	تخصصی	کلان؛ مطالعه «بزهکاری» یعنی مجموعه جرایم ارتکاب یافته در زمان معین و در مکان معین (یک کشور، یک استان یا یک شهر).																															
جرم‌شناسی و رشته‌های مرتبط	تخصصی	مانند زیست‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی، روانشناسی جنایی، روانپزشکی جنایی و...																															
	اختصاصی	مانند جرم‌شناسی سرقت، جرم‌شناسی قتل																															
	جرم‌شناسی‌های انتقادی*	مانند جرم‌شناسی محکومان، جرم‌شناسی سبز، جرم‌شناسی فرهنگی و...																															
	کاربردی	جرم‌شناسی بالینی (بازپروری بزهکاران = پیشگیری از تکرار جرم)																															
فلسفه کیفری	جرم‌شناسی اجتماعی	پیشگیری اجتماعی																															
	پیشگیری وضعی	پیشگیری وضعی																															
	جرم‌شناسی حقوقی یا به تعبیر استاد گسن جرم‌شناسی سیاست جنایی و نهادهای حقوق کیفری ماهوی و شکلی																																
سیاست جنایی	بزه‌دیده‌شناسی؛ بزه‌دیده‌شناسی علت‌شناختی (علمی یا بزه‌دیده‌شناسی اولیه)																																
	اسباب اجتماعی‌شناسی (زمین‌پوشی)*																																
	کیفرشناسی																																
	جامعه‌شناسی کیفری																																

- این نمودار بر مبنای نمودار استاد لاسال در مرداد ۱۴۰۲ روزآمد شده است. رک: لاسال، ژان - ایو، تحولات علوم جنایی و آموزش و تحقیقات جرم‌شناسی در فرانسه، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۱ و ۳۲، ۱۳۷۹، ص ۲۴۷.
- در اینجا یعنی علوم راجع به بزه، بزه‌کاری، بزه‌دیده، بزه‌کار، کیفر و رشته‌های حقوقی و علمی مرتبط با آن‌ها است. جدول مستخرج از نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **سیاست جنایی: از مدل‌ها تا جنبش‌ها، دیباچه در: دلماس - مارتی، مری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی**، نشر میزان، تهران، چاپ نهم، ۱۴۰۲، ص ۴۸ و بعد.
- برای مطالعه بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم، دیباچه در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی**، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ هشتم، ۱۴۰۲.

فصل دوم

موضوع‌های مطالعاتی علوم جنایی

مسائل و موضوعات گوناگونی مانند مسائل کیفری، مدنی، بازرگانی و... در قوه قضائیه و وزارت دادگستری مطرح می‌شوند. شاخص عدالت، کیفر و مسائل مربوط به بزهکاری است؛ زیرا، مسائل مرتبط با علوم جنایی به انسان یعنی از یک سو، با حیات او و از سوی دیگر، با حقوق و آزادی‌های فردی مواجه است. این امر، بدین معنا نیست که اهمیت امور حقوقی از موضوع‌های کیفری کمتر است؛ اما، از آنجایی که عدالت، یک فرد و جامعه را بیشتر متأثر می‌کند، جامعه نسبت به آن حساس‌تر است. چه آن‌که، با نگاهی به قوه قضائیه ایران، در روزنامه‌ها و به‌طور کلی رسانه‌ها، کمتر از حکم تخلیه و... سخن مطرح است و این مسائل کیفری است که بیشتر، افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و چنانچه از قوه قضائیه نارضایتی نیز وجود دارد، غالباً به آرای کیفری مربوط است. بنابراین، عدالت کیفری در مقام حفظ نظم اجتماعی و تضمین حقوق فردی افراد، همواره موضوع گفتگوی جامعه و شهروندان است. سرانجام، مخاطب فعل مجرمانه بزه‌دیده بوده و او است که به‌طور مستقیم از جرم متأثر می‌شود. بنابراین، بحث از عدالت کیفری در واقع، بحث همیشگی است و اعتبار و عدم اعتبار دستگاه قضائی را به‌دنبال دارد.

موضوع و رسالت علوم جنایی از یک سو، مطالعه و بررسی انسانی است که به‌دلیل ارتکاب رفتار مجرمانه به وصف بزهکار متصف شده و از سوی دیگر، همین انسان بزهکار، انسانی اجتماعی است. جرم نیز مفهومی حقوقی و اجتماعی دارد. باید توجه داشت که جرم، در جامعه معنا پیدا می‌کند و بنابراین، در علوم جنایی در کنار بزهکار که پیش از ارتکاب جرم، فردی عادی بوده است، محیط پیرامون او هم مورد توجه قرار می‌گیرد؛ زیرا، انسان بزهکار محصول پرورش محیطی است که در آن رشد و نمو پیدا کرده است. بنابراین، به مجرم، جامعه و شخص که قربانی عمل مجرمانه واقع شده است، پرداخته می‌شود. از این رو، در علوم جنایی، ابتدا مجرم، سپس محیط پیرامون او و در نهایت بزه‌دیده، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

بزهکار، بزه‌دیده و محیط، خود، پیرامون یک وصف مجرمانه یا جرم جمع می‌شوند؛ به این دلیل که قانونگذار فعل یا ترک فعلی را به‌صورت اعتباری (جرائم قراردادی) یا به‌دلیل فطرت انسانی (جرائم فطری - تاریخی) جرم دانسته است. در زبان جرم‌شناسی از **بزهکاری** سخن به میان می‌آید. بزهکاری، اصطلاحی است که سه تعریف دارد:

۱. بزهکاری به‌معنای جمع جرائم بوده که یک معنای کلی است.

۳۲ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

۲. در معنای جامعه‌شناسی جنایی، بزهکاری مجموعه جرایمی است که در زمان و مکان معین ارتکاب یافته است.

۳. بزهکاری به معنای مجرمیت است که در آرای دادگاه‌ها به کار می‌رود. در زبان انگلیسی، واژه «Criminality» وجود دارد که در واقع از واژه «Crime» گرفته شده است و شامل جنایات می‌شود و برخی آن را به جنایت‌کاری ترجمه کرده‌اند.

در کنار «Criminality» واژه دیگری به نام «delinquency» وجود دارد که در زبان فارسی می‌توان به آن جنحه‌کاری اطلاق نمود که این تفکیک در فرانسه نیز وجود دارد. زمانی که صحبت از جرایم ارتكابی از سوی اطفال مطرح است از واژه «juvenile delinquency» استفاده می‌شود؛ زیرا، این جرایم ارتكابی یا از نوع جرایم سبک بوده و یا آن‌که نقش آن‌ها در ارتكاب جرم فعال نیست؛ ولی، در جرم‌شناسی صرف‌نظر از این تفکیک گاه اصطلاح «criminality» و گاه «delinquency» به کار برده می‌شود و این دو واژه در کنار یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

جرم، رفتاری است که در جامعه‌ای معین و در زمانی خاص به لحاظ ملاحظات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و گاه بین‌المللی توسط قانونگذار واجد وصف مجرمانه شده و به صفت کیفری متصف می‌گردد که به این امر جرم‌انگاری گویند. یعنی فرآیندی که به وسیله آن، رفتارهای جدیدی به موجب قوانین کیفری، مشمول قانون مجازات قرار می‌گیرد، بدین‌روی، جرم‌انگاری خود، بحث مهمی در قلمرو سیاست جنایی است.

ناگفته پیداست - همان‌گونه که در مباحث ابتدایی اشاره شد - دسته‌ای از جرایم، به گواهی تاریخ حقوق کیفری، همواره در تاریخ چهار هزار ساله حقوق کیفری، جرم بوده‌اند که به آن‌ها «جرایم طبیعی» یا «جرایم فطری» یا «جرایم سنتی - کلاسیک» یا «جرایم تاریخی»^۱ گفته می‌شود، مانند قتل نفس و سرقت؛ اما، واکنش و پاسخ به این جرایم، همواره در طول تاریخ متفاوت بوده است. به‌عنوان مثال، در قانون‌نامه حمورابی برای مرتکبین قتل، مجازات اعدام لحاظ شده بود؛ ولی، این رویکرد در قانون‌نامه هیتی‌ها تعدیل شده و به دیه بدیل گردید.

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، قوانین هیتی‌ها: جلوه‌ای از تمدن حقوقی خاور باستان، در: هافتر، هری، قوانین هیتی‌ها، ترجمه فرناز اکبری رومنی، انتشارات حقوقی، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۵ و بعد؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس تاریخ حقوق کیفری، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: ایرج خلیل‌زاده و سید پوریا موسوی، سال تحصیلی ۸۵ - ۱۳۸۴، قابل دسترس در: www.lawtest.ir

مباحثی در علوم جنایی ♦ ۳۳

در کنار این دسته از جرایم، «جرایم ساختگی» یا «قراردادی» قرار دارند که به اعتبار زمان متفاوت هستند.^۱ شاید از بدو تولد حقوق کیفری تا دو یا سه قرن اخیر، همواره عملی به نام ساحری، جرم بسیار شدیدی بود و مجازات شخص ساحر، اعدام لحاظ شده بود؛ اما، امروزه این عمل، تا زمانی که عنوان کلاهبرداری را نداشته باشد، جرم نیست و حتی از نظر برخی، پسندیده نیز می‌باشد.

بدین ترتیب، پاره‌ای از جرایم، همواره در طول تاریخ حقوق کیفری ثابت بوده‌اند؛ اما، دسته‌ای دیگر، مدتی به وجود آمده و پس از مدتی از بین رفته‌اند. لذا فرآیند جرم‌انگاری و جرم‌زدایی همیشه نسبت به جرایم اعتباری وجود داشته است. به هر ترتیب، پیش از آن‌که شخصی متّصف به وصف مجرمانه شود، باید رفتاری را مرتکب شود که پیشتر در قانون جرم تلقی شده باشد.

افزودنی است که «گاروفالو»، نخستین حقوقدانی بود که اصطلاح «جرم طبیعی» و «مصنوعی» را به کار برد. او معتقد بود که «جرایم فطری» دو خصیصه دارند و دو احساس و غریزه بشری یعنی «غریزه شفقت و نوع‌دوستی» مانند جرم قتل و زنا به عنف و «غریزه تقوا و درست‌کاری در رابطه با خود و دیگری» مانند سرقت و کلاهبرداری را خلدشه‌دار می‌کنند.

بر اساس تقسیم بندی «استاد گسن» می‌توان گفت که جرایم از دو حالت خارج نیستند. بدین‌روی یا جرایم ارتكابی از نوع «جرایم خشونت‌بار» هستند و آن زمانی است که انسان اجتماعی از قدرت زور و نیروی فیزیکی خود سوء استفاده کند و به جرمی مانند قتل که جرمی خشونت‌بار است، مبادرت می‌ورزد. در مقابل سوء استفاده از زور، سوء استفاده از زیرکی وجود دارد؛ یعنی، فردی که شطرنج بازی می‌کند از زیرکی خود بهره می‌برد؛ اما، زمانی که از زیرکی خود، سوء استفاده کند و تقلب انجام دهد، دسته دوم جرایم یعنی «جرایم فسفوری» را مرتکب گردیده است.

به هر ترتیب، بزهکاری، صرف‌نظر از نوع و اهمیت آن و اینکه طبیعی یا اعتباری و یا آن‌که، ناشی از سوء استفاده از قدرت یا سوء استفاده از زیرکی باشد، یکی از منابع ناامنی در جامعه خواهد بود. ناامنی، لزوماً ناشی از افزایش ارتكاب جرم نیست؛ بلکه، امکان دارد که ناشی از احساس ناامنی باشد. احساس ناامنی نیز که در نظرسنجی‌های اخذ شده از سوی شهروندان بیان می‌شود، مورد توجه قرار می‌گیرد. بخشی از ناامنی‌های موجود در هر جامعه، ناشی از تجربه‌های فردی مستقیم و یا غیرمستقیم بزه‌دیدگی افراد است. بدین توضیح که عده‌ای از افراد، در مقطع‌هایی از زمان، خود،

۱. رک: گسن، ریمون، آیا جرم وجود دارد؟، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۹ و ۳۰، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۶۱ و بعد.

۳۴ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

بزه‌دیده واقع شده یا آن‌که شاهد ارتکاب جرم و بزه‌کاری بوده‌اند که این دسته، همواره احساس ناامنی می‌کنند و بدین‌سان، ارتکاب جرم، موجب دل‌نگرانیِ تابعان حقوق کیفری است. همچنین، از آنجایی که برقراری امنیت وظیفه دولت‌ها است از این‌رو، باعث دل‌مشغولی و نگرانی دولت‌ها نیز می‌شود.

به‌هر ترتیب، علوم جنایی شامل مجموعه رشته‌ها یا دیسپلین‌هایی است که اگرچه موضوع آن‌ها جرم، مجرم و محیط مجرمانه است؛ اما، روش‌های مطالعاتی خود را از علوم اجتماعی می‌گیرند. با این وجود، این علوم، روش‌های مطالعاتی مختلف را استفاده می‌کرده و استقبال نسبی کسب نموده‌اند. به‌عنوان مثال، در علوم جنایی از علم ریاضی در بحث آمار جنایی استفاده می‌شود، با پیشرفت ریاضی، در علوم جنایی نیز تحول به وجود آمده است. از زیست‌شناسی نیز استفاده می‌شود و با تحول آن در زمینه کروموزوم‌ها، در جرم‌شناسی نیز تحول به‌وجود می‌آید؛ ولی، اینگونه نیست که روش‌های ریاضی یا زیست‌شناسی بدون هیچگونه تغییری در علوم جنایی به‌کار گرفته شوند.

باید افزود که امروزه، علوم جنایی دامنه مطالعات خود را به مطالعه مقوله‌ای به نام **انحراف** نیز گسترش داده است. انحراف، کجروی یا کژمداری معادل واژه **deviance** است. علی‌الاصول، انحراف از حقوق کیفری خارج است؛ زیرا، دارای وصف مجرمانه نیست؛ اما، از آنجایی که می‌تواند، زمینه‌ای برای رفتار مجرمانه باشد، در برخی از شاخه‌های مختلف جرم‌شناسی، برخی از جلوه‌های آن مانند تکدی‌گری و ولگردی نیز مطالعه می‌شوند.

تفاوت میان **انحراف** و **جرم** در این است که جرم، دارای ضمانت‌اجرای قانونی است که در قانون پیش‌بینی شده و غالباً قهرآمیز است؛ اما، انحراف نقض هنجارهایی است که ضمانت‌اجرای آن جامعه‌ی و مدنی است، ولی در عین حال، انحراف و جرم در یک امر، یعنی پشت کردن به هنجارهای اجتماعی مورد پذیرش مردم، مشترک هستند. خواه آن‌که این هنجارها شکل تقنینی به خود گرفته و ضمانت‌اجرای کیفری داشته باشد و خواه آن‌که فاقد این ضمانت اجرا باشد.

خاطر نشان می‌گردد، انحراف به آن درجه از ارزش نرسیده است که توسط قانونگذار برای آن، ضمانت‌اجرای کیفری تعیین شود؛ ولی، از آنجایی که برخی از انواع انحرافات می‌توانند، زمینه‌های ارتکاب جرایم را در آینده به وجود آورند، مورد مطالعه قرار می‌گیرند. البته، برخی از انحرافات به دلیل بهره‌مندی از خطرناکی بالقوه و به این جهت که در آینده، خطرناک محسوب می‌شوند، در قانون جرم‌انگاری می‌شوند که به آن‌ها **جرایم مانع** گفته می‌شود. بدین‌سان، جرایم مانع، جرایمی هستند که فرد را در آستانه ارتکاب جرم اصلی قرار داده و خطر بالقوه آن‌ها زیاد است. به‌عنوان مثال،

مباحثی در علوم جنایی ۲۵

جرم‌انگاری حمل سلاح غیرمجاز^۱ جرمی بازدارنده است؛^۲ زیرا، باعث ایجاد مانع در ارتکاب جرم دیگری مانند قتل می‌شود. به هر ترتیب، رفتارهای خطرناک تا زمانی که دارای وصف مجرمانه نباشند از قلمرو حقوق کیفری خارج هستند ولی در جرم‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

در علوم جنایی، در کنار جرم و انحراف، مؤلفه دیگری به نام **ناسازگاری** یا **عدم انطباق** نیز وجود دارد. ناسازگاری که حالت‌های مختلفی دارد عبارت است از عدم توانایی یک انسان در واکنش موزون به یک عمل اجتماعی و شرایطی که در یک لحظه به وجود می‌آید. ناسازگاری ممکن است، حالت عدم توانایی جسمانی یا روانی فرد در انطباق با محیط باشد. همچنین ممکن است که ناسازگاری در عدم توانایی در جذب و ادغام فرد در جامعه و یا آن‌که دلیل ناسازگاری به جهت تعارض فرد با جامعه باشد. این ناسازگاری‌ها جرم نیستند اما، می‌توانند جلوه‌های اولیه بزهکاری و رفتارهای مجرمانه به‌شمار آیند. به عبارت دیگر، شناسایی ناسازگاری می‌تواند حکایت از وجود مشکلات ساختاری در جامعه یا مشکلات ارزشی در فرد یا جامعه داشته باشد، به همین دلیل در **بزهکاری اطفال** بسیاری از جرم‌شناسان عبارت «ناسازگاری» را به‌کار می‌برند؛ زیرا، معتقدند که چه‌بسا، رفتارهای مجرمانه اطفال و نوجوانان حاکی از اعتراض و ناسازگاری آن‌ها با والدین، خانه و مدرسه باشد. از این‌رو، به دلیل آن‌که، عنوان واژه «بزهکار» تبعات و بار اجتماعی منفی برای طفل و نوجوان دارد، پیشنهاد می‌کنند که برای اطفال تا سنی خاص، از لفظ بزهکار پرهیز شود و بدین‌سان، از الصاق برچسب مجرمانه پیشگیری به عمل می‌آید تا با واکنش منفی جامعه همراه نباشد.

درس «حقوق کیفری کودکان و نوجوانان» در واقع، مطالعه ناسازگاری اطفال و نوجوانان است؛ زیرا، آن‌ها، دارای یک شخصیت پرورش یافته نیستند و در واقع، شخصیت آن‌ها در حال شکل‌گیری و تحول هستند. از این‌رو، پاسخ‌های حقوق و نظام عدالت کیفری به این دسته از رفتارها باید تدریجی باشد و این پاسخ‌های تدریجی، عمدتاً نباید صبغه کیفری داشته باشد؛ چه آن‌که، این رویکرد تدریج‌گونه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مورد پذیرش قرار گرفته است.

۱. ماده ۶ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰/۶/۸ مقرر می‌دارد: هر کس به طور غیرمجاز سلاح گرم یا سرد جنگی یا سلاح شکاری یا قطعات مؤثر یا مهمات آنها را خریداری، نگهداری یا حمل نماید یا با آنها معامله دیگری انجام دهد، به ترتیب زیر به حبس تعزیری محکوم می‌شود:...

۲. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، نقش ریاضیات در آغاز و گسترش مطالعات علمی جرم، دیپاچه در: عباچی، مریم «به کوشش»، دایره المعارف ریاضیات و علوم جنایی - مجموعه مقالات در یادنامه شادروان مریم میرزاخانی، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۰، ص ۱۵ و بعد.

بدین ترتیب، ناسازگاری می‌تواند در حالات مختلفی بیان شود و حاکی از مشکلات اساسی فرد در ورود و الحاق به جامعه و عدم توانایی فرد در همزیستی با دیگران باشد. بنابراین، از آنجایی که ناسازگاری می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب جرم باشد، به مطالعه و بررسی آن پرداخته می‌شود مانند دیوان‌نویسی، بی‌نزاکتی اجتماعی، اعمال غیرمندی.^۱

میان جرم، انحراف و ناسازگاری یک وجه اشتراک و یک وجه افتراق وجود دارد. از این جهت که هر سه حالت، نوعی فاصله گرفتن از هنجارهای اجتماعی هستند، با هم مشترک می‌باشند؛ اما، آن‌گاه که این پشت کردن به هنجارها، جنبه فعال یعنی ضدیت با هنجار به خود می‌گیرد، به صورت جرم می‌شود. به این معنا که مرتکب ارزش اساسی جامعه را به طور آشکار یا پنهان نقض می‌کند. حال آن‌که انحراف، نوعی حالت انفعالی است که ضمانت‌اجرای کیفری یا حتی حقوقی ندارد و صرفاً با ارزش اخلاقی و اجتماعی مرتبط است. در واقع، ناسازگاری نوعی انحراف است که امکان دارد ریشه اجتماعی، روان‌شناسی یا فرهنگی داشته باشد. بنابراین، میان ناسازگاری و انحراف فاصله‌ای نیست.

عده‌ای از جرم‌شناسان معتقدند که ناسازگاری، انحراف و جرم، در زمان توزیع می‌شوند. بدین معنا که انسان، ابتدا ناسازگار شده، سپس منحرف گردیده و پس از آن مجرم می‌شود. در این چارچوب، این دسته از جرم‌شناسان سعی می‌کنند که این سه نوع رفتار نابهنجار را در زمان تعریف کنند، به این معنا که ناسازگاری خود را در کودکی و کژروی خود را در آغاز نوجوانی نشان می‌دهند و در بزرگسالی جرم صورت می‌گیرد. بنابراین، ناسازگاری مخصوص دوران طفولیت، انحراف، مخصوص دوره نوجوانی و سرانجام بزهکاری ویژه دوران بزرگسالی است و بدین‌سان، بزهکاری تداوم و ادامه ناسازگاری و انحراف است.

با این وجود، این اندیشه از سوی عده‌ای مورد انتقاد قرار گرفت؛ به این دلیل که این رویکرد به نوعی، مستلزم جبرگرایی است؛ لکن، واقعیت آن است که چنین تصویری، همیشه درست نیست؛ زیرا، ایرادی که در علوم جنایی و به ویژه در جرم‌شناسی وجود دارد، بخش تاریک جرایم یا رقم سیاه بزهکاری است. این امکان وجود ندارد که جوامع و با هر اندازه از درجه پیشرفت و تکامل، تمامی جرایم و منحرفان را کشف کنند.

وجود رقم سیاه یا رقم خاکستری سبب می‌شود که اطلاعات به‌دست آمده از بزهکاری ناقص باشد و این اطلاعات، محدود به افرادی است که به‌عنوان دستگیر

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی و عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، دیپاچه در: بشیریه، تهمورث «به کوشش»، دانشنامه عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، نشر نگاه معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷، ص ۱۷ و بعد.

مباحثی در علوم جنایی ۳۷

شدگان وارد فرآیند کیفری می‌شوند و نمی‌توان اطلاعات آن را به دیگر افراد تسری داد و بنابراین، عدۀ زیادی از منحرفان و مجرمین شناخته نمی‌شوند. توضیح آن‌که، به‌طور کلی، دو نوع جرم یا انحراف به نام‌های جرایم و انحرافات آپارتمانی و جرایم و انحرافات‌های خیابانی وجود دارند. جرایم و انحرافات آپارتمانی، جرایمی هستند که در محیط‌های بسته ارتکاب می‌یابد و بنابراین، اکثر این جرایم و انحرافات شناخته و کشف نمی‌شوند. مضافاً آن‌که در برخی از جرایم هر دو طرف (کنشگران جرم یعنی بزه‌دیده و بزهکار) از منظر جامعه و قانون، بزهکار محسوب می‌شوند و به‌این جرایم در اصطلاح، **جرایم بدون بزه‌دیده**^۱ اطلاق می‌شود مانند جرایم جنسی (روابط نامشروع) که به‌دلیل مجرم بودن هر دو طرف، نوعاً از دید جامعه و قانون مخفی می‌ماند. اگرچه، در برخی از جوامع معمولاً جنس مونث، قربانی تلقی می‌شود؛ اما، از نظر قانون هر دو طرف قابل مجازات هستند. از این‌رو، در این قبیل جرایم و انحرافات، از آنجایی که نفع هر دو طرف در پنهان کردن عمل خود است، بسیاری از این اعمال شناسایی نمی‌شوند. بنابراین، به‌دلیل در دست نداشتن آمار واقعی و صحیح، نمی‌توان با قطعیت ابراز داشت که ناسازگاری مخصوص دورۀ طفولیت، انحراف مخصوص نوجوانی و بزهکاری ویژه بزرگسالی است.

در جرم‌شناسی، اعتقاد بر این است که عده‌ای حاشیه‌نشین وجود دارند و این حالت انفعال و حاشیه‌ای بودن آن‌ها حکایت از غیراجتماعی بودن آنان دارد؛ مانند فرد معتاد به مواد مخدر که یا خودکشی کرده و یا از صحنۀ رقابت اجتماعی کنار می‌رود و یا آن‌که به خود ضرر می‌رساند. در مقابل این افراد، کسانی وجود دارند که ضد اجتماعی هستند یعنی علیه تأسیسات، ارزش‌ها و باورهای جامعه به ارتکاب اعمالی به نام جرم اقدام کرده و مخالفت خود را نشان می‌دهند. برخی افراد حاشیه‌نشین، افراد خطرناکی هستند و به‌همین دلیل، برخی قانونگذاران برخی از این حالات را جرم‌انگاری می‌کنند.

بدیهی است که علاوه بر جرم، انحراف و تا حدی ناسازگاری شامل حالت و رفتاری می‌شوند که جامعه را به چالش می‌کشاند و مسأله‌ساز می‌باشند و جامعه به ناچار، باید برای این امور راه حل و سازوکارهایی را بیاندیشد. به همین جهت، این موارد در علوم جنایی، مورد مطالعه قرار می‌گیرند. به‌عنوان مثال، در خودکشی اگرچه فرد دیگران را نمی‌کشد؛ ولی، از آنجایی که برخی از این افراد دچار افسردگی هستند، ممکن است که پیش از کشتن خود، دیگران را نیز بکشند. لذا، در برخی از کشورها این پدیده جرم‌انگاری شده است.

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، رویکرد بزه‌دیده‌شناختی به بزه‌های بدون بزه‌دیده، در: رهامی، محسن «به کوشش»، جرایم بدون بزه‌دیده، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۱۵ و بعد.

۳۸ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

بدین ترتیب و به عنوان جمع‌بندی برای این موضوع باید بیان داشت که موضوع علوم جنایی از یک‌سو، شامل مطالعه جرم‌انگاری و جرم‌زدایی یعنی تولد، زندگی و مرگ جرم در قانون و از سوی دیگر، خودِ جرم، می‌باشد. بر این اساس، اگر جرم از منظر ارکان تشکیل دهنده مورد مطالعه قرار گیرد، موضوع حقوق کیفری عمومی است و اگر از نظر عناصر اختصاصی بررسی شود، حقوق کیفری اختصاصی موضوعیت پیدا می‌کند؛ اما، اگر به دنبال علل تکوین جرم - چرایی پیدایش و به‌وجود آمدن جرم - و بزهکاری باشد علم جرم‌شناسی مدنظر قرار می‌گیرد. بر این مبنا جرم، ملزوماتی دارد که یکی بزهکار و دیگری بزه‌دیده است. به عبارت دیگر، جرم صحنه یک تئاتر است که حداقل دو بازیگر یا کُنشگر دارد و در نهایت جامعه مطرح است؛ زیرا، جرم مفهومی حقوقی، انسانی و اجتماعی است. مفهومی حقوقی است از این جهت که در قانون تعریف شده و انسانی و اجتماعی است از این نظر که توسط انسان اجتماعی ارتکاب می‌یابد. بنابراین، از این جهت که جامعه می‌تواند در ارتکاب جرم مؤثر باشد و از آن تأثیر بپذیرد، در جرم‌شناسی بررسی می‌شود.

فصل سوم

اهمیت رشته‌های علوم جنایی

علوم جنایی، نه صرفاً در نظام حقوقی ایران بلکه در دیگر کشورهای حقوق نوشته و حتی کشورهای کامن‌لا در مقایسه با حقوق خصوصی و حقوق بین‌الملل از جایگاه بالاتری برخوردار است. علوم جنایی در دهه‌های اخیر به خصوص از زمان تأسیس سازمان ملل متحد به این سو، از سه منظر علمی یا عملی و انسانی اهمیت زیادی یافته است.

الف: اهمیت رشته‌های علوم جنایی از لحاظ علمی

علوم جنایی و رشته‌های مختلف آن مرکز و گرانگاه ارزش‌های مختلف بشری هستند. حق حیات، کرامت انسانی، حق آزادی، حق برابری، حق برخورداری از بهداشت، حق متفاوت بودن از دیگران و دیگر مؤلفه‌ها، ارزش‌هایی هستند که به نوعی به رشته‌های علوم جنایی مربوط می‌شوند. از سوی دیگر، از آنجایی که موضوع علوم جنایی حقوق بشر است، از این رو، این رشته با مباحث مربوط به حقوق بشری، مرز بسیار باریکی دارند. با نگاهی به اسناد بین‌المللی حقوق بشری به خوبی دریافته می‌شود که حدود چهل درصد از این اسناد در ارتباط با علوم جنایی از جمله آیین دادرسی کیفری، علم اداره زندان‌ها و... هستند. مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب دسامبر ۱۹۶۶، اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت مصوب نوامبر ۱۹۸۵، اصول بنگلور مصوب سال ۲۰۰۲، قواعد ماندلا مصوب ۱۷ دسامبر ۲۰۱۵، رهنمودهای ریاض مصوب دسامبر ۱۹۹۵ و...^۱

بدین‌رو، مباحث حقوق بشری و اقدامات نهادهای دیدبان حقوق بشر سبب تغییر رویکردها به علوم جنایی شده است، به گونه‌ای که علوم جنایی از حالت کلاسیک و اخلاقی خود خارج گشته و درهای خود را به سوی علوم محض مانند ریاضی، پزشکی، شیمی، فیزیک و... گشوده است. علوم جنایی، امروزه علوم توجیه‌کننده اقدامات حکومت‌ها نیستند؛ بلکه، با رویکردی انتقادی نسبت به اقدامات قانونگذار در تلاش هستند تا اقدامات قضائی و پلیسی را زیر سؤال ببرند. بدین جهت، نقطه بحران و آسیب‌پذیر قوه قضائیه هر کشور، مباحث مربوط به حقوق کیفری است؛ زیرا، علوم

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تلطف و ترمیمی شدن حقوق کیفری؛ با تأکید بر حقوق ایران، در: عدالت ترمیمی؛ پی‌ارتباطی میان تمدن‌های جاده ابریشم - چکیده مقالات، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷، ص ۱۰۹ و بعد.

۴۰ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

جنایی رویکردی بشری و علمی نسبت به مسائل قضائی دارد. امروزه، تحت تأثیر نتایج مطالعات میدانی بعضی از رشته‌های علوم جنایی مانند بزه‌دیده‌شناسی، اسناد و معاهدات چندی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به تصویب رسیده و منعقد شده‌اند که در جهت حمایت از متهم یا بزه‌دیده است. علاوه بر این، اکنون، سازمان ملل متحد صاحب یک سیاست جنایی است و در رابطه بیشتر شاخه‌های علوم جنایی یک قطعنامه دارد. به‌عنوان مثال، در خصوص حقوق بزه‌دیده، چندین سند ارشادی و الزامی بین‌المللی وجود دارد. همین‌طور علوم جنایی از یک‌سو، تحت تأثیر آورده‌های علمی خود و از سوی دیگر، تحت تأثیر آورده‌های رشته‌های دیگر، متحول شده است.

ب: اهمیت رشته‌های علوم جنایی از منظر عملی

ناگفته پیداست که علوم جنایی، در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا، در پرتو پیشرفت‌های صنعتی و علمی، ارزش‌های فنی و تخصصی جدید به وجود آمده‌اند. اگرچه، این ارزش‌ها با ارزش‌های اخلاقی تفاوت دارند؛ اما، بقاء هر جامعه، منوط به وجود این ارزش‌ها است. بدین معنا که برای حفظ ارزش‌ها و آورده‌های جدید، در کنار جرایم سنتی یا کلاسیک مانند قتل، جرایم فنی یا جرایم جدید نیز افزوده شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که عده‌ای از جرم‌شناسان سخن از تورم کیفری را مطرح نموده‌اند.

«تورم جمعیت کیفری» یعنی عدم تناسب جمعیت زندان با فضای مناسب برای آن‌ها. عدد استاندارد این میزان، ۱۵ متر مربع برای هر فرد است. حال اگر میان این دو تناسب وجود نداشته باشد، نوعی بحران به‌وجود می‌آید که به آن تورم جمعیت کیفری گفته می‌شود که با تورم قوانین کیفری یعنی فزونی بیش از حد قوانین، تفاوت دارد. اگرچه در اثر رشد و تحولات انسانی، رفتارهایی از عداد جرایم کیفری خارج شده و جرایم سنتی محدودتر شده‌اند.

بدین ترتیب، امروزه علوم جنایی به‌طور کلی و حقوق کیفری به‌طور خاص، با تورم کیفری مواجه هستند. حال سؤال این است که در چنین شرایطی، آیا قاعده سنتی جهل به قانون رافع مسئولیت نیست، همچنان واجد اعتبار است؟ آیا وکلا، قضات و حقوقدانان خود، نسبت به همه قوانین آگاهی دارند تا بتوان این انتظار را از سوی شهروندان برآورده ساخت؟ در این راستا، تحقیقاتی که در سوئیس انجام شده است، نشان می‌دهد که قضات به قوانینی استناد می‌کنند که در دوران دانشجویی آموخته‌اند. امروزه به دلیل تورم کیفری - همان‌گونه که اشاره شد - یعنی گسترش سیاهه جرایم در

مباحثی در علوم جنایی ۴۱

قوانین مختلف در اغلب نظام‌های حقوقی، تا اندازه‌ای، اشتباه حکمی و موضوعی از سوی قانونگذار پذیرفته شده است.^۱

موضوع دیگری که مطرح می‌باشد این است که آیا قانون کیفری می‌تواند در مسائل شخصی و مسائل مربوط به آزادی و خلوت افراد مداخله کرده و در قبال آن‌ها اقدام به ارزش‌گذاری نماید؟ به‌عنوان مثال، پس از سال ۱۳۰۴ به‌این سو، رضا شاه به تقلید از آتاتورک قصد داشت تا جامعه سنتی - مذهبی ایران را جامعه‌ای غیرمذهبی یا دین‌جدا، نماید از جمله آن‌که در این سال‌ها دو قانون مربوط به کشف حجاب بانوان و متحدالشکل کردن البسه مردان را وضع نمود. دلیل، آن بود که در شهرستان‌ها مردم، پالتوهای بلندی داشتند و دستار (عمامه) بر سر می‌گذاشتند که از نظر حکومت پهلوی این نوع پوشش مظهر دین و مذهب بود. او در ابتدا این قانون را وضع کرد که تمامی مردم باید از پوشش‌های فرنگی (خارجی) استفاده کنند و همچنین حجاب را برای بانوان ممنوع کرد؛ اما، در عمل خانم‌ها از خانه خارج نمی‌شدند تا مورد دستگیری قرار نگیرند.

بدین‌سان، با وجود این شدداد، غلاظ و سختگیری‌ها، با گذشت زمان، پنجاه سال از زمان تصویب آن دو قانون - یعنی تا زمان دهه پنجاه خورشیدی - همچنان زنان ایرانی از چادر و حجاب استفاده می‌کردند. به‌این ترتیب، یک قانون هنگامی مفید و تأثیرگذار است که موضوع آن به عنوان یک ارزش، در جامعه وجود داشته باشد، در غیر این صورت حقوق کیفری انسان‌هایی ریاکار و مزور به‌وجود می‌آورد.

اهمیت دیگر علوم جنایی این است که شمار جرایم مخفی و پنهان، بیش از جرایمی است که کشف می‌شود و مرتکبین آن‌ها، شناسایی نمی‌گردند. در خصوص «جرایم آپارتمانی» مانند روابط نامشروع کمتر از زنا یا زنا، رقم جرایم مخفی و کشف نشده، زیاد است؛ اما، در مقابل، در جرایم خیابانی مانند قتل و ضرب و جرح، رقم سیاه کمتر است. بدین جهت، آمار جنایی به کوه یخی در دریا تشبیه شده است که قاعده و قسمت عمده آن (در علوم تجربی یعنی نُه‌دهم) در دریا پنهان بوده و تنها قله کوچکی از آن (یعنی یک‌دهم) آشکار و قابل مشاهده است و چنانچه کشتی‌های دریایی دستگاه‌های دقیقی نداشته باشند، تصور می‌کنند که صرفاً یک شناور بر روی دریا وجود دارد.

بنابراین، متولیان تأمین امنیت، نباید با ارائه آمار کاهش جرم، احساس امنیت نمایند. از این‌رو، اهمیت علوم جنایی به قسمتی از جرایم مربوط می‌شود که کشف نمی‌شوند.

۱. ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود».

۴۲ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

بر این اساس، جرایمی مانند کیف‌زنی، اگرچه غالباً مورد تعقیب قرار نمی‌گیرد، ولی منبع ناامنی هستند. به این جرایم، جرایم خُرد گفته می‌شود.

پ: اهمیت رشته‌های علوم جنایی از جهت انسانی

برای تبیین اهمیت علوم جنایی از جهت انسانی باید سه مطلب را مورد اشاره قرار داد تا این مفهوم به درستی درک شود.

نخست: در علوم جنایی، انسان بزهکار و شخصیت او به عنوان یک مَعْمَا مطالعه می‌شود. بنابراین، مطالعه بزهکار نیاز به یک رویکرد چند رشته‌ای دارد. بدین معنا که باید نیازهای بهداشتی، فرهنگی، اجتماعی و به‌طور کلی هر آنچه به شخصیت او مربوط می‌شود و موجب تشکیل پرونده شخصیت می‌گردد، مورد مطالعه قرار گیرد. یکی از نگرانی‌های علوم جنایی، شناخت شخصیت بزهکاران، به‌ویژه بزهکاران به عادت است. «لمبروزو» و به‌دنبال آن «فری» بزهکاران اتفاقی، بزهکاران به عادت، بزهکاران مختل المشاعر و بزهکاران هیجانی یا احساسی یا شهبوانی را در این پنج دسته جای دادند. در این میان، تفاوت بزهکار به عادت و بزهکار حرفه‌ای در این است که بزهکاران حرفه‌ای در ارتکاب یک جرم خاص متخصص بوده و سازگاری آنان با جامعه بیشتر است و با برنامه‌ریزی و دقت به ارتکاب جرم مبادرت می‌ورزند، اما، بزهکاران به عادت، کسانی هستند که توانایی تصور آنچه به‌عنوان مجازات در پیش روی آن‌ها است را ندارند، حال آن‌که بزهکاران حرفه‌ای قدرت انتزاعی بالایی دارند. بزهکار مزمن که هیچ امری او را از ارتکاب جرم باز نمی‌دارد، در طفولیت به‌طور زودرس بزهکار شده است. بر این مبنا، مطالعات جرم‌شناختی نشان داده است که هرچه انسان زودتر از سن معمولی بزهکار شود، دیرتر آن را کنار می‌گذارد، بنابراین، بزهکاری زودرس به منزله بزهکاری طولانی است.

دوم؛ بر اساس آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی علمی یا بزه‌دیده‌شناسی نخستین، همه بزه‌دیدگان بیگناه نیستند و این نظریه در بند «پ» ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز، وارد شده است. بنابراین، شناخت بزه‌دیده و تأثیر او در جرم از یک‌سو و ترمیم زیان‌های عاطفی و روانی او از سوی دیگر، موضوع علوم جنایی را تشکیل می‌دهد. بر این اساس امروزه، سخن از سازوکار جدید برای پاسخ‌دهی به جرایم که بزه‌دیده نیز در آن سهیم می‌باشد، به نام **عدالت ترمیمی** مطرح شده است و عده‌ای معتقدند که این سازوکار جایگزین عدالت سنتی شود؛ زیرا، عدالت کیفری، بزهکارمدار است حال آن‌که عدالت ترمیمی بزه‌دیده‌مدار می‌باشد.

سوم؛ برخی از رشته‌های علوم جنایی، از جمله علوم مرکب هستند. یعنی از یک‌سو، از جنبه علمی و از سوی دیگر، از جنبه کاربردی برخوردارند. بدین معنا که به‌دنبال

مباحثی در علوم جنایی ۳۳

اصلاح قانون، اصلاح بزهکاران و پیشگیری از جرم می‌باشند. لذا برای تحقق این سه هدف، وجود تخصص ضروری بوده و بدین‌سان است که قاضی و پلیس اطفال باید از تخصص ویژه‌ای برخوردار باشند. باید در کنار قاضی، یک مددکار اجتماعی نیز وجود داشته باشد که درس جرم‌شناسی و حقوق کیفری کودکان و نوجوانان مطالعه کرده باشد. بر این اساس است که به موجب ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از میان متخصصان علوم مختلف مانند جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی و علوم تربیتی انتخاب شوند.^۱

۱. ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند.

فصل چهارم

رابطه حقوق کیفری و جرم‌شناسی

جرم‌شناسی عنوان خود را از حقوق جزا وام می‌گیرد. جرم در حقوق کیفری تعریف شده است و بر اساس تعریف جرم، مجرم، کیفر و بزه‌دیده^۱ نیز مشخص می‌شوند. بنابراین، جرم‌شناسی در مفهوم مضیق یا اصطلاح Criminology از Crime می‌آید. در حقوق کیفری نیز واژه Crime یا Criminal Offence وجود دارد که در تمامی این معانی، واژه Crime مشترک است. واژه Offence به معنای بزه است و هرگاه یک صفت به آن اضافه شود، نوع آن مشخص می‌شود، مانند آن‌که هرگاه گفته شود Criminal Offence مصادیق آن، یعنی بزه کیفری معین می‌گردد. از این‌رو، واژه جرم‌شناسی، ماهیتاً کیفری است و در جرم‌شناسی نیز صرفاً **بزه‌های کیفری** یعنی جرایم، مورد مطالعه قرار می‌گیرند و سایر بزه‌ها، مانند بزه‌های انتظامی، بزه‌های اداری^۲ و... از دامنه مطالعات جرم‌شناسی خارج هستند،

بنابراین، جرم‌شناسی موضوع خود را از حقوق کیفری می‌گیرد. به تعبیر دیگر، حقوق کیفری، یک رشته آرمانی است که **بایدها** و **نبایدها** یعنی جامعه‌عاری از جرم را ترسیم می‌کند؛ اما، جرم‌شناسی **واقعیت‌ها** یعنی آنچه که **هست** یا «**هست‌ها**» را بررسی می‌کند و بدین‌سان، رئالیست است. جرم‌شناسی همچنین، کارایی حقوق کیفری را بررسی می‌کند و به دنبال پاسخ به این سؤال است که چرا حقوق کیفری نمی‌تواند به‌رغم آن‌که از زرادخانه کیفری برخوردار است، جرایم مشمول این مجازات‌ها را کنترل کند.

«حقوق کیفری» یا «حقوق جزایی» یا «حقوق جنایی»، معمولاً به دو شاخه عمده **حقوق کیفری ماهوی** و **حقوق کیفری شکلی** تقسیم می‌شود. «حقوق کیفری ماهوی» به شاخه‌های حقوق کیفری عمومی، حقوق کیفری اختصاصی و «حقوق کیفری شکلی» به آیین دادرسی کیفری و حقوق اعمال و اجرای مجازات‌ها تقسیم می‌شود. توضیح اینکه مرحله اجرای مجازات‌ها امروزه یک مرحله شکلی یا یک مرحله‌ای که در صلاحیت دادرسی باشد، نیست؛ بلکه، در مرحله اجرای آراء نیز حقوق محکوم‌علیه موضوعیت

۱. مراجعه کنید به ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲.

۲. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی: از مدل‌ها تا جنبش‌ها، دیپاچه در: دلماس - مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ پنجم، ۱۴۰۲، ص ۴۸ و بعد؛ همچنین رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، در: نیازپور، امیرحسین «به کوشش»، سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی - مجموعه مقالات، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷.

مباحثی در علوم جنایی ۴۵

یافته است؛ مانند آن که امکان دارد که محکوم علیه مورد شکنجه قرار گیرد یا آن که نسبت به نظام اجرای کیفرها علیه خود شکایت داشته باشد. به همین دلیل، مرحله اجرای مجازاتها نیز **قضائی** یا **قضاوتی** شده است. بدین معنا که عنوان نماینده دادستان یا نهاد معاونت اجرای احکام دادسرا در اجرای احکام وجود ندارد؛ بلکه، **قاضی اجرای مجازاتها** یا **دادگاه اجرای مجازاتها** وجود دارد؛ یعنی در واقع، یک امر قضاوتی محسوب می شود.^۱ بنابراین، فرآیند کیفری از مرحله کشف جرم و دستگیری شروع و با مرحله پساکیفری به اتمام می رسد. حقوق اعمال یا اجرای مجازاتها از دو جهت قابل توجه است: **نخست**، از جهت رعایت حقوق محکوم علیه و نه متهم و **دوم**، از نظر برنامه های اصلاح و درمان (از منظر جرم شناسی)؛ زیرا، غایت اعمال مجازات، به ویژه کیفرهای سالب آزادی، پیشگیری از تکرار جرم و اصلاح بزهکاران است.

به این ترتیب، فرض بر این است که قاضی اجرای مجازاتها و نه قاضی صادر کننده دادنامه، مقامی قضائی است که هر روزه با محکوم علیه روبه رو می باشد و در خصوص تغییر نظام اجرای مجازات مانند آزادی مشروط، اقدامات پساکیفری و... خود، رأساً تصمیم می گیرد و این اختیار برای محکوم علیه وجود دارد که علیه تصمیمات قاضی اجرای مجازات شکایت کند.^۲ بدین سان، حقوق کیفری شکلی از یک سو، سازمان و تشکیلات قضائی و از سوی دیگر، تشریفات دادرسی را شامل می شود.^۳

بنابراین حقوق کیفری، یک واژه عام است که رشته های دیگر را در بر می گیرد. حقوق کیفری یک رشته **Normative** دستوری و هنجارمند است و از آنجایی که مخاطب آن، انسانها هستند، با کرامت انسان یعنی حیات و آزادی او مواجهه مستقیم دارد. در حقوق کیفری اقدامات و تدابیر سلب کننده یعنی سلب حیات، سلب آزادی، سلب حقوق اجتماعی و... به موقع اجرا گذاشته می شود که این حقها، حقهای ذاتی و بنیادین افراد است و به همین جهت گفته می شود که حقوق کیفری قانونمند و

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **قضایی شدن مرحل اجرای کیفر**، دیپاچه در: جعفرزاده، فخرالدین،

اجرای احکام کیفری در حقوق ایران و فرانسه، انتشارات دادیار، اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۱۱ - ۱۴.

۲. البته امروزه در حقوق فرانسه و به ویژه در دو سال اخیر، بحث عدالت ترمیمی در مرحله اجرای مجازاتها نیز مطرح شده است؛ زیرا، هدف عدالت ترمیمی، رفع خصومت و تنش و جبران خسارت بزه دیده مطرح است. بدین سان، در مرحله اجرای مجازاتها نیز بحث عدالت ترمیمی موضوعیت دارد که وظیفه اجرا و اعمال آن برعهده قاضی اجرای مجازاتها و نهاده شده است. بنابراین، مرحله اجرای مجازاتها، امروزه مرحله مستقلی است که قاضی صادر کننده دادنامه نقشی در این مرحله نخواهد داشت.

۳. امروزه وقتی از سازمان و تشکیلات قضایی سخن به میان می آید، لزوماً دادسرا یا دادگاه های سنتی کلاسیک مدنظر نیست، بلکه مراکز تعدد عدالت وجود دارد. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **گفتمان سیاست جنایی قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲**، در: الفت، نعمت الله «به کوشش»، حج اندیشه؛ هم افزایی فقه و حقوق در تحقق توسعه و تعالی انسانی - یادنامه شادروان مرحوم استاد ناصر قربان نیا، انتشارات دانشگاه مفید، قم، چاپ دوم، ۱۳۹۶، ص ۶۰۵ و بعد.

۴۶ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

ضابطه‌مندترین رشته‌های حقوق است؛ زیرا، آثار تدابیری مانند سلب حیات، غیرقابل جبران است و به‌همین جهت متهم یا محکوم‌علیه از تضمینات و حقوق دفاعی - حمایتی بسیاری برخوردار هستند؛ زیرا، در مقابل دستگاهی به نام دادگستری و پلیس قرار دارند.

حقوق کیفری، حقوق آرمانی، حقوق بایدها و نبایدها یعنی «حقوق آنچه باید باشد» است. حقوق کیفری ارزش‌های اساسی و باورهای عامه را در چارچوب جرم‌انگاری نقض ارزش‌ها و باورها حمایت می‌کند. به‌عنوان مثال، زمانی که گفته می‌شود، حمایت کیفری از محیط زیست یعنی حمایت کیفری از ارزش‌هایی که جامعه و حکومت پذیرفته‌اند و امروزه، جرم‌انگاری در حوزه آب، خاک و به‌طور کلی محیط زیست، بسیار بیش از سابق است. به‌همین جهت، عده‌ای معتقدند، از آنجایی که حقوق کیفری تهدیدی به نام مجازات را به همراه دارد، وضع می‌شود برای آن‌که به اجرا در نیاید. صرف تهدید کیفری کافی است که تابعان حقوق کیفری مرعوب شوند و از ارتکاب جرم انصراف دهند. بنابراین، تهدید کیفری بالقوه، تکافوی عدم ارتکاب جرم خواهد بود.

در نهایت، حقوق کیفری، روش تحقیق خود را دارد و تحلیل تفسیری از مواد دارد. در حقوق کیفری با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها تفسیر باید به نفع متهم و یا به‌صورت مضیق باشد؛ به‌این جهت، امروزه بیان می‌شود که حقوق کیفری نباید دو پهلو باشد و بلکه باید شفافیت داشته باشد و مقررات کیفری باید از اصل کیفی بودن قوانین^۱ تبعیت کند.

اما جرم‌شناسی رشته‌ای تجربی است، بدین معنا که جرم‌شناس، برخلاف قاضی یا وکیل، آنچه را که هست مطالعه می‌کند. آنچه که هست واقعیت تلخ قتل، اعتیاد، روسپیگری و... است^۲ و بدین‌روی، روش تحقیق در این رشته بیشتر «تجربی» است که از گذر روش‌های مصاحبه کتبی و شفاهی با متهم، بزه‌دیده، وکیل، قاضی، محکوم‌علیه و... مقایسه محکومان با غیرمحکومان (گروه شاهد) و... صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر، جرم‌شناس برخلاف حقوقدان وارد میدان عمل شده و از طریق حضور و مشاهده به تحقیق می‌پردازد و از اطلاعات کسب شده، علت‌شناسی می‌کند و زمانی که به یک نتیجه کلی رسید، آن را به همه مرتکبان جرم تعمیم (روش استقرایی) و پیشنهادات خود

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصتها و چالش‌ها، در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصتها و چالش‌ها - مجموعه مقاله‌ها، نشر میزان، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۰ و بعد.

۲. رک: گسن، ریمون، آیا جرم وجود دارد؟، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۹ و ۳، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۶۱ و بعد.

مباحثی در علوم جنایی ♦ ۳۷

را نسبت به آن مجرمان ارائه می‌دهد. به این ترتیب، جرم‌شناسی به دنبال علت‌شناسی و سپس مبارزه با علل و حل معمای جرم است، حال آن‌که، حقوق کیفری مبارزه با معلول را در دستور کار خود دارد. بدین‌سان، به‌رغم وجود تفاوت میان این دو رشته، در نگاه تاریخی، دو دیدگاه در خصوص رابطه بین جرم‌شناسی و حقوق کیفری مطرح شده است:

دیدگاه اول: این دیدگاه که مربوط به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است، بر این اعتقاد بود که حقوق کیفری، شاخه‌ای از جرم‌شناسی است. طرفداران این نظریه که از آن‌ها به عنوان امپریالیزم جرم‌شناسی یاد کرده‌اند، حقوق کیفری را شعبه یا شاخه‌ای از جرم‌شناسی می‌دانند. در این دوران که سخن از بزهدکار مادرزاد یا جانی بالفطره بود، دانشمندان این رشته گمان کردند که اکسیر جرم را یافته‌اند؛ زیرا، جرم‌شناسی با مطالعه «لمبروزو» و مکتب تحقیقی شروع شد و هدف علت‌شناسی یا چرایی ارتکاب جرم و چیستی آن را مدنظر قرار داده بود.

دیدگاه دوم: گروه دیگری معتقد بودند که حقوق کیفری، مستقل از جرم‌شناسی است و جرم‌شناسی علم مُعین یا یاور حقوق کیفری و کمک‌کننده به قاضی است. اما، در عین حال، امروزه به‌رغم این تفاوت در دو دیدگاه امپریالیستی جرم‌شناسی و امپریالیستی حقوق کیفری که هرکدام، دیگری را جزئی از خود می‌دانند، میان آن‌ها در مواردی، تعامل وجود داشته، یکدیگر را تکمیل کرده و به دنبال یک مسیر هستند.

فصل پنجم

قرائت‌های سه‌گانه از تولد جرم‌شناسی

از منظر تاریخی، مصلحین اجتماعی، ادبا، شعرا و فلاسفه با رویکرد خود، راجع به مباحث مختلف و متعدد جرم‌شناسی مانند علل بزهکاری، پیشگیری و سایر موارد سخن گفته‌اند؛ اما، جرم‌شناسی علمی به معنای تجربی - اثباتی و مبتنی بر آزمون، مقایسه و مشاهده دانشی نوین است. جرم‌شناسی مبتنی بر روش‌های عینی^۱ رشته‌ای جدید است و عمری نوپا دارد و بیش از یک قرن از حقوق کیفری مدرن، جوان‌تر است. بدین‌سان، راجع به تولد جرم‌شناسی سه خوانش یا سه قرائت وجود دارد.^۲

الف: تولد همزمان جرم‌شناسی و حقوق کیفری

قرائت اول از تولد جرم‌شناسی عبارت از آن است که تاریخ تولد حقوق کیفری مدرن، همان تاریخ تولد جرم‌شناسی است و بدین‌رو، «بکاریا» پدر جرم‌شناسی است؛ زیرا، استادان انگلیسی - آمریکایی (آنگلوساکسون‌ها) معتقدند از آنجایی که «بکاریا» اولین نویسنده‌ای بود که کتابی مستقل را به جرایم و مجازات‌ها اختصاص داد و در میان این مباحث به صورت پراکنده، در خصوص علت‌شناسی نیز سخن گفته و به ویژه آن‌که در یکی از فصول کتاب خود یعنی در فصل چهل و یکم، به مباحث «پیشگیری از جرم» پرداخته است؛ بنابراین، «بکاریا» به صورت ناخواسته به مباحث جرم‌شناسی اشاره کرده و بدین‌سان، «بکاریا» هم پدر حقوق کیفری مدرن و هم پدر جرم‌شناسی است.

ب: مکتب جغرافیای جنایی

قرائت دوم از تولد جرم‌شناسی - و نه عنوان جرم‌شناسی - آن است که واضع جرم‌شناسی گروه یا مکتبی است که مطالعات آن‌ها به نوعی، رویکرد جرم‌شناختی داشت، «مکتب جغرافیای جنایی» است که «آدولف کتله» اهل بلژیک و «میشل گری» اهل فرانسه، واضعان این مکتب هستند. این دو اندیشمند در سال ۱۸۲۶ تا ۱۸۳۰ میلادی با استخراج آمار احکام محکومیت‌های دادگاه‌های کیفری فرانسه در صدد اندازه‌گیری میزان تخلّق (اخلاق‌مداری) هر منطقه یا شهرستان بر اساس آمار محکومیت‌های کیفری بودند؛ زیرا، در آن بازه زمانی هر جرم یک عمل ضد اخلاقی محسوب می‌شد و بر آن شدند تا از گذر آمار محکومیت‌ها به این موضوع دست یابند

1. Objective

۲. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم، دیباچه در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیکمی حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ ششم، ۱۴۰۲، ص ۱۳ و بعد.

مباحثی در علوم جنایی ۴۹

که تا چه میزان مردم آن شهرستان یا مناطق به اخلاق پای‌بند بودند. بر این اساس، هر اندازه میزان محکومیت‌های آن مناطق بالاتر بود، از بی‌اخلاقی مردم آن منطقه حکایت داشت.

با وجود این، موضوع دومی که موضوع مطالعه این دو اندیشمند قرار گرفت این بود که میزان بزه ارتكابی با شرایط جوئی و جغرافیایی مناطق چه ارتباطی دارد؟ آیا خلق و خوی مجرمانه و بزهکارانه که منجر به صدور احکام محکومیت کیفری می‌شد با شرایط جوئی مرتبط است؟ سؤالاتی که مورد توجه دیگر اندیشمندان مانند «ابن خلدون» و «مونتسکیو» هم بود. این دو اندیشمند هم درصدد پاسخ به این سؤال بودند که آیا رابطه خلق و خوی، پوشش، اطعمه و اشره افراد با شرایط جوئی جغرافیایی هر منطقه با میزان بزهکاری ارتباط دارد؟ اما، حقیقت آن است که بالا بودن میزان بزهکاری یا نرخ بالای جرم در یک جامعه به معنای بی‌اخلاقی آن جامعه نیست؛ زیرا، بسیاری از جرایم امروزه، جنبه فنی و قراردادی دارند و هیچ ارتباطی با اخلاق ندارند. مانند جرایم رانندگی، حقوق کیفری اقتصادی، جرایم رایانه‌ای و...؛ در مقابل، جرایم تاریخی، سستی یا فطری مانند قتل، ضرب و جرح وجود دارد که اخلاقیات نیز آن‌ها را مذموم می‌پندارد. بنابراین، امروزه دایره اخلاق و جرم با یکدیگر منطبق نیست. بی‌تردید هسته اصلی حقوق کیفری عناوین مجرمانه‌ای مانند قتل، ضرب و جرح، تجاوز و... است.

بنابراین، این دو اندیشمند، بر اساس یک سلسله واقعیات به نام «آمار» که خارج از ذهن آن‌ها بود، میزان جرایم را بررسی کردند؛ نهایتاً از این مکتب، دو قانون یعنی «قانون استمرار و تداوم جرم» یا «قانون ثبات بزهکاری»، «قانون حرارتی جرم» به‌دست آمد.

پ: مکتب تحقیقی

خوانش سوم از تولد جرم‌شناسی، ظهور این رشته را در ایتالیا و به رهبری یا مدیریت «سزار لمبروزو»^۱ و انتشارات کتاب مرد / انسان بزهکار می‌داند که در سال ۱۸۷۶ میلادی به چاپ رسید. «لمبروزو» به این پیش فرض معتقد بود که بزهکاری یک نوع آسیب اجتماعی است و همان‌طور که آسیب‌ها علل تعیین‌کننده دارند، حتماً می‌توان بزهکاری را نیز در چارچوب علت‌شناسی بررسی کرد. فرضیه وی این بود که بر اساس دیدگاه‌های داروینیسیم، انسان مجرم، انسانی است که دوره تکامل او در مرحله ابتدایی باقی مانده است؛ یعنی، در دوره تکامل، انسان نزدیک به حیوان مانده و از منظر زیستی رشد نکرده است.

۵۰ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

ناگفته نماند که در هر کدام از این قرائت‌های سه‌گانه تولد جرم‌شناسی، هیچ‌کدام **عنوان** جرم‌شناسی را به‌کار نبرده‌اند. عنوان جرم‌شناسی را «گاروفالو»^۱ وضع کرد و حتی او کتابی را با همین عنوان یعنی «**جرم‌شناسی**» به رشته تحریر درآورد که در سال ۱۸۸۵ میلادی به چاپ رسید؛ تدوین و تعریف مفهوم **حالت خطرناک**^۲ نیز از دستاوردهای «گاروفالو» می‌باشد.^۳

بدین‌سان، قرائت سوم که به تولد جرم‌شناسی در مکتب تحقیقی یا اثباتی توسط «سزار لمبروزو» می‌پردازد، قرائت صحیح است؛ زیرا، «بکاریا»، «کتله» و «گری» به‌دنبال علت‌شناسی جرم نبودند و اقدامات جرم‌شناسانه انجام نداده‌اند. «بکاریا» را نمی‌توان جرم‌شناس دانست؛ زیرا، به مطالعات میدانی، تجربی، مشاهده و معاینه مبادرت نورزیده و بلکه وجه غالب نگرش او، نگاه فلسفی و جامعه‌شناختی بوده است. به‌عبارت دیگر، رویکرد «بکاریا»، رویکرد انتقادی به عدالت کیفری بوده و درصدد بوده تا ظلم و ستم ناشی از عدالت کیفری را کاهش دهد. از سوی دیگر، اگرچه «کتله» و «گری» به مطالعات میدانی اقدام نموده و به مشاهده و تجربه مبادرت ورزیده بودند و میزان بزهکاری را به عدد و رقم درآورده‌اند؛ اما، رویکرد آن‌ها حل معمای جرم یا علت‌شناسی نبوده است. این مکتب تحقیقی بود که دغدغه حل معمای جرم، چرایی بزهکاری و بزهکار شدن، مقایسه بزهکاران با ناکرده‌گان بزه، پیشگیری از تکرار جرم، مباحث زیست‌شناختی جنایی و... را داشت.

بدین‌ترتیب، جرم‌شناسی به عنوان یک رشته علمی، عمری حدود دو قرن دارد و همان‌گونه که گذشت، واضح عنوان جرم‌شناسی «گاروفالو» می‌باشد؛ همان‌گونه که واضح عنوان **جامعه‌شناسی جنایی** «انریکوفری» از پیروان مکتب تحقیقی و شاگرد «لمبروزو» بود. «فری» عنوان کتاب خود را در چاپ اول که در سال ۱۸۸۱ میلادی به زیور طبع آراسته شده بود «**افق‌های نوین حقوق و آیین دادرسی کیفری**» نام نهاده بود که در چاپ دوم، کتاب خود را در سال ۱۸۸۵ به‌عنوان «**جامعه‌شناسی جنایی**» تغییر داد

1. Raffaele Garofalo

۲. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره تحولات جرم‌شناسی، دیپاچه در مگوایر، مایک و دیگران، دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، نشر میزان، تهران، جلد اول، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۱ و بعد.

۳. رک: بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، تهران، چاپ نهم، ۱۴۰۰؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی (بازپروری و اصلاح بزهکاران)، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، در: ابراهیمی، شهرام «به کوشش»، مباحثی در علوم جنایی - مجموعه تقریرات استاد علی حسین نجفی ابرندآبادی، ویراست هفتم، آذر ۱۳۹۱؛ www.lawtest.ir

مباحثی در علوم جنایی ۵۱

و بدین‌سان بود که جامعه‌شناسی جنایی متولد شد.^۱ از این‌رو، جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی هر دو در ایتالیا و به زبان ایتالیایی متولد شدند و سپس به سایر زبان‌ها ترجمه شد. بر این اساس، ضرورت دارد با توجه به تدریس جرم‌شناسی در دانشکده حقوق^۲ در ابتدا، به رابطه بین حقوق کیفری و جرم‌شناسی پرداخته شود تا اهمیت جرم‌شناسی و تعامل آن با حقوق کیفری مشخص شود.

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تحولات حقوق کیفری، دیباچه در: پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های حقوق کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، تهران، چاپ سیزدهم، ۱۴۰۲، ص ۱ و بعد؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیوند حقوق کیفری و جرم‌شناسی، در: افق‌های نوین حقوق کیفری - مجموعه مقالات در نکوداشت‌نامه دکتر آقای‌نیا، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۸؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: مهدی صبوری‌پور، سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳، ویراست ۱۳۹۱، قابل دسترس در: www.lawtest.ir

۲. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره آموزش جرم‌شناسی، دیباچه در: پیکا، ژرژ، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ ششم، ۱۴۰۰، ص ۱۸ و بعد.

فصل ششم

موضوع‌های مورد مطالعه در جرم‌شناسی

جرم‌شناسی در مرحله کلاسیک، محور مطالعات خود را از «حقوق کیفری» وام می‌گرفت؛ اما، امروزه به پدیده‌هایی که هنوز انحراف بوده و عنوان مجرمانه پیدا نکرده و نوعی آسیب اجتماعی محسوب می‌شود نیز می‌پردازد؛ زیرا، این قبیل انحرافات به عنوان **حالت خطرناک** یا **خطرناکی** مورد مطالعه قرار می‌گیرند. حالت خطرناک صرفاً آن حالتی نیست که در قانون جرم‌انگاری شده باشد؛ زیرا، دو نوع **حالت خطرناک** **جرم‌شناختی** و **حالت خطرناک حقوقی** وجود دارد. حالت خطرناک جرم‌شناختی شامل رفتار، کردار و به‌طور کلی حالت‌هایی است که هنوز عنوان مجرمانه به‌خود نگرفته است؛ ولی، فرد یا صاحب آن را در آستانه بزهکاری قرار می‌دهد. معیار سنجش حالت خطرناک جرم‌شناختی، جرم ارتكابی نیست؛ بلکه، ویژگی‌های خانوادگی، اجتماعی، تحصیلی و... مربوط به شخص مرتکب مدنظر است؛ اما، حالت خطرناک حقوقی، حالت، رفتار و کرداری است که قانونگذار آن را جرم‌انگاری کرده و به وصف مجرمانه متصف نموده است، مانند آن‌که در قانون اقدامات تأمینی مصوب سال ۱۳۳۹، تهدید دیگری به قتل، به‌عنوان یک حالت خطرناک قانونی در نظر گرفته شده بود.^۱ اما، همین تهدید به قتل در قانون تعزیرات ۱۳۷۵^۲ جرم‌انگاری شده و به حالت خطرناک از نوع حقوقی تبدیل شد.

بدین‌سان، جرم‌شناسی در دو مرحله به مطالعه جرم می‌پردازد؛ از یک‌سو، علل بزهکاری، تحول مفهوم جرم و مجرمیت و آثار ارتکاب این پدیده بر جامعه و از سوی دیگر، واکنش‌های جامعه علیه جرم (یعنی پاسخ‌ها، اعم از مجازات‌ها و اقدامات تأمینی).

۱. به عنوان نمونه ماده ۱۴ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ مقرر می‌دارد: «هرگاه شخصی که دیگری را تهدید به ارتکاب جرمی کرده بیم آن رود که واقعاً مرتکب آن جرم گردد یا هرگاه شخصی که محکوم به مجازات جنایی یا جنحه گردیده صریحاً نظرش را بر تکرار جرم اظهار نماید، دادگاه بنا بر تقاضای شخص تهدید شده یا متضرر از جرم می‌تواند از او بخواهد تعهد کند مرتکب جرم نگردد و وجه‌الضمانه متناسب برای این امر بدهد. هرگاه مشارالیه از این تعهد خودداری کرد و وجه‌الضمان مقرر را نپردازد دادگاه می‌تواند دستور توقیف موقت او را صادر نماید و مدت این توقیف بیش از دو ماه نخواهد بود. اگر متعهد ظرف دو سال از تاریخی که وجه‌الضمان سپرده مرتکب جرم گردید وجه‌الضمان به نفع دولت ضبط می‌شود و الا به او یا قائم‌مقام قانونی او مسترد خواهد گشت.»

۲. در این راستا ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.»

مباحثی در علوم جنایی ♦ ۵۳

بدین روی، جرم، فعل یا ترک فعلی است که به موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد (تعریف حقوقی). در نظام حقوقی ایران، جرم‌انگاری از وظایف مجلس است؛ اما، در پاره‌ای موارد، مراجع دیگر نیز مبادرت به جرم‌انگاری می‌ورزند. جرم از نظر جامعه‌شناسی، پیش از آن‌که توسط قانونگذار به وصف مجرمانه متصف گردد، پدیده‌ای اجتماعی است، به‌عنوان مثال، استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای یک امر اجتماعی است؛ زیرا، مردم از آن استفاده می‌کنند اما، در تاریخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۶ قانونگذار در قالب قانون ممنوعیت به‌کارگیری تجهیزات دریافت ماهواره، استفاده از آن را جرم‌انگاری کرد. بنابراین، جرم، رفتاری نیست که قانونگذار ابداع کند، بلکه فعل و ترک فعلی است که توسط قانونگذار به عنوان جرم قلمداد شده باشد و یک پدیده اجتماعی است.

جرم در جامعه‌شناسی هر عمل ضداجتماعی است که به اخلاق جامعه خلل وارد می‌کند و بدین روی، آنچه که در قضاوت‌های عمومی مردم نهفته است، اخلاق اجتماعی گفته می‌شود. بنا به تعریف «ساترلند» جامعه‌شناس آمریکایی، نقض قواعد و هنجارهای لازم‌الاتباع در فرهنگ معین، جرم می‌باشد. در تحلیل این تعریف، باید توجه داشت که فرهنگ، امری است که از چارچوب مشخصی برخوردار می‌باشد. بدین سان، اگر این تعریف، معیار گرفته شود، عملی که در ایران ضداجتماعی و از نظر جامعه‌شناسی ضداخلاقی باشد، ممکن است در کشوری دیگر رفتاری عادی تلقی شود و یا آن‌که، رفتاری که اکنون در ایران ضداخلاقی است، در سال‌های بعد - به‌عنوان مثال در ده سال دیگر - جرم تلقی نشود. بنابراین، از نظر جامعه‌شناسی جرم، مفهومی نسبی و متغیر است و از آنجایی که انسان در حال پویایی می‌باشد، جامعه نیز در حال تحول بوده و ایستا نمی‌باشد. وانگهی، از منظر جامعه‌شناسی، تعریف دیگری از «دورکیم»، جامعه‌شناس فرانسوی که کتاب‌های او را در دانشکده‌های علوم اجتماعی تدریس می‌شود، وجود دارد. بر این اساس، «دورکیم» جرم را فعل یا ترک فعلی بهنجار می‌داند و معتقد است که از دو جهت، میزان معینی از جرم برای جامعه مفید است؛

الف) وجود جرم در جامعه به افراد اجازه می‌دهد که حالات غیرمجرمانه را تشخیص دهند مانند بیماری که اجازه می‌دهد تا نقاط ضعف بدن شناسایی شود. ب) وجود جرم در جامعه سبب ایجاد تحول در اخلاق جامعه می‌شود. به عبارت دیگر، ارتکاب جرم به نوعی هشدار دهنده و ضربه به اخلاق است و همواره قضاوت‌های جامعه را متحول می‌سازد؛ چه آن‌که، فعل یا ترک فعلی که امروزه در جامعه جرم می‌باشد، با گذشت زمان به رفتاری هنجارمند تبدیل شود. مانند آن‌که در حقوق ایران در بازه‌ای از زمان، استفاده از ویدئو و نوار ویدئو تعقیب می‌شد؛ ولیکن، استفاده

۵۴ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

گسترده مردم از ویدئو سبب شد تا قانونگذار با این پدیده خو گرفته و آن را به‌عنوان یک پدیده مطلوب مردم مورد پذیرش قرار دهد.

با وجود این، جرم از منظر جرم‌شناسی عبارت است از یک عمل ضد‌اخلاقی و ضداجتماعی شدید که معمولاً به‌وسیله قانون منع شده و این عمل ناشی از فرآیندهای پیچیده اجتماعی، روانی و زیستی است. به بیان دیگر، جرم، رفتار ضد اجتماعی یا ضد اخلاقی شدیدی است که هرگاه به درجه‌ای از اهمیت برسد، قانونگذار آن را منع می‌کند و این پدیده حاصل یک سلسله عوامل زیستی، اجتماعی و روانی است. از این رو، بر اساس این تعریف، آنچه که از منظر جرم‌شناسی مهم است، فرآیند و روند ارتکاب جرم و چگونگی تولد جرم در یک فرآیند است. بنابراین، فرآیند، شامل یک سلسله امور است که دارای یک نقطه تولد (شروع) یک جریان و یک نقطه پایان است. به‌عنوان مثال، برای حقوقدانان، به صرف آن که فردی مرتکب یک سرقت شود، کافی است؛ ولی، برای جرم‌شناس، اینکه این سرقت یک نقطه آغاز داشته (از چه زمانی تصمیم گرفته) تا چه مدت ادامه یافته (به‌عنوان مثال با شریک مرتکب سرقت شده و چگونه مقدمات را حاضر کرده‌اند) و سرانجام نقطه پایان داشته است، مهم است.

بر این اساس است که حقوقدانان و قضات را به عکاس تشبیه کرده‌اند که صرفاً از لحظه ارتکاب جرم به جهت محکومیت وی تصویربرداری می‌کنند و از جرم‌شناس به‌مثابه یک فیلمبردار که تمامی مراحل این فرآیند را شامل می‌شود، تعبیر می‌کنند.^۱ بنابراین، در جرم‌شناسی، بررسی علل و افعه مطرح است که این علل از طریق فرآیند مورد بررسی قرار می‌گیرد. این علل می‌تواند علل زیستی یا ناشی از علل بیرونی و اجتماعی (اعتیاد/ فقر) و یا به جهت مشکلات روانی فرد باشد و یا آن‌که در هر حال، تلفیقی از این عوامل سه‌گانه باشد. بدین‌سان، جرم‌شناسی عبارت از علم علت‌شناسی جرم است.

در مفهوم موسع جرم‌شناسی، انحراف نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد. اگر عنوان **Crime / Offence** برای جرم در نظر گرفته شود، در مورد انحراف واژه **deviance** به کار می‌رود. در زبان لاتین **via** به معنای راه بوده و **deviance** یعنی خارج شدن از راه اصلی و متعارف گروه و جامعه که عبارت است از رفتار یا حالتی که حاکی از دور شدن فرد (جدا شدن بعضی از افراد) و پشت کردن آن‌ها نسبت به هنجارها و قواعد عمومی جامعه یا عدم همنوایی نسبت به هنجارها و قواعد عمومی. بدین‌سان، هر اندازه، انحراف از قواعد اساسی و با اهمیت جامعه باشد، آن انحراف، در

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیوند حقوق کیفری و جرم‌شناسی، در: افق‌های نوین حقوق کیفری - مجموعه مقالات در نکوداشت‌نامه دکتر حسین آقایی‌نیا، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۸.

قانون، عنوان جرم را به خود خواهد گرفت؛ اما، اگر آن حالت ناشی از دور شدن از هنجارها بوده و جنبه عادی داشته باشد، صرفاً بدان انحراف گفته می‌شود. به این ترتیب، هر جرمی انحراف است، اما هر انحرافی جرم نیست.

«جرم» و «انحراف» هر دو، نوعی هنجارگریزی و قاعده‌گریزی است. توضیح آن‌که جرم، گریز از هنجارهایی است که به لحاظ اهمیت در جامعه، عنوان مجرمانه به خود گرفته و از ضمانت اجرایی به نام مجازات/ کیفر برخوردار می‌باشد؛ اما، انحراف، حالت رفتاری است که صرفاً سرزنش و تقبیح اجتماعی و نکوهش اخلاقی را به دنبال دارد. انحرافات هیچ‌گاه موضوع تعقیب کیفری قرار نمی‌گیرند؛ اما، پرسش آن است که به چه دلیل، انحراف در جرم‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد؟ در پاسخ باید بیان داشت که پاره‌ای از انحرافات که از سوی افراد متبلور می‌گردد، پیش‌علامتی - نشانه‌ای - برای ارتکاب جرم است. بنابراین، در جرم‌شناسی، آن انحرافات مورد مطالعه و توجه است که پیشگوکننده ارتکاب جرم باشند. مانند فرار از مدرسه که اگرچه در قانون جرم نیست؛ اما، غیبت‌های مکرر به همراه فرار از مدرسه، از خطر و علامت جرم در آینده حکایت دارد. بنابراین، انحراف عبارت است از رفتاری که فرد را از هنجارهای پذیرفته شده جامعه - قواعد نانوشته دور می‌سازد. به‌دیگر سخن انحراف، هنجارگریزی و ارتکاب جرم قانون‌گریزی است. بدین‌سان، خواه در مورد انحراف و خواه در مورد جرم، علت‌های چهارگانه‌ای وجود دارند:

علت اول: مربوط به علل عمومی جرم است. علل عمومی جرم ممکن است که

ماهیت محیطی داشته باشد مانند محیط خانواده، محیط مدرسه، محیط همسالان، محیط دوستان و... بدین‌روی، از آنجایی که بخشی از شخصیت انسان در تعامل با محیط خانواده و محله شکل می‌گیرد، چنانچه این محیط‌ها، محیط‌هایی نامطلوب باشند، به علت جرم تبدیل شوند. چه آن‌که، از دیگر علت‌های عمومی جرم، محیط اقتصادی است. به‌عنوان مثال، فقر یا پایین بودن قدرت خرید، از جمله این عوامل است که در منحنی بزهکاری تأثیرگذار است.^۱

علت دوم: علل ارتکاب جرم، ممکن است که ناظر بر شرایط حاکم بر یک محله،

شهر یا سرزمینی خاص باشد، به‌عنوان مثال، وضعیت نامطلوب محله، عدم عمران و آبادانی در محله - به‌عنوان مثال محله «الف» - که به‌صورت

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، بزهکاری و شرایط اقتصادی (بحثی کوتاه درباره بزهکاری و بحران اقتصادی)، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۷۰، صص ۲۱۷ - ۲۳۰.

قارچ‌گونه به وجود آمده‌اند و محل تجمع سارقین می‌باشد، محیطی مجرمانه است.

علت سوم: از علل بزهکاری، علل مرتبط با خصوصیات فردی و یا روانی است. مانند علل فیزیکی، زیستی، روانشناسی و... علل روان‌تنی که ریشه در روان یا جسم انسان دارد نیز موضوع مورد مطالعه علل بزهکاری است. چه آن‌که، شمار قابل توجهی از بیماری‌های امروزی، ریشه روانی دارد مانند سردرد، زخم معده، خارش بدن و...

علت چهارم: علل وضعی^۱ یا علل مربوط با وضعیت که با علل محیطی تفاوت دارند، از دیگر علل ارتکاب جرایم به‌شمار می‌آیند. علل وضعی، عللی است که انسان خود، آن را فراهم می‌سازد و همین امر تفاوت آن را با علل محیطی مشخص می‌کند؛ زیرا، در علل محیطی، انسان در پیدایش و فراهم‌سازی آن نقش ندارد، حال آن‌که در علل وضعی، انسان آن را به وجود می‌آورد. به‌عنوان مثال، در ارتکاب سرقت از خودروها، می‌توان با ایجاد یک سلسله موانع فیزیکی و وضعی، سارق را از ارتکاب سرقت بازداشت و یا حداقل ارتکاب جرم را برای او دشوار کرد. به‌عبارت دیگر، علل وضعی، عللی هستند کاتالیزور جرم می‌باشند. بدین معنا که یا وقوع جرم را برای مرتکب تسهیل می‌کنند و مانع ارتکاب جرم نمی‌شوند مانند آن‌که از وسایل محافظتی برای خودرو استفاده نشود یا خودرو در منطقه‌ای جرم‌خیز مانند تاریکی یا دور از دید پارک شود و یا آن‌که، وقوع جرم را با دشواری روبه‌رو کرده و موجب سختی و ممتنع نمودن در ارتکاب آن شود، مانند آن‌که از دزدگیر استفاده شود یا در زیر نور خیابان پارک شود. بنابراین، علل وضعی از جمله عللی هستند که اخیراً مورد توجه قرار گرفته‌اند و روی دیگر آن پیشگیری وضعی می‌باشد.

فصل هفتم

جایگاه جرم‌شناسی در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی

تولد جرم‌شناسی - پیش‌تر اشاره شد - محصول تلاقی و ترکیب اندیشه‌های گوناگون بوده و توسط یک پزشک، یک جامعه‌شناس و یک حقوقدان ایتالیایی بنیانگذاری شد. جرم‌شناسی امروزه نه تنها از سوی نظام‌های حقوقی بلکه از سوی حقوق بین‌الملل کیفری و مجامع بین‌المللی نیز با استقبال مواجه شده است. از این‌رو، ابتدا جایگاه جرم‌شناسی در سطح بین‌المللی و سپس در ایران بررسی می‌شود تا اهمیت رشته‌های علوم جنایی در ابعاد علمی، عملی و انسانی آن ملموس‌تر شود.

الف: جایگاه جرم‌شناسی در سطح نظام بین‌المللی

جرم‌شناسی در معنای علمی آن همان‌طور که پیش از این بیان شد، در سده نوزدهم از جمله از یک‌سو، در واکنش به حاکمیت مطلق حقوق کیفری کلاسیک که صرفاً به فعل مجرمانه به‌عنوان تنها ضابطه، جوهر و ذات حقوقی مستقل می‌پرداخت و از سوی دیگر، به دنبال شکست نظام کیفری در کنترل بزهکاری به‌وجود آمد.^۱ مخالفت سرسختانه حقوقدانان جزمی، به ویژه در کشورهای دارای نظام حقوقی حقوق نوشته (رومی - ژرمنی) باعث شد تا جرم‌شناسی مدت‌ها در حاشیه باقی بماند؛ زیرا، آنان معتقد بودند و هستند که برای امنیت و آرامش جامعه و امنیتی جانی، مالی و حفظ آزادی‌های فردی، تنها راه، برخورد کیفری محض با مرتکبان است و کاربرد دستاوردهای مطالعات جرم‌شناسی، جامعه‌شناختی و... نه تنها باعث حل مشکل بزهکاری نخواهد شد؛ بلکه، آن را پیچیده و گسترده‌تر نیز می‌سازد.

برآمد این اندیشه موجب شد که در این کشورها، آموزش جرم‌شناسی صرفاً در چارچوب دانشکده‌های حقوق و در قالب یک ماده درسی فرعی باقی بماند و از مؤسسات جرم‌شناسی و صرفاً به‌عنوان یک نهاد آموزشی - پژوهشی بهره‌برداری شود. این دسته از حقوقدانان جزمی معتقدند که اگر امروزه افزایش بزهکاری و انحراف مشاهده می‌شود، بدین جهت است که جرم‌شناسان می‌کوشند از حاکمیت و قاطعیت نظام کیفری با بزهکاران بکاهند و با وارد کردن نظریه‌ها و مفاهیم جامعه‌شناسی،

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حقوق کیفری در آغاز هزاره سوم، دیباچه در: پی. فلچر، جرح، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه سید مهدی سیدزاده ثانی، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، چاپ چهارم، ۱۳۹۰، ص ۱۵ و بعد؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تعامل حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دیباچه در: کیت، سوئیل و دیگران، شناخت حرم‌شناسی، ترجمه میرروح الله صدیق، انتشارات دادگستر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۲ و بعد.

۵۸ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

روانشناسی، روانپزشکی و... به قلمرو حقوق کیفری، بزهکار را مانند فردی که به کمک و درمان نیاز دارد معرفی نموده تا با او تحت این عنوان رفتار شود.

در عین حال، جرم‌شناسی به تحول و گسترش خود ادامه داد؛ چنان‌که، از سال ۱۹۳۴ میلادی دارای یک «تربیون جهانی» به نام جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی شد و به‌عنوان یک علم که از یک‌سو، مبتنی بر رهیافت‌های نظری و از سوی دیگر، بر ره‌آورد‌های کاربردی استوار است، مورد توجه محافل علمی، اداری و اجرایی واقع شد. به‌طور کلی، در قلمرو علوم جنایی در سطح نظام بین‌المللی، پنج انجمن که در میان متخصصان و سازمان‌های بین‌المللی به «پنج انجمن بزرگ»^۱ مشهورند، فعالیت دارند که عبارتند از:^۲ **انجمن بین‌المللی حقوق کیفری**،^۳ **جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی**،^۴ **جامعه بین‌المللی دفاع اجتماعی**،^۵ **بنیاد بین‌المللی کیفری و زندان‌ها**^۶ و **جامعه جهانی بزه‌دیده‌شناسی (قربانی‌شناسی)**.^۷

هدف جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی که تأسیس آن به دلیل لحاظ نمودن روش فلسفی برخورد با پدیده مجرمانه در گذشته، با تأخیر مواجه شد، از یک‌سو ارتقای اقدامات و پژوهش‌ها به‌منظور شناخت بهتر پدیده مجرمانه در سطح بین‌المللی و از سوی دیگر، مساعد کردن زمینه پیشگیری از بزهکاری در اشکال مختلف آن و نیز بهبود آیین رسیدگی در نظام‌های مختلف عدالت کیفری است.^۸ این نهاد بین‌المللی، به ابتکار استادان و دانشمندان فرانسوی - ایتالیایی در سال ۱۹۳۴ میلادی در قالب یک فدراسیون از انجمن‌های جرم‌شناسی، زیست‌شناسی جنایی، بهداشت، پیشگیری و انسان‌شناسی کشورهای مختلف آمریکای جنوبی و اروپا در پاریس تشکیل و دبیر کلی آن به استاد «بنینودی تولیو»^۹ از ایتالیا، سپرده شد. هدف نهایی نیز آن بود که فدراسیون در آینده به یک جامعه بین‌المللی تبدیل شود. از این‌رو، تشکیل کنگره بین‌المللی جرم‌شناسی، به‌منظور محقق ساختن اهداف این فدراسیون یعنی فراهم آوردن امکانات لازم برای دانشمندان، حقوقدانان و دست‌اندرکاران مسائل جرم‌شناسی مورد توافق قرار گرفت. در جریان جلسات مقدماتی این کنگره در سال ۱۹۳۷ میلادی بود که با تبدیل

1. Four Majors

۲. برای مطالعه بیشتر رک: آشوری، محمد و نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره مطالعات تطبیقی، دیپاچه در: آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ ششم، ۱۴۰۲، ص ۱۳ و بعد.

3. International Association of Penal Law (IAPL)

4. International Society of Criminology (ISC)

5. International Society of Social Defence (ISSD)

6. International Penal and Penitentiary Foundation (IPPF)

7. World Society of Victimology (WSV)

۸. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی سازمان ملل متحد، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸، دی ۱۳۷۴، ص ۲۸۷ و بعد.

9. Benigno di Tullio

مباحثی در علوم جنایی ۵۹

فدراسیون به «جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی» موافقت شد و یک سال بعد، یعنی سال ۱۹۳۸ میلادی، به دنبال برگزاری نخستین کنگره در ژنوا، جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی، رسماً تأسیس شد. اهداف جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی را می‌توان در سه محور یعنی **توسعه روابط بین‌المللی، پیشبرد تحقیقات علمی و مساعد کردن زمینه ارتباطات میان جرم‌شناسان** سازمان داد.

جامعه ملل در این میان، نیز نقش آفرین بوده است. در قلمرو بین‌المللی، به دنبال فعالیت‌های مطالعاتی که از زمان تشکیل و تأسیس جامعه ملل در زمینه سیاست جنایی آغاز شده بود، سازمان ملل متحد نیز با توجه به دیدگاه خاص خود از جرم و نحوه کنترل آن، جایگاه خاصی برای تحقیقات جرم‌شناختی و یافته‌های آن در سیاست جنایی بین‌المللی قائل شده است که می‌توان به اهم اقدام‌های سازمان ملل در این خصوص اشاره داشت: برگزاری کنفرانس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، تعیین و تدوین اصول راهبر و رهنمودها در قلمروی عدالت کیفری و پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان برای کشورهای عضو، جلب همکاری وسیع و مؤثر مؤسسات تخصصی کیفری و جرم‌شناختی، ایجاد و سازمان‌دهی گروه‌های منطقه‌ای تخصصی، ارائه خدمات فنی در قلمرو سیاست جنایی (با تأکید بر یافته‌های جرم‌شناختی) به کشورهای متقاضی عضو و انتشار حداقل یک مجله تخصصی به نام «نشریه بین‌المللی سیاست جنایی» که در نهایت هدف هماهنگ سازی خط‌مشی‌های کنترل جرم را در کشورهای عضو دنبال می‌نماید؛ همچنین تأسیس مراجعی برای انجام پژوهش‌های جرم‌شناختی و کیفری به منظور سیاست‌گذاری علمی و سنجیده در زمینه پیشگیری از جرم از قبیل «کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری» با هدف مطالعه و تنظیم برنامه‌های ضروری برای بررسی مسأله پیشگیری از جرم و اصلاح بزهکاران در سطح بین‌المللی و نیز انشای اصول راهبر و خط‌مشی‌های عملی برای دولت‌های عضو در این قلمرو از جمله مهمترین اقدامات است. ناگفته نماند که در هزاره سوم و با گسترش طیف وسیعی از جرایم از جمله جرایم بین‌المللی جهانی (جرایم جهانی شده) و جرایم فراملی^۱ (جنایات بین‌المللی) توسعه مطالعات و رهیافت‌های جرم‌شناسی انکارناپذیر است.

ب: جایگاه جرم‌شناسی در سطح منطقه‌ای

جرم‌شناسی افزون بر سطح جهانی در قلمرو منطقه‌ای نیز از جایگاهی مهم برخوردار است. بدین سان، در سطح منطقه‌ای و قاره‌ای می‌توان به کمیته اروپایی مسائل جنایی شورای اروپا - به عنوان نمونه - اشاره کرد. این شورا که در سال ۱۹۲۹ میلادی ایجاد

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جنایات بین‌المللی و جرم‌شناسی، دیپاچه در: نیکوکار، حمیدرضا «به کوشش»، جرم‌شناسی فراملی، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۱۱ و بعد.

۶۰ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

شد و اکنون حدود چهل عضو دارد، با تأسیس کمیته (بخش) مسائل جنایی در سال ۱۹۵۶ میلادی، فعالیت‌های گسترده‌ای در مقوله سیاست جنایی اروپا معمول داشته است. از جمله آن‌که شورای علمی جرم‌شناختی را به عنوان مرجع مشورتی کمیته مسائل جنایی در سال ۱۹۶۳ تأسیس نمود و از همان سال به برگزاری سالیانه «کنفرانس‌هایی در زمینه تحقیقات جرم‌شناختی» در سطح محققان و مسئولان اداری - اجرایی و از سال ۱۹۷۳ به تشکیل سالیانه همایش‌های جرم‌شناختی در زمینه موضوعات مربوط به روش‌شناسی در این قلمرو، مبادرت کرد. از این‌رو، شورای اروپا سعی دارد تا از این طریق تصمیم‌گیران و مسئولان سیاست جنایی دولت‌های عضو را در جریان یافته‌های جرم‌شناختی قرار دهد. چنان‌که در استرالیا نیز، جرم‌شناسی، از استقلال آموزشی برخوردار است.

ب: جایگاه جرم‌شناسی در سطح ملی

جرم‌شناسی در سطح ملی از استحکام و ثباتِ خدشه‌ناپذیری برخوردار شده است. به عنوان مثال، در فرانسه، با وجود مقاومت شدید برخی از حقوقدانان جزمی، دولت وقت در سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۸۲ میلادی به تشکیل کمیته مطالعاتی متشکل از کارشناسان علوم جنایی و سایر رشته‌های علوم انسانی و نیز مسئولان اجتماعی - قضایی سطح ملی و کمیسیون تحقیقاتی در سطح چند شهر بزرگ فرانسه مبادرت نمود. موضوع کار این کمیته مطالعه اشکال و ابعاد مختلف بزهکاری و ارائه شیوه‌های کارآمد مبارزه علیه خشونت، انحراف و جرایم و به ویژه پیشگیری از آن‌ها بود. بدین‌رو، دولت فرانسه با توجه به توصیه‌های کمیسیون، به تشکیل کمیته‌های ملی و محلی برای اجرا و پیگیری این توصیه‌ها اقدام نمود. این کمیته و کمیسیون برای کاهش بزهکاری، اصولاً بر پیشگیری تأکید نمودند و راهکارهایی نوین برای مبارزه با انحراف، خشونت، تکرار جرم و... ارائه کردند. بر این اساس، گسترش جرم‌شناسی به ویژه در بُعد عملی آن، در کشورهای آنگلو ساکسون برای همه دست‌اندرکاران علوم جنایی امری بدیهی است.

جرم‌شناسی در ایران، از اوایل سال‌های ۱۳۳۰ خورشیدی به این‌سو، به‌عنوان یک ماده درسی مستقل در برنامه دوره کارشناسی رشته حقوق «دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی» دانشگاه تهران گنجانده شد که به تأسی از آن، دانشگاه پلیس نیز به تدریس این رشته در دوره کارشناسی رشته افسری پرداخت؛ اما، با تأسیس مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی به عنوان یکی از مؤسسات وابسته به «دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی» دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۰، رسمیت علمی (تئوریک) و کاربردی بیشتری به جرم‌شناسی بخشیده شد. به‌گونه‌ای که براساس ماده ۱ اساسنامه این مؤسسه فعالیت‌هایی از جمله: بسترسازی برای اصلاح قوانین کیفری و

مباحثی در علوم جنایی ۶۱

تطابق آن با اصول و مبانی جرم‌شناسی، کشف علمی بزهکاری (به‌ویژه بزهکاری اطفال)، انجام مطالعات علت‌شناسانه و دستیابی به راهکارهای مؤثر برای پیشگیری از وقوع جرم و... در این مؤسسه که وابسته به گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق است، قابل انجام بود.^۱

پس از تشکیل مؤسسه علوم جزایی و جرم‌شناسی در دانشگاه تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات دانشکده حقوق دانشگاه ملی ایران - یعنی دانشگاه شهید بهشتی کنونی - در آبان ماه سال ۱۳۵۶ تشکیل شد. در این مرکز بخش جرم‌شناسی در کنار بخش حقوق کیفری ایجاد شد که در هر چهار ماه یک بار، کلیه بخش‌ها که زیر نظر و راهنمایی یکی از استادان دانشکده فعالیت داشتند، نتایج پژوهش‌ها و تحقیقات خود را در یک گردهمایی مشترک ارائه و در نشریه مربوط به دانشکده یا دیگر نشریه‌ها منتشر می‌نمودند؛ اما، این مرکز با فعالیت‌های زیادی همراه نبود و در دوره جدید یعنی پس از دوران «انقلاب فرهنگی» عملاً فراموش شد که سرانجام، در اردیبهشت ماه ۱۳۷۲ انجمن ایرانی جرم‌شناسی تأسیس شد. تأسیس این انجمن به عنوان یک نهاد علمی غیردانشگاهی که از جمله وظایف آن مطابق ماده ۱ اساسنامه این انجمن، ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی در زمینه جرم‌شناسی و همکاری با مؤسسات تخصصی داخلی و خارجی است، خود، یک نوآوری در نظام علمی ایران محسوب شده و بیانگر آن است که مراجع علمی غیردولتی نیز می‌توانند در قلمرو علوم جرم‌شناختی به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی بپردازند. بدین‌سان، در نگرشی کلی، آموزش جرم‌شناسی در دانشگاه‌های جهان، از سه رویه یا سیاست پیروی می‌کند:

رویه نخست: اختصاص یک دانشکده، مدرسه عالی یا گروه - دپارتمان - مستقل به جرم‌شناسی که از گذر آن دانشجویان علاقه‌مند به این رشته قادر باشند تا دوره‌های کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری جرم‌شناسی را طی کنند و صاحب تخصص در جرم‌شناسی - متخصص جرم‌شناسی - از منظر ابعاد نظری و یا کاربردی آن مانند جامعه‌شناسی یا روانشناسی گردند. ایالات متحده آمریکا و کانادا از کشورهای پیشگام در اتخاذ این سیاست آموزشی می‌باشند که به جرم‌شناسی استقلال آموزشی اعطاء کرده‌اند.^۲

رویه دوم: بر اساس این سیاست، جرم‌شناسی، معمولاً در چارچوب مؤسسات علوم جنایی یا جرم‌شناسی که از نظر سازمانی به دانشکده حقوق و در برخی از کشورها به دانشکده‌های روانشناسی یا جامعه‌شناسی و یا دانشکده پلیس وابسته است، ارائه

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جایگاه جرم‌شناسی در ایران، مجله کانون وکلا، شماره ۱۲، ۱۳۷۶.

۲. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره آموزش و پژوهش جرم‌شناسی در ایران، دیپاچه در: پیکا، ژرژ،

جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ پنجم، ۱۴۰۰.

۶۲ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

می‌شود. از آنجایی که امکان دارد این مؤسسات از رسالت پژوهشی نیز برخوردار باشند، رشته‌های حقوقی و تجربی علوم جنایی را در دو نیمسال تحصیلی به دانشجویان حقوق، جامعه‌شناسی و روانشناسی علاقه‌مند در این حوزه آموزش می‌دهند. دانشجویان این رشته‌ها معمولاً از سال سوم دوره کارشناسی در این مؤسسات پذیرفته می‌شوند و پس از گذارندن دو نیمسال تحصیلی و دوره کارآموزی که به اعطاء دو گواهینامه تحصیلی (علوم جنایی مشتمل بر درس‌های حقوقی مانند حقوق کیفری عمومی، حقوق کیفری اختصاصی و آیین دادرسی کیفری و علوم جرم‌شناختی شامل دروسی مانند جرم‌شناسی، کیفرشناسی، بزهکاری کودکان و نوجوانان و...) می‌انجامد، می‌توانند در طول یک سال تحصیلی دیگر با تدوین پایان‌نامه، دیپلم یا مدرک مؤسسه علوم جنایی را نیز اخذ کنند.

رویه سوم: این رویکرد آموزشی شامل نظام‌های دانشگاهی می‌شود که جرم‌شناسی یا دیگر رشته‌های علوم جنایی تجربی را در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری حقوق، جامعه‌شناسی، روانشناسی و علوم انتظامی به‌عنوان درسی اصلی در دوره‌های درسی دانشکده و گروه‌های درسی گنجانده‌اند. هدف از آموزش جرم‌شناسی در این رویکرد دانشگاهی، در حقیقت آشناسازی قضات، وکلا، افسران پلیس، جامعه‌شناسان و روانشناسان آینده با مفاهیم و مضامین کلی جرم‌شناسی است. در بخش وسیعی از نظام‌های آموزشی عالی دنیا از جمله دانشگاه‌های ایران از دیرباز این سیاست در خصوص جرم‌شناسی، اجرا می‌شود.

افزودنی است که بر اساس بازنگری انجام شده در دروس دوره کارشناسی رشته حقوق که در یکصد و دهمین جلسه مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۳ به تصویب شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رسیده است، درسی با عنوان **پیشگیری از جرم^۱** به میزان یک واحد درسی، به‌عنوان یکی از دروس پایه در رشته حقوق نیز مورد تصویب قرار گرفته که این امر خود، حکایت از اهمیت دو چندان دانش جرم‌شناسی و شاخه‌های آن در نظام آموزش عالی ایران دارد.

از این رهگذر است که قانونگذار ایرانی تلاش کرده است از یافته‌ها و دستاوردهای جرم‌شناسی در قوانین کیفری استفاده کند. تبلور این رهیافت‌ها از یک‌سو، در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته و به اصطلاح **اساسی‌سازی^۲** شده و از اعتبار و حیثیت قانون اساسی برخوردار گردیده است و از

۱. اگرچه در سرفصل‌های جدید دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی مصوب تیر ۱۴۰۲، درس جرم‌شناسی از مواد امتحانی آزمون ورودی دانشگاه‌ها حذف شده است.

۲. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، بین‌المللی - اساسی شدن اصول حقوق کیفری، در: جنیدی، لعیبا و نیازپور، امیرحسین، دانشنامه سیاستگذاری حقوقی، انتشارات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، تهران، چاپ

مباحثی در علوم جنایی ۶۳

سوی دیگر، در اسناد بالادستی مانند سیاست‌های کلی نظام، مصوب و ابلاغی از سوی مقام رهبری (بند سوم از سیاست‌های کلی قضایی پنج ساله مصوب ۱۳۸۸/۹/۱ مقام رهبری)،^۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ (بند الف ماده ۳۸)^۲ و همچنین قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ (شق اول از بند ت ماده ۱۱۳)^۳ و در نهایت در قوانین عادی مانند قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب همان سال، متجلی شده است. بدین‌سان، جرم‌شناسی در سده بیست‌ویکم در تمامی نقاط دنیا و به‌ویژه در نظام حقوقی ایران واجد اهمیت گشته و مورد توجه قانونگذاران واقع شده است.

دوم، ۱۴۰۰؛ همچنین رک: نجفی ابرنآبادی، علی حسین، درآمدی بر اساسی‌سازی حقوق کیفری، در: گرجی ازندریانی، علی اکبر «به کوشش»، در تکاپوی حقوق عمومی، انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول، ص ۹۸۸ و بعد.

۱. سیاست‌های کلی قضایی پنج‌سال مصوب ۱۳۸۸/۲/۱ مقام رهبری: ارتقاء توانمندی‌های علمی و عملی و سلامت قوه قضائیه در جهت اجرای وظایف محوله در قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام با تأکید بر: ...

۳. اهتمام به پیشگیری از وقوع جرم و لزوم همکاری سایر دستگاه‌ها با قوه قضائیه در این زمینه.

۲. بند الف ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰: «قوه قضائیه مکلف است نسبت به تنقیح، اصلاح و رفع خلأهای قوانین قضایی با رویکرد پیشگیری از وقوع جرم و اختلاف، کاهش عناوین مجرمانه و محکومیت حبس و تبدیل آن به مجازات‌های دیگر و متناسب‌سازی مجازات‌ها و جرائم، جایگزین کردن ضمانت اجرای غیرکیفری مؤثر و روزآمد از قبیل انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی اقدام و لوایح مورد نیاز را تهیه و از طریق دولت با رعایت قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند».

۳. شق اول از بند ت ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴: «قوه قضائیه مکلف است با استفاده از ظرفیت‌های تمامی دستگاه‌های اجرایی و بهره‌گیری از مشارکت اجتماعی مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد و مراکز علمی و پژوهشی کشور نسبت به تهیه و تدوین برنامه جامع پیشگیری از وقوع جرم و ارتقاء سلامت اجتماعی با رعایت قوانین مربوط تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه اقدام نماید».

فصل هشتم

ویژگی‌های جرم‌شناسی

پس از تبیین موضوع مورد مطالعه در علوم جنایی از یک‌سو و درک اهمیت این علوم به همراه معرفی شاخه‌های مختلف آن از سوی دیگر، اکنون باید ویژگی‌های جرم‌شناسی، موضوع اصلی این نیمسال مورد مطالعه قرار گیرد. از آنجایی که جرم‌شناسی، از دستاوردهای دیگر علوم استفاده می‌کند و جزئی از علوم مرکب است، ابتدا باید ویژگی‌های این دانش را به عنوان جزئی از علوم مرکب تبیین نموده تا آن را از علوم محض بازشناخت و سپس خصیصه‌های دیگر این دانش را به عنوان علمی از علوم جنایی بررسی نمود.

الف: ویژگی‌های جرم‌شناسی به عنوان رشته‌ای از علوم مرکب

علوم مرکب یا علوم پیچیده، اصطلاحی است که آقای «آلن برژه» جرم‌شناس کانادایی مطرح نموده است. از نظر وی، علوم مرکب به رشته‌هایی گفته می‌شود که از تلفیق روش‌ها، اطلاعات و موضوعات رشته‌های مختلف به‌وجود آمده و افزون بر آن به استقلال نیز رسیده باشند.

الف.۱: چندمبنایی و میان رشته‌ای بودن

این علوم را وعده‌گاه علوم نامیده‌اند. جرم‌شناسی از سنتنر و ترکیب آورده‌های دیگر رشته‌ها مانند زیست‌شناسی، فلسفه، ریاضی، روانپزشکی و.. به‌وجود آمده است.

الف.۲: نظری و کاربردی بودن

جرم‌شناسی همزمان جنبه نظری و علمی دارد. علوم مرکب، علوم محض و تئوریک نیستند و رسالت آن‌ها کاربردی است.

الف.۳: در نوسان بودن

جرم‌شناسی، همانند دیگر علوم مرکب، نه عام و نه خاص است؛ بلکه، میان این دو در نوسان می‌باشد. جرم‌شناسی برای کاربردی کردن یا تصمیم‌گیری درباره نسخه‌ای که تجویز می‌کند، همواره در نوسان است. از این‌رو، جرم‌شناسی باید با مطالعه زندان به عنوان «کلینیک بزهکاران» و بررسی پرونده‌های هر یک از مجرمان به علل مجرم شدن افراد پی‌برده و سپس نتایج را در دفتر خود قید کند و برای بزهکارانی که به علل مشابه مرتکب جرم شده‌اند، فرمول‌هایی قابل تعمیم تنظیم کند. با اِعمال این راهکارها در خصوص مرتکبان، هریک از آن‌ها، واکنش خاصی را نسبت به این راهکار از خود،

مباحثی در علوم جنایی ۶۵

منعکس می‌کنند و بنابراین، همه آن‌ها اصلاح نمی‌شوند. بدین‌سان، جرم‌شناس برای فهم کارآیی فرمول‌های خود، آن فرمول‌ها را برآورده کرده و به ارزیابی آن‌ها می‌پردازد.

الف.۴: نسبی بودن مفاهیم جرم‌شناسی

مفاهیم جرم‌شناسی با توجه به عرف، زمان و مکان نسبی است. در جرم‌شناسی و در کنار مفاهیم کاملاً علمی و دقیق آن مانند «آمار جنایی»، «رقم سیاه» و «بزهکار به عادت» یک سلسله مفاهیم و داوری‌های ارزشی وجود دارد که محدوده آن را به صورت علمی نمی‌توان تعیین کرد. در واقع عرف، زمان و مکان در تعیین آن‌ها مؤثر هستند به عنوان مثال، در پزشکی، مفهوم سلامتی یا درمان شدن به صورت کامل مفاهیمی نسبی هستند. در جرم‌شناسی نیز همانند پزشکی که از علوم مرکب است، از مجازات و تنبیه سخن به میان می‌آید. مجازات در حقوق به صورت اعتباری تعریف شده است؛ اما آیا در مرحله اعمال این مجازاتها بر بزهکاران گوناگون آنان تلقی یکسانی از مجازاتی خاص دارند؟ و به عنوان مثال، آیا همه بزهکاران، کیفر شلاق را کیفری تریلی تلقی می‌کنند؟ پاسخ منفی است؛ زیرا، ممکن است برای برخی، مجازات شلاق بسیار «ترذیلی» محسوب نشود؛ ولی برای دیگران این مجازات شاید به دلیل نابرابری‌های بدنی یا روانی قابل تحمل نباشد.

الف.۵: حاکمیت اخلاق جرم‌شناسی

جرم‌شناسی در کنار سایر علوم مرکب تحت حاکمیت یک نوع اخلاق حرفه‌ای یا به عبارت بهتر، سلوک اخلاقی خاص خود است، همچنان‌که در علوم پزشکی از اخلاق پزشکی صحبت می‌شود. به عنوان مثال، در پزشکی سوگند بقراط وجود دارد که بر اساس آن، همه پزشکان سوگند یاد می‌کنند که اخلاق پزشکی را رعایت کنند. بدین معنا که پزشک باید در مداوای همه بیماران خواه سفیدپوست یا رنگین‌پوست، خواه بی‌دین و خواه متدین و... تلاش لازم و یکسان کند یا آن‌که برای فراگیری مهارت و آموزش، از بیماران استفاده نکند.

در جرم‌شناسی نیز، این رویکرد، حاکم است. یعنی، جرم‌شناس برای کشف علل بزهکاری از هر روش برای بررسی شخصیت مرتکب استفاده نکند و همواره کرامت او را مورد تکریم قرار دهد. مانند مثال معروف در خصوص بزهکاران مکرر جنسی که زندان درباره آن‌ها مؤثر نیست. در گذشته، درباره آنان پیشنهاد می‌شد که با بهره‌گیری از عمل جراحی «لب‌برداری»^۱ از مغز آن‌ها - ماده‌ای سفید رنگ در مغز - غریزه جنسی آن‌ها تعدیل شود. لب‌برداری از یک‌سو، نتیجه‌بخش بوده و برای جامعه مفید است؛ اما

۶۶ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

از سوی دیگر، با توجه به اخلاق جرم‌شناسی، دخالت در تمامیت جسمانی افراد، بدون رضایت آن‌ها به نام مبارزه با تکرار جرم، برخلاف کرامت انسانی افراد است؛ زیرا، شخصی که مرتکب جرم می‌شود، بابت ارتکاب آن، صرفاً یک مجازات به جامعه بدهکار است و با حبس یا هر نوع مجازات قانونی دیگر، بدهی خود به جامعه را پرداخت کرده است و چنانچه بدون رضایت او، مورد عملیات جراحی لُب‌برداری، قرار گیرد؛ از یک سو، کرامت او به زیر سؤال رفته و از سوی دیگر، مجازات مضاعفی بر او تحمیل می‌شود. بدین‌سان، این عملیات جراحی در کانادا با اخذ رضایت از مجرمان یا بنا به درخواست آن‌ها صورت می‌پذیرد. در فرانسه برای این افراد دوره‌های تأمینی پیشنهاد شد. این دوره، قسمتی از دوره حبس است که فرد مرتکب از هیچ یک از ارفاقات زندانیان برخوردار نمی‌شود. به عنوان مثال، اگر آزادی مشروط پس از گذشت دوازده سال از تاریخ محکومیت قابل تقاضا باشد، برای این دسته از مجرمان، محاسبه این دوازده سال پس از پایان یافتن دوره تأمینی است. بدین توضیح که دوره تأمینی، در زمان حبس مجرمان خطرناک و سابقه‌دار اعمال می‌شود. بر اساس این تدبیر، محکوم زندانی طی این دوره در بند یا محل خاص نگهداری می‌شود. مدت دوره تأمینی برای اعطای آزادی مشروط یا عفو زندانی محاسبه نمی‌شود. بدین معنا که پس از انقضای مدت دوره تأمینی، محاسبه حبس برای تقاضای آزادی مشروط توسط محکوم زندانی آغاز می‌شود. بدین ترتیب، دوره تأمینی که با اقدام تأمینی تفاوت دارد، بخشی از مجازات بوده و مستحیل در دوران حبس است. بنابراین، یک دوره حبس بسیار سخت برای اینگونه مرتکبان پیش‌بینی شده و اعمال می‌شود.

در خصوص حاکمیت اخلاق حرفه‌ای در جرم‌شناسی به عنوان مثالی دیگر می‌توان به پیشگیری وضعی اشاره داشت. پیشگیری وضعی که به معنای برهم زدن اوضاع و احوال پیش از بزهکاری یا به تعبیر فنی‌تر زدودن موقعیت‌های پیش‌جنایی است، مرتکب را از ارتکاب جرم منصرف می‌سازد و یکی از گونه‌های غیرکیفری جرم‌شناسی پیشگیرانه بوده که با لزوم رعایت حق بر حریم خصوصی افراد در تعارض است؛ زیرا، بر اساس اینگونه از پیشگیری، شائبه مداخله در زندگی خصوصی و خلوت مردم وجود دارد. حال، پرسش این است که آیا به نام پیشگیری از جرم می‌توان خلوت افراد را نادیده انگاشت؟ بدون تردید، پاسخ منفی است؛ زیرا، خلوت، عزیزترین حق بشری است و حتی اگر، پیشگیری وضعی ایجاب کند که در تمامی منازل مردم، دوربین نصب شود، اخلاق حرفه‌ای جرم‌شناسی چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد؛ زیرا، تالی فاسد آن از بین رفتن حریم خصوصی و حق بر خلوت افراد است.

ب: ویژگی‌های جرم‌شناسی به عنوان رشته‌ای از علوم جنایی

جرم‌شناسی به عنوان یکی از رشته‌های علوم جنایی، خود، دارای ویژگی‌هایی است که موجب تمایز آن از دیگر رشته‌های علوم جنایی و سایر دانش‌ها می‌شود.

ب.۱: انحصاری بودن مطالعه علمی جرم در قلمرو جرم‌شناسی

جرم‌شناسی، تنها دانش یا علمی است که ماهیت جرم و علل ارتکاب آن را بررسی می‌کند. از این منظر، جرم‌شناسی علمی، عمری حدود ۱۵۰ سال دارد. بدیهی است، پیش از این دوران - همان گونه که پیش‌تر اشاره شد - پیشینیان، فلاسفه، مُصلحان اجتماعی و ادبا دربارهٔ مجرم شدن افراد نیز اندیشیده بودند؛ ولی هیچ‌گاه این تفکرات به صورت تجربی و علمی نبوده است. مانند سعدی که در کتاب‌های خود به مسألهٔ همنشینی و تقلید اشاره کرده است؛^۱ اما، در «جرم‌شناسی علمی» این دیدگاه‌های ادبی، فلسفی و اخلاقی به عنوان فرضیه‌های موضوع مطالعات علمی قرار می‌گیرد، برای مثال، «لمبروزو» ابتدا فرضیهٔ مطالعات خود را بر این اساس قرار داده بود که میان چهره و اندازهٔ برخی از اندام‌های انسان و رفتارهای او همبستگی وجود دارد. ریشه‌های این نظریه را می‌توان در اعتقاد پیشینیان به امکان شناخت افراد از روی خطوط کف دست، چهره و... یافت. وی، این نظریه‌های قدیمی را روش‌مند کرد و با مطالعهٔ مجرمین معدوم و زندانی و سربازان غیربزهکار (گروه شاهد) به نتایج جدید رسید. حاصل این مطالعه، سبب شد تا او در کتاب انسان / مرد بزهکار، تئوری بزهکار مادرزاد را ارائه دهد. بنابراین، این نکته مهم است که در ابتدا، مطالعات علمی جرم‌شناسی برای بررسی صحت دیدگاه‌های عمومی فلاسفه و مصلحین اجتماعی انجام شده است.

ب.۲: خاص بودن مفاهیم جرم‌شناسی

جرم‌شناسی مفاهیم، اصطلاحات و نظریات خاص خود را دارد. به گونه‌ای که تقریباً معادل کلیهٔ مفاهیم حقوق کیفری در جرم‌شناسی، اصطلاح خاص دیگری وجود دارد. برای مثال، معادل مجرم به تکرار جرم در حقوق کیفری، مفاهیم دیگری مانند «بزهکار حرفه‌ای»،^۲ «بزهکار مزمن» و «بزهکار به عادت» در جرم‌شناسی وجود دارد. بدیهی است، این اصطلاحات در جرم‌شناسی برای تحلیل و تفسیر علت‌شناسی جرم به‌کار می‌روند و دارای معنایی خاص هستند.

۱. پسر نوح با بدان بنشست - خاندان نبوتش گم شد

۲. بند «ش» مادهٔ ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با اصلاحات ۱۴۰۰ مقرر می‌دارد: «قاچاقچی حرفه‌ای: شخصی است که بیش از سه بار مرتکب قاچاق شود، اعم از اینکه در هر مرتبه تعقیب شده یا نشده باشد و ارزش کالا یا ارز قاچاق در هر مرتبه بیش از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد.»

ب.۳: خاص بودن روش مطالعاتی در جرم‌شناسی

جرم‌شناسی روش‌های خاص مطالعاتی را دارد که با روش مطالعه و تحقیق در حقوق کیفری متفاوت است. روش معمول در جرم‌شناسی، استقراء یعنی از جزء به کل رفتن است؛ ولی، در حقوق کیفری، روش مطالعاتی، روش استدلالی است. بنا بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و تفسیر مضیق قوانین کیفری، هر عبارتی باید با روش مضیق تفسیر شود. هدف از تفسیر مضیق، حفظ اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها است. به‌همین دلیل، قانون‌گراترین علم حقوق، حقوق کیفری است؛ زیرا، با سرنوشت انسان، روبه‌رو است.

ب.۴: نقد و ارزیابی قوانین و عدالت کیفری: رسالت جرم‌شناسی

جرم‌شناسی ذاتاً منتقد است، نسبت به حقوق کیفری و سیاست جنایی رسالت انتقادی دارد و قوانین را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. حتی جرم‌شناسی انتقادی^۱ امروزه در دوره‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری تدریس می‌شود.

برآمد مباحثی که در این فصل به مناسبت ویژگی‌های جرم‌شناسی به عنوان علمی از علوم مرکب و سپس یکی از دانش‌های علوم جنایی مطرح شد، عبارت از این است که جرم‌شناسی به عنوان رشته‌ای از علوم جنایی و علوم مرکب همانند پزشکی، مجموعه‌ای از اطلاعات، یافته‌ها و روش‌های اتخاذی از رشته‌های علوم انسانی و تجربی است که به منظور مبارزه با بزه‌کاری، پیشگیری از جرم، یافتن علل ارتکاب جرم و ترمیم - درمان بزه‌دیدگان اعمال شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. آنچه در این رشته قابل طرح می‌باشد، عبارت از این است که جرم‌شناسی مستقل می‌باشد؛ ولی، در روش‌ها و موضوع‌ها از دیگر رشته‌ها بهره‌مند می‌گردد. جرم‌شناسی از این جهت که جرم را از حقوق کیفری وام می‌گیرد، تابع حقوق کیفری است؛ ولی، جرم را آن‌گونه می‌بیند که در واقع، اتفاق افتاد و نه آن‌گونه که قانونگذار تعریف کرده است.

همان‌گونه که بیان شد، حقوق کیفری رشته بایدها بوده و به دنبال جامعه آرمانی است و فرض می‌کند که با جرم‌انگاری و تهدید مجرمین بالقوه، جرمی به وقوع نخواهد پیوست و با شِدَاد و غلاظ کیفری، آن اعمال اتفاق نخواهند افتاد. اما، واقعیت آن است که بخشی از اعضای جامعه مرتکب این اعمال می‌شوند. بدین‌روی، در حقوق کیفری «بایدها»^۲ و در جرم‌شناسی «بودن‌ها»^۳ مطالعه می‌شوند و جرم‌شناس، آنچه را که اتفاق می‌افتد، بررسی می‌کند. حقوق کیفری رشته‌ای «Normative» و هنجارمند ولی

۱. برای مطالعه بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و گونه‌های آن، در: شیرینی، عباس «به کوشش»، دانشنامه جرم‌شناسی محکومان، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷، ص ۳۰ و بعد.

2. whotought tobe

3. what is / etant

مباحثی در علوم جنایی ♦ ۶۹

جرم‌شناسی رشته‌ای «Normal» و بهنجار است. به عقیده «دورکیم» جرم، پدیده‌ای نرمال و بهنجار - نه به معنای عادی - می‌باشد و منظور از این سخن، آن است که جرم، امری واقعی و غیرقابل اجتناب است. بنابراین، حقوقدان، فردی آرمان‌گرا ولی جرم‌شناس فردی واقعیت‌گرا است و بدین‌روی، این دو، لازم و ملزوم یکدیگر هستند. رشته‌های جرم‌شناسی در حال تحول هستند. به عنوان مثال، بر اساس یافته‌های جرم‌شناسی، بزهدکار فردی بیمار نیست و مانند سایر افراد جامعه است؛ حال آن‌که، سابقاً اعتقاد بر این بود که بزهدکار فردی بیمار است. همچنین و به عنوان مثالی دیگر در این خصوص، در سی سال گذشته، مجازات و رفتار قاضی هیچ‌گاه به عنوان علت در ایجاد جرم در نظر گرفته نمی‌شد؛ ولیکن امروزه، این امور به عنوان فرضیه‌ای در مطالعه جرم‌شناسی قرار می‌گیرد. این تحولات به دلیل ایجاد تحول در رشته‌های وابسته به جرم‌شناسی به خصوص جامعه‌شناسی بوده است.

فصل نهم

تحقیقات و روش‌شناسی در جرم‌شناسی

هر دانش، از روش تحقیق خاص خود، برخوردار است که در جهت دستیابی به اهداف و رسالت‌ها از آن استفاده می‌کند. دانش‌هایی مانند ریاضی، پزشکی و... جملگی، روش‌های خاص خود را دارند و تحقیقات در آن معمولاً در دو قالب روش مشاهده و مطالعه یا **Observation** و روش تجربه یا **Experimentation** صورت می‌پذیرد.

در جرم‌شناسی، مشاهده عبارت از این است که جرم‌شناس، روانشناس یا مددکار اجتماعی با مصاحبه با زندانیان به عنوان نمونه‌ای از بزه‌کاران، با انجام تست‌های روانشناسی و تشکیل پرونده شخصیت و تکرار همین آزمایشات، پس از گذشت مدتی در مقام مشاهده و مطالعه تغییر رفتار و شخصیت زندانی بر می‌آید. در جرم‌شناسی ممکن است که از روش تجربه نیز استفاده شود که در این روش باید حتماً دستاوردهای علوم ریاضی، زیست‌شناسی، پزشکی و... نیز به‌کار گرفته شود. به‌هر ترتیب، همان‌گونه که گذشت، جرم‌شناسی روش خاص خود را در تحقیقات دارد؛ اما، بدون تردید، این تحقیقات اهدافی را به‌دنبال دارد که یکی دیگر از وجوه تمایز میان جرم‌شناسی و دیگر دانش‌ها به‌ویژه حقوق کیفری را نمایان می‌کند. بنابراین، ابتدائاً باید اهداف تحقیقات در جرم‌شناسی تبیین شده و پس از آن به روش‌شناسی خاص جرم‌شناسی پرداخته شود.

الف: اهداف تحقیق در جرم‌شناسی

جرم‌شناسی بسان سایر علوم مانند شیمی، فیزیک، پزشکی و... اهداف خاص خود را دارد که تبلور آن در تحقیقات این دانش متجلی می‌گردد. از آنجایی که علوم جنایی با حقوق و آزادی‌های فردی افراد همراه است، بدون تردید مانند پزشکی که گاه با جان و حیات آدمی مواجه است، اهمیت مطالعات و تحقیقات را چند برابر می‌کند. از این‌رو، این دانش در چهار محور به تحقیق می‌پردازد.

الف. ۱: کمک به تحول قوانین کیفری

اصولاً قوانین کیفری، ساخته و پرداخته انسان‌ها است و قانونگذار بنا به نیازهای جامعه اقدام به قانونگذاری نموده و برحسب ضرورت به جرم‌انگاری و کیفرگذاری مبادرت می‌رود؛ اما، در تحقیقات جرم‌شناسی و به منظور ایجاد تحول در قوانین کیفری، چند محور باید مورد توجه قرار گیرد.

مباحثی در علوم جنایی ♦ ۷۱

محور اول؛ باید بررسی شود که اعمال و رفتاری که در قوانین کیفری جرم‌انگاری شده‌اند، آیا همچنان از منظر تابعان حقوق کیفری، یعنی شهروندانی که می‌توانند در قبال قانون کیفری پاسخگو باشند، دارای قبح اجتماعی و زشتی در عمل است؟ به عنوان مثال، قانونگذار در سال ۱۳۶۱ که مصادف با دوران جنگ تحمیلی بوده و اقتصاد کشور دچار بحران شده بود، خرید و فروش و جعل کوپن مواد غذایی را جرم‌انگاری نموده بود. بر اساس تحقیقات جرم‌شناسی باید بررسی می‌شود که آیا هم اکنون خرید و فروش جعل کوپن از نظر مردم قبیح است؟ به بیان دیگر، آیا همواره از این جرم‌انگاری حمایت می‌شود یا آن‌که این عمل قبح خود را از دست داده است؟؛ بنابراین هدف، در پرتو این محور مطالعاتی به‌روز کردن قوانین کیفری و کنار نهادن قوانین قدیمی و ناکارآمد است. بدین‌سان، اقدام یک جرم‌شناس در پرتو تحقیقات جرم‌شناختی، بررسی قبح یک رفتار مجرمانه نزد مردم و تابعان حقوق کیفری است و اگر، رفتار مجرمانه‌ای از منظر مردم قبیح نبود از عداد جرایم خارج شود و اصطلاحاً از آن عمل، **جرم‌زدایی** صورت پذیرد.

در مقابل، در تحقیقات جرم‌شناسی، ممکن است، جرم‌شناس به این نتیجه برسد که رفتاری از نظر قانونگذار پنهان مانده و جرم‌انگاری نشده است؛ اما، آن رفتار از منظر مردم قبیح می‌باشد و متوسط جامعه انتظار دادند که آن عمل، جرم تلقی شود، بنابراین، در این صورت است که جرم‌شناس، جرم‌انگاری یک رفتار را به قانونگذار پیشنهاد می‌کند. به عنوان مثال، در ایران بر اساس ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قتل عمد فرزند توسط پدر یا جد پدری فاقد قصاص است. این رویکرد که مبتنی بر مبانی فقهی است، به نوعی رابطه مالکیت میان پدر و جد پدری با فرزند را نشان می‌دهد؛ اما، در سال ۱۳۸۱، به ابتکار انجمن حمایت از کودکان به عنوان یکی از نهادهای جامعه‌ی (جامعه مدنی) طرح قانون حمایت از کودکان و نوجوانان تهیه شد. در پرتو این پیشنهاد از سوی این نهاد جامعه‌ی که از طریق تعدادی از نمایندگان مجلس در قالب طرح به مجلس تقدیم شد و آن طرح در سال ۱۳۸۱ پس از اصلاحات بسیار به تصویب رسید. این قانون با عنوان قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در ۹ ماده در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که بر اساس آن، استفاده ابزاری از کودکان و نوجوانان در ارتکاب جرم سوء استفاده از کودکان و قاچاق کودکان و... جرم‌انگاری شده است. این قانون در سال ۱۳۹۹ نسخ و **قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹** جایگزین آن شد. بدین معنا که قانونگذار در مقام حمایت از کرامت طفل برآمده و با تأکید بر حقوق انسانی اطفال، کودکان و نوجوانان را افراد زیر هجده سال دانسته و چتر حمایتی خود را گسترش داده است. بدین ترتیب، قانونگذار صرفاً به سن اطفال و نوجوانان به عنوان یکی از معیارهای بلوغ که بر اساس ماده ۱۴۷ قانون

۷۲ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در دختران ۹ و در پسران ۱۵ سال تمام قمری بوده، توجه نکرده است؛ چه آن‌که، یکی از معیارهای مسئولیت کیفری بلوغ است و یکی از مؤلفه‌های بلوغ سن می‌باشد و بنابراین، صرفاً اینکه مرتکب دختر یا پسر به سن مندرج در ماده ۱۴۷ رسیده باشد، حکایت از بالغ بودن او ندارد و بنابراین، در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان به‌طور کلی افراد زیر هجده سال تمام، فارغ از جنس را مورد توجه قرار داده است.

بنابراین، اگرچه در قانون مجازات اسلامی، طفل فردی است که به سن بلوغ نرسیده، اما قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، اشخاص زیر هجده سال را طفل می‌داند. این رویکرد، یک جهش است. این تغییر نگرش را جرم‌شناسان به قانونگذار پیشنهاد کرده‌اند؛ زیرا، تحقیقات آن‌ها نشان داد که در جامعه ایران، عده‌ای از والدین از فرزندان خود حمایت نمی‌کنند و خلاف مصلحت آن‌ها عمل می‌نمایند که این امر، یکی از تأثیرات جرم‌شناسی در تحول قانونگذاری است؛ یعنی، تحول از قانونی که قتل فرزند را موجب قصاص نمی‌داند و قانونی که از فرزند در برابر والدین حمایت کیفری می‌کند.^۱

محور دوم: تحقیقات جرم‌شناسی می‌تواند موجب ایجاد تحول در ساختار و تشکیلات قضائی شود. به‌طور کلی، در فرآیند پاسخ‌دهی به بزهکاری سه مرجع یعنی، پلیس - ضابطان قضائی، دادگستری و زندان‌ها و نهادهای مشابه زندان نقش ایفاء می‌کند. بدون تردید، نهادهای مرتبط با نظام عدالت کیفری در پرتو قوانین، تأسیس و ایجاد شده‌اند؛ اما، بر حسب کارنامه آن، در بوتۀ آزمایش و عمل ابقاء یا الغاء می‌شود. به عنوان مثال، در سال ۱۳۷۳ ریاست وقت قوه قضائیه، یا هدف اسلامی‌سازی نهادهای عدالت کیفری با تقدیم لایحه‌ای به مجلس، قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب را به تصویب رساند. بر اساس این قانون، دادرسی که از سال ۱۲۹۱ موضوعیت داشت، حذف شد. در چارچوب این قانون، قاضی دادگاه سه کارکرد داشت. یعنی او هم مقام تحقیق (بازپرس)، هم مقام صادر کننده حکم (دادرس) و هم مقام اجرا (قاضی اجرای احکام) بود؛ اما، در چارچوب مشکلات عملی - اجرایی بسیاری که در این قانون وجود داشت؛ رئیس قوه قضائیه وقت در سال ۱۳۸۱ لایحه اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی حقوقی (در آمدی بر جرم‌شناسی حقوق کیفری عمومی)، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیرنظر»، دایره المعارف علوم جنایی - مجموعه مقالات، نشر میزان، تهران، کتاب دوم، چاپ دوم، ۱۳۹۵؛ همچنین رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی حقوقی (جرم‌شناسی حقوق و آیین دادرسی کیفری)، تقریرات درس دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: سودابه رضوانی و مرضیه سادات آقامیرسلیم، سال تحصیل ۱۳۹۱؛ قابل

مباحثی در علوم جنایی ۷۳

عمومی و انقلاب را به مجلس تقدیم کرد و این لایحه با نام قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب معروف به «قانون احیاء دادرها» به تصویب رسید و به موجب آن، مجدداً دادرها احیاء شد. این مشکلات به وجود آمده را جرم‌شناسی در پرتو رهیافت‌های جرم‌شناسی حقوقی مطالعه می‌کند. بدیهی است که جرم‌شناسی امکان دارد در ایجاد تحول در قانون کیفری، یکی از دو جهت اصلاحی و رادیکالی (بنیادی) مانند حذف یک نهاد را برگزیند.

این تحقیقات و یافته‌های جرم‌شناسانه امروزه در قالب مؤلفه‌های متعددی نظام عدالت کیفری ایران، تا حدودی را متحول کرده است. سازوکارهای «قضازدایی»^۱ «جرم‌زدایی»^۲ و «کیفرزدایی»^۳ از جمله سازوکارهایی هستند که در جهت محدود کردن دامنه مداخله نظام کیفری و سهم کردن سایر نظام‌های حقوقی در مبارزه با بزهکاری، با استقبال قانونگذاران بسیاری از کشورها همراه بوده است. این سازوکار در پرتو یافته‌های بزه‌دیده‌شناختی، جلوه‌های عدالت ترمیمی از جمله میانجیگری کیفری، حداقل برای پاسخ‌دهی به جرایم سبک و به ویژه بزهکاری اطفال، انعطاف‌پذیری قابل توجهی به آیین دادرسی کیفری بخشیده است و به مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌سهمان در جرم، به منظور حل و فصل اختلاف‌های ناشی از آن، موضوعیت داده و در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ جلوه تقنینی بدان بخشیده است.^۴ در برنامه‌ها و مظاهر عدالت ترمیمی، قاضی کیفری در واقع، صرفاً نقش نظارتی داشته و جرم را پیش از هر امری، اختلاف و تضاد میان بزه‌دیده و بزهکار به عنوان کنشگران جرم می‌پندارد و بدین‌سان، دولت با جلب همکاری اعضای ذینفع و ذیحق جامعه مدنی در یک جرم، به امر

1. Diversion
2. La décriminalisation
3. La dépenalisation

۴. ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضائی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضائی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد. مدت میانجیگری بیش از سه ماه نیست. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضاء فقط برای یک‌بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرائم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضائی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، مقام قضائی متهم را با رعایت تبصره‌های ماده (۸۱) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورهای موضوع ماده مذکور می‌کند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد.»

۷۴ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

رسیدگی کیفری، جنبه مشارکتی بخشیده و تا اندازه‌ای از اعمال حاکمیت قضائی خود، به نفع کنشگران جامعه مدنی صرف نظر می‌کند. بدین ترتیب، گفتمان جدید قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، به‌طور کاملاً ملموس، احساس می‌شود. در این راستا، قانونگذار در چارچوب رویکرد بالینی به جرم، با هدف علت‌شناسی جنایی و «اصلاح مجرمین» موضوع قسمت اخیر بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی از یک‌سو، بازپرس را مکلف می‌کند که پرونده شخصیت متهم را در کنار پرونده عمل مجرمانه تشکیل دهد. این پرونده با کمک واحد مددکاری اجتماعی که خود، نهاد جدیدی در حقوق کیفری ایران است، بر پایه مواد ۴۸۶^۱ و ۴۸۷^۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تشکیل می‌گردد و از سوی دیگر، دادستان را ملزم نموده است که در کیفرخواست، خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم را قید کند (ماده ۲۷۹). بدین ترتیب است که با گذر زمان رهیافت‌های تحقیقات جرم‌شناسی وارد نظام تقنینی و عدالت کیفری ایران شده است.

الف. ۲: مطالعه بزهاران به منظور شناخت، اصلاح و درمان بهتر آنان

جرم‌شناسی در این هدف، به دنبال گونه‌شناسی^۳ انواع مجرمین است. بنابراین، بر اساس معیار جرم و اینکه مجرمین از چه کمبودهایی رنج می‌برند و چه عللی آن‌ها را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد، می‌توان آن‌ها را به مجرمین مالی، مجرمین علیه اشخاص و مجرمین علیه اخلاق تقسیم نمود. همچنین بر اساس شیوه و نحوه ارتکاب جرم می‌توان آن‌ها را به مجرمین خشن و مجرمین مزور - زیرک دسته‌بندی کرد. به عنوان مثال، در جرمی مانند سرقت، بر اساس آلت ارتکاب جرم می‌توان این جرم را به سرقت مقرون به آزار، سرقت با هتک حرز عادی و... تقسیم کرد که طبیعتاً پاسخ قانونگذار به هریک از این جرایم متفاوت است و با اتخاذ پاسخ مناسب می‌توان از تکرار هریک از آن‌ها پیشگیری کرد.

با توجه به معیار روانی و روانشناختی افراد، مرتکبان به بزهاران روان نژند، بزهاران دژمنش^۴ و بزهاران عصبی^۵ تقسیم می‌شوند. این تقسیم‌بندی یا تیپولوژی بزهاران در تحقیقات جرم‌شناسی به منظور ارائه راهکار، راه حل و برنامه‌های اصلاحی متناسب با هر یک از این گروه‌ها است. بدیهی است، برای اصلاح بزهاران،

۱. ماده ۴۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «قوه قضاییه به منظور انجام وظایف مددکاران اجتماعی، تشکیلات مناسبی تحت عنوان «مددکاری اجتماعی» را در حوزه قضایی هر شهرستان ایجاد می‌نماید.»

۲. ماده ۴۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «مددکاران اجتماعی از بین فارغ‌التحصیلان رشته‌های مددکاری اجتماعی، علوم تربیتی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و حقوق استخدام می‌شوند.»

3. Typology
4. Characterials
5. Nervous

مباحثی در علوم جنایی ♦ ۷۵

در تحقیقات جرم‌شناسی، رفتار و نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرایم نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بنابراین، معیار در مطالعه جرایم، بعضاً شخص منجی‌علیه - بزه‌دیده است که در اینجا سخن از پیشگیری از بزه‌دیدگی مطرح است. بدین‌سان، پیشگیری از تکرار جرم شامل پیشگیری از بزه‌دیدگی نیز می‌شود.

الف. ۳: بهبود بخشیدن به طرز کار و عملکرد نظام عدالت کیفری

واژه **عدالت کیفری** یا **عدالت جنایی**، بیش از یک‌ربع قرن پیش، از طریق منابع ترجمه‌ای وارد نوشتگان علوم جنایی ایران شد. این اصطلاح ابتدا، در دهه ۱۹۲۰ میلادی (حدود ۹۷ سال پیش) در منابع حقوقی - فلسفی به کار برده شد. البته در کنار نظام یا سامانه عدالت کیفری، گاه از اصطلاح دستگاه عدالت کیفری نیز یاد می‌شود. در این میان، کشورهای دارای نظام رومی - ژرمنی (حقوق نوشته) مانند فرانسه و آلمان، به جای واژه عدالت کیفری، بیشتر از اصطلاح **سیاست جنایی** استفاده می‌کنند.^۱ عدالت کیفری، به عنوان یک نظام (سیستم) یا دستگاه، به نوبه خود از زیرنظام‌ها یا زیرنهادهایی تشکیل شده است که در تعامل با یکدیگر، رسالت تأمین امنیت جامعه را به عهده دارند، چندان‌که نارسایی و اختلال در یکی از آن‌ها، تمام نظام عدالت کیفری را ناکارآمد و گاه بحرانی می‌کند. بدین‌سان، عدالت کیفری، بر پایه مجموعه قوانین و مقررات، شامل رویه‌ها، فرآیندها، نهادها و کنشگران دولتی و غیردولتی می‌شود که هر یک به سهم خود برای تحقق بخشیدن به امنیت جانی - مالی و امنیت حقوقی - قضائی شهروندان و به‌طور کلی، نظم عمومی جامعه اقدام می‌کنند. رسالت عدالت کیفری در حقیقت، حفظ امنیت شهروندان و نهادهای حاکمیت، یعنی نظم عمومی است. این امنیت در واقع، دو درجه دارد که عدالت کیفری به دنبال تضمین آن است؛ از یک‌سو، تضمین حق شهروندان بر امنیت جانی - مالی و اخلاقی در برابر مجرمان و از سوی دیگر، تضمین حق شهروندان (از جمله متهمان و بزه‌کاران) بر امنیت حقوقی - قضائی یعنی حقوق و آزادی‌های فردی در مقابل نهادهای عدالت کیفری است.^۲ بر این اساس نظام عدالت کیفری (فرآیند کیفری) از سه مجموعه تشکیل شده است:

۱. مجموعه پلیسی یا ضابطان
۲. مجموعه قضائی دادگستری اعم از دادسرا و دادگاه‌ها
۳. مجموعه زندان‌ها و نهادهای مشابه که زیرمجموعه سازمان زندان‌ها قرار دارد.

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، همان منبع.

۲. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره امنیت‌شناسی (از حق بر تأمین تا حق بر امنیت)، دیپاچه در: رضوانی، سودابه، مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۱۳ و بعد.

طبیعتاً در تحقیقات جرم‌شناسی، هدف این است که نقاط ضعف، خلاءها و معایب متولیان کشف جرم، تعقیب جرایم و مجازات مجرمان اصلاح شود. در پرتو این قبیل تحقیقات جرم‌شناسی، نهادهای جدیدی در عدالت کیفری به وجود آمده‌اند. در همین چارچوب از حدود دو دهه پیش به این سو، مشارکت مردم و جامعه مدنی در امر عدالت کیفری بیش از پیش توصیه شده است. در این راستا، می‌توان به هیأت منصفه اشاره داشت. اگرچه، اعضای هیأت منصفه متشکل از عوامل مورد قبول حکومت هستند؛ اما، به هر حال جزئی از مردم می‌باشند. نمونه دیگر از مشارکت مردم در جامعه مدنی، نهاد شورای حل اختلاف است که در کلیه امور مدنی و حقوقی، کلیه جرایم قابل گذشت و جنبه خصوصی جرایم غیرقابل گذشت با تراضی و رضایت طرفین برای صلح و سازش رسیدگی می‌کنند. بنابراین، این نهاد، صلاحیت اصلاح ذات‌البین میان بزه‌دیده و بزه‌کار را در قالب عدالت کیفری (سیاست جنایی) مشارکتی یا عدالت محلی^۱ یا عدالت همسایگی^۲ دارد؛^۳ اما، با توجه به اینکه فلسفه تأسیس شوراها که بر قضا‌دایی و شرکت جامعه مدنی یعنی اقشار مختلف مردم در انجام تکلیف شهروندی حل و فصل اختلافات است آیا اعطای صلاحیت رسیدگی قضائی به شوراها، حتی در جرایم سبک که امری تخصصی است، خلاف اصول کلی حقوقی، به ویژه اصول قانون اساسی از جمله اصل سی و ششم نیست؟ آیا لزوم مدخله قاضی در تصمیم و آرای شوراها به بازقضائی شدن آنها، منجر نشده و کار دادگستری را مضاعف نمی‌کند؟ اگرچه حصول آشتی و سازش (صلاحیت تصالحو) باید به تأیید قاضی شورا برسد و نتیجه میانجیگری محوله (صلاحیت ترمیمی)^۴ باید برای مراجع ارجاع دهنده ارسال شود؛ اما، چرا سازوکار و چگونگی فرآیند صلح و سازش در قانون شوراهای حل اختلاف ۱۳۹۴ طی آیین‌نامه‌ای

1. Community Justice 2. Neighborhood Justice

۳. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، گفتمان سیاست جنایی قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، در: الفت، نعمت‌الله «به کوشش»، حج اندیشه؛ هم‌افزایی فقه و حقوق در تحقق توسعه و تعالی انسانی - مجموعه مقالات در نکوداشت شادروان دکتر ناصر قربان‌نیا، انتشارات دانشگاه مفید، قم، چاپ دوم، ۱۳۹۶، ص ۶۰۵ و بعد.

۴. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، عدالت ترمیمی، دیپاچه در: پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، تهران، چاپ سیزدهم، ۱۴۰۲، ص ۱۵ و بعد؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله الهیات و حقوق «آموزه‌های حقوق کیفری فعلی»، شماره ۹ و ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ص ۳ و بعد؛ همچنین رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، بسترهای اجتماعی و حقوقی عدالت ترمیمی در ایران، در: فرجیها، محمد «زیرنظر»، دانشنامه عدالت ترمیمی، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷، ص ۷۹۹ و بعد.

مباحثی در علوم جنایی ♦ ۷۷

مانند آیین‌نامه میانجیگری در امور کیفری^۱، برای اعضای شورا تعریف نشده است؟ حال آن‌که، آیین‌نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۴ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده است. اگرچه ماده ۳۱ این قانون، عضویت در شورا را افتخاری اعلام کرده است؛ لیکن، آیا این امر، خلاف روح سیاست جنایی مشارکتی نیست که به موجب آن، شهروندان در ازای برخورداری از حقوق شهروندی به عنوان تکلیف شهروندی، در رسیدگی و پاسخ‌دهی ترمیمی - تصالحی به جرایم، مشارکت می‌کنند؟ اعضای شورا انتصابی هستند و مانند اعضای خانه‌های انصاف و شوراهای داوری با رأی مردم محل انتخاب نمی‌شوند. از این‌رو، شوراهای حل اختلاف یک نهاد شبیه قضائی بوده که به سازمان و تشکیلات قوه قضائیه اضافه شده است.

بر این اساس، در کنار پلیس رسمی یا ضابطین نیز، نهادی به نام پلیس محلی (پلیس محله‌محور) وجود دارد. این قبیل افراد بدون آن‌که مجهز به تجهیزات نظامی مانند اسلحه باشند در محله‌ها گشت‌زنی کرده و در مقام ایفای نقش شب‌گردها، به نوعی اقدامات پیشگیرانه بازدارنده برای ساکنان را انجام می‌دهند.

در بحث تحقیقات جرم‌شناسی به منظور بهبود عملکرد نظام عدالت کیفری می‌توان به بحث جدیدی به نام قضازدایی یا **Diversion** یعنی انحراف از مسیر قضائی اشاره نمود. قضازدایی عبارت است از منحرف کردن و خروج پرونده‌ها از صلاحیت محاکم قضائی. از جمله موارد قضازدایی، می‌توان به تخلفات انتظامی پزشکان اشاره داشت که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت سازمان نظام پزشکی است. سازمان تعزیرات حکومتی نیز به عنوان نهادی که زیر نظر وزارت دادگستری (قوه مجریه) است، نهادی غیرقضائی است که با استفاده از سازوکار قضائی به برخی تخلفات و جرایم در حوزه کسب‌وکار رسیدگی می‌کند.

بدین‌سان، تحقیقات جرم‌شناسی، چشمان فرشته عدالت را باز و کارآیی دستگاه قضائی را افزایش دهد. به‌عنوان مثال زندان به دلیل نشر خُرده فرهنگ و فرهنگ بزهکاری، می‌تواند محکومان بدون سابقه را به مجرمین حرفه‌ای تبدیل کند. بدین جهت، جرم‌شناسی، پیشنهاد می‌کند که از کیفرهای جایگزین مانند خدمات عمومی رایگان و عام‌المنفعه به منظور جلوگیری از ورود آن‌ها به محیط زندان استفاده شود.

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، میانجیگری کیفری: جلوه‌ای از عدالت ترمیمی، دیپاچه در: عباسی، مصطفی، افق‌های نوین عدالت ترمیمی، انتشارات دانشور، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۳ و بعد.

۷۸ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

ب: روش‌شناسی در جرم‌شناسی

روش تحقیق در جرم‌شناسی^۱ در درجه اول بر استقراء مبتنی است. بر این اساس، برای شناخت بهتر روش استقرائی، به دو روش کمی و کیفی پرداخته می‌شود؛ ولی، برای اینکه یک پژوهش مبتنی بر موازین علمی بوده، جنبه شخصی نداشته، جهت‌گیری‌های پژوهشگر در آن خصیصه مداخله نکرده و بنابراین، خودکامگی و حُب و بُغض، بر ذهنیت پژوهشگر مؤثر واقع نشود، باید سه خصیصه داشته باشد:

۱. باید از یکسو، داده‌ها و اطلاعاتی که براساس آن‌ها پژوهش انجام می‌شود، دقیق بوده و از سوی دیگر، صحت و سقم آن‌ها، آزمایش شده باشد. توجه به این نکات که آمار و اطلاعات توسط چه شخصی تهیه شده و تا چه میزان در تهیه آن‌ها دقت لازم صورت گرفته است؟ تا چه میزان برای رفع نیاز سازمان و یا جهت مطامع سیاسی است؟ و مواردی مانند آن‌ها ضروری است.
۲. روش‌هایی که در تحقیقات جرم‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گیرد باید کارآیی و علمی بودن را نشان داده باشند. یعنی باید از روش‌هایی که پیشتر به کار رفته و نتیجه داده باشند، استفاده نمود.
۳. به هنگام نتیجه‌گیری و بهره‌برداری از تحقیقات جرم‌شناسی، استدلال‌های پژوهشگر باید از عقلانیت برخوردار بوده و به پیش‌دواری‌های سیاسی، فرهنگی و... توجه نداشته نباشد.

در جریان روش‌شناسی در علوم جنایی، عده‌ای از جرم‌شناسان میان متد (روش) و تکنیک (فن) تفاوت قائل شده‌اند. این تفاوت ممکن است از نظر علم آمار قابل بررسی باشد؛ ولی، در جرم‌شناسی متد (روش) عبارت است از فنون - تکنیک‌هایی که برای مطالعه جرم، آثار آن، بزه‌دیده و انحراف به کار برده می‌شود که این تکنیک‌ها به دو دسته **مشاهده - مطالعه**^۲ و **مصاحبه**^۳ تقسیم می‌شوند.

ب.۱: روش کیفی

روش‌های کیفی، به‌طور کلی، شامل مطالعه پرونده‌های کیفری، مصاحبه با مجرمان، بزه‌دیدگان، پلیس و قضات درباره بزهکاری و بزه‌دیدگی است. مطالعه مدارک تاریخی، کتاب‌ها، خاطرات و سرگذشت بزهکاران نیز در حیطه مطالعات کیفی قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال، مطالعه جرم‌شناختی جرایم علیه بشریت در چارچوب **جرم‌شناسی فراملی** یا **جرم‌شناسی جرایم بین‌المللی** صورت می‌گیرد. در این چارچوب به مناسبت

۱. پاره‌ای از این مطالب و نیز دسته‌بندی آن‌ها از کتاب زیر اقتباس شده است:

Gariépy, J., Rizkall, S., *Criminologie générale*, Modulo, Canada, 2è édition, 2002.

2. observation

3. interview

مباحثی در علوم جنایی ♦ ۷۹

کتاب‌های تاریخی، زندگی‌نامه‌ها و خاطرات مرتکبان جنایات علیه بشریت که نوعاً مسئولان سیاسی و نظامی کشورهای خود بوده‌اند، به منظور شناسایی شخصیت آن‌ها، خصوصیات تحصیلی و خانوادگی از نظر جرم‌شناسی نیز مطالعه می‌شود. به‌طور کلی، نتایج حاصل از مطالعات جرم‌شناسی با توسل به روش کیفی، برای تحلیل نتایج مطالعات آماری و تکمیل روش کمی استفاده می‌گردد. در این راستا، روش‌های کیفی خود، دو روش مطالعاتی «عرضی - افقی» و «طولی - عمودی» را شامل می‌شود.

ب.۱.۱: روش عرضی

در این روش، جرم‌شناس در مقام مطالعه بزهکار در زمان معین از زندگی او قرار دارد و آن را با افراد و گروهی که بزهکار نیستند، مقایسه می‌کند. به عبارت دیگر، در این روش، جرم‌شناس مانند دوربین فیلمبرداری عمل می‌کند و از مصاحبه و مطالعه پرونده مجرمین استفاده می‌کند و همزمان سعی می‌کند اطلاعاتی درباره شخصیت بزهکار به دست آورد. بنابراین، روش عرضی عبارت از کسب اطلاعات در زمان معین از بزهکار است. در روش عرضی معمولاً از روش بالینی و پرونده شخصیت استفاده می‌شود. در جرم‌شناسی بالینی، الگوی پزشکی معاینه بیمار و استفاده از دارو به کار می‌رود و بدین‌سان، در روش عرضی، مجرم از نزدیک مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در مواردی برای روش عرضی می‌توان از پرسشنامه استفاده کرد. البته، فایده استفاده از پرسشنامه در این است که هزینه و زمان کمتری صرف می‌شود؛ اما، روش دقیقی نیست؛ زیرا، چنین محکومانی به لحاظ عدم آشنایی به سؤالات و بی‌سوادی و... پاسخ‌های بی‌فایده‌ای می‌دهند.

روش عرضی دیگر، مصاحبه توسط خود پرسش‌گر است. محاسن این روش آن است که به او - جرم‌شناس - اجازه می‌دهد که حالات و رفتار مصاحبه‌شونده را در کنار پاسخ‌ها بنویسد و سؤالات را به مجرم توضیح دهد؛ ولی، ایراد این روش آن است که هزینه‌بر می‌باشد. لازم به ذکر است که در روش عرضی، از پرونده‌های حقوقی و قضائی نیز استفاده می‌شود؛ زیرا، در میان آن‌ها اطلاعات مفیدی وجود دارد. در روش عرضی بین گروه شاهد و گروه مورد مطالعه مقایسه می‌شود.

ب.۲.۱: روش طولی

این روش عمدتاً برای برآورد و ارزیابی تأثیر مجازات بر تکرار جرم است. به‌طور کلی، در تمام دنیا سعی بر این است که زندان یک رسالت اصلاحی - درمانی داشته باشد. عده‌ای به زندان کلینیک جرم اطلاق می‌کنند؛ زیرا، باید بیماری مجرم را درمان کند؛ اما چگونه می‌توان احراز کرد که اقامت در زندان و برنامه‌های اصلاحی منجر به درمان و تنبه مجرم شده است و آیا مجرم پس از ترک زندان مرتکب جرم می‌شود؟

۸۰ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

پس از چه مدتی مرتکب جرم می‌شود؟ در کجا مرتکب جرم می‌شود؟ آیا مرتکب جرم خاصی می‌شود یا تکرار جرم، عام خواهد بود؟ پاسخ به این سؤالات را تحقیقات طولی در زمان به دست می‌دهد. بنابراین، باید بزهکاران را در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت مورد مطالعه قرار داد. این روش بسیار هزینه‌بر است و مستلزم همکاری پلیس و دیگر نهادها با پژوهشگران است.

روش طولی دیگر، بررسی بیوگرافی، زندگی‌نامه یا زیست‌نامه بزهکاران است. در واقع، هدف آن است که جرم و شکل‌گیری اندیشه مجرمانه در گذشته مورد بررسی قرار گیرد. پاسخ به این سؤال را می‌توان در بیوگرافی بزهکار یافت. این بیوگرافی می‌تواند از طریق مصاحبه با خانواده، والدین، دوستان، مدرسه، همکاران و احزاب تهیه شود و بدین ترتیب، از طریق مطالعه بیوگرافی بزهکاران می‌توان خلاءهای زندگی او را مشخص نموده و راه‌حل مناسب را اتخاذ کرد. بدیهی است که این دو شیوه (طولی و عرضی) برای پی بردن به علل جرم است. تقریباً همه نظریه‌هایی که در جرم‌شناسی وجود دارد، از این روش‌ها و ترکیب آن‌ها استفاده کرده‌اند.

ب. ۳.۱: روش‌های کیفی کسب اطلاعات در جرم‌شناسی

در روش کمی، پژوهش‌های جرم‌شناس غالباً معطوف به شناخت بزهکاری است، به‌عنوان مثال، تعداد سرقت‌های ارتكابی، تعداد سرقت‌های منجر به صدور حکم محکومیت، تعداد زندانیان مرتبط با سرقت و...؛ اما، این آمار، اطلاعاتی را که برای تفسیر جرایم ارتكابی لازم است در اختیار جرم‌شناس قرار نمی‌دهد؛ زیرا، آمار، راجع به نوع جرم، جنسیت مرتکب، میزان مجازات و... است؛ ولی، در رابطه با موضوعاتی مانند رابطه مرتکب با بزه‌دیده، پیشینه تحصیلی مرتکب، دفعات ارتكاب جرم توسط مرتکب و به‌طور کلی، آن اطلاعاتی که در پرونده شخصیت متهم باید لحاظ شود، نکته دیگری را بازگو نمی‌کند. به همین علت در جرم‌شناسی در کنار بررسی آماری، یک سلسله پرسش‌ها و تحقیقات کیفی صورت می‌گیرد. به این ترتیب که پژوهشگر با مواجهه مستقیم با مجرم یا متهم از او سؤال می‌کند، پرونده خانوادگی مجرم را مطالعه می‌کند و به کسب اطلاعات کیفی می‌پردازد. بدین ترتیب، روش‌های کیفی کسب اطلاعات در جرم‌شناسی عبارت از «مطالعات موردی»^۱، «روش مصاحبه»^۲، «روش مطالعه پیگیر در زمان»^۳، «مشاهده و مطالعه»^۴ و «تحلیل محتوای رأی (یا قانون) یا رویه قضائی».

1. case study
2. interview
3. follow up studies
4. observation

۱. مطالعه موردی

در این روش، جرم‌شناس به دنبال شناسایی خصایص ذاتی و اکتسابی شخصیت بزهکار یا بزهکاران است. **خصایص ذاتی** عبارت از خصوصاتی است که یک فرد از بدو تولد به همراه دارد مانند جنس، نژاد، رنگ پوست و... این خصائص از این جهت اهمیت دارند که ممکن است به عنوان عاملی در تسهیل ارتکاب جرم توسط فرد یا آماده‌سازی فرد برای ارتکاب جرم، ایفای نقش کنند. علاوه بر خصوصیات ذاتی، کسب اطلاعاتی پیرامون شخص مجرم نیز ضروری است. به عنوان مثال، اطلاعاتی راجع به شرایط زندگی، شغلی و موقعیتی که بزهکار در آن مرتکب جرم شده است. به طور کلی جرم‌شناس، اوضاع و احوالی را بررسی می‌کند که در **گذار فرد از اندیشه ارتکاب جرم به عمل و فعلیت بخشی به اندیشه مجرمانه** نقش دارد. توضیح آن که نظریه پویایی جنایی به مطالعه روابط و کنش‌های متقابل میان عواملی می‌پردازد که به واسطه پاره‌ای فرآیندها، گذار از اندیشه به عمل مجرمانه - به فعلیت درآوردن یا برون‌ریزی اندیشه و طرح مجرمانه - را تحت الشعاع خود قرار می‌دهند. مطالعه فرآیندهای گذار از اندیشه به عمل مجرمانه، منجر به بررسی عمیق دو فرآیند شده است:

اول فرآیند بالیدگی و پختگی مجرمانه که «ادوین ساترلند»، جامعه‌شناس و جرم‌شناس آمریکایی به آن اشاره کرد و عبارت از بزهکاری شدید و پایدار.

دوم فرآیند ارتکاب یک عمل شدید مجرمانه مانند قتل احساساتی و هیجانی و قتل فایده‌گرایانه.

بنابراین، این اطلاعات و تحقیقات در پرونده کیفری وجود ندارد و قاضی کیفری نیز در صدور رأی بدان توجهی نمی‌کند. از این رو، جرم‌شناس باید شخصاً از طریق تماس با مجرم و مطالعه پرونده قضائی او به کسب این اطلاعات نائل آید. این اطلاعات انگیزه‌های فرد مجرم و تأثیرات عوامل و حالاتی که وی در جریان آمیزش با جامعه می‌پذیرد و به واسطه آن‌ها جامعه‌پذیر می‌شود را شامل می‌شود.

۲. مصاحبه

مصاحبه به دو طریق کتبی و شفاهی صورت می‌گیرد. ویژگی مثبت مصاحبه شفاهی این است که پژوهشگر را به صورت مستقیم با بزهکار مواجه می‌کند؛ ولی، ایراد عمده آن، زمان‌بر بودن آن است؛ زیرا، پژوهشگر مجبور است با یکایک بزهکاران صحبت کند. در روش مصاحبه کتبی از طریق تهیه پرسشنامه باید با همه مجرمین صحبت کرد و آن‌ها را نسبت به نحوه کار توجیه نمود. این امر، برای پژوهشگر امکان‌پذیر نیست و بنابراین، او از دستیاران پژوهش - پژوهش‌یار - استفاده می‌کند؛ ولی، ایراد این کار آن است که دستیاران پژوهش ممکن است دغدغه پژوهشگر را رعایت نکرده و به نکاتی

۸۲ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

که امکان دارد پژوهشگر خود، در صحبت با بزهکاران به آن‌ها دست یابد، نرسند. پژوهشگر در روش مصاحبه شفاهی ممکن است به نکاتی دست یابد که در پرسشنامه‌های کتبی منعکس نشود. به‌هر ترتیب و در مجموع، ایراد عمده روش مصاحبه زمان‌بر بودن آن است. اما، مصاحبه در دو حالت کلی **مصاحبه بسته** (محدود) یا **مصاحبه باز** (نامحدود) صورت می‌گیرد.

در روش **مصاحبه بسته**، موضوع و سؤالات مصاحبه مشخص است و پژوهشگر و مصاحبه‌شونده از محدوده سؤال‌ها مطلع هستند و دامنه پژوهش در همان محدوده از پیش تعیین شده به پیش می‌رود؛ اما، در روش **مصاحبه باز**، پژوهشگر دغدغه اصلی خود را برای مصاحبه‌شونده تبیین می‌کند و سپس از او می‌خواهد که صحبت کند. ممکن است مصاحبه‌شونده ساعت‌ها صحبت کند؛ ولی، مجموعاً چهل درصد از سخنان او برای پژوهشگر مفید و مربوط با دغدغه او باشد؛ اما، مزیت این روش آن است که مصاحبه‌شونده در میان گفته‌های خود، اطلاعاتی را به پژوهشگر می‌دهد که در تأویل و تفسیر علل وقوع جرم مفید واقع می‌شود. بدین ترتیب، پژوهشگر معمولاً در روش مصاحبه باز با طرح یک سؤال منفی، مصاحبه‌شونده را به بحث می‌کشاند. بنابراین، حضور پژوهشگر در هدایت سؤال‌ها و جلوگیری از انحراف بحث ضروری است.

این دو روش یعنی **مطالعه موردی** و **مصاحبه** به پژوهشگر امکان می‌دهد که به‌طور مقطعی و در زمان و مکان خاصی، اطلاعاتی را کسب کند؛ اما، واقعیت این است که در طی زمان و با حضور مجرمین در زندان، آن‌ها دگرگون می‌شوند. بنابراین، در روش «مطالعه موردی» و «مصاحبه» سرنوشت و آینده بزهکاران یعنی، تحول رفتاری آن‌ها در آینده، قابل بررسی نیست. بدین‌روی، به روش دیگری به نام **مطالعات پیگیر در زمان** متوسل می‌شوند.

۳. مطالعات پیگیر در زمان

روش مطالعات پیگیر در زمان، روشی است که برای حل مشکلات دو روش «مطالعه موردی» و «مصاحبه» ابداع شده است. این روش، به جرم‌شناس امکان می‌دهد که تحول رفتاری مجرم را در طی زمان مورد مطالعه قرار دهد. به عنوان مثال، مطالعه یک مجرم برای مدت ۱۰ سال. ایراد این روش عبارت از آن است که پژوهشگر باید از طرق مختلف به دنبال شناسایی محل اقامت، اشتغال و... بزهکار مورد مطالعه باشد، در حالی که شناسایی محل زندگی و اشتغال او بسیار دشوار است.

بنابراین پژوهشگر بدون کمک پلیس و جامعه، نمی‌تواند آینده رفتاری فرد مورد مطالعه را بررسی کند؛ اما، مزیت این روش آن است که برای جرم‌شناس امکان ارزیابی

تأثیر اجرای تدابیر و اقدامات درمانی، اصلاحی، حبس و مجازات‌ها را بر نحوه رفتار بزهکاران فراهم می‌سازد.

به موجب بند «ب» ماده ۱ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ۱۴۰۰/۱۱/۵، زندان محل اصلاح، تربیت و بازسازی اجتماعی بزهکاران است. بنابراین، زندان درمانگاه بزهکاران^۱ است؛ اما، واقعیت این است که تمام زندانیان پس از ترخیص، راه واحدی را در پیش نمی‌گیرند. روش مطالعات پیگیر در زمان به جرم‌شناس این امکان را می‌دهد که محکومین سابق را شناسایی کرده و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف مورد مطالعه قرار دهد تا تأثیر رفتار و مقامات قضایی و مأمورین زندان را بر آن‌ها ارزیابی کند و دریابد که این اقدامات و برخوردها چه نقشی، در تعدیل یا تشدید رفتارهای مجرمانه داشته است. این روش بیشتر برای برآورد تأثیر مجازات‌ها و اقدامات تأمینی انجام می‌شود و نوعی سنجش میزان کارآیی دستگاه قضائی نیز محسوب می‌شود.

به موجب آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج ۱۳۷۸/۲/۱۲ و همچنین آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، در سازمان زندان‌ها مراکزی به نام مراکز مراقبت بعد از خروج^۲ که در ادبیات جدید جرم‌شناسی با نام **مرحلهٔ پساکیفری** معرفی شده است، وجود دارد که امکان برقراری پُل ارتباطی میان زندان و جامعه آزاد را فراهم می‌آورد تا محکوم زندانی پس از خروج از زندان، تنها و رها باقی نماند. این مراکز، وظیفه مدیریت گذار مجرم از زندان به جامعه آزاد را برعهده دارند. به عنوان مثال، برای زندانیان شغل، مسکن و همسر می‌یابند؛ اما، این اقدامات پایان فعالیت نیست؛ بلکه، پژوهشگر در این مرحله می‌تواند تحول رفتار زندانیان را مطالعه کند. به کار بستن این روش می‌تواند مقامات مسئول را در اصلاح مجازات‌ها و زندان‌ها یاری‌رسانی کند. البته ایراد روش همان‌طور که

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، زندان به عنوان کلینیک درمان جرم شکست خورده است، مجله گواه، شماره ۱۲، بهار ۱۳۸۷، ص ۸۹ و بعد؛ همچنین رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، زندان: درمانگاه بزهکاری و بزهکاران؟، دیباچه در: بولک، برنار، کيفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، تهران، چاپ نهم، ۱۴۰۰، ص ۸ و بعد؛ همچنین برای آگاهی بیشتر رک: واقفی، مریم، مطالعه حقوقی - جرم‌شناختی مرحلهٔ پساکیفری در فرآیند کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه مفید، اسفند ۱۳۹۰.

۲. ماده ۳۱۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ۱۴۰۰ مقرر می‌دارد: «مددکار مسؤول پرونده مددجو پیش از ترخیص، خانواده را مطلع و از آنان دعوت می‌کند به هنگام ترخیص در قانون حاضر باشند. چنانچه به هر دلیل خانواده به هنگام ترخیص حضور نداشت، مددکار از طریق مرکز مراقبت برای انتقال مطمئن و سالم مددجو به منزل و خانواده وی اقدام می‌کند». تبصره: «مرکز مراقبت باید برای چنین مواردی امکانات و بودجه‌هایی را آماده و در دسترس داشته باشد».

۸۴ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

پیشتر نیز ذکر شد، این است که بدون کمک پلیس و سایر نهادهای اجتماعی امکان‌پذیر نیست.

یکی از نتایج اعمال این روش، آن بوده است که برای جرایم مستلزم زندان کوتاه مدت، کیفر جایگزین پیش‌بینی شده است؛ زیرا، اقامت کوتاه مدت این افراد در زندان موجب فراگیری راه‌های ارتکاب اعمال مجرمانه می‌شود. این مجازات‌های جایگزین شامل اقداماتی از قبیل تقسیط جریمه‌ی نقدی یا الزام به انجام خدمات اجتماعی رایگان و... است.

۴. مشاهده و مطالعه

این روش به جرم‌شناس این امکان را می‌دهد که حاصل یک وضعیت و اقدام را همزمان مشاهده و برآورد کند. **observation** عبارت از مشاهده و تحت نظر قرار دادن یک فرد است. به عنوان مثال، در زندان و در مورد زندانیان به موجب آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، امکان مشاهده و مطالعه زندانی از بدو ورود تا زمان ترخیص در سازمان زندان‌ها وجود دارد. این مشاهده در مراحل زیر اعمال می‌شود:

۱. واحد پذیرش و تشخیص (که محل تشخیص معضل شخصیتی و خانوادگی زندانی است).

۲. شورای طبقه‌بندی زندانیان.

این شورا براساس پرونده‌های شخصیت و مشاهدات مددکاران اجتماعی و زندانبان‌ها و... محل نگهداری زندانی را در داخل زندان مشخص می‌کند. براساس تبصره ۱ ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در زندان^۱ محل‌های مختلفی مانند زندان باز، زندان بسته و... وجود دارد. شورای طبقه‌بندی زندانیان بهترین محل را برای نگهداری محکومان به کیفر زندان، با در نظر گرفتن این نکته که زندانی انسان است و انسان در ارتباط با محیط جدید واکنش‌های جدیدی نشان می‌دهد، پیشنهاد می‌کند. کمیسیون دیگری به نام کمیسیون نظارت و جابجایی زندانیان تأسیس شده است که در هر ماه، یک مرتبه تشکیل جلسه می‌دهد و با بررسی پرونده‌های زندانیان و مطالعه تذکرات، مشاهدات و گزارش‌های زندانبانان در صورت صلاحدید، محل نگهداری زندانیان را تغییر می‌دهند. این جابجایی حاصل مشاهده‌ی روزمره رفتار زندانیان از سوی زندانبان‌ها است. بنابراین، مشاهده بررسی مقطعی نتایج حاصل از یک سری

۱. تبصره ۱ ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲: «زندان‌ها به زندان بسته، نیمه‌باز، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی از جمله کانون اصلاح و تربیت برای اطفال ونوجوانان تقسیم می‌شود».

۸۵ مباحثی در علوم جنایی

اقدامات در یک مدت معین و در مکان مشخص است؛ ولی، روش مطالعات پیگیر در زمان، در زمان طولانی و احتمالاً مکان‌های متعدد نتایج حاصل از اقدامات را مطالعه می‌کند.

روش مشاهده این امکان را فراهم می‌کند تا زندانیان، با توجه به شخصیت آن‌ها، در محل‌های مناسب در مراکز مؤسسات داخل زندان نگهداری شوند. افزون بر آن، برحسب تحولات شخصیتی می‌توان آن‌ها را جابه‌جا کرد و در صورت حسن رفتار آنان، تقاضای عفو یا آزادی مشروط به موجب ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ داد.

در واحد پذیرش و تشخیص، مسئولان زندان از روش مشاهده استفاده می‌کنند. در بخش پذیرش، هویت قانونی فرد احراز شده و مشخص می‌شود زندانی شدن او براساس تصمیم قضائی از نوع حکم و یا قرار بوده است؛ زیرا، در این موضع دقت می‌شود که فرد بیگناهی که هنوز مجرمیت او اثبات نشده است، وارد زندان نشود.

در بخش تشخیص با آزمون‌های روانشناسی و از طریق گفتگوی زندانی با مددکاران اجتماعی و روانپزشک‌ها، ویژگی‌های شخصیتی فرد سنجیده شده و براساس آن، محل نگهداری زندانی تعیین می‌گردد. به این ترتیب، در روش مشاهده نیز امکان تماس مستقیم پژوهشگر با زندانی وجود دارد؛ اما، باید در نظر داشت که در این روش، مشاهده واقعی از مرحله تقسیم زندانیان آغاز می‌شود. روش مشاهده برای نیروی پلیس نیز، کارآیی دارد و تنها منحصر به زندان‌ها نیست. به این ترتیب که مشاهده شود گشت‌های مختلف چگونه رفتار می‌کنند. بنابراین، روش مشاهده منحصر به مطالعات جرم‌شناسی نیست و در امور اداری نیز قابلیت اعمال دارد.

باید توجه داشت که، در روش مطالعات پیگیر در زمان، زندانی سابق از تحت نظر بودن رفتار خود توسط پژوهشگر مطلع نیست؛ بلکه، جرم‌شناس برای تحقیق به‌طور تصادفی یک نفر را انتخاب می‌کند و به‌طور نامحسوس تحت مطالعه قرار می‌دهد.

۵. روش تحلیل محتوا

روش تفسیر رأی و تحلیل محتوای یک رأی، قانون یا ماده‌ای از قانون، جنبه‌های مختلفی دارد. حتی گاهی موارد تحقیق در اخبار روزنامه‌ها، از منظر جرم‌شناختی ضروری است. یعنی مفسر و محقق بررسی می‌کند که در رسانه‌ها قتل چگونه معرفی و پردازش می‌شود. با تحلیل محتوای رسانه‌ها تأثیر مطلوب آن‌ها بر احساس امنیت یا عدم امنیت شهروندان در جامعه سنجیده می‌شود.

ب. ۲: روش کمی

در جامعه‌شناسی جنایی از مطالعات آماری بیشتر استفاده می‌شود. روش کمی در آمار خلاصه می‌شود. آمار جنایی عبارت از شمارش جرایم ارتكابی و فراز و نشیب‌های آن‌ها در زمان و مکان معین. به عبارت دیگر، شمارش جرایم ارتكابی در یک بازه زمانی معین در یک کشور یا شهر معین. بدین معنا، زمانی که سخن از آمار بزهکاری در ایران می‌شود، منظور مجموعه آمار جرایم مشمول حد، قصاص، دیه و تعزیری ارتكابی صرفنظر از نوع آن در بازه زمانی معین است.

از نظر تاریخی، اولین بار آمار جنایی شامل محکومیت‌های صادره در دادگاه‌های کیفری بوده است. از آنجا که آمار محکومیت‌های کیفری در واقع آخرین مرحله فرآیند کیفری یعنی رسیدگی ماهوی است که طی آن مجرمیت متهمان به اثبات رسیده و قطعی شده، مراجع قضائی آمار مجرمان را در اختیار می‌گذارند. از این‌رو، در مطالعات جرم‌شناسی بزهکاری قضائی (قانونی) بیشتر مبنای مطالعات و تحقیقات قرار می‌گیرد. بدین سان، آمار دادگاه‌های کیفری، اطلاعات لازم را درباره بزهکاران، بزه‌دیدگان، نوع جرایم ارتكابی، میزان تکرار جرم و... را نشان می‌دهد.

این موضوع که، چه میزان جرایم ارتكابی کشف و محکوم شده باشد، معرف میزان فعالیت و مهارت و حرفه‌گری پلیس و دادگاه‌ها و تهیه و تنظیم کنندگان آمار است. آمار جنایی بیش از آن که واقعیت بزهکاری را تبیین کند، نشان‌دهنده کارنامه نهادهای عدالت کیفری است. مضافاً بر اینکه، چون دولت‌ها متولّی تأمین امنیت در جامعه در برابر مجرمان هستند، آمار جنایی را کمتر از آنچه که وجود دارد، نشان می‌دهند یا کمتر از واقعیت است، تنظیم کنند؛ زیرا، در کشورهای مردم‌سالار یکی از معیارهای شرکت مردم در انتخابات و رأی دادن به نامزدهای انتخاباتی، وعده‌هایی است که نامزدها در حوزه امنیت به شهروندان می‌دهند. متولیان امنیت و تصمیم‌گیران پلیسی، انتصابی نیستند، بدین‌روی، در مقابل مجلس پاسخگو و بنابراین قابل استیضاح هستند. به این ترتیب است که آمار جنایی خود، یک موضوع سیاسی در کشورهای مردم‌سالار محسوب می‌شود. بر این پایه، در کشورهایی که متولیان امنیت برخاسته از انتخابات هستند (یعنی انتصابی نیستند) ممکن است آمار جنایی را دستکاری و به گونه‌ای آن‌ها را تنظیم و ارائه کنند که حاکی از موفقیت‌آمیز بودن کارنامه آنان باشد.

در آمار جنایی، رقم سیاه بزهکاری به معنای جرایمی است که یا کشف نمی‌شوند و یا به هر علت گزارش و تحت پیگیری قرار نخواهند گرفت و در کنار رقم سیاه بزهکاری، موضوعی دیگر تحت عنوان رقم خاکستری مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد. رقم خاکستری ناظر به جرایمی است که بزه و بزه‌دیده آن کشف می‌شود؛ اما، مرتکب مورد شناسایی قرار نمی‌گیرد. به این جهت است که کشف بزه و شناسایی

بزه‌دیده در دستیابی به بزه‌کار کمک می‌کند. در ذیل مباحث مربوط به رقم خاکستری، باید به مقوله بسیار مهمی در دستیابی به مرتکب اشاره داشت و آن عبارت از «نیمرخ‌شناسی» یا «ترسیم نیمرخ بزه‌کار» است.

منظور از نیمرخ‌شناسی آن است که با ارتکاب یک بزه، چنانچه بزه‌دیده یا بزه‌دیدگان اعلام شکایت کرده باشند ولیکن، مرتکب دستگیر و شناسایی نشده باشد، نوعاً بزه‌دیدگان تصویری مبهم از مرتکب را در ذهن خود دارند که در این صورت و برای رسیدن به رقم خاکستری یعنی مرتکب، پلیس یا متخصصان و متولیان امر، از بزه‌دیده یا بزه‌دیدگان دعوت به عمل می‌آورند و از آن‌ها مشخصات کلی بزه‌کار را پرس‌وجو می‌کنند و بر این اساس، اقدام به نیمرخ‌شناسی خواهند کرد و صورت تقریبی مرتکب را ترسیم می‌کنند. این تصویر درصد بالایی به واقعیت نزدیک است و بزه‌کاران از آن طریق قابل شناسایی هستند. این موضوع راجع به کشف جرم، آیین دادرسی کیفری و پلیس علمی به لحاظ اهمیت در برآورد رقم خاکستری و دستیابی به میزان واقعی بزه‌کاری نقش مهمی دارد.

به این ترتیب، نیمرخ‌شناسی یا ترسیم نیمرخ و نه چهره بزه‌کار، زمانی موضوعیت پیدا می‌کند که جرمی اتفاق افتاده باشد. به عنوان مثال، در صحنه قتل که بزه‌دیده به قتل رسیده است و بزه‌کار هیچگونه اثر ملموسی از خود برجای نگذاشته است، از تکنیک‌ها و فنون ترسیم نیمرخ تقریبی بزه‌کار استفاده می‌شود و آن عبارت از این است که با استفاده از تکنیک نیمرخ‌شناسی، آثار باقی مانده از جرم به جهت کشف حقیقت و واقعیت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. مانند اینکه آیا قتل در روز ارتکاب یافته یا در شب واقع شده است؟ آیا محل ارتکاب قتل به هم ریخته است یا خیر؟ آیا جنازه جابه‌جا شده است یا خیر؟ از شیوه ارتکاب قتل، آلت قتل، لحظه تقریبی قتل و به ویژه در مواردی که مرتکب هیچگونه اثری از خود برجای نگذاشته باشد این نکته کشف می‌شود که آیا مرتکب زن بوده است یا مرد؟ آیا مرتکب با بزه‌دیده رابطه خویشاوندی داشته یا اینکه با او بیگانه بوده است؟ آیا مرتکب مشکلات شخصی، عشقی - عاطفی، مالی و... داشته است یا خیر؟ و سایر یافته‌ها و مواردی که از طریق نیمرخ‌شناسی کشف خواهد شد.

به این ترتیب متولیان امر تعقیب، تحقیق و کشف جرم با استفاده از نیمرخ‌شناسی به یک نیمرخ فرضی دست خواهند یافت که با ترسیم آن و تطبیق با نیمرخ‌هایی موجود در بانک‌های اطلاعاتی، از بازپرس یا دادستان مجوز جلب و بازجویی فرد مظنون را دریافت می‌کنند که در اصطلاح متولیان امر با استفاده از راهبرد نیمرخ‌شناسی «مظنون‌گیری» کرده و در راستای کشف حقیقت گام بر می‌دارند. نیمرخ‌شناسی، شیوه‌ای

۸۸ ✦ تقریرات درس جرم‌شناسی

است که در آمریکا ابداع شده است و تأثیرهای بسیاری درکشف حقیقت و به‌ویژه برآورد رقم خاکستری دارد.

فصل دهم

عوامل بزهکاری

پس از آن که اهداف تحقیق و روش‌شناسی در جرم‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت، اکنون باید به «عوامل بزهکاری» یا «عوامل جرم‌زا»^۱ پرداخت تا مشخص شود که چه مؤلفه‌هایی موجب ارتکاب جرم خواهند شد. بدین‌سان، «عوامل جرم‌زا» عناصری عینی هستند که در ایجاد پدیده مجرمانه دخالت می‌کنند و بنابراین، از شاخص‌ها و انگیزه‌ها متمایز هستند. توضیح آن که شاخص‌ها عبارتند از نشانه‌ها و انگیزه‌ها که ماهیتاً جنبه ذهنی دارند. در میان «عوامل جرم‌زا» باید عواملی را که همچون شرایط، اوضاع و احوال مناسب برای ارتکاب جرم عمل می‌کنند، از عواملی که به صورت «علت» یا «علل» در وقوع جرم تأثیرگذار هستند، جدا کرد. عوامل نوع اول یعنی شرایط، اوضاع و احوال، موقعیت‌ها - فرصت‌ها، محرک‌های تکمیلی را به وجود می‌آورند و عوامل نوع دوم، علت یا علل قبل از معلول قرار دارند و همواره معلول، همراه و به دنبال آن‌ها است. طبقه‌بندی‌های مختلفی از «عوامل جرم‌زا» صورت گرفته است که رایج‌ترین آن‌ها، طبقه‌بندی عوامل به عوامل زیست‌شناختی، روانشناختی و جامعه‌شناختی و عملی‌ترین طبقه‌بندی، طبقه‌بندی مبتنی بر نقشی است که عوامل جرم‌زا در ارتکاب پدیده مجرمانه ایفاء می‌کنند.

الف: مفاهیم ضروری

پیش از ورود به انواع عوامل جرم‌زا یا عوامل بزهکاری که به دو دسته کلی «عوامل درونی بزهکاری» و «عوامل بیرونی بزهکاری» تقسیم می‌شوند؛ توضیح مفهوم انگیزه ضرورت دارد.

انگیزه پدیده‌ای روانی است که می‌توان آن را مایه حیات انسانی دانست. انگیزه، قوه محرکه قصد است و بنابراین، به تعداد انسان‌ها انگیزه‌های مختلفی برای انجام یک کار وجود دارد. به عنوان مثال، فردی برای پول‌دار شدن، دیگری برای ارضای تمایلات جنسی و دیگری برای کسب آرامش و... به ازدواج مبادرت می‌ورزند. چه آن‌که، در حقوق کیفری، عنصر روانی برای مسئول دانستن فرد مرتکب واجد اهمیت است و انگیزه در تحقق یا عدم تحقق نتیجه مجرمانه، نقش ندارد، مگر آن‌که بنابر صراحت قانونگذار، انگیزه واجد اهمیت باشند، مانند آن‌که بر اساس بند «پ» ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ارتکاب جرم بر اساس انگیزه شرافتمندانه مانند سرقت برای

۹۰ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

نجات از مرگ فرد گرسنه، موجب تخفیف مجازات است. به عبارت دیگر، در حقوق کیفری، اصل اولیه، عدم تأثیر انگیزه در تحقق یا عدم تحقق نتیجه مجرمانه خواهد بود؛ مگر آن که قانونگذار بر آن تصریح کرده باشد؛ اما، در جرم‌شناسی به دلیل اینکه انگیزه یک امر کاملاً فردی است، بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد.

بنابراین، در مقایسه میان «عامل» و «انگیزه» باید بیان داشت که «انگیزه» یک رکن درونی و عامل رکنی بیرونی است. انگیزه با درهم آمیختن با سایر عوامل «علت» را به وجود می‌آورد؛ ولی، جمع این‌ها بدون فراهم بودن زمینه^۱ یا شرایط^۲ یا فراهم بودن شرایط، اوضاع و احوال^۳ یا اوضاع ماقبل جنایی^۴ منجر به ارتکاب جرم نمی‌شود. در حالی که مجرمین مختل المشاعر، صغار یا مجرمین غیر عمدی معمولاً به عنصر اوضاع، احوال و وضعیت ماقبل از ارتکاب جرم نیاز ندارند و به دلیل عدم وجود قدرت محاسبه، زمینه ارتکاب جرم در آن‌ها معمولاً مطرح نیست.

پیش از پرداختن به انواع عوامل جرم‌زا یا عوامل بزه‌کاری، باید مؤلفه‌ای به نام **فرآیند جرم‌زا**^۵ یا **فرآیند جرم** را توضیح داد. «فرآیند جرم» برخلاف «عامل» که به عنوان یک عنصر عینی در ارتکاب جرم مداخله می‌کند، حرکت و رفتن به سوی جرم را معین می‌نماید؛ هدف، توصیف مراحلی است که بنابر آن‌ها، این حرکت جریان پیدا می‌کند. یعنی مطالعه ذهنی، مبتنی بر تجربه و زندگی مجرم. بدین ترتیب، روی هم رفته، سه نوع فرآیند جرم‌زایی وجود دارد:

۱. فرآیند ارتکاب عمل مجرمانه خطرناک که «دوگرف»^۶ آن را مطالعه کرده است (قتل از روی احساسات یا قتل شهوانی و قتل فایده‌گرایانه). شکل فرآیند عمل خطرناک، جنبه خاص ندارد و از فرآیند تطور و تحول در اقوام وحشی الهام گرفته شده است. در مورد این فرآیند، «دوگرف» نشان داده است که نمی‌توان آن را در حد فرآیندهای شناخته شده در آسیب‌شناسی روانی تقلیل داد.
۲. فرآیند بالیدگی و پختگی جنایی که «ساترلند» بدان پرداخته است که این شکل از فرآیند بر اساس **فرآیند یادگیری** صورت‌سازی شده باشد.
۳. فرآیند عمل مجرمانه تحمیلی و سنجیده.

1. context
2. conditions
3. circumstances
4. Precriminal situation
5. criminogenic process
6. De Greeff

ب: عوامل تحقق بزهکاری

به هر ترتیب، پس از توضیح چند واژه ضروری که این امر خود، تفاوت میان حقوق کیفری و جرم‌شناسی را نیز آشکار می‌سازد و بر ویژگی خاص بودن مفاهیم جرم‌شناسی تأکید دارد، اکنون باید عوامل بزهکاری از دو منظر عوامل درونی و عوامل برونی بزهکاری مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

ب.۱: عوامل درونی بزهکاری

منظور از عوامل درونی یا شخصی، عواملی هستند که در نهاد آدمی ریشه داشته و باعث تفاوت یک بزهکار از بزهکاری دیگر می‌شود که خود به دو عوامل ذاتی و اکتسابی تقسیم می‌شود.

ب.۱.۱: عوامل ذاتی جرم

منظور از عوامل درونی ذاتی، عواملی هستند که فرد در آن‌ها هیچگونه دخالتی نداشته و بر حسب ذات و فطرت آدمی این عوامل، پدید آمده‌اند که در این راستا می‌توان از سه مؤلفه «سن»، «جنسیت» و «نژاد» سخن به میان آورد.

۱. عوامل ذاتی

پیشتر مورد اشاره قرار گرفت که جرم‌شناسی در بادی امر با مطالعه خصوصیات افراد از جمله چهره، جمجمه و... و رابطه آن‌ها با رفتارهای مجرمانه متولد شد. «لمبروزو» که پزشک قانونی بود با کالبدشکافی و مطالعه سیصد مجرم معدوم و بررسی شکل ظاهری و اندام‌های هزار نفر از محکومان به حبس و مقایسه آنان با غیربزهکاران، تیپ - گونه - جانی مادرزاد را ترسیم کرد. او معتقد بود، جرم امری وراثتی است و بشر اختیار چندانی در انتخاب رفتارهای مجرمانه یا ترک آن‌ها ندارد. وی محقق جبرگرا بود و به تأثیر محیط و عوامل محیطی در وقوع جرم و رفتارهای مجرمانه اعتقادی نداشت و از طرفداران نظریه تکامل «داروین» بود. وی معتقد بود اگرچه بزهکار، صورت انسانی دارد؛ لکن، دوره تکامل و رشد او در مرحله‌ای متوقف شده است و بدین‌سان، انسان مجرم محصول توارث است؛ اما، به‌رغم نظریه جبرگرایانه «لمبروزو»، جبرگرایی مورد انتقادهای جدی قرار گرفت که یکی از مهمترین این انتقادهای، غفلت طرفداران نظریه جبریت جرم، از عوامل محیطی و خصوصیات اکتسابی مؤثر در وقوع جرم بود.

به هر ترتیب، پیروان مکتب تحقیقی - یعنی انریکوفری - مجرمین را به پنج دسته تقسیم نمودند، درحالی که «لمبروزو» تمام مجرمین را مجرم مادرزاد، قلمداد می‌کرد. البته، ناگفته نماند که ایشان، در اواخر عمر خویش، تلویحاً به تأثیر عوامل اکتسابی و

۹۲ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

محیطی، در وقوع جرم صحنه گذاشت و نقش تأثیرگذار محیط و عوامل محیطی بر وقوع جرم را مورد پذیرش قرار داد؛ زیرا، مجرمین اتفاقی در اثر عوامل اکتسابی و محیطی مرتکب جرم می‌شوند و لزوماً مجرم مادرزاد نیستند.

پس از مرحله اول یعنی نقش ژنتیک و عوامل وراثتی بر وقوع جرم، مرحله دوم، مرحله بررسی نقش عوامل شخصی و محیطی در وقوع جرم است که با تلاش‌های آقای «انریکوفری» از شاگردان «لمبروزو» آغاز شد. وی به تأثیر عوامل شخصی و محیطی در شکل‌گیری پدیده مجرمانه معتقد بود و به جز مجرمان مادرزاد و مجرمان اتفاقی، گروه‌های دیگری از بزهکاران را با عنوان بزهکاران به عادت، بزهکاران مختل المشاعر، و بزهکاران شهوانی (هیجانی)، شناسایی کرد:

۱. **دسته اول مجرمین بالفطره (مادرزاد):** این دیدگاه نسبت به مجرمین، بدبینانه‌ترین دیدگاه است و مطالعات علم ژنتیک آن را مردود اعلام کرده است.
۲. **دسته دوم بزهکاران اتفاقی:** در پاره‌ای موارد، عوامل محیطی بیرونی، افراد را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد البته برخی از افراد، همواره در برابر این عوامل مقاومت می‌کنند و از ارتکاب جرم خودداری می‌ورزند.
۳. **دسته سوم بزهکاران به عادت:** همانطور که افراد در تعامل با جامعه، بسیاری از رفتارها را می‌آموزند و در جهت آن حرکت می‌کنند، همواره عده‌ای، در اثر این تعامل، عادت به ارتکاب جرم را کسب می‌کنند.
۴. **دسته چهارم بزهکاران مختل المشاعر:** این مرتکبان، افرادی هستند که به لحاظ آمادگی‌های شخصی در ارتباط با محیط و تحت تأثیر خصوصیات اکتسابی تعادل روانی خود را از دست می‌دهند. البته این موضوع، به معنای دیوانگی آن‌ها نیست؛ زیرا، تمامی بیماری‌های روانی، زایل‌کننده اراده یک فرد نیستند بلکه صرفاً برخی از آن‌ها موجب جنون و از بین رفتن اراده می‌شوند.
۵. **دسته پنجم بزهکاران شهوانی (یا احساسی یا عشقی):** این افراد در تعامل با جامعه تحت تأثیر عوامل و محرک‌های محیطی مرتکب جرم می‌شوند. به عنوان مثال، همسرکشی یا قتل از روی شهوت، کسب ثروت و پول.

۱.۱: نژاد

یکی از عوامل^۱ فردی ذاتی درونی برای بزهکاری عبارت از نژاد است. درخصوص عامل نژاد - قومیت - میان جرم‌شناسان اتفاق نظر وجود دارد و همه آنان بر ذاتی بودن خصیصه نژادی اعتقاد دارند. با اینکه در ذاتی بودن نژاد به عنوان عامل درونی بزهکاری، تردید نیست؛ ولی، نظریه تأثیر نژاد در ارتکاب جرم مورد شک و تردید

است. بدین‌روی و به‌ویژه در عصر حاضر، به علت مسافرت و تمایل انسان‌ها به جابه‌جایی از یک مکان به مکانی دیگر و وقوع ازدواج‌های فرانژادی، امروزه، به‌طور قطعی نمی‌توان بیان داشت که همهٔ افراد یک جامعه، از یک نژاد هستند؛ زیرا، در عمل، نوعی تداخل نژادی پدید آمده است و دیگر نژاد به مفهوم دو سدهٔ گذشته معنا و مفهوم ندارد. در دهکدهٔ جهانی که ارتباطات منجر به ازدواج‌های فرانژادی شده است، تفکیک نژادی، از اهمیت سابق برخوردار نیست و به امری بیهوده بدل شده است. بنابر توضیحات فوق‌الذکر نمی‌توان بیان کرد که نژاد خاصی یقیناً و کاملاً، مجرم است یا مجرم نیست؛ زیرا، در حال حاضر، نژاد خالص و خاصی موجود نیست.

بدین‌سان، در کشورهای مهاجرپذیر مانند آمریکا و کانادا، جرم‌شناسان، بیشتر از سایر کشورها تحقیقاتی در رابطه با تأثیر نژاد و قومیت، بر بزهکاری انجام داده‌اند. به‌طور مثال، در مطالعاتی که پیرامون بزهکاری قومی خاص صورت پذیرفته است، مشخص شد که از نظر کمی و کیفی نرخ بزهکاری افراد این قوم با افراد بومی، متفاوت و بعضاً بیشتر از آن‌ها است. در آمریکا که تعداد سیاه‌پوستان قابل توجه است، برخی مطالعات منتج به این نتیجه شد که نرخ بزهکاری و محکومیت سیاه‌پوستان بیشتر از سفیدپوستان است.

پیش از تفصیل و تشریح این مطلب، توضیح این مطلب ضروری است که بالا بودن نرخ بزهکاری بعضی نژادها نسبت به نژادهای دیگر، صرفاً به دلیل تأثیر عوامل ذاتی قومیت و نژاد نیست؛ بلکه، این تفاوت در نرخ بزهکاری را بیشتر باید در خصایص جامعه‌شناختی اقوام جستجو کرد؛ زیرا، در صورت قبول بزهکاری بیشتر یک نژاد، نسبت به نژاد دیگر، باعث دامن زدن به تمایلات نژادپرستانه و نزاع‌های قومی می‌شود.

در ایالات متحدهٔ آمریکا که از بزرگترین کشورهای مهاجرپذیر محسوب می‌شود، جرم‌شناسان همواره با محوریت نرخ بزهکاری، تفاوت‌های نژادی و قومی را بررسی کرده‌اند. نظریهٔ تعارض فرهنگ‌ها برای نخستین بار در آمریکا مطرح شد. اصل اساسی در این نظریه، ارتکاب جرم به جهت تعارض فرهنگ‌ها است. تصادم در فرهنگ ناهمساز، موجب وقوع جرم است و به همین دلیل، در کشوری مانند کانادا که کشوری مهاجرپذیر است، آمار ارتکاب جرایم بالا می‌باشد؛ اما، در آمریکا، تمرکز مطالعات بر روی سیاه‌پوستان بوده است یعنی، سیاه‌پوستانی که چهل سال است که به حقوق برابر با سفیدپوستان دست یافته‌اند. این پژوهش‌ها حاکی از آن است که نرخ بازداشت و ایراد اتهام به سیاه‌پوستان بالا است. در فرانسه نیز، در تحقیقی مشابه اعلام شد که نرخ بزهکاری اتباع آفریقای شمالی در جرایم خشونت‌بار بیشتر از فرانسوی‌های بومی است. جرم‌شناسان در تحقیقات صورت گرفته در کانادا با محوریت عوامل نژادی به این نتیجه رسیده‌اند که جرایم سازمان یافته و جرایم ارتكابی از سوی باندهای خیابانی،

۹۴ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

بیشتر از سوی مافیای ایتالیایی، مافیای روسیه، مافیای هیسپانیک (مکزیک) یا مافیایی چینی بوده است و کانادایی‌ها معمولاً در این جرایم مداخله نمی‌کنند. در سال‌های ۱۹۹۲ - ۱۹۹۳ پژوهشی در رابطه با جرایم خشونت‌بار سیاه‌پوستان علیه سفیدپوستان و بالعکس صورت گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که بیشترین میزان جرایم خشونت‌بار میان اعضای یک نژاد و قوم یعنی، سفیدپوستان در میان خود آن‌ها بوده است. بنابراین، مرتکبین و قربانیان جرایم خشونت‌بار هر دو، متعلق به یک نژاد بوده‌اند. همچنین عنوان شد که بیشتر جرایم خشونت‌بار ارتكابی از سوی سفیدپوستان کانادایی، قربانیانی سفیدپوست داشته‌اند. یعنی، درگیری‌های به وقوع پیوسته، در درون کانادایی‌ها بوده است.

نتایج این پژوهش این موضوع را مطرح می‌کند که جدا بودن محل زندگی و محیط کار خارجی‌ها با بومی‌ها، سبب می‌شود که این دو گروه ارتباط چندانی با هم نداشته باشند. به این ترتیب، اصطکاک و برخورد منافع کمتری با هم دارند. ولی، در خود این گروه‌ها ارتباطات و تعارض منافع، موجب درگیری و وقوع جرم می‌شود.

۲.۱: جنسیت

تاکنون در ادبیات جرم‌شناسی، از اصطلاح «جنس»^۱ سخن به میان می‌آید؛ ولی، اصطلاح دیگری که ممکن است، نامأنوس‌تر باشد و مورد کاربرد جرم‌شناسی قرار می‌گیرد، «جنسیت»^۲ است.^۳ جنس، مفهومی زیست‌شناختی است که ناظر به تفاوت ذاتی، جنسی و فیزیولوژیکی زن و مرد است؛ حال آن‌که، جنسیت ناظر به حقوق و تکالیف زن و مرد می‌باشد. جنس، تفاوت‌های زن و مرد را توصیف می‌کند، در حالی که جنسیت به حقوق و تکالیف آنان بازمی‌گردد، یعنی، هویت اجتماعی آن‌ها را که جنس نیز در آن نقش دارد، مشخص می‌کند.

جنسیت در جرم‌شناسی، بحثی نسبتاً جدید است. در جرم‌شناسی، به تأثیر جنس مؤنث بر بزهکاری و تفاوت آن با میزان بزهکاری در جنس مذکر پرداخته می‌شود. در جرم‌شناسی، نخستین مطالعات انجام شده پیرامون مردان بزهکار بود. فرضیه

1. Sex
2. Gender

۳. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی (بزهکاری زنان)، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)، تهیه و تنظیم: حسن قاسمی مقدم، سال تحصیلی ۱۳۸۳-۸۴، در: ابراهیمی، شهرام «به کوشش»، مباحثی در علوم جنایی - مجموعه تقریرات استاد علی حسین نجفی ابرندآبادی، ویراست هفتم، آذر ۱۳۹۱، ص ۱۱۰۷ به بعد؛ همچنین رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی (بزهکاری زنان و روسپیگری)، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید، تهیه و تنظیم: نرگس السادات روح الامینی و شهید شاطری پور اصفهانی، سال تحصیلی ۱۳۸۳-۸۴، در: همان منبع.

مباحثی در علوم جنایی ۹۵

جرم‌شناسان عبارت از این بود که امکان ارتکاب جرم از سوی بانوان وجود ندارد؛ زیرا، استعداد این کار در وجود آن‌ها نهاده نشده است. بنابراین، جای تعجب نیست که «لمبروزو» نام کتاب خود را «مرد بزهکار» گذاشته بود. او در این کتاب که منشور جرم‌شناسی است، نتیجه مطالعات خود را پیرامون مردان بزهکار منتشر و گروه شاهد خود را نیز از مردان انتخاب می‌کرد.

با وجود این، به تدریج این نگرش متحول شد، به گونه‌ای که در تحقیقات معاصر مشخص شد که بزهکاری زنان، حدود یک‌هفتم تا یک‌دهم از میزان بزهکاری‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. از سوی دیگر، مشخص شد که سهم زنان در بزهکاری با توجه به شأن آن‌ها تفاوت دارد چنان‌که، زنان روستایی نسبت به زنان شهری در ارتکاب جرایم متفاوت شرکت می‌کنند. به هر حال، راجع به اینکه به چه دلیل، زنان در دنیای بزهکاری حضوری کم‌رنگ‌تر از حضور مردان دارند، دو دیدگاه زیست‌شناختی و جامعه‌شناختی وجود دارد. در دیدگاه زیست‌شناختی، زنان اصولاً از نظر منش، محافظه‌کارتر از مردان هستند و بدین‌روی، بیشتر از مردان با مقررات جامعه مطابقت داشته و جامعه‌پذیری آن‌ها نسبت به مردان بیشتر است. خانم‌ها تحرک‌پذیری و تنوع‌طلبی کمتری دارند و این امر سبب می‌شود که در جرایم خشونت‌آمیز کمتر شرکت کنند. این تفاوت فیزیولوژیکی باعث می‌شود که زن، در مقام تسلط بر گروه دیگر برنیاید و خود را کمتر، در تعارض با قانون قرار دهد.

در مقابل این دیدگاه زیست‌شناختی، دیدگاهی جامعه‌شناختی وجود دارد. بر اساس این نگرش، عقیده بر این است که علت عدم حضور زنان در بزهکاری، ناشی از تربیتی است که والدین، مدرسه و محله بر زنان داشته‌اند. تفکیک تربیتی که میان زنان و مردان است بر حضور اجتماعی آنان تأثیر دارد. **نخست** اینکه والدین، تربیت خود را بر دختران تا سنین بیشتری نسبت به پسران ادامه می‌دهند و پسران در سنین پائین‌تری مستقل می‌شوند. این امر سبب می‌شود که دختران دیرتر استقلال اجتماعی پیدا کنند. **دوم** اینکه بنا به عرف جامعه به زنان، کمتر و دیرتر پُست‌های کلیدی و مهم داده می‌شود. از این‌رو، حضور اجتماعی زنان کمتر است. به این ترتیب، تفاوت تربیتی زنان بر حضور اجتماعی آن‌ها مؤثر است. بنابراین، اگر به دختران امکانات اجتماعی برابری داده شود، میزان بزهکاری آن‌ها با جنس مذکر برابر خواهد شد.

علاوه بر این دو دیدگاه، می‌توان بیان داشت که، به دلایل ذیل بزهکاری زنان نسبت به بزهکاری مردان با ملاحظات ارفاقی بیشتری مواجه می‌شود. بنابراین، کمبود آمار بزهکاری زنان تا حدی به خاطر ملاحظات قضایی، پلیسی و... است. دلایل این امر عبارتند از:

۱. عده‌ای قصد دارند که به دلیل تالی فاسد بزهکاری زنان، این جرایم کشف و

۹۶ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

- پیگیری نشوند و به صورت کدخدامنشی حل و فصل شوند.
۲. رفتار و سنت پلیسی به گونه‌ای است که اغماض و نادیده‌انگاری پلیس در برابر بزهکاری زنان بیشتر از مردان است. چه آن‌که، پلیس با اکراه، زنان متهم را در کلانتری‌ها نگاه می‌دارد یا کمتر به زن مظنون می‌شود. شاید بی‌دلیل نیست که مردان بزهکار در سازمان‌های جنایی از زنان استفاده می‌کنند و یکی از حربه‌های قاچاقچیان نیز زنان و صغار هستند.
 ۳. مراجع قضائی نسبت به زنان متهم و بزهکار، با تسامح بیشتری رسیدگی می‌کنند و احکام سبک‌تری صادر می‌کنند.
 ۴. نحوه ارتکاب جرم نیز در زنان متفاوت است؛ یعنی، زنان بیشتر به عنوان معاون یا شریک در جرایم حضور دارند.
 ۵. از همه مهمتر زنان به خاطر طبیعت زنانه خود مرتکب جرایمی می‌شوند که در رقم سیاه باقی می‌ماند. مانند طفل‌کشی، کودک‌آزاری، سقط جنین و روسپیگری. به نظر می‌رسد که به موازات افزایش حضور اجتماعی و حرفه‌ای زنان و اعطای مشاغل اداری، نظامی، پلیسی و... به آن‌ها، بانوان نیز امکانات بزهکاری را به دست می‌آورند. حضور زنان ممکن است در جرایم خشونت‌بار کم باشد؛ ولی، در جرایم آپارتمانی بیشتر است. مضافاً بر اینکه در قانون، جرایم خاصی پیش‌بینی شده است که نوعاً مرتکب آن جرایم زن‌ها می‌باشند مانند رها کردن طفل در مناطق خالی از سکنه موضوع ماده ۶۳۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵.

۳.۱: سن

سن در رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی از دو منظر **نخست**، سن به عنوان عامل یا مانع مسئولیت کیفری و **دوم**، سن و ادوار آن و تأثیر آن بر رفتارهای مجرمانه، مورد توجه قرار گرفته است. در جرم‌شناسی نیز همانند حقوق کیفری، سن سبب تفکیک بزهکاری اطفال، از بزهکاری بزرگسالان می‌شود. وجه تفکیک بزهکاری بزرگسالان، سن مسئولیت کیفری است که در حقوق ایران ۹ سال و ۱۵ سال تمام قمری (ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) و در برخی کشورها ۱۸ سال شمسی است. در مورد ویژگی سن در جرم‌شناسی باید گفت که اصولاً رفتار انسان به سه عنصر زور، احساسات یا شهوات و عقل و سنجیدگی تعلق دارد. با افزایش سن، نیروی فیزیکی و شهوات انسان توسعه پیدا می‌کند و با افزایش سن، پس از یک دوره، نیروی فیزیکی و احساسات رو به کاهش می‌گراید و در مقابل، عقلانیت در فرد رشد می‌کند. طبیعتاً، این افزایش قدرت و انرژی از یک‌سو و تنزل و کاهش قدرت و انرژی و افزایش عقلانیت از سوی دیگر، باعث تفاوت در ارتکاب نوع جرایم می‌شود.

مباحثی در علوم جنایی ♦ ۹۷

نخستین علائم حاکی از رفتارهای ضد اجتماعی (جرم یا انحراف) میان سن پنج تا هفت سالگی بروز می‌کند. تا سن هجده سالگی این روند رو به افزایش است؛ ولی، افزایش جرایم به معنای شدت یافتن آن‌ها نیست. از هجده تا سی سالگی، جرایم از نظر کیفی به اوج خود می‌رسند و تا سی سالگی این افزایش کیفی وجود دارد و پس از آن، بزهکاری رو به کاهش است. از چهل سالگی، نرخ نزولی بزهکاری کاسته می‌شود و میان چهل تا شصت سالگی، نرخ بزهکاری مردان به نرخ بزهکاری سن چهارده تا شانزده سال تنزل پیدا می‌کند. در مورد زنان، سنین بیست و پنج تا سی و پنج سالگی اوج بزهکاری آن‌ها است و تا پنجاه سالگی، منحنی بزهکاری رو به رشد است و پس از آن، کاسته می‌شود. بدین‌سان، در حقوق کیفری، سن در بحث مسئولیت کیفری (ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) موضوعیت دارد. در حقوق کیفری، تابعان این رشته‌ها با توجه به معیار سن تعریف و تعیین می‌شوند؛ زیرا، معیار سن است که مجازاتها را مشخص می‌کند، موجب تخفیف آن می‌شود و... بحث بلوغ شرعی به عنوان سن مسئولیت، موضوعی بسیار بحث‌انگیز است، همین بحث در جرم‌شناسی نیز مطرح است. از منظر جرم‌شناسی، دوره‌های سنی مختلفی وجود دارد که می‌توان این دوره‌ها را به پنج گروه از بدو تولد تا دوازده سالگی، از دوازده تا هجده سالگی، از هجده تا سی سالگی، از سی تا شصت سالگی و از شصت سالگی به بالا تقسیم کرد که هر یک از این ادوار در جرم‌شناسی ویژگی‌های دارند.^۱

۱.۳.۱: دوره زیر دوازده سال

در این دوره، اطفال، کمتر مرتکب تخلف و جرم می‌شوند و اگر هم رفتار مجرمانه‌ای را انجام می‌دهند، رفتار آن‌ها حکایت از انحراف یا «Deviance» دارند، حتی ارتکاب برخی انحرافات و تخلفات در دوره سنی زیر دوازده سال حاوی یک پیام و نیاز و توجه خاص است و باید به عنوان علائم وجود آسیب در محیط زندگی طفل تحلیل شود؛ زیرا، هنوز حسن و قبح در وجود طفل مستقر نشده است و بنابراین، این دوره را مشمول مسئولیت کیفری نمی‌دانند و پاسخ به جرایم در این دوره، پاسخ‌های تربیتی و پرورشی است.

۲.۳.۱: دوره دوازده تا هجده سال

این دوره مصادف با پیش‌بینی نوعی مسئولیت کیفری نقصان‌یافته و خفیف است. معمولاً در این سنین قانونگذار ضمن پیش‌بینی «مسئولیت»، مجازاتهای معمول در مورد بزرگسالان را در مورد این دسته از مرتکبان، اعمال نمی‌کند. به عنوان مثال، اگر مجازات

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره سن و علوم جنایی، دیپاچه در: رجیبی پور، محمود، پیشگیری اجتماعی رشدمدار از بزهکاری کودکان و نوجوانان، نشر میزان، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۳ و بعد.

۹۸ ♦ تقریبات درس جرم‌شناسی

جرمی اعدام است در مورد اطفال ۱۲ تا ۱۸ سال صرفاً حبس اعمال می‌شود. در این دوره، به دلیل آن‌که مصادف با استقرار نسبی تمیز در اطفال است، ارتکاب جرم معنادار است و باید به دنبال عامل ارتکاب جرم بود؛ زیرا، مطالعات نشان داده است که چنانچه اطفال زودتر از سنین متعارف مرتکب خلاف و جرم شوند و رفتارهای منحرفانه از خود نشان دهند و دستگاه قضائی، خانواده‌ها و پلیس نسبت به جرایم ارتکابی این افراد، به مجازات سنتی و برخورد متعارف با آنان روی آورند و به دنبال حل معضل این افراد نباشند، موجب خواهد شد تا این قبیل اطفال و نوجوانان تبدیل به بزهکاران مکرر و مزمن می‌شوند. بدین معنا که مجرمین بزهکار و مزمن، طفولیت مجرمانه زودرس داشتند. طبیعتاً تا سن ۱۸ سالگی معمولاً آیین دادرسی این عده، متفاوت است و قضات دادگاه اطفال دارای خصایص متفاوت هستند و محل نگهداری و حبس آنان نیز با دیگر بزهکاران متفاوت خواهد بود.

۳.۳.۱: دوره هجده تا سی سال

معمولاً به افراد این دوره، جوانان بزرگسال گویند.^۱ به‌طور معمول، این دوره سنی با ارتکاب بیشترین رقم جرایمی که نیاز به قدرت بازو و کلسیم دارد، از قبیل: سرقت با ضرب و جرح، قتل و... همراه است. در این دوره، قوه تشخیص و تمیز مستقر است و مسئولیت کیفری کامل وجود دارد و به لحاظ قدرت جسمی بالا، مرتکب این نوع جرایم می‌شوند و به این ترتیب، جرایم همراه و مبتنی بر نیرنگ و تزویر آمیز کمتر رخ می‌دهد.

۴.۳.۱: دوره سی تا شصت سال

این دوره و به خصوص دوره ۳۰ تا ۴۰ سالگی، دوره پختگی (بالیدگی) بزهکاران است و عقلانیت مجرمانه کامل می‌شود. در این دوره، بزهکاران، محاسبه‌گر شده و تمایل دارند با پرداخت کمترین هزینه کیفری، بیشترین سود را به دست آورند. در این سنین، جرایم آپارتمانی و جرایم سازمان‌یافته، قاچاق مواد مخدر و بزهکاری حرفه‌ای مشاهده می‌شود و افراد این دوره ریسک‌پذیر نیستند. در واقع، نوعی **عقلانیت جنایی** در افراد وجود دارد. مجرمین بیشتر از فسفر مغز (هوش) و روابط اجتماعی استفاده می‌کنند. در این دوره رقم بزهکاران یقه‌سفید قابل توجه است؛ زیرا، آن‌ها به لحاظ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، یا مذهبی، دارای جایگاه بالایی هستند که آن‌ها را از مظنونیت خارج می‌کند.

۵.۳.۱: دوره شصت سال به بالا

این سنین که دوران بازنشستگی جنایی و روی آوردن به ارتکاب جرایمی است که نیاز به تلاش و محاسبه و هزینه جسمانی ندارد، به جرایم بسیار سبک مانند سرقت‌های بسیار ساده یا معاونت در جرم یا مصرف مواد مخدر و... خلاصه می‌شود؛ لکن، آنچه که در سنین ۶۰ به بالا بیشتر قابل توجه می‌باشد، بزه‌دیدگی است.

همان‌طور که طفولیت، اطفال را بیشتر از بقیه در معرض بزه‌دیدگی و سوءاستفاده ابزاری قرار می‌دهد دوره سنی که از آن به عنوان دوره کهنسالی یاد می‌شود نیز غالباً با بزه‌دیدگی همراه است. این افراد بیشتر به عنوان سیبل یا آماج جرم مورد نظر هستند. بنابراین، در این پنج دوره، دو دوره ابتدا و انتها یعنی اطفال (طفولیت) و کهنسالان، از یک‌سو، در معرض بزهکاری و از سوی دیگر، در معرض بزه‌دیدگی هستند.

بنابراین، اطفال از جهت بزه‌دیده‌شناسی و جرم‌شناسی مورد توجه‌اند. همان‌طور که نرخ بزهکاری اطفال در ادوار مختلف بررسی شده است، نرخ بزه‌دیدگی آن‌ها نیز بررسی شده است. اگرچه، سن نوجوانی با افزایش قدرت و شهوت همراه است؛ اما، طفولیت، نوعی بزه‌دیدگی بالقوه را فراهم می‌کند. در این خصوص به چند ماده از قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به عنوان شاهد مثال، اشاره می‌شود: ماده ۶۳۳ (جرم‌انگاری رها کردن اطفال در فضاهای غیرمسکونی)، ماده ۶۱۹ (مزاحمت برای اطفال و زنان که حمایت خاصی برای اطفال و زنان دارد)، ماده ۷۱۳ (وسیله قرار دادن اطفال برای تکدی) و ماده ۶۲۱ (آدم‌ربایی).

بزهکاری اطفال در آمار جنایی مانند بزه‌دیدگی آن‌ها آمار پائینی دارد و میان دو تا سه درصد از جرایم کشور را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد که دلایلی که درباره بزهکاری زنان ذکر گردید، درباره اطفال نیز صادق باشد. براین اساس:

۱. اطرافیان هنگامی که صغیری مرتکب جرم شده است، تمایل دارند که این مشکل به طور خودجوش و توسط جامعه مدنی و نهادهای جامعه‌ی حل و فصل شود.

۲. نحوه شرکت صغار در جرایم به گونه‌ای است که نوعاً کشف نشده و جنبه آپارتمانی دارند مانند جرایم جنسی.

۳. معمولاً نسبت به اطفال ارفاق پلیسی و قضایی وجود دارد.

۲. عوامل اکتسابی

تاکنون از عوامل ذاتی بزهکاری که به موجب آن انسان‌ها نقشی در تعیین و گزینش آن ندارند، سخن به میان آمد؛ اما، در مقابل این عوامل، عوامل فردی اکتسابی و انتقالی قرار دارد. عوامل فردی اکتسابی، عواملی هستند که انسان در تعامل با جامعه و دیگران

۱۰۰ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

کسب می‌کند. به عنوان مثال، غالباً انسان، مجنون زاده نمی‌شود؛ ولی، در گذر زمان، تحت تاثیر استعدادهای جسمانی و زندگی روزانه، دچار نوعی اختلالات روانی می‌شود. بنابراین، اختلال روانی دسته‌ای از عوامل اکتسابی است. مثال دیگر در خصوص این عوامل می‌توان به اعتیاد^۱ اشاره داشت، چنان که عده‌ای برای ادامه حیات خویش و برخورداری از زندگی متعارف به داروهای مختلفی متوسل می‌شوند و اصطلاحاً **نیروافزایی**^۲ می‌کنند.

حال اگر این مصرف تبدیل به نوعی وابستگی گردد، منجر به اعتیاد می‌شود. اعتیاد امری اکتسابی است که فرد در جریان تعامل با جامعه، بدان مبتلا خواهد شد. اگر اعتیاد در قانون (ایران) جرم نبود،^۳ نفس وابستگی به مواد مخدر خود، عاملی جرم‌زا می‌بود؛ زیرا، رسیدن به مواد مخدر لوازم و اسبابی دارد که خود می‌تواند جرمی مستقل باشد یا زمینه ارتکاب جرایم دیگری را فراهم آورد. علت جرم‌انگاری اعتیاد در برخی کشورها عمدتاً ناشی از آثار و تبعات جرم‌زای اعتیاد است.

عامل گذرا یا انتقالی مانند «سن»، از عوامل فردی است که با گذشت زمان تغییر منظم دارد. تغییرات سنی موجب تغییرات فیزیولوژیک و روانی می‌شود. حصول این تغییرات موجب عبور فرد از دوران‌های مختلف با حالت‌های متفاوت می‌شود. البته، امکان اینکه فردی رفتاری منطبق بر دوره‌های بالاتر یا پایین‌تر از دوره‌های سنی خود داشته باشد، وجود دارد؛ ولی، این مسأله استثنائی است. هر دوره سنی اقتضائات خاص خود را دارد که تأثیر آن در بزه‌کاری و بزه‌دیدگی متفاوت است. نوع جرایم و نحوه ارتکاب آن‌ها در هر دوره سنی متفاوت است. بنابراین، در بررسی تأثیر عوامل اکتسابی و عامل انتقالی، نیازی به تأثیرات عوامل ذاتی وجود ندارد.

باید توجه داشت که بیماری‌های روانی موضوع بحث روانشناسی جنایی است. در نظام‌های مختلف حقوق کیفری از جمله نظام عدالت کیفری ایران مسأله اختلال روانی همواره مورد توجه قانونگذار بوده است. دیوانگی (جنون)^۴ از عوامل رافع مسئولیت کیفری بوده (ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) که اصطلاحی فلسفی و ناشی از قضاوتی اخلاقی است.

1. addiction

2. Dopping

۳. ماده ۱۵ قانون مبارزه مواد مخدر بیان می‌دارد: «معتادان مکلفند با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیردولتی یا خصوصی و یا سازمان‌های مردم‌نهاد درمان و کاهش آسیب، اقدام به ترک اعتیاد نمایند. معتادی که با مراجعه به مراکز مذکور نسبت به درمان خود اقدام و گواهی تحت درمان و کاهش آسیب دریافت نماید، چنانچه تجاهر به اعتیاد نماید از تعقیب کیفری معاف می‌باشد. معتادانی که مبادرت به درمان یا ترک اعتیاد نمایند، مجرمند.»

4. Insanity

۱۰۱ مباحثی در علوم جنایی

در پزشکی، امروزه از عبارت «اختلال روانی» به جای «جنون» استفاده می‌شود. به دنبال یافته‌های پزشکی و به‌ویژه روانپزشکی اکثر قوانین کیفری و مدنی اصطلاح «جنون» را کنار گذاشتند و به جای آن عباراتی همچون «اختلالات روانی»، «اختلالات عصبی» یا «اختلالات مغزی» درج شد. این اختلالات انواع و درجات مختلفی دارند. به این ترتیب، واژه «جنون» در ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، واژه‌ای با دلالت کلی است و انطباقی با دستاوردهای جدید علمی ندارد. بهتر است قانونگذار از عبارت «اختلالات عصبی - مغزی» استفاده کند و قاضی نیز در مقام رسیدگی برای احراز نوع و درجه آن نظر پزشکی قانونی را جویا شود؛ زیرا، بسیاری از مصادیق جنون، زائل‌کننده قوه تمیز نیست. در قانون مجازات عمومی فرانسه (سال ۱۹۹۲) قانونگذار به جای اصطلاح جنون^۱ اصطلاح اختلال عصبی و مغزی را به کار برده است. این اختلالات اسامی و درجات مختلفی دارند که برحسب آن میزان مسئولیت تغییر می‌کند.^۲

با وجود آن‌که مجانین از مسئولیت کیفری مبری هستند؛ آیا اعمال خطرناک این دسته از افراد نیز با واکنشی از سوی حقوق کیفری مواجه می‌شود؟ مطابق ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹، اقدامات تأمینی نسبت به تمامی مجرمین اعم از مسئول و غیرمسئول اعمال می‌شود. رویکرد کنترل **حالت خطرناک** مجانین در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، رویکرد جدیدی است که در حقیقت همان کنترل حالت خطرناک از گذر اتخاذ تدابیر پیشگیرانه را مورد پذیرش قرار داده است. بدین سان، بر اساس ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، چنانچه ثابت شود که آزادی بزهکار مجنون با اخذ نظر متخصص - اعم از روانپزشک قانونی - باعث ایجاد در نظم و امنیت عمومی باشد، برای رفع حالت خطرناک او، اقدام تأمینی پیشگیرانه با دستور دادستان اعمال و اتخاذ خواهد شد. بنابراین، مجانین هم مشمول اقدامات تأمینی اعم از اقدامات تأمینی امنیتی یا درمانی قرار می‌گیرند. از این رو، اگرچه این اقدام که از سوی دادستان صورت می‌پذیرد، اقدامی توانگیر و محدود کننده حقوق افراد از نوع حق بر آزادی وی می‌باشد؛ اما در واقع، این اقدام توانگیرانه، نوعی اقدام پیشگیرانه از یکسو، برای رفع حالت خطرناک مجنون و از سوی دیگر، پیشگیری از ایراد ضرر بر شهروندان می‌باشد.

جرم‌شناسان در رابطه با تأثیر سلامت یا عدم سلامت روان بر بزهکاری معتقدند که بیماری‌های روانی می‌تواند فرد را مستعد ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز کند. بنابراین، چه این بیماری‌ها جنبه‌های روانی داشته باشد و خواه جنبه عصبی، فرد مبتلا را از یکسو،

1. Insanity / demance

۲. مطابق ماده ۱ - ۲۲۱ قانون مجازات فرانسه ۱۹۹۲: شخصی که در حال ارتکاب اعمال، مبتلا به اختلال روانی

یا عصبی - روانی منجر به زایل شدن قدرت تشخیص یا کنترل اعمال خود باشد، مسئولیت کیفری ندارد.

۱۰۲ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

در معرض ارتکاب جرم و از سوی دیگر، در معرض آسیب‌پذیری و بزه‌دیدگی قرار می‌دهد. یعنی در وقاع، میزان تأثیرگذاری این بیماری‌ها دوسویه است. اختلالات روانی می‌تواند خفیف و یا شدید باشد؛ اما، به هر حال مبحث سلامت روان تحت عنوان جنون طبقه‌بندی می‌شود. این بحث هم در باب مسئولیت کیفری در حقوق کیفری عمومی و حقوق کیفری اختصاصی و هم در جرم‌شناسی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱.۲: اهمیت سلامت روانی

سلامت روانی به عنوان یک مؤلفه بسیار حساس برای بقاء و دوام زندگانی فرد و تعامل او با سایر شهوندان اهمیت بسیاری دارد؛ لکن، زمانی که سلامت روانی در قلمرو حقوق کیفری و جرم‌شناسی مورد توجه قرار می‌گیرد، از جهات مختلفی واجد اهمیت می‌گردد.

۱.۱.۲: سلامت روانی از منظر پلیس و اقدامات پلیسی

اگرچه از منظر حقوق کیفری مجنون فاقد مسئولیت است؛ ولی، به موجب قانون اقدامات تأمینی مشمول اقدامات تأمینی قرار می‌گرفت. امروزه مجنون بر اساس ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مشمول تدابیر تأمینی قرار می‌گیرد. بنابراین، اقدامات پلیس هنگام دستگیری فرد مختل‌المشاعر اهمیت بسزایی دارد. این مسأله که فرد دچار اختلال روانی است یا خیر؟ این اختلالات مشهود است یا پنهان؟ نیاز به اطلاعات روانشناسی دارد و نحوه برخورد با متهمان و مظنونان مختل‌المشاعر را دارای اهمیت فراوان می‌سازد.

در برخی کشورها در جهت صیانت از حقوق بشر، افراد مختل‌المشاعر لزوماً در بیمارستان روانی یا تیمارستان نگهداری نمی‌شوند، مگر در موارد ضروری که مجنون، مرتکب خشونت‌های فیزیکی شود. از این رو، در سایر موارد، تلاش بر این است که فرد در بستر خانواده یا جامعه حاضر باشد؛ زیرا، همواره امید برای بهبودی این افراد وجود دارد. بدین جهت، لازم است که پلیس در برخورد با بیماران روانی، پیش‌داوری منفی علیه آنان نداشته باشد؛ زیرا، رفتار سستی و معمول پلیس خود، می‌تواند از عوامل انگیزه‌دهنده محسوب شده و اختلال‌آور باشد. اطلاعات اولیه روانشناختی پلیس می‌تواند مانع اشتباه در برخورد با مظنونان و متهمان مختل‌المشاعر شود. بدین سان، اهمیت آموزش در نحوه تعامل میان ضابطین و شهروندان به میزانی اهمیت دارد که قانونگذار در ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، دادستان را مکلف نموده است تا ضابطین را مشمول فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های

مباحثی در علوم جنایی ♦ ۱۰۳

آموزشی به منظور دستیابی به اهداف مختلف از جمله رفتار کرامت‌مدار با مراجعان قرار دهد.

۲.۱.۲: از حیث فرآیند کیفری

اهمیت اطلاعات روانشناسانه در برخورد مراجع - مقامات قضائی، به‌ویژه دادگاه‌ها، با متهمین مختل‌المشاعر از سه منظر در طول فرآیند کیفری قابل بحث است:

۱. اختلال روانی در حدی است که متهم به علت زوال قوه تمیز قابل محاکمه نیست.

۲. شدت بیماری روانی آنچنان نیست که مانع محاکمه فرد متهم گردد؛ ولی مقام قضائی در نهایت، سازوکار دیگری به غیر از صدور حکم برائت یا صدور قرار موقوفی تعقیب و اتخاذ تدابیر تأمینی برای وی به جهت اعمال اقدامات تأمینی ندارد.

۳. اختلال روانی مانعی بر صدور حکم محکومیت متهم نیست؛ ولی قاضی در مقام تعیین مجازات باید کیفر / مجازاتی مناسب برای وی انتخاب کند.

بنابراین، مقام قضائی در رسیدگی‌های کیفری بی‌نیاز از اطلاعات روانشناسی اولیه به‌ویژه روانشناسی قضائی و جنایی نیست. بدین جهت است که در دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی درسی اختیاری، به ارزش دو واحد برای علاقه‌مندان به این رشته تحت عنوان روانشناسی جنایی پیش‌بینی شده است. روانشناسی جنایی در واقع، شامل مطالعه علل روانشناختانه ارتکاب جرم مانند شخصیت، منش، میزان استعداد و هوش و عقل و... می‌شود. روانشناسی جنایی مکمل جامعه‌شناسی جنایی و زیست‌شناسی جنایی در شاحه‌های تخصصی جرم‌شناسی است.

۲.۲: انواع اختلالات روانی به‌مثابه عوامل جرم‌زا

همان‌گونه که برخی از عوامل ذاتی درونی مانند «جنسیت» و «سن»، عواملی برای ارتکاب جرم به‌شمار می‌آیند، برخی از اختلالات روانی نیز به عنوان عواملی که در جریان ارتکاب جرم نقش آفرین هستند، واجد اهمیت می‌باشند. از این‌رو، چند عامل به صورت کاملاً مختصر که زمینه‌ساز امکان ارتکاب جرم می‌باشند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. از جمله این عوامل می‌توان به بیماری‌های مغزی که منجر به نوعی نقیصه عقلی و هوشی در افراد می‌شود. (بیماری مادرزادی)، برخی روان‌نژندی‌ها یا نوروها (بیماری اکتسابی) و برخی روان‌پریشی‌ها یا پسیکوزها که می‌تواند زمینه ارتکاب جرم و خشونت باشد (بیماری اکتسابی)، اشاره داشت.

۱۰۴ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

۱.۲.۲: نقیصه‌های هوشی و عقلی

این کمبودها که مادرزادی یا ژنتیکی هستند، می‌توانند موجب تأثیرپذیری بالای فرد شوند. در چنین حالتی به جای گرایش و تمایل به جرم، فرد می‌تواند آماج حملات بزهکاران قرار گیرد؛ زیرا، به شدت تأثیرپذیر است و توانایی تصمیم‌گیری ندارد و سبیل مناسبی برای بزهکاران حرفه‌ای است. حالت دیگر، نقیصه‌های عقلی متوسط است که می‌تواند موجب رفتارهای پرخاشگرانه شود و سرانجام، حالت سوم، نقیصه عقلی سبک است که افراد در این حالت، تفاوتی با سایرین ندارند؛ ولی، در ارضای نیازهای اولیه خود، به طور طبیعی ناتوان هستند. بنابراین قابلیت حسی، فیزیکی و عقلانی آن‌ها تقریباً با افراد عادی یکسان است ولی، عدم توانایی در برآوردسازی نیازهای خود، آن‌ها را به ارتکاب جرم برای رفع نیازها، سوق می‌دهد.

۲.۲.۲: روان‌نژندی یا نورز

این عارضه، در جریان یک فرآیند^۱ صورت می‌پذیرد و بنابراین با گذر زمان بر فرد استیلاء می‌یابد. این فرآیند از ویژگی‌ها و عوامل خاصی برخوردار است:

الف) تحمل ضربات و خشونت‌های شدید در دوران طفولیت.

ب) تلون مزاج (از دست دادن آزادی انتخاب و آزادی در رفتار).

پ) وجود تفاوت‌های عمیق میان کارکردهای طبیعی غریزه‌ها و اندام‌های فرد با استفاده عملی فرد از آن‌ها (فاصله بین دنیای عمل و آنچه در فرد وجود دارد).

بنابراین روان‌نژندها (نورزها) متحمل نوعی ضربه و فشار در دوران کودکی شده‌اند که تشخیص و قضاوت آنان را نسبت به واقعیت، دگرگون و ناسازگار کرده است، به نحوی که همواره از مسائل عقب هستند و قضاوت‌های امروز آن‌ها، برای دیروز (گذشته) است. از این‌رو، میان قدرت تشخیص آن‌ها با واقعیت، همیشه فاصله است و واکنش‌های آنان منطبق با نیازهای ناشی از واقعیات نیست. در روان‌نژندها حالت دیگری مانند جنون سرقت و آتش وجود دارد. روان‌نژندها یا مبتلایان به نورز حالت‌های مختلفی دارند که امکان دارد، سهم هر کدام از آن‌ها در میزان بزهکاری متفاوت باشد.

۱.۲.۲.۲: روان‌نژند افسرده

فرد مبتلا به این عارضه - یعنی نورز افسردگی یا روان‌نژند افسرده - در گذشته، مالیخولیایی (ملانکلیک) نامیده می‌شد. افراد مالیخولیایی خصایصی دارند که عبارتند از: احساس گناه و تقصیر، اختلال در خلق و خو، انجام افعال خفت‌آور و ذلت‌آور، علاقه به مرگ، دردهای جسمانی که رشدی روانی دارد و احساس ارتکاب اشتباه و خطا تمایل

مباحثی در علوم جنایی ۱۰۵

به خودکشی و خودزنی و در حالت پیشرفته تمایل و علاقه شدید به خودکشی یا خودکشی موسع به نحوی که ابتدا دیگران را بکشد و بعد خود را به قتل برساند (در قتل‌های خانوادگی که فرد اعضای خانواده را به قتل رسانده و سپس خود را می‌کشد معمولاً قاتل چنین حالتی را دارد).

معمولاً روان‌نژندهای افسرده از این حیث موضوع مطالعه جرم‌شناسان هستند که مرتکب خودکشی و دیگرکشی می‌شوند. به‌ویژه در برخی از نظام‌های حقوقی که خودکشی و شروع به آن متصف به وصف مجرمانه قانونی هستند.

۲.۲.۲.۲: فوبیا یا ترس بی‌دلیل

در فوبیا، معمولاً افراد، مبتلا از بی‌منطقی و غیرعقلانی بودن ترس خود، آگاهی دارند؛ ولی، بدان گرفتار می‌باشند. نوع شدید فوبیا، پارانوئید (پارانویا) است که به موجب آن، فرد، نسبت به همه چیز وحشت دارد. در چنین حالتی است که فرد می‌تواند مرتکب جرم شود. به عنوان مثال، ممکن است فرد مبتلا به پارانوئیا، دیگری را به این گمان که قصد حمله به او را داشته به قتل برساند. فوبیا می‌تواند در فرآیند زندگی روزمره فرد مبتلا، اختلال ایجاد کند.

۳.۲.۲.۲: انحراف جنسی

انحراف جنسی که در این حالت در قالب فرد مبتلا به روان‌نژند جنسی ظهور می‌یابد، امکان دارد که در چهار صورت نمود پیدا کند.

۱.۳.۲.۲.۲: پدوفیلیا (کودک‌دوستی)

این بیماری، موجب گرایش به اطفال و کودکان از هر جنس می‌باشد که ممکن است به شکل (الف) یک علاقه ذهنی نمود یابد یا (ب) از طریق بازی کردن با اطفال و انجام کارهای مورد علاقه آن‌ها ظهور کند یا این‌که (پ) به شکل روابط جنسی باشد. بزهدکاری راجع به کودک‌دوستی، طیف قابل توجهی از جرایم را دربر می‌گیرد. افزون بر مطالعه کودک‌دوستی جرایم مرتبط با آن مانند قاچاق کودکان، کودک‌ربایی، هرزه‌نگاری^۱ و... نیز مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. به‌این ترتیب، پدوفیلیا شبکه‌ای از جرایم را همراه خود به‌دنبال می‌آورد. باید توجه داشت که، پدوفیلیا^۲ با کودک‌آزاری^۳ متفاوت است.

1. Pornography
2. Pedophilia
3. Child Molestation

۱۰۶ **◆ تقریرات درس جرم‌شناسی**

۲.۳.۲.۲.۲: سادیسم

سادیسم به طور کلی مشتمل بر دو نوع کسب لذت جنسی از طریق آزار دادن دیگری و کسب لذت جنسی از طریق رؤیت آزار دیگری است. سادیسم می‌تواند نسبت به انسان‌ها یا نسبت به حیوانات باشد. سادیک (فردی که خود مرتکب اعمال سادیسمی می‌شود یا دیگری را به ارتکاب آن تشویق می‌کند) یک مجرم است.

۳.۳.۲.۲.۲: مازوخیسم

مازوخیسم یا آزارخواهی در واقع، جستجوی لذت جنسی از طریق آزار رساندن به خود و تحمل آزار دیدن خود است. طبیعتاً مازوخیست‌ها بیش از آن‌که مجرم باشند، بزه‌دیده هستند؛ زیرا، فردی که در جهت ارضای جنسی آنان، مازوخیست‌ها را آزار می‌دهد، مجرم است. مازوخیست‌ها بزه‌دیدگان بالقوه هستند و حتی اعمال خشونت بار علیه خویش انجام می‌دهند.

۴.۳.۲.۲.۲: چشم‌چرانی

چشم‌چرانی^۱ حالتی است که فرد مبتلا به این عارضه، تماشاگر لذت جنسی دیگران است و دوست دارد آن‌ها را ببیند. چشم‌چرانی، طبعاً نوع خفیف‌تری از انحرافات جنسی است.

۳.۲.۲: جنون سرقت و حریق عمدی

ایجاد حریق عمدی^۲ یا سرقت^۳، از نظر حقوقی جرم است. آتش‌نشان‌های بازنشسته، از جمله افرادی هستند که ممکن است از مبتلایان به جنون آتش باشند. در نظام عدالت کیفری ایران قاضی می‌تواند در صورتی که از این عارضه‌های روانی مطلع باشد، با اعمال ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجازات مرتکبین را تخفیف دهد یا تبدیل کند.

۴.۲.۲: اختلالات وسواس فکری - عملی

روان‌رنجوری (یا وسواس) فکری یا عملی مانند این است که فردی که وسواس به بردن بازی دارد به خاطر این وسواس تقلب کند یا مرتکب جعل شوند. بدین معنا که عادت به این عمل و میل به انجام آن، توجیه‌گر اعمال مجرمانه ایشان است. این افراد که از روی وسواس، مرتکب جرم می‌شوند، توجه نمی‌کنند که اعمال ارتكابی آن‌ها مجرمانه است. در این موارد، همچنان قاضی می‌تواند در صورت اطلاع از این عارضه روانی، ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را اعمال کند.

1. Voyeurism
2. pyromania
3. kleptomania

۵.۲.۲: روان‌پریشی

روان‌پریشی از لحاظ ویژگی‌ها و درجهٔ اختلال با روان‌نژندی متفاوت است. یکی از تفاوت‌های عمدهٔ روان‌پریشی با روان‌نژندی این است که روان‌نژندها از وضعیت نامتعارف خود اطلاع دارند؛ اما، قادر نیستند که اقدام مناسبی انجام دهند؛ ولی در مقابل، روان‌پریش‌ها معتقدند که در سلامت کامل به سر می‌برند و این، دیگران هستند، ایراد دارند. همان‌گونه که روان‌نژندها گونه‌های مختلفی داشتند و در میزان - نوع بزهکاری نیز تأثیرگذار بودند، روان‌پریش‌ها نیز از یک‌سو، انواع مختلفی دارند و از سوی دیگر، در ایجاد بزهکاری نیز، نقش‌آفرین هستند.

۱.۵.۲.۲: اسکیزوفرنی

اسکیزوفرنی به عنوان یک از بیماری‌های روانی از خصیصه‌هایی برخوردار هستند که می‌توان به چند مورد از آن‌ها اشاره کرد. از این‌رو، داشتن اندیشه‌های غیرعقلانی، داشتن توهمات (شنیدن صدا و...)، اضطراب شدید^۱، هذیان‌گویی، انفعال، افسردگی و بی‌انگیزگی از جملهٔ این خصیصه‌ها محسوب می‌شوند. اسکیزوفرنیا معمولاً در جرم‌شناسی مورد توجه نیست. علل این بیماری یا از یک‌سو، جنبه‌های بیولوژیک (زیست‌شناسی) دارد و یا از سوی دیگر، جنبه‌های اجتماعی یعنی یا مربوط به نارسایی‌های فردی و یا در نهایت، ناشی از رؤیت و مواجهه با وقایع زندگی والزامات خاص حیات فردی است.

۲.۵.۲.۲: اختلالات دوقطبی

در این حالت، فرد، گاهی سرشار از انرژی و شادی و گاه بسیار افسرده است. فرد روان‌پریش مبتلا به این عارضه، همواره به دو حالتِ **حالت افسردگی** و **حالت شیدایی** قرار دارد. این دو مرحله در جرم‌شناسی از دو منظر قابل مطالعه است. در حالت افسردگی، فرد، از اضطراب و ناامیدی رنج می‌برد، هرگونه علاقه به زندگی را از دست می‌دهد، احساس تقصیر می‌کند و امکان ورود به مرحلهٔ خودکشی را دارد. این حالت ممکن است تا مرحلهٔ خودکشی موسع نیز پیش رود. در حالی که در حالت شیدایی، فرد، سرشار از انرژی و امیدوار و مطمئن است. در این حالت، فرد، قابلیت بزه‌دیده واقع شدن برای بسیاری از جرایم را دارد به عنوان مثال، ممکن است بزه‌دیدهٔ کلاهبرداری شود.

۱۰۸ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

۳.۵.۲.۲: روان‌رنجوری

روان‌رنجوری^۱ به عنوان یکی دیگر از حالت‌های روان‌پریشی از ویژگی‌های برخوردار است. مانند آن که، فرد روان‌رنجور از تجربه زندگی برای ادامه کار استفاده نمی‌کند، احساس مسئولیت ندارد، قادر به برقراری رابطه‌علیت میان مسائل نیست، هیچ کنترلی بر امیال خود ندارد، حس مسئولیت اخلاقی ندارد، رفتار ضد اجتماعی مزمن دارد و مجازات برای او عبرت‌آموز نیست.

چنین فردی، خود محور است و قضاوت او نسبت به اطرافیان بر محور نگرش‌هایی که خود دارد، صورت می‌گیرد و خود را مرکز ثقل جهان می‌داند. چنین افرادی امکان تبدیل شدن به تکرارکنندگان جرم (بزه‌کاران به عادت) را دارند. تجربه مجازات، تهدید به مجازات و... در این افراد تأثیری ندارد. از این جهت، مجرمین مزمن و مجرمین مقاوم در برابر دستگاه قضایی مجرمینی هستند که جز از طریق حبس ابد یا اعمال برخی اعمال جراحی و تغییرات فکری (شست و شوی مغزی) تغییرپذیر نیستند. این افراد در اقلیت هستند اما، اقلیتی که بیشترین میزان جرایم را مرتکب می‌شوند. بدین روی، برخی تکرارکنندگان جرم،^۲ روان‌رنجور (پسیکوپات) هستند.

۴.۵.۲.۲: الکلیسم (اعتیاد به الکل) و مواد مخدر

معمولاً در میان این دو موضوع، چهار خصیصه مشترک وجود دارد و به اعتبار این خصایص مشترک، در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرند:

اولین خصیصه مشترک میان مواد مخدر و الکل در این است که، معمولاً در قوانین و مقررات از نظر استعمال یا تولید یا حالتی که در اثر مصرف این مواد در فرد به وجود می‌آید، آن‌ها ممنوع اعلام شده‌اند. به عنوان مثال، تولید و مصرف الکل در کشورهای غیر اسلامی قانوناً ممنوع نیست؛ اما، رانندگی در حال مستی جرم است و چنانچه راننده‌ای موضوع تست الکل سنجی قرار گیرد و میزان الکل خون او، بیش از میزان عادی باشد، مرتکب جرم شده و لازم نیست که رانندگی در حال مستی حتماً منجر به تصادف شود. مواد مخدر در اغلب کشورهای چه از نظر کشت و تولید و چه مصرف، جرم است. مواد مخدر حتی اگر به صورت تفریحی و به اصطلاح تفریحی، مصرف شود باز هم جرم است. در حقوق ایران، استعمال تفریحی مواد مخدر از هر نوع که باشد جرم است.^۳ در کنار الکل و مواد مخدر، مواد دیگری، تحت عنوان مواد روانگردان

1. psychopathy

2. chronic offenders / multi recidivists offenders / persistant offender

۳. براساس بند ۵ ماده ۱ قانون مبارزه با مواد مخدر «اعمال زیر جرم است و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم می‌شود: ۵. استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی به هر شکل و طریق مگر در مواردی که قانون مستثنی کرده باشد».

۱۰۹ **مباحثی در علوم جنایی**

وجود دارد. این مواد، مواد دارویی هستند که تغییرات روانی ایجاد می‌کنند، مانند داروهای آرامبخش. اگر دارو با تجویز دکتر باشد، ایرادی ندارد؛ اما، اگر بدون تجویز باشد، مصرف آن‌ها جرم است، بنابراین، این مواد (مواد مخدر، الکل و داروهای روانگردان) در این صفت مشترک هستند که در حقوق کیفری به طرق مختلفی جرم‌انگاری شده‌اند.

خصیصه مشترک **دوم** این است که همه این مواد، به طریقی خلق و خوی فرد را تغییر می‌دهند و موانع داخلی درونی جلوگیری کننده ارتکاب جرم در فرد را زائل می‌کنند. از این رو، فردی که در اثر مصرف الکل و مواد مخدر یا روانگردان از حالت طبیعی خود خارج شده، مسائل را به نوع دیگر می‌بیند و ممنوعیت‌ها برای او تبدیل به اباحه می‌شود. طبیعتاً در اثر مصرف مواد مخدر، فردی که تحت تأثیر این مواد است، مسائل بیرونی را خلاف آنچه که «هست» می‌بیند. به عنوان مثال، کسی که هروئین یا مرفین مصرف می‌کند، از آنجایی که، دچار توهم قدرت بیش از حد می‌شود، بعضاً ممکن است خود را از بلندی پرتاب کند تا پرواز کند! بنابراین، الکل و مواد روانگردان خلق و خوی فرد را تغییر می‌دهد و اثر جرم‌زا دارد.

خصیصه مشترک **سوم** این است که مصرف تفریحی این مواد، می‌تواند دیر یا زود اشخاص را به نوعی از نظر روانی وابسته و گرفتار کند یعنی، این مواد اعتیاد آورند. مصرف آن‌ها ایجاد اعتیاد^۱ می‌کند. در شرایط عادی انسان بدون مصرف این مواد می‌تواند به راحتی زندگی کند؛ ولی، پس از مصرف تفننی و اعتیاد، بدون این مواد نمی‌تواند زندگی کند.

و در نهایت به موجب خصیصه **چهارم**، مصرف این مواد علاوه بر جرم‌زایی، موجب بزه‌دیده‌زایی نیز می‌گردد. فردی که در حال طبیعی قرار ندارد به راحتی قربانی جرم کلاهبرداری و... قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب، این چهار خصیصه سبب شده است تا حقوق کیفری و جرم‌شناسی اعتیاد را مطالعه کند و در قوانین خود جای دهد. البته تولید و مصرف غیرقانونی مواد مخدر در همه کشورهای جهان جرم است. در برخی کشورها مصرف مواد مخدر سبک مانند حبشیش و گراس - grass - را قانونمند کردند. بنابراین، در مسائل مواد مخدر و الکل سه راه حل وجود دارد:

۱. راه‌حل و روشی که کشورهایی مانند ایران پیش گرفته‌اند و آن، ممنوعیت تولید و مصرف الکل از یک سو و مواد مخدر از سوی دیگر و جرم‌انگاری آن، به جز مصارف قانونی مانند (اروپا) است.

۱۱۰ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

۲. روش کشورهایی که مصرف مواد مخدر یا برخی مواد مخدر را جرم‌زدایی کرده و حقوق کیفری در آن مداخله نمی‌کند (مصرف حشیش و... در هلند).

۳. حالت بینابین که راهکار قانونمندی‌سازی است؛ یعنی، مصرف الکل یا مواد مخدر تحت شرایطی با رعایت مقرراتی و تحت نظارت دولت برای عده‌ای جرم نیست. به عنوان مثال، در ایران، در گذشته معتادان بالای ۶۰ سال حق داشتند که با رجوع به وزارت بهداشت دفترچه اعتیاد و کوپن تریاک بگیرند؛ ولی، در مورد سایر افراد مصرف مواد مخدر جرم بود یا در بعضی کشورهای دیگر مانند امارات که کشوری اسلامی است، مصرف الکل ممنوع می‌باشد؛ اما، مصرف آن در هتل و رستوران‌ها قانونمند بوده و در آنجا پلیس مداخله نمی‌کند و این یک نوع قانونمندی‌سازی و راه‌حل بینابین است.

طبیعتاً در خصوص مواد مخدر، چند جرم کشت و تولید، خرید فروش و نگهداری و مصرف مواد مخدر وجود دارد. بنابراین، مواد مخدر زنجیره‌ای از جرایم را تشکیل می‌دهد. اخیراً جرم جدیدی در زمینه مواد مخدر اضافه شود که آن عبارت از جرم پولشویی (تطهیر عواید ناشی از جرم) است. قاچاق مواد مخدر ارقام نجومی را فراهم می‌آورد که این پول‌ها علی‌الاصول در کانال‌های رسمی وارد می‌شود تا منشاء مجرمانه آن از بین رود. قانون مبارزه با پولشویی در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۲ به تصویب رسیده است.^۱ تطهیر عبارت از مخفی کردن، مخدوش کردن و جابه‌جا کردن و تغییر دادن عالمانه منشاء و خاستگاه پول‌های نامشروع و عواید حاصل از ارتکاب جرم. بدیهی است در کشورهایی که تولید و مصرف الکل آزاد است، بحث قاچاق الکل (وارد کردن بدون پرداخت گمرک) مطرح است. از سوی دیگر، از آنجایی که استمرار مصرف این مواد حالت درونی و قوه تمیز افراد را مخدوش می‌کند، غالباً منجر به ارتکاب جرایم می‌شود. به عنوان مثال، در خشونت‌های خانوادگی یا خودکشی‌های موسع تحت تأثیر مواد مخدر یا الکل انجام می‌گیرد.

مصرف این مواد، نیاز مالی را پدید می‌آورد و از آنجایی که اکثر مصرف‌کنندگان، نیازمند پول بوده یا آن‌که از گروه جوانان هستند، تهیه پول منجر به ارتکاب انواع جرایم می‌شود. طبیعتاً الکل شامل همه افراد جامعه نیست؛ به‌رغم تمام این توضیحات، ادله چندی وجود دارد که مصرف مواد مخدر در ایران بیش از اروپا می‌باشد که به‌طور خلاصه مورد اشاره قرار می‌گیرند:

۱. مجاورت ایران با کشورهایی مانند افغانستان و پاکستان و عدم امکان کنترل کامل بر مرزها و فقر اقتصادی افغانستانی‌ها و پاکستان و ثروتمند بودن نسبی ایران موجب می‌شود که ورود مواد به ایران به سهولت صورت گیرد؛ اما، در

۱. قانون مبارزه با پولشویی در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۹ با اصلاحاتی همراه بوده است.

مباحثی در علوم جنایی ۱۱۱

ایراد به این دلیل اخیر می‌توان بیان داشت که اگر قاچاقچی قصد کند قادر خواهد بود که الکل را نیز وارد کند؛ زیرا، ایران در غرب با ترکیه و عراق و در شمال با آذربایجان مجاور است و در این کشورها تولید و ورود الکل آزاد است.

۲. کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان منبع اصلی معاش و زندگی مردم آنجا را تشکیل می‌دهد و از آنجایی که ایران چهار راه میان شرق و غرب است، راه عبور بسیار مناسبی در ترانزیت مواد مخدر است بنابراین، در معرض این ترانزیت قرار دارد. در اروپا گراس در خانه هم قابل پرورش دادن است بدین منظور، مصرف الکل و مواد مخدر هر دو، از جمله جرایم آپارتمانی است.^۱
۳. در ایران، از آنجایی که مصرف الکل یک جرم مستوجب حد بوده و مجازات آن غیرقابل گذشت است، باید حتماً به موقع اجرا گذاشته شود. از این رو، ممکن است رقم سیاه آن (نه رقم خاکستری بلکه سیاه) بالا باشد و این جرم کشف و شناسایی نمی‌شود. مضافاً بر اینکه مصرف الکل آثار بیرونی در چهره افراد ندارد.
۴. تأثیر تسکین‌دهنده و آرام‌بخش مواد مخدر به مراتب بیشتر از الکل است. چه بسا آن‌ها که نیاز روانی و جسمانی خود را با مواد مخدر تأمین می‌کنند، قادر نباشند با الکل این نیاز را تأمین نمایند. بنابراین، می‌توان دلیل چهارم را به صورت «آثار تخدیری مواد مخدر» ذکر کرد.
۵. پیشینه فرهنگی کشور مهم است. مواد مخدر یک ماده محلی و بومی است و وارداتی نیست، ولی الکل وارداتی است. ایران، تا سال‌های ۱۳۴۰ تولیدکننده مواد مخدر بود.
۶. آلودگی‌های سیاسی در ایران تأثیرگذار بوده است. بدین توضیح که در گذشته گاهی اوقات دولت‌مردان و تصمیم‌گیران خود، درگیر فساد بوده و مواد مخدر را گسترش می‌دادند و درمورد آن سختگیری نمی‌کردند.
۷. مصرف الکل به خاطر تظاهرات بیرونی آنی و تأثیری که در رفتار فرد دارد، فرد را بیشتر در معرض سوءظن قرار می‌دهد، ولی مصرف مواد مخدر به خصوص تریاک در فرد، حالت انفعال ایجاد می‌کند. این امر مربوط به رفتار است؛ اما، در چهره، الکی‌ها تفاوتی با دیگران ندارند؛ ولی، مواد مخدر در چهره و سیستم فیزیکی تأثیر می‌گذارد. بنابراین، مواد الکی و مخدر به عنوان دارو ضروری است.

۱. جرایم از لحاظ رؤیت‌پذیری دو گونه‌اند، جرایم خیابانی که رؤیت‌پذیری آن‌ها بالا است مانند نزع دسته‌جمعی و جرایم آپارتمانی که رؤیت‌پذیری (شفافیت) پایینی دارند مانند کودک‌آزاری و همسر‌آزاری.

۱۱۲ ♦ تقریبات درس جرم‌شناسی

۸. اغماض یا تسامح اجتماعی نسبت به مواد مخدر وجود دارد. از این‌رو، بعضاً پلیس یا خانواده‌ها هم با تسامح بیشتری نسبت به معتاد مواد مخدر رفتار می‌کنند.
۹. استفادهٔ داروییِ عرفی از مواد مخدر نیز مهم است. مصرف مواد مخدر به افراد قدرت بیشتری می‌دهد.

ب.۲: عوامل بیرونی بزهکاری

منظور از عوامل بیرونی بزهکاری، عواملی است که خارج از ذات شخص مرتکب در ارتکاب جرم مداخله دارد. به‌دیگر سخن، عوامل بیرونی جرم، ذیل عنوان محیط^۱ یعنی دنیای پیرامون فرد، مورد مطالعه جرم‌شناسان قرار می‌گیرند. توضیح آن‌که بشر/ انسان از زمان تولد تا لحظهٔ وداع با دنیای فانی، محیط‌های مختلفی را پشت سر می‌گذارد، در آن‌ها زندگی، تحصیل و کار می‌کند و در تعامل با آن‌ها متحول می‌شود.

ب.۱.۲: عوامل محیطی

بدین‌سان، محیط انوعی دارد که این سیر گذران زندگی آدمی را شامل می‌شود، از این‌رو، در یک دسته‌بندی کلی، محیط به سه «محیط طبیعی»، «محیط اجتماعی حقیقی» و «محیط اجتماعی مجازی (سایبری)» تقسیم می‌شود، ناگفته نماند که یکی از عوامل بیرونی بزهکاری، عوامل وضعی هستند که در کنار انواع محیط مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

۱. محیط طبیعی

با مطالعهٔ محیط طبیعی که قابل لمس و ادراک (محسوس و درک کردن) بوده و بشر در ساخت و تغییر آن، قاعدتاً نقشی ندارد، جرم‌شناسان به دنبال میزان تأثیر شرایط جغرافیایی، اقلیمی، جوئی و آب و هوا، بر رفتار مجرمانه و آشکال آن هستند، چنان‌که «ابن خلدون» و «مونتسکو»، پیش از آن‌که «کته» و «گری» «قانون حرارتی جرم» را مطرح کنند، به‌طور غیرمستقیم به موضوع این قانون یعنی تأثیر شرایط جوئی و آب و هوایی برخلق و خوی افراد، اشاره کرده بودند (به موجب قانون حرارتی جرم که از دستاوردهای «کته» و «گری» می‌باشد، در فصل‌های گرم و مناطق گرمسیر جرایم علیه اشخاص و در فصول سرد و مناطق سردسیر جرایم علیه اموال، غالب هستند).

۲. محیط اجتماعی

محیط اجتماعی، محیط با دنیایی است که انسان خود، در ایجاد و تحول آن نقش دارد؛ اما، در عین حال، بر شکل‌گیری شخصیت، رفتار و کردار انسان تأثیر گذاشته است. به عبارت دیگر، انسان محصول این محیط می‌باشد که به دو دسته **محیط اجتماعی عمومی** (کلان) و **محیط اجتماعی شخصی** تقسیم می‌شود.

۱.۲: محیط اجتماعی عمومی (کلان)

همان‌گونه که از عنوان این محیط بر می‌آید، این محیط برای کلیه شهروندانی که در یک کشور معین زیست می‌کنند، مشترک است و بنابراین برای تمامی شهروندان آثار مشترکی دارد. چه آن‌که محیط سیاسی یا نظام سیاسی یک کشور، ملموس‌ترین نمونه در خصوص اینگونه محیط است. همه شهروندان از محیط سیاسی که حکومت برقرار می‌کند، اثر می‌پذیرند. نظام سیاسی برای همه شهروندان مشترک است، تصمیمات حاکمیت و آثار آن در حوزه اقتصادی و فرهنگی، به عنوان نمونه، برای همه افراد آن جامعه در واقع یکسان و مشترک می‌باشند. نوع نظام سیاسی، به عنوان مثال، نظام پادشاهی، نظام جمهوری و... بی‌تردید بر خلق و خوی و رفتار افراد تأثیر دارد. هریک از این نظام‌ها ممکن است به لحاظ تصمیمات، برنامه‌ها و قوانین و مقررات در حوزه‌های اقتصادی (نظام اقتصادی آزاد، نظام اقتصادی دولتی) و فرهنگی (مثلاً نظام ایدئولوژیک) زمینه ارتکاب جرم خاصی را فراهم کنند. بدین‌سان، محیط اجتماعی عمومی یا کلان دارای آثار مشترک و یکسان برای همه افراد است؛ اما، آنچه که انسان‌ها را از نظر محیط از یکدیگر متمایز می‌کند، محیط اجتماعی شخصی است.

۲.۲: محیط اجتماعی شخصی

محیط شخصی یعنی شرایط، اوضاع و احوال مادی و غیرمادی که افراد را احاطه می‌کند و در آن‌ها زندگی، کار و تحصیل می‌کنند. محیط‌های اجتماعی شخصی باعث می‌شود که هر شخص نوع و تجربه خاصی از محیط خاص خود داشته باشد. به عنوان نمونه، خصوصیات خانواده‌های اصلی افراد متفاوت هستند. انسان در خانواده اصلی متولد و تربیت می‌شود و رشد می‌کند. از این نظر، ویژگی‌های محیط خانوادگی افراد نسبت به یکدیگر متفاوت است و شرایط مادی و فضای ادبی - فرهنگی حاکم بر هر یک متفاوت است. زیست بوم یا زیست‌گاه انسان، محیط آموزشی، محیط رسانه‌ای، محیط کار، محیط سربازی برای پسران و... هریک در مدنی یا اجتماعی شدن و یا فرآیند جامعه‌پذیری شخص ایفاء نقش می‌کنند. «دوگرف»، جرم‌شناسی بلژیکی، محیط اجتماعی شخص را به محیط اجتناب‌ناپذیر، محیط اتفافی، محیط انتخابی یا حداقل پذیرفته شده و محیط تحمیلی تقسیم می‌کند.

۱.۲.۲: محیط اجتناب‌ناپذیر

محیط اجتناب‌ناپذیر یعنی محیطی که در انتخاب آن نقش ندارد. مانند شهر، شهرک، مسکن و مجتمع مسکونی، همسایگی یا مجاورت مانند محله‌های فقیر، فضاها یا مناطق جرم خیز در یک محله و... و خانواده اصلی، یعنی محلی که انسان در آن متولد شده و تا سنین جوانی در آن رشد کرده و شخصیت او در آن شکل می‌گیرد. همه این موارد و نقش آن در وقوع رفتار مجرمانه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. نقش پرورشی خانواده اصلی که فرد در آن اصول زندگی مشترک، قواعد اولیه زندگی و بایدها و نبایدها را با نظارت و پیگیری والدین فرا می‌گیرد، نیاز به بحث و تفصیل ندارد. بنابراین، خشونت‌های درون خانوادگی، اختلافات و عدم تفاهم والدین، جدایی و بزهکاری آنان، روابط ناموزون میان والدین و فرزندان و... بی‌تردید نقش عمده‌ای در فراگیری رفتارهای خشونت‌آمیز، انحراف و زندگی مجرمانه توسط فرزندان دارد.

مطالعات بوم‌شناختی، یعنی بررسی تأثیر شرایط هستی انسان‌ها و تعامل میان آنان و محیط آن‌ها به‌طور کلی و تحقیقات بوم‌شناختی یعنی مطالعه تأثیر متقابل و تعامل میان محیط شهری و ساکنان آن به‌طور خاص، نشان داده‌اند که رفتار و روانشناسی انسان‌های شهرنشین، کیفیت فعالیت‌های شغلی و زندگی آنان و نیز چگونگی روابط میان آنان با شرایط زیستگاه آنان، همبستگی دارد. به‌دیگر سخن، روانشناسی و رفتار افراد تا اندازه‌ای تابع کیفیت و نوع روابطی است که با محل زیست و محل کار خود از نظر معماری، شکل و میزان فضاهای مسکونی و کاری مانند برج نشینی یا ویلاننشینی و از آن مهمتر، تناسب میان فضا و تعداد اعضای ساکن، شکل و اندازه خیابان‌ها و کوچه‌ها، میزان و بافت جمعیت، نوع و تعداد وسایل حمل و نقل عمومی، فضای سبز، مراکز گذران اوقات فراغت، بافت و قدمت محله، مدت استقرار ساکنان در محل و... دارند.

خانواده اصلی و زیست‌بوم، به عنوان نهادهایی که تماس‌های اولیه انسان با اجتماع در آن‌ها محقق می‌شود - تماس‌هایی که در واقع نقطه آغازین فرآیند جامعه‌پذیری، مردم‌آمیزی و قانون‌گرایی برای هر انسان است در اسناد حقوق بشری به عنوان حقوق بنیادین ماهوی انسانه نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

۲.۲.۲: محیط اتفاقی

در محیط اتفاقی، به عنوان یکی دیگر از انواع محیط اجتماعی شخصی، تأثیر جرم‌زای محیط‌هایی مطالعه می‌شود که زمینه نخستین تماس‌ها و تعاملات فرد را با اجتماع فراهم می‌کنند؛ محیط تحصیلی و محیط کارآموزی حرفه‌ای با هدف کاریابی و جهت‌یابی شغلی آینده نیز می‌توانند در قالب ناسازگاری فرد با این محیط‌ها به لحاظ فضای بحرانی حاکم بر آن‌ها و به دلیل عدم کسب دانش و مهارت حرفه‌ای و اجتماعی

۱۱۵ مباحثی در علوم جنایی

به شکست تحصیلی، شغلی، بیکاری، خشونت و بنابراین فراگیری رفتارهای غیراجتماعی و بعضاً ضداجتماعی، منجر شوند. به عبارت دیگر، این محیط‌ها که باید عهده‌دار استمرار و تکمیل وظیفه نهاد خانواده در جامعه‌پذیرسازی اطفال، نوجوانان و جوانان باشند، در صورت عدم برخورداری از امکانات کافی و روش‌های مطلوب و... خود، تبدیل به عامل انحراف، ناسازگاری اجتماعی و در نهایت بزهکاری می‌شوند.

تأکید اسناد حقوق بشری بر هزینه برخورداری از آموزش و پرورش رایگان و اجباری و حق فراگیری شغل یا حرفه ای خاص به منظور یافتن شغل در آینده در واقع به سهم خود، تأکیدی بر پیشگیری از حاشیه‌نشینی و جلوگیری از کنارگذاری شهروندان به لحاظ بیکاری ناشی از نداشتن آموزش حرفه‌ای مناسب است، چنان‌که ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ بر این امر تأکید دارد.^۱

۳.۲.۲: محیط انتخابی

کانون خانواده که با ازدواج بنیان نهاده می‌شود (خانواده شخصی). محیط شغلی یا محیط کار که وضعیت اقتصادی افراد، درآمد، قدرت خرید، هویت و جایگاه شغلی آنان را در جامعه مشخص می‌کند، اوقات فراغت، نوع فعالیت‌ها و برنامه‌های فراگیر این اوقات که در تعادل و توازن روانی - اجتماعی و نیز تجدید قوای افراد تأثیر دارد، در جرم‌شناسی به عنوان محیط انتخابی بررسی می‌شود کارکرد نامطلوب این محیط‌ها و نابسامانی آن‌ها ممکن است تشکیل دهنده عوامل جرم، ناسازگاری و انحراف باشند. فقدان خانواده شخصی (تجرّد) و در نتیجه نداشتن علقه عاطفی و مسئولیت نسبت به همسر و فرزندان یا عدم تعادل کانون خانواده و نبود تفاهم زناشویی، ممکن است به بزهکاری منجر شود. همچنین ناسازگاری با محیط کار به لحاظ عدم تناسب میان تخصص حرفه‌ای فرد و کار او به بیکاری و فقر منجر می‌شود که ممکن است به بحران‌های روانی و یا حتی به بزهکاری نیز بینجامد. گذراندن اوقات فراغت در باندهای منحرف، کافه‌ها و قمارخانه‌ها و رفت‌وآمد با دوستان معتاد، به جای پرداختن

۱. ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸: هر کس حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش باید حداقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است، رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند... آموزش و پرورش باید طوری هدایت شوند که شخصیت انسانی هر کس را به حد اکمل رشد رسانده و احترام به حقوق و آزادی بشر را تقویت کنند... در حقوق ما نقض حقوق آموزشی اشخاص زیر هجده سال در سال ۱۳۲۲ جرم‌انگاری شد. لذا سیاست حمایتی از زیر هجده ساله‌ها در برخی قوانین موجود است. در قانون اجباری شدن آموزش و پرورش دولت مکلف شده است ظرف دو سال وسایل و امکانات آموزش رایگان را فراهم آورد و در ماده ۶ برای ولی طفل که فرزند خود را برای تحصیل ثبت نام نمی‌کند جریمه قرار داده است. رک: نجفی ابرنآبادی، علی حسین، حمایت از حق بر آموزش در قلمرو سیاست جنایی، مجله تعالی حقوق، سال چهارم، مرداد ۱۳۸۸، ص ۴۹ و بعد.

۱۱۶ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

به فعالیت‌های ورزشی و فرهنگی خود، از عوامل جرم‌زا محسوب می‌شوند. تأثیر جرم‌زای رسانه‌های گروهی نوشتاری، دیداری و شنیداری نیز که امروزه بخش قابل توجهی از اوقات فراغت افراد را به خود اختصاص می‌دهد، چنان‌که بخشی از تربیت اطفال، نوجوانان و جوانان و نیز شخصیت آنان تحت تأثیر آن‌ها شکل گرفته و رشد می‌کند، در تحقیقات جرم‌شناسی بررسی می‌شود. بی‌تردید، تسهیل تشکیل کانون خانواده، اشتغال‌زایی، آسان کردن کاریابی و متنوع ساختن مشاغل، متناسب با کارآموزی‌ها و آموزش‌های حرفه‌ای و تخصصی افراد، مبارزه با بیکاری، حمایت مادی - معنوی از بیکاران، انطباق قدرت خرید افراد با هزینه زندگی از طریق روزآمد کردن مستمری روزانه و یا ماهیانه آنان، ایجاد مراکز فرهنگی، ورزشی، هنری و علمی برای تنوع‌بخشی به سرگرمی و تفریحات و به طور کلی اوقات فراغت افراد، بی‌تردید نه فقط افراد را در برابر بزهکاری مقاوم می‌کنند، بلکه زمینه رشد و شکوفایی شخصیت فردی خانوادگی و اجتماعی آنان و بنابراین، نشاط عمومی در سطح جامعه را فراهم می‌آورند.

۴.۲.۲: محیط تحمیلی

محیط تحمیلی یعنی محیطی که فرد بدون آن‌که خود، آن را اراده کرده باشد و قصد داشته باشد تا مدتی را در این محیط بگذرانند، شامل بازداشتگاه، زندان و مجموعه متشکل از نظام عدالت کیفری، پلیس و دادگاه‌ها می‌شود که فرد متهم یا بزهکار (محکوم) بخشی از زندگی خود را در آن‌ها می‌گذراند. چنین محیطی ممکن است به جای تنبه و تهذیب اخلاقی مجرم (پیشگیری از تکرار جرم) به پذیرش فرهنگ حاکم بر نهادهای کیفری و به ویژه زندان توسط بزهکاران منجر شود. از این‌رو، این محیط از اجزای نظام عدالت کیفری به شمار می‌آید.^۱

۳. محیط سایبری

آخرین محیط از انواع محیط عبارت از محیط سایبری^۲ است. همان‌گونه که اشاره شد، دنیایی که فرد در آن قرار دارد، محیط نام دارد و شاید تا دو دهه اخیر صرفاً به محیط طبیعی (جغرافیایی) و محیط اجتماعی محدود می‌گردید. اما امروزه محیط دیگری تحت عنوان فضای سایبر یا محیط مجازی در جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، جرم سایبری یک وصف با عنوان کیفری وسیع است و اصطلاحی که شامل جرایم ارتكابی در محیط مجازی اینترنتی، مخابراتی و متاورس

۱. رک: نجفی ابرنآبادی، علی حسین، رویکرد جرم‌شناختی به قانون حقوق شهروندی (درباره رابطه آیین دادرسی کیفری و جرم‌شناسی)، مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، نشرگرایش، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۳ و بعد.

مباحثی در علوم جنایی ۱۱۷

می‌شود. بنابراین، مهمترین ابزار برای قرار گرفتن در فضای سایبر، کامپیوتر و اینترنت است. اما ورود به این فضا در این دو ابزار خلاصه نمی‌شود. به عنوان مثال، تلفن همراه نیز یک ابزار سایبری است یا کارتهای اعتباری و عابر بانک نیز فضای خلوت افراد هستند.

از این رو، همان گونه که یک شخص در جایگاه یک انسان درست‌کار و بهنجار از فضای سایبر برای انجام امور زندگی خود استفاده می‌کند در مقابل، عده‌ای این فضا را برای ارتکاب جرم مورد استفاده قرار می‌دهند یا به گونه‌ای از این فضا متأثر می‌شوند که بازتاب آن، تقلید مجرمانه است، بنابراین، محیط سایبری می‌تواند عامل جرم یا محل ارتکاب رفتارهای مجرمانه باشد. بنابراین، همان گونه که نظریه‌ها، اصول و راهکارهای جرم‌شناسی در بستر فضا و محیط واقعی و انسان‌های محصول این فضا و محیط شکل گرفته و متحول شده است، در آغاز هزاره سوم و در عصر انسان‌های سایبری، نظریه‌های جرم‌شناختی باید در چارچوب محیط‌های سایبری و تأثیر آنها بر جرم نیز بررسی و روزآمد شود.

در این راستا و به موازات آن که، به عنوان مثال، «ادوین ساترلند» جامعه‌شناس آمریکایی برای تبیین بزهکاری، نظریه معاشرت‌های ترجیحی را مطرح نمود، او به اقتضای زمان خود (اواسط سده بیستم) از محیط‌هایی مانند خانواده، مدرسه، محله، پارک و... یاد می‌کرد و معتقد بود که چنانچه محیط‌های معاشرتی ترجیحی فرد، محیط‌های منحرفانه باشد، یعنی شخص رفت و آمد به این محیط‌ها را به پیوند با محیط‌های متعارف ترجیح دهد، به سمت انحراف و جرم خواهد رفت؛ امروزه، نظریه‌های جدید با محتوای مربوط به محیط سایبری مطرح شده است. به عنوان نمونه، بر اساس نظریه تغییر و گذر محیطی یا گذر محیطی یا دو محیطی^۱ که توسط آقای «کاروبانان جایشونکار»^۲ مؤسس مجله بین‌المللی جرم‌شناسی سایبری مطرح شده است؛ انسان‌ها، با استفاده از فضای سایبر همواره در دو محیط قرار دارند. یعنی، رفتار و کردار افراد با گذار از محیط واقعی به محیط سایبری تغییر می‌کند و این تفاوت در رفتار یا تغییر فضا و محیط است که علل بزهکاری در فضای سایبری را تشکیل می‌دهد؛^۳ زیرا، انسان با استفاده از ابزارهای موجود در فضای سایبر، شهروند دو محیط است. به عنوان مثال، همین که فرد با استفاده از دستگاه تبلت یا «ipad» خود به محیط سایبری متصل شد و

1. Spital Transation Theory

2. k. Jaishonkar

۳. برای مطالعه بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از جرم‌شناسی حقیقی تا جرم‌شناسی مجازی، دیپاچه در: پیکا، ژرژ، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ ششم، ۱۴۰۰، ص ۹ و بعد؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درباره بزهکاری و جرم‌شناسی سایبری «گفنگو»، مجله تعالی حقوق، شماره ۳۶، ۱۳۸۸، ص ۷ و بعد.

اصطلاحاً برخط یا «online» شد، به فضای سایبر که از دو ویژگی نامحدود و گسترده بودن و ناملموس بودن برخوردار است، گام نهاده و هرگاه با شهروندی که به عنوان مثال در فرانسه حضور دارند، گفتگو یا اصطلاحاً «chat» می‌کند، همواره هم در کشور خود و هم در فرانسه حضور دارد، یعنی همزمان در دو محیط حضور دارد و به محض آن‌که دستگاه خود را خاموش یا اصطلاحاً «offline» کرد، مجدداً به محیط حقیقی خود که در آن حضور دارد بازخواهد گشت. بدین‌سان، این تغییر محیط است که امکان بزهکاری را برای افراد فراهم می‌کند و امکان دارد حتی رفتارهایی را که در دنیای واقعی حقیقی خود، حتی به ذهن او خطور نکند، در دنیای سایبری مرتکب شود.

ب.۲.۲: عوامل وضعی

عوامل وضعی عبارت از موقعیت مُشرف بر زمان جرم، که ارتکاب آن را تسهیل یا دشوار می‌کند، است. عوامل وضعی جرم در واقع، شامل موقعیت‌های موجود در آستانه بزهکاری یا موقعیت‌ها و وضعیت‌های پیش‌جنایی است که ارتکاب جرم را برای بزهکار آسان کرده، هزینه جرم را کم می‌کند، احتمال شناسایی و دستگیری را کاهش می‌دهد و... از این رو، در عوامل وضعی، بزه‌دیده و آماج یا هدف جرم نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند. بزهکار، در اثر جمع عوامل محیطی و عوامل شخصی، گرایش‌ها و تمایلات مجرمانه که به تدریج در او جمع شده است، به دنبال مناسبت، موقعیت و فرصت برای ارتکاب بزه است، لذا امکان دارد که این فرصت را شخص بزه‌دیده با رفتار و سبک زندگی او یا آماج جرم (به عنوان مثال خودرو) برای مرتکب فراهم سازد.^۱

عوامل وضعی با پیشگیری وضعی مرتبط هستند. پیشگیری وضعی به عنوان راهکار جدید پیشگیرنده از بزهکاری و جانشین گونه‌های متعارف پیشگیری از جرم - به ویژه پیشگیری اجتماعی که به نظر برخی جرم‌شناسان کارنامه نامطلوبی از خود به جای

۱. رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، در: علوم جنایی - مجموعه مقالات در نکوداشت استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، تهران، چاپ هفتم، بهار ۱۳۹۶، ص ۵۵۹ و بعد؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از جرم‌شناسی نظری تا جرم‌شناسی کاربردی، نشریه جرم‌شناسی پیشگیری، پیش شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، ص ۵ و بعد؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری از جرم: از آموزه‌های جرم‌شناختی تا قانونگذاری جرم‌شناختی، در: مجموعه سخنرانی‌های همایش پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، انتشارات دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، مشهد، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۵۶ و بعد؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری از جرم: مدیریت جرم‌شناختی خطر جرم و تکرار جرم، دیپاچه در: وی کلارک، رونالد و اک، جان، جرم‌شناسی پیشگیری (۶۰ رویه و راهکار برای پیشگیری از جرم) ترجمه مهدی مقیمی و مهدیه تقی‌زاده، انتشارات سازمان زرد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۱ و بعد؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری از بزهکاری و پلیس، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین «زیرنظر»، پلیس و پیشگیری از بزهکاری - مجموعه مقالات، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۵ و بعد.

گذاشته است - در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی یا ۱۳۴۹ خورشیدی، عمدتاً در انگلستان مطرح و نظریه پردازی شده و به اجرا درآمد. همان‌طور که اشاره شد، عوامل وضعی، عوامل ناظر بر اوضاع، احوال و شرایطی هستند که مجرم را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهند. این اوضاع و احوال که در جرم‌شناسی وضعی‌های ماقبل بزهکاری یا وضعی‌های پیش‌جنایی نام دارند، فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه را تحریک یا تسهیل کرده و نقش تعیین‌کننده‌ای در آن ایفاء می‌کنند.

بزه‌دیده یا آماج (سبیل) جرم، جزء این وضعی‌ها قلمداد می‌شود. بنابراین، پیشگیری وضعی با تغییر وضعی‌های ماقبل بزهکاری، به عنوان مثال، از طریق حفاظت یا تقویت حمایت از بزه‌دیده یا آماج بالقوه جرم با استفاده از دستاورد فناوری‌های نوین، دشوار کردن ارتکاب جرم، بالا بردن خطر شناسایی و دستگیری بزهکار و کاهش سود و لذت مورد انتظار مجرم از تعرض به هدف یا بزه‌دیده خاص را دنبال می‌کند و بدین ترتیب، فرض بر این است که در چنین شرایطی، بزهکار از عملی ساختن اندیشه خود نسبت به آن بزه‌دیده یا آماج حمایت شده، صرف‌نظر خواهد کرد.

بدین‌سان، پیشگیری وضعی که ناظر به محدود کردن فرصت‌های ارتکاب جرم است با استفاده از وسایل و اهرم‌های بیرونی و قابل رؤیت کنترل اجتماعی جرم از یک‌سو، به دنبال آمایش محیط و محل مورد نظر مانند یک شهر یا یک محل خاص از جهت شهرسازی، معماری، اجتماعی، فرهنگی و تفریحی است. تمرکز واحدهای مسکونی در یک نقطه، تعیین محدوده‌ها با نصب نرده و ساخت دیوار، اندازه و شیوه استقرار پنجره‌ها و... و از سوی دیگر، به دنبال تقویت حفاظت از آماج‌های بزه‌دیده‌شناختی مانند نصب تجهیزات ایمنی و امنیتی، وسایل ضد سرقت، نظارت الکترونیکی - ویدئویی، مراقبت و نگهبانی، نشانه‌دار کردن اشیاء با ارزش و... است. به عبارت دیگر، پیشگیری وضعی شامل مسئول کردن تمام جامعه در قبال خطر مجرمانه و خطر بزه‌دیده‌شناختی می‌شود، به گونه‌ای که اعضای آن، خود، در مراقبت از خود و اموال‌شان مشارکت کنند.

رعایت احتیاط برای خود و دیگران، عدم تحریک و وسوسه دیگران، اعلام جرایم ارتكابی مشاهده شده یا جرایم احتمالی به مقامات صالح، مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در بازپروری محکومان، تجدید و تقویت ارتباط و همنشینی اعضای محله یا همسایگان با یکدیگر و به‌طور کلی، مردم‌آمیز و معاشرتی کردن اعضای محله‌ها از طریق ایجاد واحدهای محلی اطلاع‌رسانی و خدماتی در زمینه امنیت محلی و پیشگیری از جرایم محلی، از جمله سازوکارهای پیشگیری وضعی است. بنابراین، تقویت حفاظت از آماج‌های جرم مستلزم ایجاد موانع فیزیکی میان بزهکار و آماج جرم است. این موانع، ممکن است منابع انسانی مانند گشت‌های پلیسی، مراقبت‌های شهروندان و... و

۱۲۰ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

یا منابع مادی مانند نصب قفل، درهای آهنین، سیستم‌های هشدار دهنده و آشکار کننده، حفاظ پنجره‌ها، دوربین‌های نظارتی، چشم‌های الکترونیکی و... باشند. ایجاد فضاهای قابل دفاع، سامان‌دهی مجدد محل یا محیط به گونه‌ای که حس مسئولیت و احساس تعلق را به محیط مربوط در او برانگیزد.

به این ترتیب، پیشگیری وضعی در سه طبقه قابل دسته‌بندی است: **پیشگیری وضعی سنتی** که مواردی همچون قفل‌های فرمان و پدال برای اتومبیل‌ها را شامل می‌شود؛ **پیشگیری وضعی فنی** که به استفاده از فنون علمی برای پیشگیری می‌پردازد مانند اصلاح هندسی خیابان‌ها، نصب پُل عابر پیاده و در نهایت **پیشگیری وضعی فناورانه** که شامل استفاده از تدابیر و امکانات تکنولوژیک و مدرن مانند استفاده از دوربین‌های مداربسته، استفاده از هوش مصنوعی و دزدگیرهای هوشمند خواهد شد.

فصل یازدهم

نظریه‌های جرم‌شناسی

جرم‌شناسی در دوران تحول خود دو مرحله فلسفی - اخلاقی و نیز مرحله علمی را طی کرده است؛ زیرا، جرم از دیر باز به لحاظ ایجاد اختلال در نظم جامعه، علاوه بر مسئولیت دولت، موجبات مطالعه صاحب‌نظران پیرامون آن را فراهم آورده است. در مرحله فلسفی و اخلاقی، دیدگاه‌ها نه بر اساس مشاهده، بلکه ناشی از تأملات و تراوشات فکری مصلحین اجتماعی و در نهایت ذهنیت‌های فردی بوده است. مثلاً با بررسی آثار افلاطون، برداشت وی از جرم‌شناسی مشخص می‌گردد یا دیدگاه‌های «بکاریا»^۱، «کانت» و «بنتام» که عمدتاً ناشی از یک سلسله برداشت‌های فلسفی و اخلاقی است.

به عبارت دیگر، به آن دسته از دیدگاه‌ها و نظریاتی که مبتنی بر عقل‌گرایی (اظهار نظر بر اساس آنچه که عقل مطرح می‌کند) می‌باشند، جرم‌شناسی فلسفی، ادبی، اخلاقی، مذهبی و ماقبل علمی می‌گوییم.

«کانت»، «بکاریا»، «بنتام» و مکاتب نئوکلاسیک که تحت عنوان مکاتب کلاسیک جرم‌شناسی مطرح هستند؛^۲ در دو موضوع مشترکند: ۱. اینکه همه آن‌ها به آزادی اراده معتقدند و ۲. از آنجایی که جرم را ناشی از اراده آزاد می‌دانند، مجازات را پاداشی شایسته برای اراده بد که در لباس جرم متبلور شده است، محسوب می‌نمایند.

در نیمه دوم قرن نوزدهم یعنی از سال‌های ۱۸۵۰ به بعد با یک واقعه مهم روبه‌رو می‌شویم که عبارت از تولد رشته‌های مختلف علوم انسانی از دل فلسفه و پیشرفت این علوم بود. در این سال‌ها فلسفه به رشته‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی، روانکاوی و جرم‌شناسی جان بخشید و مسأله مشاهده، تجربه و آزمایش مطرح شد. این نگرش برای مطالعه جرم مورد توجه متخصصین قرار گرفت.

بدین ترتیب، **جرم‌شناسی علمی** متولد شد که از طریق آن جرم (ماهیت و علل وقوع آن) و معجز بر اساس یک سلسله روش‌های علمی مورد مطالعه قرار گرفته و نتایج به‌دست آمده به سایر موارد مشابه تسری داده شد. لذا جرم‌شناسی در نیمه دوم قرن

۱. Cezer Beccaria بکاریا تحصیلات اقتصاد داشت و علت آن که اثر او (رساله جرایم و مجازات‌ها) مورد توجه قرار گرفت این بود که او در این اثر علیه ظلم و حقوق کلیسا بلند می‌شود و عدالت کیفری زمان خود را زیر سؤال می‌برد.

۲. برای اطلاع بیشتر ر.ک. پرادل تاریخ اندیشه‌های کیفری (۱۹۸۹): پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، تهران، چاپ سیزدهم، ۱۴۰۲.

نوزدهم متولد شد، تولدی که با کمک سایر رشته‌های علوم انسانی صورت گرفته است.^۱

الف: مکاتب اولیه

در این قسمت عمده‌تاً به سه دسته از مکاتب انسان‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی و مکتب ترکیبی یا تعدد عوامل اشاره می‌کنیم.

الف.۱: انسان‌شناسی جنایی یا نظریه تحقیق یا اثباتی

«لمبروزو» با گرایش زیست‌شناختی به اعتبار تخصصی که داشت با استفاده از زندانیان شهر «تورن» وجوه افتراق مجرمین این شهر را مورد مطالعه قرار داد.^۲ «لمبروزو» ۵۹۰۷ نفر را از لحاظ توارث و خصوصیات ارثی (تن‌پیمانی) پزشکی، زیست‌شناختی و روانشناختی مورد مطالعه، معاینه و آزمایش قرار داد. از آنجایی که «لمبروزو» جرم را با دید پزشکی - زیست‌شناختی مطالعه نمود، لذا جرم‌شناسی علمی به اعتباری در لباس زیست‌شناسی جنایی و به اعتبار دیگر در لباس انسان‌شناسی جنایی مطرح شد. «لمبروزو» برای پی بردن به علل جرم، مجرمین را به اعتبار شکل، اندازه و خصوصیات فردی مورد مطالعه قرار داد.

بدین ترتیب، اولین رویکرد جرم‌شناسی، زیست‌شناسانه بوده، آن‌هم با استفاده از روشی که در زیست‌شناسی انسان‌شناسی مطرح است.^۳ یکی از آورده‌های «لمبروزو» تفکر جبرگرایی است. او معتقد بود که ما با یک مجرم مادرزادی روبه‌رو هستیم که جلوه‌ارثی نیاکان دور او است. نمایی که از انسانیت تهی و از لحاظ عقلی متوقف شده است. او ذاتاً مجرم است و باید مشمول تدابیر خنثی‌کننده همچون تبعید و اعدام قرار گیرد.

البته «لمبروزو» برای معرفی یافته‌های خود و تولد رشته جدیدی به نام انسان‌شناسی جنایی دست به تشکیل کنگره‌هایی زد که باعث شدند دیدگاه «لمبروزو» در تعامل با دیدگاه‌های دیگران صیقل خورده و تعدیل یابد. به عنوان نمونه «گورینگ»^۴ در کتاب خود تحت عنوان «محکوم انگلیسی» با هدف رد دیدگاه مجرم مادرزادی «لمبروزو» به گونه‌ای طنز آمیز بیان داشته: «به نظر من میان یک دانشجوی انگلیسی و اسکاتلندی

۱. باید گفت جرم‌شناسی ابتدا در لباس رشته‌های دیگری به نام انسان‌شناسی جنایی متبلور شده (چون در این رشته پژوهکاران مورد مطالعه قرار می‌گرفتند ابتدا جرم‌شناسی تحت عنوان انسان‌شناسی جنایی مطرح گردید).

۲. Lombroso پزشک و استاد درس پزشکی قانونی بود.

۳. جرم‌شناسی در آغاز از روش‌هایی که در سایر رشته‌های علوم انسانی معمول بود استفاده کرد. لذا آن را یک علم «چهار راهی» نیز می‌نامند؛ زیرا، رشته‌های علوم انسانی از آن عبور می‌کنند و در این رهگذار جرم‌شناسی از آنها الهام می‌گیرد از این‌رو، جرم‌شناسی را تحت عنوان رشته چند مبنایی مطرح کرده‌اند.

مباحثی در علوم جنایی ۱۳۳

فرق بیشتر به چشم می‌خورد تا میان بزهدکار و غیر بزهدکاری که «لمبروزو» بیان داشته است» و بدین ترتیب، تحت تأثیر این عقاید، «لمبروزو» در کتابی تحت عنوان «جرم، علل و درمان‌های آن» پذیرفت که جرم می‌تواند از بعضی اوضاع و احوال مانند بیماری یا تقلید ناشی گردد که خود، بیان‌گر نوعی عقب‌نشینی و نمایان‌گر عدم اعتقاد به تیپ مجرمانه بدان‌گونه که قبلاً بیان نموده بود، می‌باشد.

اگرچه مطالعات «لمبروزو» تولد جرم‌شناسی را نوید داد؛ اما، همچون صاعقه‌ای با عمری کوتاه بود و با پیشرفت مطالعات علمی، عقاید او نیز به دست فراموشی سپرده شد. مع‌الوصف یکی از هموطنان «لمبروزو» به نام «دی تولیو»^۱ عمدتاً با توجه به زیست‌شناسی جنایی و دیدگاه‌های «لمبروزو» انجمنی تحت عنوان «جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی» که دنباله‌رو راه «لمبروزو» محسوب می‌شود، تأسیس نمود.

در سال ۱۹۶۰ قاتلی فرانسوی که حدود ۲۵ نفر از زنان روسپی را کشته بود، دستگیر شد و با انجام آزمایش کروموزومی معلوم گردید که وی یک کروموزوم بیشتر دارد. در همان سال عده‌ای اعلام کردند، این کروموزوم جرم‌زا است و به همین دلیل کروموزوم مجرمین جفت نمی‌باشد؛ لیکن، بعدها این نظریه کروموزومی نیز رد شد؛ زیرا، مطالعات نشان داد، ۹۵٪ انسان‌های دو کروموزومی دیگر، انسان‌هایی ناسالم بودند، نتیجه آن‌که دیدگاه جبرگرایی «لمبروزو» امروزه طرفداری نداشته، و عوامل کروموزومی دیگر حتی به عنوان یک عامل کوچک در تکوین جرم هم مطرح نیستند.^۲

الف.۲: مکاتب جامعه‌شناسی جنایی

الف.۱.۲: مکتب نقشه‌برداری یا جغرافیایی

نخستین مطالعات در جرم‌شناسی، در لباس جامعه‌شناسانه مطرح شدند. این امر به علت تولد جامعه‌شناسی عمومی از یک طرف و به لحاظ تدوین آمارهای جنایی فرانسه با کمک روش‌ها و الگوهای معمول در ریاضی از طرف دیگر بود. این دیدگاه توسط «کنله» و «گری» براساس دو علم جامعه‌شناسی عمومی و ریاضی به وجود آمد.

الف.۲.۲: مکتب سوسیالیست

مکتب مارکسیستی^۳ در جرم‌شناسی، بر اساس مشاهدات و ملاحظات تجربی به وجود نیامد؛ بلکه، «مارکس» و «انگلس» با استفاده از دیدگاه‌های علم اقتصاد و نحوه مطالعه آن بر روی مشکلات و بحران‌های اقتصادی، جرم و انحطاط را ناشی از توزیع ناعادلانه ثروت معرفی نمودند. بنابراین، مکتب جرم‌شناسی «مارکس» هم به عنوان یک شاخه از

1. Benigno Ditullio

۲. برای مطالعه بیشتر رک: مظلومان، رضا، کروموزوم جنایت، بی‌جا، ۱۳۵۲.

۳. برای مطالعه بیشتر رک: کتاب بزهدکاری و روش اقتصادی از ویلیام هوگل

۱۲۴ ♦ تقریرات درس جرم‌شناسی

شاخه‌های جرم‌شناسی مطرح می‌شود. «مارکس» جامعه را به روبنا و زیربنا تقسیم کرد و معتقد بود حقوق جزا و مقررات آن فی‌نفسه جرم‌زا است؛ زیرا، حقوق برای تأمین منافع سرمایه‌داران به‌وجود آمده و ابزاری است در دست طبقه حاکم برای حفظ وضع موجود. البته «مارکس» خود به‌گونه‌ای مستقیم جرم را مطالعه نکرد؛ بلکه، متخصصین جرم‌شناسی با استفاده از الگوی «مارکس» به مطالعه آن پرداختند.

الف.۳.۲: مکتب محیط اجتماعی

در رابطه با این دیدگاه «دکتر لاکاسانی»^۱ با استفاده از دیدگاه «لمبروزو» و دیدگاه جامعه‌شناسانه دو نظر را مطرح می‌کند:

اولاً، هر جامعه دارای بزهکارانی است که شایسته آن است.

ثانیاً، بزهکار همچون میکروب است و جامعه محل کشت آن می‌باشد. هرگاه محل کشت میکروب مناسب باشد آن میکروب رشد می‌کند و بالفعل می‌شود و زمانی میکروب (مجرم) نمو می‌یابد که محل کشت آن (جامعه) مناسب باشد.

الف.۴.۲: مکتب جامعه‌شناختی دورکیم

«دورکیم»^۲ جامعه‌شناس بود؛ اما، به لحاظ مطالعات وی در زمینه خودکشی او را جرم‌شناس نیز تلقی کرده‌اند.

از دیدگاه وی جرم پدیده‌ای بهنجار است؛ زیرا، در هر جامعه‌ای بروز می‌کند و خود، عامل سلامت عمومی جامعه است. بزهکاری از علل استثنائی ناشی نمی‌شود؛ بلکه، برخاسته از ساخت فرهنگی جامعه است. وی بزهکاری را نتیجه وجود «آنومی»^۳ یا بی‌هنجاری یا (خلاء هنجار) در رفتار مجرم توصیف می‌کند که خود، نتیجه ضعف هنجارهای اجتماعی در نزد اعضای جامعه است. وی جرم را پدیده‌ای انتزاعی نمی‌داند و معتقد است که همواره باید در یک فرهنگ معین و در زمان و مکان معین بررسی شود.

الف.۳: مکاتب ترکیبی یا تعدد عوامل

مکاتب ترکیبی که سومین دسته از مطالعات نخستین در زمینه جرم‌شناسی تلقی می‌شوند، مبنی بر سنتز نظریه‌های قبلی می‌باشند.

۱. استاد پزشکی قانونی دانشگاه لیون

2. Durkheim
3. Anomie

الف. ۱.۳: دیدگاه ترکیبی «فری»

«فری»^۱ حقوقدانی با گرایش‌های مطالعاتی جرم‌شناسانه بود. وی در ابتدا تحت تأثیر افکار «لمبروزو» نظریات خود را تحت عنوان جبرگرایی در پدیده مجرمانه مطرح کرده، مخالف اختیار و آزادی اراده بود؛ لیکن، به تدریج پی برد که این دیدگاه یک‌بُعدی است و لذا سعی کرد نظریه «لمبروزو» را وسعت بخشد. وی متعاقباً برداشت‌های خود را در کتابی تحت عنوان «افق‌های نوین حقوق کیفری» منتشر ساخت. در نظریه «فری» بررسی جنبه‌های علت‌شناختی پدیده مجرمانه و جنبه کاربردی نظریه وی حائز اهمیت می‌باشد؛ از دیدگاه علت‌شناختی، «فری» طرفدار گُنش میان عوامل متعدد از نوع انسان‌شناسی بود و با تکیه بر همین مبنا طبقه‌بندی دوگانه مجرمین «لمبروزو» را به طبقه‌بندی پنج‌گانه وسعت داد.

«لمبروزو» صرفاً از دو تیپ (طبقه) مجرم مادرزاد و دیوانه نام برده بود؛ حال آن‌که فری علاوه بر مجرمین مادرزادی و دیوانه که این دو دسته را تحت تأثیر عوامل انسان‌شناختی مجرم قلمداد می‌کند، سه دسته «بزهکاران به عادت»، «بزهکاران اتفاقی» و «بزهکاران هیجانی» را با تکیه بر تأثیر عوامل محیط اجتماعی در این طبقه‌بندی جای می‌دهد و حسب اینکه با کدام یک از این گروه‌ها مواجه باشیم، راه‌حل‌های مختلفی پیشنهاد می‌کند.

از رویکرد کاربردی، وی معتقد بود که باید به جای مسئولیت اخلاقی بزهکار، مسئولیت اجتماعی وی مطرح شود و درجه خطرناکی معیار اندازه‌گیری این مسئولیت قرار گیرد و بر حسب شدت و ضعف، درجه خطرناکی، به جای مجازات باید از اقدامات دفاع اجتماعی استفاده شود؛ اقداماتی که عاری از جنبه‌های قهرآمیز بوده و بیشتر شامل دفاع اجتماعی باشند و با عنایت به خصوصیات هر دسته از مجرمین فردی می‌گردند. وی جانشین‌هایی تحت عنوان جایگزین‌های کیفری مطرح می‌کند و بدین ترتیب مبتکر «نظریه جایگزین‌های کیفری» محسوب می‌شود.

چنانچه ملاحظه می‌کنید، دیدگاه سنتزی یا ترکیبی «فری» یک‌بُعد نظری و یک‌بُعد عملی دارد. بُعد نظری رویکرد او به ماهیت جرم است که منجر به طبقه‌بندی او از مجرمین می‌گردد و بُعد عملی رویکرد وی در تأثیر تفکرات وی در عملکرد قانونگذار کیفری است و اقدامات تأمینی مصداق بارز تأثیر تفکرات او در سیاست کیفری تقنینی کشورها است.

الف. ۲.۳: نظریه اتریشی - آلمانی یا مکتب گراتز - انتز

مکتب سنتزی دیگر، نظریه اتریشی - آلمانی یا مکتب گراتز - لنتز است، این مکتب معتقد بود که جرم ناشی از ائتلاف دو رشته، عوامل فردی و اجتماعی است که تأثیر خود را در لحظه ارتکاب جرم نشان می‌دهد. این دیدگاه، طبقه‌بندی سه‌گانه‌ای را جایگزین طبقه‌بندی «فری» (پنج‌گانه) نمود که عبارتند از: نامتعادلان روانی، بزهکاران اتفاقی و بزهکاران به عادت.

«لنتز» معتقد بود که استعداد مجرمانه از طریق کروموزوم‌ها به ارث می‌رسد و چیزی تحت عنوان وراثت اعمال مجرمانه آن‌چنان که «لمبروزو» بدان معتقد بود، وجود ندارد. «فون لیسز»^۱ برای نخستین بار این دیدگاه را مطرح نمود. وی بعدها در سال ۱۸۸۹ به اتفاق «آدلف پرینس»^۲ و «وان هامل» بلژیکی اتحادیه بین‌المللی حقوق جزا^۳ را بنا نهاد.

نتیجتاً ملاحظه می‌گردد که مکاتب مذکور در دوره تاریخی اوایل قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم که شاخص آن شاخه‌شاخه شدن فلسفه و پیشرفت علوم انسانی و اجازه مطالعات علمی و انسانی در خصوص جرم می‌باشد، به وجود آمدند.

ب: نظریه‌های جدید در جرم‌شناسی

این نظریه‌ها نسبت به نظریه‌های اولیه تحول یافته‌اند؛ زیرا، از پیشرفت علوم انسانی استفاده کرده و به موازات پیشرفت علوم انسانی، رویکردهای نسبت به جرم را متحول نموده‌اند.

در مکاتب جدید با سه دسته «مکتب علت‌شناسی جدید»، «جرم‌شناسی پویا» و «جرم‌شناسی واکنش اجتماعی» روبه‌رو می‌شویم.

ب. ۱: مکاتب علت‌شناختی

مکاتب علت‌شناسی جدید از نظر تاریخی بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰، جرم‌شناسی پویا بین سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ و جرم‌شناسی واکنش اجتماعی از سال‌های ۱۹۶۰ به بعد به وجود آمده‌اند.

مکاتب علت‌شناسی جدید، در واقع با دو عامل مشترک روبه‌رو است، یکی اهمیت یافتن عامل روان‌شناختی، بدین معنا که در این نظریات رفتار مجرمانه به سایر رفتارهای مشروع انسان تشبیه می‌شود. طبق این دیدگاه رفتارهای انسان اعم از مشروع یا نامشروع دارای محرک‌های روانی هستند که در روان فرد تحویل ایجاد می‌کنند و روان

1. Von-liszt
2. Prins
3. L'union internationale du Droit pénal

مباحثی در علوم جنایی ♦ ۱۲۲

به‌عنوان فاکتور همه جرایم تلقی می‌شود. عامل دیگر، عامل فرهنگی است که در بطن آن، عامل اجتماعی و زیستی نهفته است.

مکاتب علت‌شناسی جنایی جدید بر محورهای چهارگانه‌ای مبتنی می‌باشند که «عامل روانی» وجه اشتراک آن‌ها را تشکیل می‌دهد. این مسیرهای چهارگانه عبارتند از: الف) مسیرهای زیست‌شناختی - روان‌شناختی (گرایش روان - زیستی)؛

ب) مسیرهای جامعه‌شناختی - روان‌شناختی؛

پ) مسیرهای اخلاقی - روان‌شناختی؛

ت) مسیرهای ترکیبی یا سنتزی از مسیرهای قبلی.

اینک به توضیح این محورهای چهارگانه می‌پردازیم:

الف) گرایش روان‌زیستی همان نظریه انسان‌شناسی «لمبروزو» است که بر بررسی فیزیولوژی اندام انسان با تکیه بر دیدگاه‌های «داروین» استوار می‌باشد. وی پس از بررسی جمجمه ۳۸۳ مجرم و مقایسه آن با جمجمه افراد عادی، به یک سلسله وجوه افتراق دست یافت و با مقایسه چهره ظاهری انسان‌های مجرم و غیر مجرم به این نتیجه رسید که یک مجرم ذاتی و مادرزادی وجود دارد. مسأله توارث مجرمانه که در مسیر جدید زیست‌شناسی جنایی مطرح شد، گونه متحول شده نظریات «لمبروزو» می‌باشد.

ب) در گرایش جامعه‌شناختی - روان‌شناختی، جامعه‌شناسان جنایی آمریکایی با الهام از نظریات «دورکیم»، نظریه‌هایی را همچون، تعارض فرهنگی^۱ و خرده فرهنگ‌های مجرمانه «تورستن سلین» مطرح نمودند که تلفیق عامل روانی و اجتماعی در آن مشهود می‌باشد.

پ) مسیر سوم یعنی مسیر اخلاقی - روان‌شناختی، همان روان‌کاوی جنایی است.

ت) مسیر چهارم، گرایش سنتزی است که مبتنی بر ترکیب سه مسیر اولیه است. مثل نظریه «ساترلند» درباره نظریه معاشرتهای ترجیحی،^۲ «جرم‌شناسی یقه‌سفیدی» یا «أهلین»^۳ تحت عنوان «مناسبت‌های جرم» که در آن‌ها عوامل روانی و زیستی و جامعه‌شناسی نقش دارد. نتیجه آن‌که در علت‌شناسی جدید، جرم، تلفیقی از عامل

1. Sellin (The conflict of culture / criminal sub-cultures)

۲. براساس این نظریه، رفتار مجرمانه مانند اعمال دیگر، فراگرفتنی است و به‌عنوان یک خصیصه اکتسابی از طریق فراگیری وارد شخصیت فرد می‌شود. کسانی که در یک زیست‌بوم جرم‌زا مرتکب جرم می‌شوند، کسانی هستند که این امر را فرا می‌گیرند. او این سؤال را مطرح کرد که چرا در یک محله جرم‌زا (به تعبیر طرفداران نظریه از هم‌گسیختگی اجتماعی) فقط برخی مرتکب جرم می‌شوند؟ برای پاسخ به این سؤال «ساترلند» در ۹ مورد جواب داد. نظریه معاشرتهای ترجیحی او ۹ رکن دارد که همگی حول مفهوم فرآیند یادگیری - فراگیری (learning process) مطرح می‌شود.

3. Ohlin

روانی، به عنوان عامل مشترک بین همه رفتارهای انسانی و عامل فرهنگی است و در بطن عامل فرهنگی، عامل اجتماعی و زیستی نهفته است.

ب.۲: نظریه‌های جرم‌شناسی پویا

در نظریه‌های جرم‌شناسی پویا یا داینامیک یا متحول به مطالعه گذشته نزدیک مجرم و بررسی علل تکوین جرم، در زمانی نزدیک به وقوع آن می‌پردازیم. در این مکاتب، مکانیسم مشترک برای تعیین فرآیند تکوین و ظهور اندیشه مجرمانه جرم، مکانیسم گذار از اندیشه به عمل^۱ یا مکانیسم فعلیت بخشیدن به اندیشه یا به فعل درآوری آن می‌باشد. این مکانیسم در خصوص کلیه اعمال ما صادق است. با توجه به این مکانیسم، دو نظریه وجود دارد که مبتنی بر فعلیت بخشیدن به اندیشه مجرمانه یا گذار از اندیشه به عمل می‌باشند.

ب.۱.۲: نظریه شخصیت جنایی

مطابق نظریه شخصیت جنایی یا مجرمانه، هر شخصیتی یک هسته دارد که خود، دارای چهار متغیر (عنصر) است. هر گاه یک یا دو متغیر و یا همه آنها به فعل درآیند و فعال گردند، ما شاهد گذار از اندیشه به عمل و فعلیت یافتن عمل مجرمانه هستیم. این متغیرها پیرامون شخصیت مرکزی به فعل و انفعال مشغول هستند و وقتی یک یا دو تا از آنها پُر رنگ شود با فعل مجرمانه روبه‌رو می‌شویم. این چهار متغیر عبارتند از:

۱. متغیر خودمحور بینی یا خود بینی
۲. متغیر تلون مزاج و بی‌ثباتی روانی (گهگیری)
۳. متغیر پرخاشگری
۴. متغیر بی‌اعتنایی عاطفی

هر یک از این متغیرها در صورت فعال شدن سبب رفع یکی از موانعی که در مسیر ارتکاب جرم وجود دارد، می‌شوند. به این ترتیب که:

۱. متغیر خودمحور بینی باعث می‌شود، فرد به حقوق دیگران احترام نگذارد و به دیگرینی توجهی نداشته باشد و خود را مرکز منافع قرار دهد. این متغیر موجبات نقض حقوق دیگران را فراهم می‌آورد.
۲. متغیر تلون مزاج و عدم استمرار ثبات روانی، موجب می‌گردد که مجرم در هنگام ارتکاب جرم دورنمای بازدارنده مجازات را که نقش مانع دارد، در ذهن خود محو نماید و این محو، مساوی با ارتکاب جرم است؛ زیرا، صرف مجازات در قانون جزا و

تصویر اجرای آن جنبه بازدارنده دارد و متغیر بی‌ثباتی روانی باعث محو این مانع می‌شود.

۳. متغیر پرخاشگری به بزه‌کار، اجازه می‌دهد تا موانع مادی و فیزیکی را که در راه ارتکاب جرم وجود دارد، نادیده گرفته و بر آن‌ها فائق آید. این موانع عبارتند از: پلیس، استفاده از اسلحه، مقاومت بزه‌دیده، استفاده از زور و فشار برای مقاومت پلیس.

۴. متغیر بی‌تفاوتی یا بی‌اعتنایی عاطفی به فرد مجرم اجازه می‌دهد که اندیشه مجرمانه خود را تا اتمام آن اندیشه، دنبال کند و هیچ مانعی موجب انصراف او از ارتکاب جرم نشود، حتی تضرع و التماس بزه‌دیده نیز با بی‌اعتنایی عاطفی مجرم روبه‌رو می‌شود.

ب.۲.۲: نظریه مجازات و جبران

نظریه دیگری که تحت مکانیسم گذار از اندیشه به عمل مطرح می‌شود، نظریه مجازات، پاداش و جبران است. در این نظریه، اقتصاد دانی به نام «گری بیکر»^۱ با استفاده از روش ریاضی و روش‌های معمول در علم اقتصاد و تشبیه جرم به سایر فعالیت‌های اجتماعی، بر خلاف نظریه‌های پیشین، معتقد بود که بزه‌کار انسانی عادی و حسابگر است که به دنبال یک سلسله معادلات، مصمم به ارتکاب و یا عدم ارتکاب جرم می‌گردد.

در این معادله فعالیت‌های مجرمانه به سایر فعالیت‌های مشروع اجتماعی همچون تجارت و... تشبیه می‌شود. تجارتی که سود آن، همان نفعی است که از ارتکاب جرم به دست می‌آورد و زیان آن، همان ضرر اجتماعی است که در امکان کشف جرم دستگیری و مجازات آن نهفته می‌باشد. احتمالاتی که به حضور پلیس در محل وقوع جرم، مقاومت بزه‌دیده و سایر تجهیزات ایمنی برای جلوگیری از ارتکاب جرم و نیز درجه احتمال محکومیت کیفری بستگی دارد. مجرم میزان سود حاصل از جرم را با احتمال ضرر ناشی از آن محاسبه و مقایسه می‌کند و چنانچه سود بیش از زیان باشد، دست به ارتکاب آن می‌زند.^۲ او حتی سیاست کیفری را نیز ارزیابی کرده و میزان احتمال اجرای محکومیت را حساب می‌کند. اینکه تا چه حد این محکومیت ممکن است مشمول تعلیق واقع شود و یا گذشت بزه‌دیده تا چه حد موجب تخفیف مجازات می‌گردد و نیز درجه احتمال عفو به چه میزانی است، جملگی از مواردی هستند که در ارزیابی و تصمیم‌گیری نهایی او دخیل هستند. بزه‌کار دست به مقایسه موارد فوق با سود حاصل از جرم می‌زند و چنانچه کفه ترازو به سود هر یک پایین رفت، به طرف آن تصمیم جلب می‌شود.

1. Becker

2. Criminal Calculation

۱۳۰. تقریبات درس جرم‌شناسی

«بیکر» می‌گوید، «همان‌طور که هر قدر ریسک یک فعالیت مشروع بالاتر برود به همان میزان انجام آن فعالیت کمتر می‌شود»، در بزهکاری نیز باید ریسک ارتکاب جرم را برای مباشر جرم بالاتر ببریم، به صورتی که ضرری که از مجازات متحمل می‌شود بیش از سود و لذتی باشد که از جرم به دست می‌آورد. بنابراین اولاً، «زرادخانه کیفری» قانون مجازات باید متنوع باشد و میزان مجازات نیز تشدید شود و ثانیاً، باید عملکرد دستگاه قضائی دورنمای وحشتناکی برای کسی که قصد ارتکاب جرم دارد، ترسیم نماید و بدین ترتیب، یک نوع بازدارندگی از جرم به وجود آورد.

نتیجتاً در یک تحلیل و رویکرد اقتصادی نسبت به جرم، یعنی مقایسه جرم با فعالیت‌های سودمند یا زیربنا، ارتکاب جرم نتیجه یک سلسله فعل و انفعالات قبلی است که مثلاً از «الف» به «ب» ختم می‌شود. فاصله «الف» تا «ب» را «گذار از اندیشه به عمل مجرمانه» می‌گویند و بسیاری از مرتکبان در این فرآیند، قبل از ارتکاب جرم متوقف می‌شوند که ممکن است حسب مورد، با توجه به شرایط قانونی تحت عنوان شروع به جرم مورد مجازات قرار گیرند.

در جرم‌شناسی، به گذار از اندیشه به عمل مجرمانه فرآیند ارتکاب جرم می‌گویند که در تمام عوامل روان‌شناختی به عنوان محرک ارتکاب جرم مورد توجه قرار می‌گیرد.

ب.۳: نظریه‌های جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی

این نظریه‌ها از سال‌های ۱۹۶۰ به بعد جرم‌شناسی را دستخوش تحول نمودند. واکنش اجتماعی اصطلاح حقوقی نیست؛ بلکه، یک اصطلاح جامعه‌شناسی است که برای اولین بار توسط جرم‌شناسان آمریکایی به کار برده شده و^۱ دو مفهوم را در بر می‌گیرد:

واکنش اجتماعی مردمی علیه جرم یعنی مشارکت مردم در پیشگیری از جرم و مقابله با آن که مورد توجه ما نیست و واکنش اجتماعی دولتی علیه آن و مشتمل بر سلسله اقداماتی است که دولت و قوای عمومی برای مبارزه با جرم و به‌طور کلی کنترل آن، اعمال می‌کنند. این واکنش‌ها در وهله اول عبارت از مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی هستند.

از آنجایی که مجازات‌ها و اقدامات تأمینی را قانونگذار وضع می‌نماید، لذا نهاد و پدیده قانونگذاری در بطن واکنش اجتماعی قرار دارد. از طرف دیگر، بعد از اجرای مجازات نیز مرجعی به نام مرکز مراقبت بعد از خروج پیش‌بینی گردیده است. این

۱. social Reaction که از قدیم به واکنش اجتماعی یا کنش پسینی ترجمه شده است.

مباحثی در علوم جنایی ۱۳۱

مراکز، به منظور تحقق بخشیدن به برنامه‌هایی که در دوران اقامت در زندان اعمال گردیده، ایجاد شده‌اند.^۱

به این ترتیب، واکنش اجتماعی علیه جرم که در نگاه اول صرفاً مجازات و اقدامات تأمینی را تداعی می‌کند، در عمل مستلزم سیاستگذاری و فعالیت یک سلسله نهادهای تقنینی، قضائی، اجرایی و اداری است تا واکنش اجتماعی به وجود آمده، سپس به اجرا گذاشته شود. این واکنش‌ها مستلزم آن مقوله‌ای است که ما به آن قوه مقننه، قوه قضائیه و تا حدی قوه مجریه می‌گوییم و شامل نهادهای مختلفی می‌گردد که عبارتند از: قانونگذار، قانون مجازات، پلیس، دادر، دادگاه، قاضی اجرای احکام کیفری، مقام اداری، زندان‌ها و مرکز مراقبت بعد از خروج از زندان.

در جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی^۲ فرضیه عبرت آموزی مجازات و اعمال پیشگیری اولیه و ثانویه با استفاده از ابزارهای قهرآمیز کیفری در فرآیند اجرای سیکل جنایی، برعکس می‌شود. طرفداران این نظریه معتقدند واکنش اجتماعی خود، جرم‌زا است؛ به‌ویژه می‌توان ریشه برخی از تکرار جرم‌ها را در ماهیت قانون مجازات و نحوه اعمال واکنش اجتماعی جستجو کرد. ما در این فرض به دنبال علل شخصی، ذاتی، محیطی و روانی ارتکاب جرم نیستیم؛ بلکه برای پی بردن به علل جرم، آن نهادهایی را که در چرخه جنایی برای مهار ارتکاب جرم پیش‌بینی شده‌اند، به چالش می‌کشانیم.

ابزار مطالعاتی این نظریه، بیشتر جنبه آماری و از جهاتی نیز روانشناسی و جامعه‌شناسی دارد. در این فرض، محقق از روش‌های کلاسیک جرم‌شناسی همچون جامعه‌شناسی، روانشناسی و آمار استفاده می‌کند؛ اما، به جای جستجوی علل ارتکاب جرم، در فرد یا در جامعه، بر قانون مجازات نظر می‌اندازد و نحوه عملکرد دستگاه قضا (روانشناسی قضائی) و عملکرد دادگاه‌ها (جامعه‌شناسی کیفری) را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین بیان کارکرد مجازات را که به آن «مطالعات ارزیابی کننده یا سنجشی مجازات» گویند، بررسی می‌نماید. از این‌رو، هر مجازات به عنوان یک پدیده اجتماعی از نظر کارایی و بیان مورد توجه قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب، نظریه‌های مبتنی بر واکنش اجتماعی علیه جرم بیشتر در مقوله جامعه‌شناسی کیفری و روانشناسی قضایی مورد مطالعه و بررسی واقع می‌شوند.

۱. برای آگاهی بیشتر به آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ۱۴۰۰ و آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج ۱۳۷۸/۲/۱۲ مراجعه کنید.

۲. در این جرم‌شناسی، نفس واکنش اجتماعی علیه جرم نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد و با دیدی منفی مورد توجه واقع می‌شود.

ب.۱.۳: مبانی ظهور نظریه‌های جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی

اصولاً اولین نظریه‌های پیشین جرم‌شناسی حتی برخی نظریه‌هایی که از سال‌های ۱۹۶۰ به بعد به وجود آمدند،^۱ مبتنی بر بررسی علل پیدایش جرم بوده و رسالت آن‌ها نیز در نهایت عبارت از مبارزه برای رفع آن علل و در نتیجه کاهش نرخ بزهکاری تلقی می‌شده است. لذا سیاست جنایی مکاتب اولیه، پیرامون پیشگیری از بزهکاری از طریق بازپذیرکردن بزهکاران و اصلاح آن‌ها و به دنبال آن تمرکز اصلاحات بر زندان‌ها قرار گرفت. زندان به عنوان اجرای سالم‌ترین مجازات و تنظیم آرایش داخلی آن به عنوان محلی مناسب برای اصلاح و به‌سازی محکومان، بهترین راه اجرای صحیح مجازات تلقی شد. بدین ترتیب، سیاست جنایی مکاتب مبتنی بر علت‌شناسی جنایی بر اصلاح و درمان بزهکاران و در نهایت پیشگیری از تکرار جرم متکی بوده است. این همان عقیده تبدیل زندان به درمانگاه یا کلینیک درمان بزهکاران می‌باشد. به همین جهت اصطلاح «Rehabilitation» که در حقوق کیفری تحت عنوان اعاده حیثیت مجرم به کار برده می‌شود، در جرم‌شناسی به معنای اصلاح و درمان بزهکاران آمده است.

بدین سان، سیاست جنایی پیشنهادی اینگونه مکاتب عبارت از مبارزه با علل جرم از طریق اصلاح بزهکاران و بُعد اصلاحی و درمانی بخشیدن به مجازات‌ها بود؛ ولیکن، آن‌طور که مطالعات نشان داد، این جرم‌شناسان نتوانستند مبارزه مؤثری با تکرار جرم و یا افزایش نرخ بزهکاری ترسیم کنند؛ به این معنا که مطالعات سنجشی راجع به عملکرد تربیتی اصلاحی مجازات‌ها نشان داد که علیرغم اصلاح و آرایش محیط زندان، کماکان با مشکل افزایش جرایم روبه‌رو هستیم و حتی سه‌چهارم محکومان سابق زندان‌ها، مجدداً باز می‌گردند. لذا برخی معتقدند که نظریه‌های اولیه در جرم‌شناسی، در راستای کاهش نرخ جرایم، با شکست مواجه شده و آرزویی بیش نبوده است.

نتیجتاً، احراز شکست این نظریه‌ها باعث شد که جرم‌شناسان جدید به دنبال روش‌های دیگر برای مطالعه جرم رفته، برخورد خود را با جرم تغییر دهند و بدین ترتیب سه مسیر مطالعاتی جدید از سال‌های ۱۹۶۰ (۱۳۴۲ شمسی)، به عنوان مسیرهای جایگزین نظریه‌های قبلی، برای مطالعه جرم پیشگام شده‌اند.

ب.۲.۳: معرفی برخی نظریه‌های جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی

در این قسمت برخی از نظریه‌های جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی به اجمال مورد معرفی قرار می‌گیرند.

۱. نظریه‌های مبتنی بر پویایی جنایی

۱. نظریه جرم‌شناسی مارکسیسم

پیشتر در رابطه با «مکتب سوسیالیزم» بیان شد که در این دیدگاه، جامعه سرمایه‌داری، زیر سؤال بوده است. از این‌رو، بدیهی است که دیدگاه حاکم بر این مکاتب، یک دیدگاه اقتصادی مارکسیستی است.

در اواخر قرن نوزدهم میلادی «مارکس» کتابی تحت عنوان «سرمایه»^۱ به رشته تحریر درآورد که بعدها به عنوان منشور دیدگاه سوسیالیستی - کمونیستی به کار گرفته شد. دیدگاه حاکم بر این نظریه که عمدتاً جنبه سیاسی دارد، عبارت از آن است که اصولاً جوامع سرمایه‌داری از دو قسمت زیربنا و روبنا تشکیل شده‌اند؛ زیربنا اقتصاد و آنچه که اقتصاد را تشکیل می‌دهد، خواهد بود و روبنا مسائل و پدیده‌هایی است که به نوعی در خدمت زیربنا، آن را تقویت می‌کند. در این دیدگاه، حقوق، یکی از اجزای روبنا است.

بنا به عقیده «مارکس»، اقتصاد در جوامع سرمایه‌داری، شامل تولید و درآمد است؛ لیکن، سرمایه‌داران معدودی که اهرم‌ها را در دست داشته و مالک ابزار تولید هستند، بر توده عظیم مردم فرمان می‌رانند. در چنین شرایطی که توزیع درآمد و سود، ناعادلانه بوده، اراده قشر معدودی بر عموم مردم سایه می‌افکند.

بدین ترتیب، «مارکس» معتقد است، اینکه در جوامع سرمایه‌داری ادعا می‌شود که پارلمان‌ها مبتنی بر دموکراسی بوده، نمایندگان مجلس به نمایندگی از اراده ملی قانونگذاری می‌کنند، سخنی بیهوده است؛ زیرا، قوانین مصوب چنین مجلسی، معرف اراده قشر کوچکی به نام مالک و سرمایه‌دار است. طبیعی است در چنین شرایطی محتوای حقوق و به‌ویژه حقوق کیفری، یک‌بُعدی بوده و تأمین‌کننده منافع یک گروه خاصی (اقلیت) باشد. با این دیدگاه چنانچه جرمی اتفاق افتد، ناشی از اعمال یقه‌آبی‌ها (کارگران) خواهد بود و این جرم به منزله فریاد یک عده انسان‌هایی است که استثمار می‌شوند.

بنابراین، جرم به تعبیر «مارکس» عبارت از نقض منافع گروه سرمایه‌دار است؛ یعنی فعل یا ترک فعلی که منافع و حقوق اقلیتی که اقتصاد و ابزارهای تولید را در دست دارند، نقض می‌کند. در این مفهوم، تعریف جرم کاملاً یک‌بُعدی است. بدیهی است که مجازات نیز عاملی سرکوبگر است و در نهایت فریادها و مقاومت‌هایی را که اصطلاحاً قانونگذاری سرمایه‌داری به آن، عنوان جرم داده است، سرکوب می‌نماید.

ملاحظه می‌شود که دیدگاه «مارکس» کاملاً انتقادی می‌باشد. جرم‌شناسان مارکسیستی جرم را خاص جوامع سرمایه‌داری می‌دانند؛ پدیده‌ای که صرفاً با جلوس جوامع سوسیالیسم و کمونیسم به جای جوامع سرمایه‌داری ریشه‌کن خواهد شد. لذا

جرم‌شناسان سوسیالیسم یک دیدگاه افتراقی، در رابطه با بزهکاری دارند و معتقدند ماهیت جوامع سرمایه‌داری مساوی با جرم است و ماهیت جوامع سوسیالیستی مساوی با عدالت خواهد بود. بدین ترتیب، این تفکر، انقلابی و بنیادی است، با این اعتقاد که تنها راه محو جرم، ایجاد دگرگونی در فضای اقتصادی جامعه است.

آنچه در این مرحله حائز اهمیت می‌باشد این است که آیا در جوامع سوسیالیستی موجود در جهان تا قبل از فروپاشی دیوار برلین (۱۹۸۹) جرمی وجود داشته است یا خیر؟ اصولاً در میان کشورهای بلوک شرق سابق، شوروی و آلمان شرقی از نظر جرم‌شناسی، پیشرفته بودند و با توجه به تفکرات ملهم از «مارکس»، معتقد بودند که هنگام مطالعات در خصوص جرم، نباید به دنبال علل شخصی ارتکاب جرم رفت و صرفاً باید عامل اقتصاد را بررسی نمود؛ زیرا، رفع طبقات اقتصادی مساوی با جامعه‌ای بدون جرم و عدالت‌مند می‌باشد.

جرم‌شناسان این جوامع که اصولاً بسیاری از عوامل فیزیکی را در پیش‌فرض‌های خود وارد نموده‌اند، قضاوتی یک‌بُعدی دارند. این اندیشمندان معتقدند در جامعه آلمان شرقی و شوروی، هیچ مجرمی وجود ندارد. گروه اندکی که علیه اصول و آرمان خلقی، اقدامات مجرمانه‌ای انجام می‌دهند، یک عده افراد حاشیه‌نشین - و نه مجرم به مفهوم متداول در جوامع سرمایه‌داری کنونی - هستند. با این وجود، به واسطه اصرار سایر جرم‌شناسان، به‌ویژه جرم‌شناسان غربی، ابراز می‌دارند، مجرمینی که در جوامع ما (در آلمان شرقی و شوروی) وجود دارند، از بازماندگان اوباشان^۱ سابق جامعه سرمایه‌داری - قبل از حاکمیت کمونیستی - هستند؛ کسانی که کاملاً با آرمان‌های سوسیالیستی همسو نشده، برخلاف «منافع خلق» عمل می‌کنند.

در عین حال، کشورهای کمونیستی از تبلیغات کشورهای غربی فارغ نبوده و به نوعی تحت تأثیر تهاجم فرهنگی از جانب آنها قرار دارند که کاملاً جرم‌زا است و لذا عده‌ای به سوی ارتکاب جرم سوق داده می‌شوند و در نهایت، جوامع بلوک شرق هنوز جوامع سوسیالیستی هستند و تاکنون به نوع ایدال جامعه‌ای که «مارکس» ترسیم کرده است - جامعه کمونیستی - نرسیده‌اند. بدین سان، هنوز تحت تأثیر این سه عامل اقلیتی از بزهکاران در جوامع سوسیالیستی بلوک شرق وجود دارند؛ لیکن، اکثر آنها، مجرم به معنای واقعی کلمه نیستند.

در مورد این دیدگاه باید گفت، بعد از فروپاشی شوروی، معلوم شد که فساد مالی (رشوه‌خواری و فساد اداری) کم‌کاری، اسراف و هزینه‌سازی در کار تولید، الکلیسم و فروپاشی نظام خانواده که جلوه‌هایی از بزهکاری هستند، با نرخ فزاینده، به حیات

خود ادامه می‌داد و این حقیقتی است که مقامات قضائی شوروی از قبول آن اجتناب ورزیده‌اند.

همچنین، دیدگاه مارکسیستی، دیدگاهی کاملاً انتقادی است که به جای مطالعه جرم، خود سیستم عدالت کیفری و نظام حکومتی را عاملی جرم‌زا می‌داند و طرفدار اصلاح چارچوب قوانین است؛ به نحوی که بتواند جهت‌گیری دستگاه قضایی و نیز تعریف جرم را دگرگون کند.

این نگرش از رهیافتی اقتصادی - سیاسی نسبت به جرم فراتر می‌رود و از آنجایی که اقتصاد را عامل مهمی می‌داند، هجوم حملات خود را علیه جامعه سرمایه‌داری نشانه می‌گیرد. نگرش انتقادی که خود، انقلابی در جرم‌شناسی محسوب می‌شود، زمینه پیدایش مسیر سوم را فراهم می‌آورد. به بیان دیگر، وقتی جرم‌شناسان به این نتیجه رسیدند که جرم‌شناسی علت‌شناختی با شکست مواجه شده است، تصمیم به طرح نظریه مارکسیستی در جوامع غربی گرفتند.

از حیث پدیده‌شناسی باید گفت این دیدگاه‌ها عمدتاً در آمریکای شمالی و نه در فرانسه به وجود آمدند و دلیل آن نیز به خاطر جنگ جهانی دوم و روی کار آمدن دیدگاه هیتلری و ناسیونال سوسیالیسم بود که با اعتقاد به حفظ نژاد برتر، عده زیادی را به ورطه نابودی کشاند. از این رو، آن عده از افرادی که تحت تأثیر نظرات چپ‌گرا قرار داشتند، به کشورهای دیگری از جمله انگلیس و آمریکای شمالی پناهنده شدند و نظریات چپ‌گرا را در آنجا مطرح کردند.

به این ترتیب، از نظر تاریخی ملاحظه می‌کنیم که جرم‌شناسی ابتدا در اروپای غربی، به ویژه در فرانسه به وجود آمد؛ ولیکن، با فاصله‌ای حدود نیم‌قرن به آمریکای شمالی رسید، در آنجا شکوفا و متحول شد؛ به نحوی که عموم نظریه‌هایی که امروزه در جرم‌شناسی علمی مطرح شده از آمریکای شمالی، به ویژه از ایالات کبک و مونتreal کانادا نشأت گرفته است و بدین سان، این مسیر سوم و همین‌طور مسیر اول (جنبش بازگشت به کیفر سنتی) در کانادا و آمریکا به وجود آمدند؛ ولی، به هر حال این نکته حائز اهمیت می‌باشد که دیدگاه مزبور کاملاً غیر علمی و تک‌بعدی است؛ زیرا، به هنگام مطالعه جرم، عوامل ژنتیکی (زیستی) و روانی مجرم را وانهاد، صرفاً به بررسی محیط اقتصادی و تأثیر آن بر نرخ جرایم (عامل اجتماعی) پرداخته است. البته قبل از «مارکس»، «فری» و پس از وی «گری بیکر» به عامل اقتصاد توجه داشته‌اند؛ لیکن، تفاوت آن‌ها در نحوه نگرش به آن بوده است. مثلاً «فری» جامعه‌شناسی بود که عوامل اجتماعی - اقتصادی را در ایتالیای (۱۸۸۱) میلادی بررسی کرد و این توجه او به عامل اقتصاد در جرم‌شناسی، مطالعه و برداشت وی از عامل اقتصاد که فاقد هرگونه صبغه

۱۳۶ **◆** تقریرات درس جرم‌شناسی

سیاسی بود، رویکردی جرم‌شناسانه از آن به دست داد. رهیافتی که هدف آن توجه به عوامل اقتصادی به عنوان یکی از عوامل مؤثر بود.

در مقابل، «مارکس» رهیافتی کلان از اقتصاد داشت و معتقد بود که کل سیستم سیاسی - اقتصادی جامعه باید زیر سؤال رود و از آنجایی که اقتصاد، فرهنگ‌زا و حقوق، جرم‌زا است، باید نگرش موجود از اقتصاد تغییر کند. «بیکر» نیز یک اقتصاددان بود. وی با استفاده از روش‌های علم اقتصاد و تشبیه جرم به یک فعالیت اقتصادی و انسانی، عامل اقتصاد را نه به عنوان عاملی جرم‌زا بلکه، به عنوان الگویی برای تعیین عامل جرم مورد بررسی قرار داد و معتقد بود به منظور انصراف مجرم بالقوه از ارتکاب جرم باید مجازات را افزایش داد.

در جرم‌شناسی، این دیدگاه‌ها به دیدگاه‌های کلان معروف هستند؛ زیرا، اصولاً تمام دستگاه قضائی را به چالش می‌کشانند. بنابراین، به عنوان نتیجه باید گفت «فری» به تبعیت از «لمبروزو» مجرمین را افراد غیرعادی می‌دانست؛ در حالی که «بیکر» معتقد بود، مجرم فردی عادی و به‌ویژه حسابگر است و در دیدگاه وی، جرم پدیده‌ای سودزا تلقی می‌گردد. «مارکس» نیز با دیدگاهی کاملاً افراطی، جرم را نقض ارزش‌های سرمایه‌داران و نه نقض ارزش‌های جامعه، معرفی می‌کرد و بدین ترتیب، ارتکاب جرم را نوعی واکنش نسبت به جامعه سرمایه‌داری می‌دانست، بدیهی است که در چنین نگرشی مجازات مؤلفه‌ای جز سرکوبی - به نفع گروه حاکم - نمی‌باشد.

۲. نظریه برچسب‌زنی

در این قسمت ابتدا مبانی نظریه برچسب‌زنی از منظر مکتب تعامل‌گرایی و سپس نحوه مطالعه جرم از نگاه این مکتب بررسی خواهد شد.

۱.۲: مبانی نظریه برچسب‌زنی از منظر مکتب تعامل‌گرایی

نظریه برچسب‌زنی یا آنگ مجرمانه زدن را تحت عنوان نظریه تعاملی نیز مطرح کرده‌اند. اساس این نظریه را باید، در کتاب یک جامعه‌شناس آمریکایی به نام «ادمینگ لی‌مرت» تحت عنوان «آسیب‌شناسی اجتماعی»، جستجو کرد. نظریه وی مبنایی برای مطالعات تعامل‌گرایان و مبنای نظریه برچسب‌زنی شد.

«لی‌مرت» در آن کتاب نظریه انحراف ثانوی را مطرح نمود^۱ و معتقد بود عده‌ای از مرتکبان جرم، به لحاظ برخورد نهادهای مسئول اداره و مبارزه علیه جرم، پس از تحمل مجازات، دوباره به دنیای جرم و دستگاه عدالت کیفری باز می‌گردند. برخوردهای اعمال کنترل اجتماعی موجب می‌شود که انحراف یا جرم نزد این افراد نقش بندد و با

۱. انحراف ثانوی مفهومی کاملاً جامعه‌شناختی است که در محدوده حقوق کیفری تحت عنوان تکرار جرم مطرح می‌شود.

مباحثی در علوم جنایی ۱۳۷

این استدلال وی نظریه ارتکاب جرم اولیه و ارتکاب جرم ثانویه (تکرار) را مطرح نمود و زمینه‌های بروز نظریه تعامل‌گرایی یا برچسب‌زنی را فراهم کرد.

در سال ۱۹۶۰ جامعه‌شناس دیگری به نام «هوارد بیکر» در کتاب خود با عنوان «جامعه‌شناسی انحراف»^۱ فصلی را به افرادی که خارج از قانون متعارف عمل می‌کنند اختصاص داد؛^۲ یعنی کسانی که خارج از قانون مشروع زندگی می‌کنند. این اصطلاح هر دو گروه افراد ضد قانون و نیز غیراجتماعی را در بر می‌گیرد؛ کسانی که در مقابل معیارهای قانونی متعارف سازگاری ندارند. بدین ترتیب، کژمداران مشتمل بر افراد غیراجتماعی (منحرف) و ضداجتماعی (ضد قانون) می‌باشند. افراد غیر اجتماعی را **کجرو و حاشیه‌نشین** نیز می‌گویند.

«بیکر» در این کتاب برخلاف رویکرد سنتی نسبت به جرم، این پدیده را عبارت از فعل یا ترک فعلی می‌داند که موجب نقض ارزش‌هایی می‌شود که ساخته و پرداخته گروه اجتماعی حاکم است. ارزش‌هایی که در قالب‌های قانونگذاری، نقض آن‌ها جرم تلقی می‌شود.

بر این اساس نباید جرم یا انحراف را در عملی که فرد مرتکب شده است، جستجو کرد؛ بلکه، باید دید طی چه فرآیندی، عملی که زمانی مشروع بوده، نامشروع تلقی گشته است و چرا در فرآیند غربال کیفری، عده‌ای مشمول این برچسب واقع شده و عده‌ای دیگر گریخته‌اند. وی در ادامه، نتیجه می‌گیرد که جرم و انحراف نتیجه قانونگذاری اجتماعی و اجرای ضمانت‌اجرای قانونی است. این نظریه بر نظرات کلاسیک انتقاداتی وارد کرد و عبارتند از اینکه علت‌شناسی جنایی یا نظریه‌هایی که به دنبال کشف علل جرم هستند، اغلب به مطالعه شخص مجرم یا عوامل بیرونی مؤثر در ارتکاب جرم می‌پردازند. لذا در سه محور قابل انتقاد هستند.

اینکه در هیچ یک از این مکاتب علت‌شناسی، جایگاه حقوق کیفری در ارتکاب جرم و نقش نهادهای کیفری و پلیس در اجرای قانون، مورد عنایت محققین قرار نگرفته است. به دیگر سخن محقق، به دنبال تحلیل سازوکار جرم‌انگاری رسمی (خلق جرم)، یعنی این حقیقت که چگونه قانونگذار، عملی را جرم می‌شناسد و عملی دیگر را مباح نمی‌باشد. پس مطالعات آن ناقص است.

۱. عدم رعایت و نقض هنجارهای گروهی و اجتماعی که اکثریت افراد آن را پذیرفته‌اند از نظر جرم‌شناسی انحراف می‌نامند. انحراف فاقد ضمانت اجرای کیفری است و بیشتر سرزنش گروه اجتماعی را به دنبال دارد.
۲. برای آگاهی بیشتر در خصوص این موضوع رک: بیکر، هوارد، **اغیار (مطالعاتی در جامعه‌شناسی انحراف)**، ترجمه فرهاد الله‌وردی و حسین گلدوزیان، نشر نگاه معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۴۰۱.

به عقیده «بیکر» باید عملکرد مجریان قانون و مسئولین اجرای آن، را مورد مطالعه قرار داد؛ زیرا، در فرآیند کیفر، باعث می‌گردد عده‌ای دستگیر شده، برچسب مجرمانه بخورند و عده‌ای دیگر از این برچسب فرار نمایند.

دومین انتقاد «بیکر» آن است که جرم‌شناسان تاکنون به بررسی وجوه افتراق میان بزهکاران ظاهری و افراد ناکرده بزه نپرداخته‌اند. در فرض این جرم‌شناسان نیز میان افراد بزهکار و غیر بزهکار تفاوت ذاتی و فطری وجود دارد. بدین معنا که بزهکاران افرادی غیرعادی و غیر بزهکاران افرادی سالم می‌باشند. «بیکر» معتقد است میان بزهکاران بالفعل و بالقوه فرقی وجود ندارد و این دیدگاه به چند دلیل باید کنار گذاشته شود:

اولاً، ما در جرم‌شناسی و در بحث آمار جنایی با تعداد زیادی بزهکار پنهان روبه‌رو هستیم. بزهکارانی که از چنگال دستگاه عدالت کیفری گریخته‌اند و رقم سیاه و رقم خاکستری آمار جنایی را تشکیل می‌دهند.^۱

محقق، در هر دوی این رقم‌ها، از مرتکبان واقعی بی‌اطلاع است. و بدین‌سان، چگونه می‌توان نتایج آمار ظاهری را بر اعمال کلیه کسانی که بر او مشهود نیستند، تسری داد و یک اصل کلی و عمومی استخراج کرد؟؛ به عقیده «بیکر» تفاوت واقعی میان بزهکاران و ناکرده بزه‌ها را باید در چگونگی و نحوه برخورد دستگاه عدالت کیفری، پلیس و کارگزاران کنترل اجتماعی، جستجو کرد. به عقیده او چنانچه نسبت افراد پلیس به جمعیت کشور متناسب باشد، میزان جرایم کشف شده بالا می‌رود، به‌این ترتیب، رقم سیاه و میزان جرایم کشف شده، تابعی از درجه کارایی و میزان فعالیت افرادی است که مسئول تعیین و اجرای واکنش اجتماعی هستند.

بدین ترتیب «هوارد» نتیجه می‌گیرد که میان بزهکاران و غیربزهکاران تفاوتی وجود ندارد و مجرمیت ناشی از عملکرد واکنش اجتماعی علیه مجرم است.

ثانیاً، پدیده‌های انحرافی، هنجارهای مجرمانه و هنجارهای مشروع دارای ماهیت پیچیده‌ای هستند. این حقیقت که چرا در بین عده‌ای از بزهکاران، عده‌ای بی‌سابقه باقی مانده، بعد از محکومیت اولیه خود، به اعمال بهنجار می‌گروند و عده‌ای دیگر تبدیل به بزهکاران حرفه‌ای و به عادت می‌شوند، نشان‌گر این است که پدیده‌های مشروع، از لحاظ وسوسه‌ای که در افراد مختلف دارند بسیار پیچیده‌اند و این تفاوت جاذبه‌ها است که بحث‌انگیز خواهد بود.

۱. رقم سیاه مجموعه جرایمی است که کشف نشده و مباحث آن‌ها نیز شناسایی نگردیده‌اند. در این میان جرایم کشف شده‌ای وجود دارند که مرتکبین آن‌ها همچنان مجهول الهویه باقی مانده‌اند. این جرایم، رقم خاکستری آمار جنایی را تشکیل می‌دهند. ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مصداق بارزی در خصوص تبیین مفهوم رقم خاکستری است.

ثالثاً، جرم‌شناسان پیرو علت‌شناسی جنایی، جرم را به عنوان امر ساختاری که ریشه‌های آن از پیش در فرد وجود داشته و با استفاده از تعبیر متغیرهای زیست‌شناختی و روان‌شناختی، مورد بررسی قرار می‌دهند؛ در حالی که در فرآیند ارتکاب جرم باید عمل مجرمانه را نتیجه‌کنش و تأثیر و تأثر متقابل، میان فرد و جامعه دانست؛ جامعه‌ای که در نهایت روی‌کنش‌های فرد، از خود، واکنش نشان می‌دهد و اگر اعمال فرد از نظر جامعه نامطلوب باشد، او را مجازات می‌کند. بدین ترتیب، او معتقد است که به جای نگرش علت‌شناسی جنایی باید نقش قانونگذار را بررسی کرد و واکنش‌های بین فرد و مقام‌های رسمی و اجتماعی و آن دسته از ارگان‌هایی را که در رابطه با جرم و بزهکاری فعالیت می‌کنند، مورد مطالعه قرار داد.

۲.۲: نحوه مطالعه جرم از منظر مکتب تعامل‌گرایی

از نقطه نظر مکتب تعامل‌گرایی (برچسب‌زنی)، فرآیندی که فرد، در نقطه پایانی آن جایگاه و هویت مجرم را کسب می‌کند و به او برچسب مجرم زده می‌شود، در دو سطح گروه / جامعه و فرد قابل بررسی است.

به اعتقاد «بیکر» انحراف و جرم پدیده‌ای است که به وسیله گروه و جامعه، از گذر کیفرگذاری و ممنوعیت‌انگاری به وجود می‌آید. ممنوعیت‌هایی که نتیجه اجرای آن «آنگ» و برچسب مجرمانه‌ای است که بر بزهکار زده می‌شود و لذا «بیکر» معتقد است که قوانین کیفری را باید از سه جنبه مورد بررسی قرار داد.

اول اینکه چرا امروزه در اکثر کشورها، قانونگذاران از طریق جرم‌انگاری زیاد و صدور احکام محکومیت در مراجع قضائی، سعی در توسعه قلمرو اعمال و اقتدار حقوق کیفری دارند؟ و چرا در اغلب جوامع امروزی برخلاف جوامع سنتی و کلاسیک، کنترل اجتماعی جرم در حقوق و نهادهای کیفری خلاصه می‌گردد و اغلب جوامع به موازات پیشرفت، از دیگر سازوکارها و ابزارهای اجتماعی برای مقابله با جرم استفاده نکرده و از روش‌های سنتی برای حل و فصل اختلافات سود نمی‌جویند؟

بنابراین، وی معتقد است، در مراحل وضع قوانین کیفری هر چقدر مکانیسم جرم‌انگاری قانونی فعال‌تر و اعتماد به کارآمدی حقوق کیفری و اقتدار آن بیشتر شود، سیاهه جرایم قانونی و به تبع آن سیاهه جرایم واقعی نیز افزون‌تر می‌گردد و این امر موجب جرم‌انگاری افراطی و بی‌رویه در سیستم عدالت کیفری خواهد شد. «بیکر» با تجدید تحریر حاکمیت حقوق کیفری و جرم‌زدایی قانونی موافق بود و اعتقاد داشت، نباید این حقوق سرکوب‌گر را تنها ابزار مبارزه علیه جرم و یگانه اکسیر جرم یعنی کنترل آن تلقی کرد.

۱۴۰. تقریرات درس جرم‌شناسی

دومین نکته اینکه، همزمان با تورم جرم در حقوق کیفری موضوعه، به واسطه تأثیر مکاتب تحقیقی و سایر مکاتبی که خود را دنباله‌روی مکتب تحقیقی می‌دانند، شاهد پزشکی شدن حقوق کیفری هستیم، یعنی واکنش با دید و روش پزشکی نسبت به جرم و جایگزینی مفهوم درمان به جای سرکوبی، این تغییر نگرش نسبت به مجازات خود می‌تواند عاملی جرم‌زا تلقی شود.

در نهایت سوم، باید دید حقوق کیفری نقض چه ارزش‌هایی را جرم تلقی می‌کند؟ از نظر وی این ارزش‌ها گزینشی بوده و متعلق به توده مردم نمی‌باشند؛ بلکه، در جهت تأمین منافع قدرت سیاسی حاکم قرار دارند. ضمناً مطالعه چگونگی عملکرد نهادهای اجرایی در درون سیستم عدالت کیفری، از جمله پلیس و عملکرد آن در کشف، شناسایی و دستگیری بزهکاران، اهمیت بسزایی دارد. نیروهای پلیس، گاه در مقطعی قاطعانه در کشف جرم یکپارچه شده و گاه شدیداً، ضعیف عمل می‌کنند و عملکرد آنان مستقیماً آمار جنایی را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

بدین‌سان، رویه و تصمیماتی که کارگزاران یا کارآفرینان واکنش اجتماعی اتخاذ می‌کنند، در میزان ارتکاب جرم و برچسب‌زنی کاملاً موثر می‌باشد. در راستای شناسایی و درک دقیق‌تر مسأله، باید اندیشه حاکمیت و روانشناسی قضایی و پلیسی را بررسی نموده و به دنبال دریافت این حقیقت باشیم که چگونه یک فرد در سطح یک گروه برچسب مجرم می‌خورد؛ ولیکن، در میان گروهی دیگر هویت مجرمانه به خود نمی‌گیرد؟

نکته دیگری که حائز اهمیت است، چگونگی پذیرش جایگاه مجرمانه - از طریق برچسب‌زنی - از سوی مجرم می‌باشد. «بیکر» معتقد است فرآیند برچسب‌زنی به دو شیوه تحقق می‌یابد:

۱. در نتیجه ارتکاب جرم (رفتاری که در قانون منع شده) که وی آن را انحراف اولیه نام می‌نهد.

۲. در نتیجه اشتباه قضایی یعنی مواردی که نظام عدالت کیفری شخصی را اشتباهاً دستگیر، محاکمه و مشمول حکم مجازات قرار می‌دهد.

البته چند مرحله‌ای بودن رسیدگی‌های کیفری تا حدی موجب کاهش میزان اشتباهات قضایی است؛ لیکن، علاوه بر بزهکاران واقعی گاه، با عده‌ای که بی‌جهت مجرم و منحرف تلقی شده، یعنی بزهکاران کاذب هستند، روبه‌رو می‌شویم و سرانجام دسته‌سومی وجود دارند که از عدالت کیفری گریخته، پایگاه منحرفی ندارند و به آنان بزهکاران پنهان یا بزه‌ناکردگان ظاهری گفته می‌شود.

در هر صورت، چه در مورد بزهکاران واقعی و چه کسانی که به لحاظ اشتباه قضایی مجرم تلقی شده‌اند، باید فرآیند کُنش متقابل فرد و عملکرد نهادها و عوامل قهری را از

مباحثی در علوم جنایی ♦ ۱۴۱

یک سو و عملکرد پلیس و دادگستری را از سوی دیگر، بررسی نمود. علاوه بر این، نحوه نگرش مردم نسبت به بزهکار و واکنشی که نسبت به اعمال وی نشان می‌دهند، یعنی درجه قضاوت مثبت یا منفی نسبت به جرم که به نوبه خود موجب ترغیب و یا دلسردی مجرم از ارتکاب مجدد عمل می‌شود، باید مورد بررسی قرار گیرد. به عقیده «بیکر»، نهایتاً تحت تأثیر عوامل واکنش اجتماعی (پلیس، دادسرا و...) و نیز قضاوت افراد نسبت به یک رفتار، فرد به سمتی سوق داده می‌شود که از نظر قانون مجرم و از دید جامعه، منحرف تلقی می‌گردد. اینکه فرد تا چه حد در اکتساب پایگاه منحرفانه کوشش می‌کند، ارتباط تنگاتنگی به عوامل روانی فرد دارد. به این معنا که با توجه به عوامل سه‌گانه شخصیت («من»، «من برتر» و «نهاد») وی تا چه حد می‌تواند به ایفای نقش مطلوب جامعه بپردازد. از این رو، قضاوت دیگران تأثیر بسزایی در کسب این پایگاه و چگونگی عملکرد فرد خواهد داشت.

ایرادات عمده‌ای که دیدگاه تعامل‌گرایی، به علت‌شناسی جنایی می‌گیرد، به‌طور خلاصه عبارتند از اینکه:

۱. علت‌شناسی جنایی، صرفاً عامل مجرمانه یا شخصیت مباشر جرم را مورد مطالعه قرار می‌دهد.
۲. بین عمل مجرمانه و غیر مجرمانه تفاوت ذاتی و فطری قائل شده است.
۳. در فرآیند ارتکاب جرم و سازوکار گذار از اندیشه به عمل مجرمانه، همواره قانون و مجریان قانون را مانعی در مقابل جرم انگاشته، حال آن‌که در این فرآیند باید عمده‌تاً خود جامعه و مجریان ارزش‌های آن را نیز مورد بررسی و مطالعه قرار داد.

به‌ایم ترتیب، دیدگاه تعامل‌گرایی، معتقد است که جرم یا انحراف پدیده‌ای است که گروه (جامعه) یا کارگزاران آن ایجاد کرده و طی غربالی که انجام می‌دهند، عده‌ای را مجرم و عده‌ای را غیر مجرم معرفی می‌نمایند. برای جبران این نقص، باید زاویه دوربین مطالعات جرم‌شناسی از جرم و مجرم برداشته شده و به سوی نظام عدالت کیفری و ابزارهای آن (قانون مجازات، به‌ویژه مجازات حبس و...) نشانه رود.

۳. نظریه جرم‌شناسی رادیکال

جرم‌شناسی رادیکال^۱ (جدید و یا بنیادگرا) رویکردی سیاسی-عقیدتی نسبت به جرم می‌باشد و برخی نام آن را «جرم‌شناسی اختصاصی-خاص» نهاده‌اند. این دیدگاه که در پایان سال‌های ۱۹۶۰ میلادی، در کشورهای انگلوساکسون به‌ویژه آمریکا مطرح شد، عبارت از اعتراض و انتقاد نسبت به جرم‌شناسی‌های گذشته یا جرم‌شناسی جریان

۱۴۲ **◆** تقریبات درس جرم‌شناسی

اصولی بود. اصولاً از آغاز دهه ۱۹۷۰ دو واقعه مهم در غرب به‌ویژه آمریکا روی داده است:

۱. جنبش‌های رهایی‌بخش کشورهای را علیه سلطه استعمار شورانده بود. این جنبش‌های رهایی‌بخش علاوه بر ملت تحت استعمار، افکار عمومی جهانیان را نیز علیه آنچه که قدرت حاکمه نام می‌نهم، یکپارچه کرده بود. به‌ویژه در آمریکا به لحاظ درگیری در جنگ ویتنام، افکار عمومی به ویژه قشر دانشگاهی بر علیه سیاست خارجی آمریکا نسبت به جنگ ویتنام بود. بنابراین، عامل اول را می‌توان جنبش‌های اعتراض‌آمیز سیاسی و اجتماعی دانست.

۲. عده‌ای از دانشمندان آلمانی و اروپایی در این سال‌ها به آمریکا مهاجرت نموده و با الهام از دیدگاه‌های اعتراضی و انتقادی «مارکس»، نسبت به سرمایه‌داری، علیه شرایط حاکم اعتراض نمودند. مدل و منشاء بنیادین اعتراضات این دسته از دانشمندان، دیدگاه‌های «مارکس» بود.

امتزاج دیدگاه‌های اعتراض‌آمیز «مارکس» نسبت به جامعه سرمایه‌داری، با اعتراضات مردم علیه استعمار موجب گردید که جنبش‌های اعتراضی علیه سلطه اقتصادی و فرهنگی، محدوده دانشگاه‌های پیشرفته و علوم انسانی را نیز در بر گرفت و تجدیدنظرهایی را فراهم آورد. از این‌رو، عده‌ای از جرم‌شناسان - با مرکزیت دانشگاه «برکلی» به عنوان نماینده جنبش‌های اعتراضی علیه جرم - گرد یکدیگر جمع آمدند و مبنای نظری این نظریه‌ها را بنا نهادند.

۴. **نظریه جرم‌شناسی سازمانی یا تشکیلاتی**

جرم‌شناسی سازمانی^۱ که آن را جرم‌شناسی تشکیلاتی، کنترل‌شناسی یا جرم‌شناسی تکنولوژیک نیز می‌نامند، قلمرو مطالعاتی بسیار وسیعی دارد. این دیدگاه مطالعات خود را از نهاد قانونگذاری آغاز می‌کند و تا نهادهای مسئول اجرای مجازات یعنی پلیس، داسرا، دادگاه‌ها، زندان‌ها و مؤسسات مراقبتی، ماموران تعلیق و آزادی مشروط و حتی مسئولین سرویس‌های مراقبت بعد از خروج، به پیش می‌برد و بدین ترتیب، تمام نهادهای کیفری را در قلمرو مطالعاتی خود بررسی می‌نماید.

تفاوتی که این نظریه با دیدگاه تعامل‌گرایی دارد آن است که جرم‌شناسی تعامل‌گرا به تشکیلات دستگاه عدالت کیفری به عنوان نهادها و فرآیندهایی برچسب‌زن و مؤثر در ارتکاب جرم می‌نگرد و در واقع نقش منفی آن‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد؛ ولی، جرم‌شناسی سازمانی کلیه نهادهای کیفری را از نظر سازوکار مبارزه علیه جرم و نیز

مباحثی در علوم جنایی ۱۳۳

کارآیی، تأثیر و نتایج مثبتی که از آن انتظار می‌رود (کنترل جرم) مورد توجه قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، در دیدگاه جرم‌شناسی سازمانی، تحقیقات و پژوهش‌ها، جنبه سازمانی و نهادی - و نه بالینی و موردی - دارند.

این دیدگاه، برای تحقیق پیرامون کارآمدی و تأثیر هر واحد، در مبارزه علیه جرم، به مطالعات سنجشی یا ارزیابی کننده می‌پردازد و در راستای پاسخگویی به این پرسش، که آیا واقعاً مجازات در مهار جرم مؤثر بوده و نهادهای کیفری به نحو هماهنگی عمل کرده‌اند، یا حرکات آن‌ها متعارض بوده و موجب خنثی شدن فعالیت‌ها گردیده است، گام بر می‌دارد.^۱

فرض اولیه این دیدگاه عبارت بود از بیلان‌گیری از نهادهای و دستگاه‌های عدالت کیفری در خصوص شکست در مبارزه علیه تکرار جرم و درک این حقیقت که آیا انواع مجازات‌ها که شاخص حقوق کیفری و در واقع بازوی مسلح و قهرآمیز آن را تشکیل می‌دهند، عملاً بدان‌گونه که منظور قانونگذار بوده است، موجب ارعاب فردی و جمعی گردیده‌اند؟ تصور افکار عمومی و بزهکاران بالقوه و شهروندان از این قوانین و نهادهای و همزمان تصور و توقع قضات و پلیس و زندانبانان از اجرای مجازات و پیش‌بینی آن چگونه است؟ آیا تصویری که بزهکاران بالقوه از مجازات دارند همان تصور، از کارآمدی است که قانونگذار و پلیس دارند؟ یا هر یک در جهت مخالف یکدیگر قرار گرفته‌اند؟ از این‌رو، گستره اول، عمدتاً پیرامون مجازات و انواع آن می‌باشد. لازم به ذکر است که بحث عدالت کیفری، قبل از شورای اروپا، عمدتاً توجه آمریکایی‌ها و سپس کانادایی‌ها را به خود جلب کرده بود. به همین منظور، یکی از رسالت‌های مرکز بین‌المللی جرم‌شناسی تطبیقی، در مرکز مطالعاتی «کیک» انجام مطالعات تکنولوژیک در دادگاه‌ها و زندان‌ها بوده است. به عنوان نمونه چنانچه، یکصد نفر محکوم به حبس، موضوع احکام کیفری دیگری غیر از حبس قرار می‌گرفتند، چه واکنشی از خود نشان می‌دادند؟ در اینجا بحث بر میزان کارآمدی مجازات است و اینکه بودجه‌ای که صرف اجرای مجازات‌ها می‌کنند تا چه حد با بازدهی آن منطبق است؟

از آنجایی که با پیشرفت علوم انسانی در قرن نوزدهم، مجازات‌های بدنی، جای خود را به کیفرهای سالب آزادی دادند، طبیعتاً به لحاظ امیدی که قانونگذاران به کارآمدی زندان‌ها و تأثیر آن در حفظ نظم عمومی داشتند، اولین مطالعات ارزیابی کننده پیرامون مجازات زندان صورت گرفت.

قسمت اعظم مطالعات جرم‌شناسی سازمانی پیرامون دستگاه عدالت کیفری است؛ عدالت کیفری ترجمه اصطلاح «Criminal Justice» و صرفاً شامل دادگاه‌ها نبوده و

۱. این گرایش، یعنی بررسی و تحقیقات در مورد کارآیی عدالت کیفری ابتدا از سوی شورای اروپا با هدف سنجش آن دسته از نهادها و تأسیسات قضائی و کیفری که در اداره جرم نقش مؤثر داشتند، مطرح گردید.

بلکه آنچه را که در نهایت پدیده بزهکاری را چه از نظر سرکوبگری و چه از نظر اصلاح، درمان و پیشگیری، مدیریت می‌کند، عدالت کیفری می‌نامند.

بنابراین، نظام عدالت کیفری در یک مفهوم، به معنای اداره و مدیریت آن دسته از دستگاه‌های تخصصی است که مسئول اجرای مجازات نسبت به اعمالی هستند که لطمه و صدمه به ارزش‌های اساسی جامعه محسوب می‌شوند. به این ترتیب، وقتی دستگاه عدالت کیفری را مجموعه ادارات و تشکیلات تخصصی که همگی مسئول امر مجازات هستند، تلقی می‌کنیم، طیف وسیعی را به این دستگاه‌ها، اختصاص می‌دهیم. اولین نهادی که دستگاه عدالت کیفری را برای ما ترسیم می‌کند نظام قانونگذاری است که جرم را از انحراف تفکیک و به جرم‌انگاری دست می‌زند.

دومین نهاد، دستگاه‌های تخصصی هستند که مجازات را به اجرا می‌گذارند. امروزه اجرای مجازات با اتمام دوره مجازات ختم نمی‌شود و در واقع دستاوردهای کیفری اجرای مجازات شامل مرحله پس از خروج از زندان نیز می‌گردد. تا کوشش‌هایی را که در کلیه مراحل این طیف، صورت گرفته است به ثمر رساند.

بدیهی است که میزان پیچیدگی این سازمان تخصصی یا «عدالت کیفری» رابطه مستقیم با درجه پیشرفت یک جامعه دارد و هر قدر جوامع از نظر تخصصی متحول‌تر باشند، دستگاه عدالت کیفری پویاتری داشته و به موازات آن سازوکار جرم‌انگاری، محاکمه و مجازات فعال‌تری دارند و هر چه جامعه سنتی، نامتحول و اخلاقی باشد دستگاه عدالت کیفری از پیچیدگی کمتری برخوردار است. همچنین هر قدر ارزش‌های اساسی جامعه، متنوع‌تر باشند، نیاز بیشتری به دستگاه عدالت کیفری متحول دارند و سرویس‌هایی که در آن کار می‌کنند، باید پویایی زیادی داشته باشند. از این‌رو، جرم‌شناسی و علت‌شناسی سنتی که عمدتاً بر پایه داده‌های آماری نباشد، نمی‌تواند پاسخگوی نیاز باشد.

جرم‌شناسی سنتی و کلاسیک از طریق مطالعه محصولات نظام کیفری یعنی محکومین زندان‌ها به مطالعه جرم می‌پرداخت. این محصولات عبارت بودند از دستگیرشدگان، متهمین و کسانی که مباشران جرم هستند. جرم‌شناسان کلاسیک از طریق بررسی و ارزیابی اعداد و ارقام قضائی و پلیسی، این محصولات را مطالعه و به محض مشاهده تکرار پاره‌ای از عوامل، در جرمی خاص، آن عامل را علت اصلی بروز آن جرم معرفی می‌کردند. در حالی که چه بسا این تکرار، امری کاملاً تصادفی و نتایج حاصل از آن نیز نتایجی ظاهری بوده، باشد. با این وصف دو واقعه مهم مطالعات جرم‌شناسی کلاسیک را تحت تأثیر قرار داد:

مباحثی در علوم جنایی ۱۴۵

۱. پی بردن به وجود رقم سیاه جرایم و اینکه در مقابل افرادی که مشمول تقبیح رسمی یعنی محاکمه و مجازات قرار می‌گیرند. عده‌ای نیز وجود دارند که مشمول تقبیح رسمی واقع نشده‌اند.
 ۲. پی بردن به وجود رقم خاکستری جرایم یعنی تعداد جرایمی که کشف شده، ولیکن مرتکبان آن‌ها شناخته نشده است.
- این دو واقعه سبب ایجاد روشی تکمیلی - تحقیقی برای دستیابی به رقم سیاه و خاکستری جرایم گردید:
۱. «L'enquête d'auto Confession» یا تحقیقات مبتنی بر اعترافات بزهکاران.
 ۲. «L'enquête de Victimization» یا تحقیقات مبتنی بر اظهارات بزه دیدگان و قربانیان مستقیم جرم.^۱

۱. برای مطالعه جامع و تفصیلی‌تر در مورد نظریه‌های جرم‌شناسی رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، نظریه‌های جرم‌شناسی، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: فاطمه قناد، سال تحصیلی ۷۴-۱۳۷۳، صص ۱۷۱ الی ۲۳۲، در: ابراهیمی، شهرام «به کوشش»، مباحثی در علوم جنایی - مجموعه تقریرات استاد علی حسین نجفی ابرندآبادی، ویراست هفتم، آذر ۱۳۹۱؛ همچنین رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: مهدی صبوری‌پور، سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳، صص ۱۲۱۱ الی ۱۳۲۶، در: همان منبع، قابل دسترس در: www.lawtest.ir



به عنوان جمع‌بندی در خصوص جرم‌شناسی انتقادی باید گفت به دلیل گستردگی موضوعاتی که این نوع از جرم‌شناسی، آن‌ها را مطالعه می‌کند، نمی‌توان آن را یک رویکرد یا نظریه دانست؛ بلکه، باید صحبت از جرم‌شناسی‌های انتقادی نمود که هر یک دارای مبانی متفاوتی هستند و از روش‌شناسی ویژه خود بهره می‌برند. اما، همه آن‌ها در چند نقطه مشترکند: از جمله اینکه، توزیع نابرابر قدرت و نیز منابع مالی و اقتصادی در جوامع معاصر را عامل ارتکاب جرم می‌دانند و راهکارهای سنتی ارائه شده برای حل مسأله جرم را نمی‌پذیرند. به همین دلیل، اصطلاح جرم‌شناسی انتقادی را به «چتری» تعبیر کرده‌اند که همه رویکردهای انتقادی به جرم‌شناسی را در بر می‌گیرد؛ جرم‌شناسی انتقادی بدین ترتیب، رویکردی همه‌جانبه است که به نقد جرم‌شناسی سنتی و متعارف یا جرم‌شناسی علت‌شناختی و شاخه‌های کاربردی آن می‌پردازد؛ البته جرم‌شناسی‌های انتقادی هرگز به یک رویکرد تازه، بدیل و یا جایگزین برای جرم‌شناسی تبدیل نشدند، هرچند تأثیر بسزایی در متحول ساختن مکاتب جرم‌شناسی متعارف (سنتی) داشته‌اند. حقوق کیفری نیز به نوبه خود تحت تأثیر نقدهای جرم‌شناسی‌های انتقادی متحول شد. بدین سان، نگاه به جرم و کیفر و به‌طور کلی عدالت کیفری تغییر کرد و نه کل جرم‌شناسی سنتی (تحقیقی).

تحول جرم‌شناسی‌های انتقادی را به طور می‌توان در چهار دوره مورد بررسی قرار

داد:

۱. دوره نخست (رویکرد ایدئولوژیک) آغاز قرن بیستم که شاهد تولد جرم‌شناسی سوسیالیستی ملهم از مارکسیسم می‌باشیم.
۲. دوره دوم رویکرد انتقادی غیر ایدئولوژیک مربوط به پایان ۱۹۳۰ می‌باشد که در آثار «ساترلند» در باب مطالعه بزهکاران یقه‌سفید یا دارای موقعیت اجتماعی و سیاسی بالا مطرح شد.
۳. مرحله سوم از اوایل ۱۹۶۰ آغاز می‌شود و با نگاه‌های انتقادی به جرم‌شناسی متعارف همراه است. برخی از نحله‌های جرم‌شناسی مرحله سوم مانند جرم‌شناسی رادیکال ملهم از جرم‌شناسی سوسیالیست اوایل قرن ۲۰ است و بعضی دیگر مانند تعامل‌گرایی و برچسب‌زنی جنبه غیر ایدئولوژیک دارد.
۴. دوره چهارم یعنی از آغاز قرن بیست‌ویکم از یک‌سو، شاهد تولد شاخه‌های جدید جرم‌شناسی غیر ایدئولوژیک هستیم که جرم‌شناسی محکومان یکی از آن‌ها است. در ادامه رویکردهای انتقادی ۱۹۶۰ به جرم‌شناسی، در اوایل سال‌های ۲۰۰۰ میلادی، عده‌ای از جرم‌شناسان آنگلوساکسون، کنارگذاری

مباحثی در علوم جنایی ♦ ۱۴۷

جرم‌شناسی و توسل به رویکرد جدیدی به عنوان آسیب اجتماعی‌شناسی^۱ را مطرح کردند. در این رویکرد جدید، جرم منحصر به رفتار جرم‌انگاری شده‌ای نیست که عده‌ای از آن متحمل خسارت عاطفی، مالی، جانی و معنوی شوند؛ بلکه، نوع و کیفیت مدیریت‌ها و تصمیم‌های دولت‌ها، بنگاه‌ها و مؤسسات اقتصادی، مالی، خدماتی و... را نیز در برمی‌گیرد، ولی، از آنجایی که این اقدامات جرم‌انگاری نشده‌اند و یا اگر جرم‌انگاری شده‌اند، کمتر تحت تعقیب، تحقیقات، رسیدگی، محاکمه و مجازات می‌شوند، در مطالعات جرم‌شناسان وارد نشده‌اند.^۲

1. Zemiology

^۱ آنچه در این نیمسال تدریس شد عمدتاً شامل «جرم‌شناسی علت‌شناختی» یا «علت‌شناسی جرم» یا به عبارتی «جرم‌شناسی متعارف» یا «جرم‌شناسی جریان اصلی» است؛ لیکن، در اواخر سده بیستم میلادی و به‌ویژه آغاز هزاره سوم، نظریه‌ها و مکاتبی در نقد جرم‌شناسی علت‌شناختی مطرح شده که تحت عنوان «جرم‌شناسی‌های انتقادی» مشهور هستند و می‌تواند موضوع مناسبی برای تدریس کلاس‌های کارشناسی ارشد و دکتری باشد. برای مطالعه بیشتر رک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم، دیپاچه در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات گنج دانش، چاپ هفتم، ۱۴۰۲، ص ۱۳ و بعد؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از جرم‌شناسی تا آسیب اجتماعی‌شناسی، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۵۶، زمستان ۱۳۹۰ (یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها)، ص ۱۰۱۵ و بعد؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و گونه‌های آن، در: شیرینی، عباس «به کوشش»، دانشنامه جرم‌شناسی محکومان، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷، ص ۱۹ و بعد.